

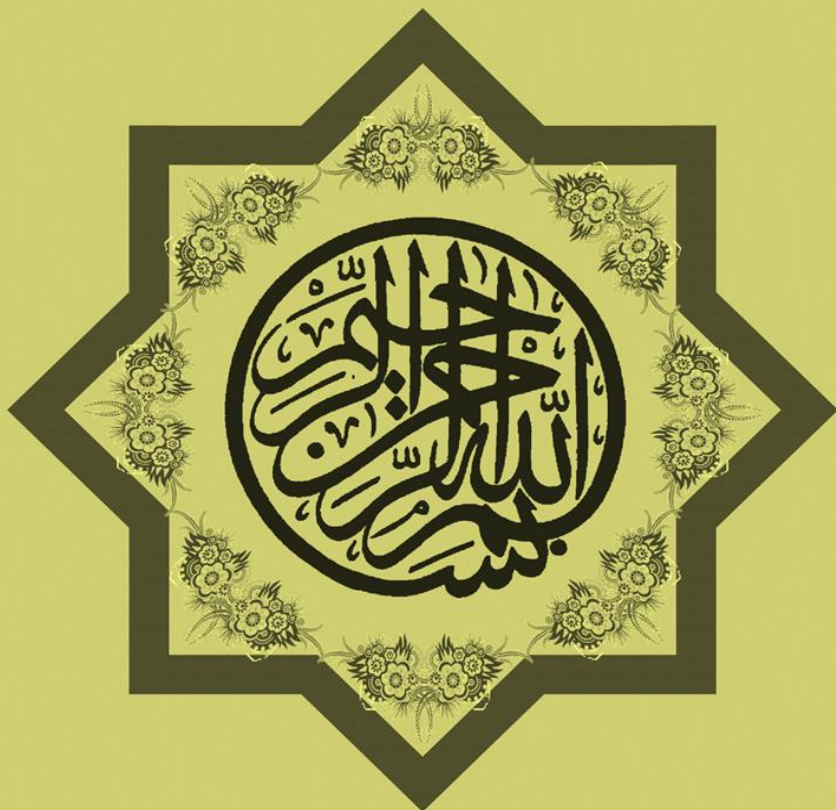
# هنازعه و مصالحه افغانستان

(مطالعه موردی خواست‌های نسل نو و جوانان)



گروه تماس برای صلح  
و جرگه صلح نسل نو و جوانان

تابستان ۱۴۰۱ هـ ش





# منزعه و مصالحه افغانستان

مطالعه موردی خواست‌های نسل نو و جوانان

تابستان ۱۴۰۱ ه.ش

## منارعه و مصالحه افغانستان

مطالعه موردی خواستهای نسل نو و جوانان

---

گروه تماس برای صلح و جرگه صلح نسل نو و جوانان

کابل- تابستان ۱۴۰۱ ه.ش

---

[www.contactgroup.af](http://www.contactgroup.af)

[info@contactgroup.af](mailto:info@contactgroup.af) , [ycg4peace@gmail.com](mailto:ycg4peace@gmail.com)

## پیام امتنانیه

لازم به یادآوری می‌دانیم که اتمام این کار بزرگ تحقیقی که اساساً در صدد بررسی مبارزات، تلاش‌ها و خواست‌های نسل نو و جوانان برای تامین صلح در افغانستان، بازخوانی مختصر پروسه‌های صلح و دلایلی ناکامی پروسه صلح افغانستان در دوحه، مروری بر عوامل بحران دیرگذر و تعاملات خصمانه قدرت در افغانستان می‌باشد، ممکن و میسر نبود مگر با همکاری‌های همه‌جانبه همکاران گروه تماس برای صلح و جرگه صلح نسل نو جوانان.

جاء دارد از زحمات خستگی ناپذیر و تلاش‌های صادقانه و متعهدانه استاد نعمت الله سلطانی در قسمت ترتیب گزارش و تحلیل داده‌های این رساله تحقیقی اظهار سپاس و قدردانی نموده و برای ایشان آرزوی توفیقات مزید و موفقیت بیشتر نمائیم. همچنان از زحمات شبانه روزی همه همکاران گروه تماس برای صلح و جرگه صلح نسل نو و جوانان، روسا و اعضای کمیسیون‌های برگزاری جرگه‌ها و همایش‌های صلح، مسئولان و رهبری سکرتریت‌ها و همقطاران ولایتی، همکاران تخنیکی بخش تدوین، ویراستاری و چاپ این رساله تحقیقی، اظهار نهایت سپاس و قدردانی نمائیم. به امید صلح سرتاسری و پایدار در افغانستان.

## باهم برای افغانستان

### با احترام

رهبری گروه تماس برای صلح

و جرگه صلح نسل نو و جوانان

## چکیده

این تحقیق تحت عنوان «منازعه و مصالحه افغانستان؛ مطالعه موردی خواست‌های نسل نو و جوانان» به روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. براساس یافته‌های این تحقیق، در دو دهه اخیر تلاش‌های صلح افغانستان توسط حکومت‌های وقت، ایالات متحده امریکا و ماموریت صلح سازمان ملل متحد با تحریک اسلامی طالبان دنبال شده است. در جانب افغان‌ها پروسه‌های صلح با اشتراک تکنوکرات‌های شامل در حکومت، تنظیم‌های جهادی و یا نمایندگان آن‌ها و جانب طالبان بدون مشارکت معنادار نمایندگان نسل نو و جوانان پیش برده شده است. نسل نو و جوانان افغانستان از کنفرانس ملی جوانان افغانستان (۱۳۹۰) تا جرگه ملی صلح جوانان افغانستان (۱۳۹۱) و سرانجام تا ایجاد گروپ تماس جوانان برای صلح (فعلاً به گروه تماس برای صلح اختصار یافته است) ۱۳۹۸ تا اکنون، با برگزاری «جرگه‌های صلح نسل نو و جوانان» و همایش‌های صلح در ۳۰ ولایت، برگزاری نشست‌ها و کنفرانس‌ها، صدور اعلامیه‌ها و اشتراک در مباحث رسانه‌ای برای رسیدن به «صلح و ثبات» تلاش نموده‌اند.

از قطعنامه‌های جرگه‌های صلح نسل نو و جوانان و همایش‌های صلح خواهی چنین استنباط می‌شود که خواست‌های نسل نو و جوانان مشتمل بر «حل منازعات از طریق مذاکره و توافق سیاسی، تشکیل نظام سیاسی همه شمول، آتش‌بس و قطع کامل و دایمی جنگ و تحقق صلح پایدار، جلوگیری از تخریب تاسیسات عام‌المنفعه و حفظ ساختارهای نظامی، ادارات و نظام اداری و ملکی، حمایت از انتخابات و قانون اساسی، حفظ دستاوردهای دو دهه اخیر همچون دستاوردهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، حقوق اتباع به‌خصوص حقوق زنان، آزادی رسانه‌ها، نظارت از پروسه‌های صلح و دوام حمایت‌های مالی جهان» می‌باشد. با توجه به تحولات سیاسی گسترده در کشور، پیشنهاد نسل نو و جوانان این است که برای رسیدن به «صلح دایمی و ثبات پایدار» امارت اسلامی در مشوره و تصمیم مشترک با سایر جریان‌های تاثیرگذار، نسل نو و جوانان و زنان افغانستان «ابتکار آغاز روند جدید مذاکرات صلح و تشکیل دولت همه شمول، مستحکم، پایدار و پاسخگو» را روی دست گیرند.

**واژگان کلیدی:** منازعه، مصالحه، تعامل خصمانه قدرت، صلح نافرجام و نسل نو و جوانان

## فهرست مطالب

۱	مقدمه
۳	طرح تحقیق
۳	۱. بیان مسأله
۵	۱. پرسش‌های تحقیق
۵	۲. فرضیه‌های تحقیق
۶	۲. روش جمع‌آوری داده‌ها
۶	۴-۱. جامعه آماری
۶	۴-۲. نمونه‌آماری
۶	۳. روش تحلیل داده‌ها
۶	۳. اهداف تحقیق

## فصل اول

### چارچوب نظری تحقیق

۸	۱. تحقیق در حوزه صلح
۹	۲. چارچوب نظری منازعه
۹	۲-۱. تعریف منازعه
۱۰	۲-۲. دسته بندی منازعه
۱۰	۲-۳. ویژگی‌های جوامع درگیرمنازعه
۱۲	۲-۴. چارچوب تحلیل منازعه
۱۲	۳. چارچوب نظری مصالحه
۱۲	۳-۱. تعریف صلح
۱۳	۳-۲. دسته‌بندی صلح
۱۵	۳-۳. چارچوب تحلیل مصالحه

## فصل دوم

### مروری بر تعاملات خصمانه قدرت و پروسه‌های نافرجام صلح

۱۷	۱. مروری بر تعاملات خصمانه قدرت در افغانستان
۱۷	۱-۱. کودتای داوودخان تا فروپاشی حکومت نجیب‌الله
۱۸	۱-۲. به قدرت رسیدن تنظیم‌های جهادی
۱۹	۱-۳. تحریک اسلامی طالبان و تشکیل امارت
۲۰	۱-۴. ایجاد جمهوری اسلامی افغانستان



۲۲. پرونده‌های نافرجام صلح افغانستان ..... ۲۲
۲۳. ۱-۲. معاهده جینیوا ..... ۲۳
۲۳. ۲-۲. طرح آشتی و مصالحه ملی ..... ۲۳
۲۴. ۳-۲. طرح صلح سازمان ملل و تلاش‌های بنون سیوان ..... ۲۴
۲۵. ۴-۲. توافقات سیاسی راولپندی - پشاور و اسلام آباد ..... ۲۵
۲۶. ۵-۲. پرونده‌های صلح افغانستان با جانب طالبان از بُن تا دوحه ..... ۲۶
۲۹. ۱-۵-۲. پرونده صلح با تحریک اسلامی طالبان در دوحه ..... ۲۹
۳۳. ۲-۵-۲. نشست‌های غیر رسمی برای صلح افغانستان ..... ۳۳
۳۳. ۲-۵-۳. تلاش‌های نسل نو و جوانان برای صلح ..... ۳۳

### فصل سوم

#### تحلیل داده‌ها

۳۷. ۱. شاخص جرگه‌های صلح نسل نو و جوانان و همایش‌های صلح ..... ۳۷
۳۸. ۱-۱. نسل نو و جوانان ..... ۳۸
۳۸. ۲-۱. شاخص برنامه‌ها ..... ۳۸
۳۸. ۳-۱. شاخص اشتراک کنندگان ..... ۳۸
۳۹. ۴-۱. جغرافیایی انجام تحقیق ..... ۳۹
۴۰. ۵-۱. مدت انجام تحقیق ..... ۴۰
۴۰. ۶-۱. روش تدوین قطعنامه‌ها ..... ۴۰
۴۰. ۷-۱. محور پرسش‌ها ..... ۴۰
۴۱. ۲. تحلیل محتوایی قطعنامه‌های جرگه‌های صلح نسل نو و جوانان و همایش‌های صلح ..... ۴۱
۴۱. ۱-۲. انسجام نسل نو و جوانان ..... ۴۱
۴۲. ۲-۲. انتقادهای نسل نو و جوانان ..... ۴۲
۴۴. ۳-۲. خواست‌های نسل نو و جوانان ..... ۴۴
۴۴. ۱-۳-۲. حل منازعات از طریق مذاکره و توافق سیاسی ..... ۴۴
۴۴. ۲-۳-۲. آتش‌بس و قطع دائمی جنگ در کشور ..... ۴۴
۴۶. ۳-۳-۲. جلوگیری از تخریب تأسیسات عام‌المنفعه ..... ۴۶
۴۶. ۴-۳-۲. حمایت از نظام و دولت همه شمول ..... ۴۶
۴۷. ۵-۳-۲. حمایت از انتخابات و قانون اساسی ..... ۴۷
۴۸. ۶-۳-۲. حفظ دستاوردهای دو دهه اخیر ..... ۴۸
۵۰. ۷-۳-۲. حقوق زنان ..... ۵۰

- ۸-۳-۲. نظارت و گزارش از پروسه صلح ..... ۵۱
- ۹-۳-۲. دوام همکاری، حمایت‌های مالی و روابط دوستانه با جامعه جهانی..... ۵۲
۳. مصاحبه گروهی..... ۵۳
- ۱-۳. عوامل ناکامی پروسه‌های صلح ..... ۵۴
- ۲-۳. عوامل تعاملات خصمانه قدرت از دید نسل نو و جوانان ..... ۶۰
- ۳-۳. نقش موقعیت منطقه‌ای در تعاملات خصمانه قدرت..... ۶۳
- ۴-۳. توسل به مسایل قومی، زبانی و سمتی در تعاملات خصمانه قدرت ..... ۶۶
- ۵-۳. جزئیات نشست گروه تماس با دکتر زلمی خلیلزاد ..... ۶۷
- ۶-۳. آینده صلح افغانستان از دید نسل نو و جوانان ..... ۶۹

## فصل چهارم

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

- نتیجه‌گیری ..... ۷۱
- پیشنهادات ..... ۷۵
- محدودیت‌های تحقیق ..... ۷۸
- منابع ..... ۷۹
- ضمایم: قطعه‌نامه‌های جرگه‌ها و همایش‌های صلح..... ۸۲
- جرگه‌ها و همایش‌های صلح..... ۱۲۹

### مقدمه

در نیم قرن اخیر، افغانستان دچار تعاملات خصمانه قدرت می‌باشد. این تعاملات خصمانه در محورهای کودتا، تجاوز و اشغال، تحمیل نظام و ایدئولوژی مختلف شرقی و غربی، شکل نگرفتن نظام سیاسی فراگیر و وابستگی‌های مالی، نظامی و سیاسی حکومت‌ها به بیرون از کشور گره خورده است. از جانب دیگر موقعیت جغرافیایی افغانستان در منطقه‌ای پُر از تنش میان کشورهای همسایه، منطقه و جهان آتش جنگ را شعله‌ور نگهداشته و بحران منازعات را دیرگذرتر کرده است. علاوه بر عوامل مذکور، توسل جوانب منازعات به مسائل قومی، زبانی و سمتی، خشونت فرهنگی را بر مصائب دیگر افزوده است. سرانجام، افغانستان درگیر تعاملات خصمانه قدرت و جنگ‌های طولانی شده است. از طرف دیگر در نیم قرن اخیر، تلاش‌های صلح افغانستان از معاهده جینیوا (۱۳۶۷) که منجر به خروج نظامیان شوروی سابق از افغانستان شد تا طرح آشتی ملی داکتر نجیب‌الله، طرح صلح سازمان ملل متحد و بنون سیوان، موافقت‌نامه پیشاور و اسلام‌آباد، کنفرانس و توافقات بن و موافقت‌نامه‌ای آمریکا با طالبان در دوحه (۱۳۹۸) که منجر به خروج نظامیان امریکایی و ناتو از افغانستان شد؛ هیچ کدام قادر به تأمین صلح در کشور نگردید. در دو دهه اخیر، تلاش‌های صلح حکومت‌های وقت افغانستان با جانب طالبان با اشتراک تکنوکرات‌های شامل در حکومت، تنظیم‌های جهادی، عدم مشارکت معنادار نسل‌نو و جوانان و زنان در تصمیم‌گیری‌ها، دیپلماسی سنتی و بی‌روح را شکل داده بود که سرانجام با گسترش سلطه نظامی تحریک طالبان از ولایات به کابل پیرویه صلح افغانستان، تحت عوامل متعدد نافرجام باقی‌ماند.

افغانستان هنوز درگیر تعاملات خصمانه است. چون با گسترش سلطه نظامی جانب تحریک طالبان از ولایات به کابل از یک‌طرف بسیاری مقامات حکومت پیشین فرار کرده‌اند. تعدادی از رهبران و نمایندگان تنظیم‌های جهادی و جریان‌های سیاسی که برای نشستی به پاکستان دعوت شده بودند، از آن‌جا به کشور برگشته‌اند. اعضای ارشد قوای امنیتی و دفاعی حکومت نیز کشور را ترک کردند. همکاران نیروهای خارجی، سارنوالان، قضات و تعدادی فعالان

رسانه‌های نیز از کشور خارج شدند. مردم عام از ترس از دست دادن آزادی‌های اجتماعی و مواجه شدن با فقر و بیکاری شدید، امنیت روانی ندارند و فعالان مدنی-سیاسی نسل نو و جوانان با در نظر داشت وضعیت جاری در کشور از سرنوشت و مشارکت سیاسی‌شان، عدم شکل‌گیری نظام و دولت فراگیر، شیوه حکومت‌داری، صلح و ثبات و سایر مسایل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور نگران هستند. از جانب دیگر برخی گروه‌های تندرو و بنیادگرا در تلاش جلب و جذب و ایجاد چالش فرا راه امنیت و ثبات افغانستان، منطقه و جهان می‌باشند. با این وجود ظرفیت بالقوه بازگشت به منازعات مسلحانه<sup>۱</sup> هنوز وجود دارد.

علاوه بر عوامل مذکور اکنون جنب تحریک طالبان با داعیه امارت اسلامی در همان راه و روش حکومت‌داری سابق شان هستند. مجدداً دولت فراگیر و ساختارسیاسی براساس توافق جوانب افغان‌ها شکل نگرفته است. از سوی دیگر نقشه راه، طرح واضح برای مشروعیت داخلی و بین‌المللی، قانون اساسی، ساختار سیاسی مورد توافق همه جوانب افغان، انتخابات و یا لوی جرگه همه شمول ارایه نشده و تا هنوز دیدگاه و داعیه امارت اسلامی بر سایر جوانب تحمیل شده است. این ممکن در کوتاه مدت پاسخ دهد، اما در دراز مدت بار دیگر منجر به منازعات مسلحانه و تعامل خصمانه قدرت در کشور خواهد شد.

با در نظر داشت آنچه توضیح داده شد، این تحقیق اساساً در صدد بررسی مبارزات، تلاش‌ها و خواست‌های نسل نو و جوانان برای تأمین صلح در افغانستان، بازخوانی مختصر پروسه‌های صلح افغانستان و دلایلی ناکامی پروسه صلح افغانستان در دوحه و مروری بر عوامل بحران دیرگذر و تعاملات خصمانه قدرت در افغانستان می‌باشد.

این رساله تحقیقی در چهار فصل سازمان‌دهی شده است. فصل اول، چارچوب نظری تحقیق. فصل دوم، مروری بر تعاملات خصمانه قدرت و پروسه‌های صلح افغانستان. در فصل سوم، به تحلیل داده‌ها؛ قطعنامه‌ها و مصاحبه‌گروپی جهت دریافت خواست‌های نسل نو و جوانان پرداخته شده است. سرانجام، فصل چهارم به نتیجه‌گیری و پیشنهادات اختصاص داده شده است.

---

<sup>۱</sup> . Armed disputations

## طرح تحقیق

### ۱. بیان مسأله

افغانستان در بخش بزرگ تاریخ تحولات خویش از تجاوز خارجی و جنگ داخلی رنج برده است. در نیم قرن اخیر، با کودتای سردار محمد داوودخان (۱۳۵۲ه. ش) علیه حکومت محمد ظاهر شاه، شاه سابق افغانستان، صلح و ثبات نسبی و الفت و سازگاری اجتماعی از کشور رخت بست. در پی این حادثه، مسأله مشروعیت، ساختار نظام سیاسی، شیوه حکومت‌داری، میکانیزم مشارکت در قدرت و تصمیم‌گیری‌ها، وابستگی مالی، نظامی و سیاسی بیرونی و تداوم خشونت‌ها در افغانستان به چرخه‌ی پایدار تعاملات خصمانه قدرت مبدل شد. هرازگاهی یک جنگ ختم می‌شود، ولی جنگ گرم‌تری شروع می‌شود. افغانستان علاوه بر این که خود درگیر طولانی‌ترین منازعه می‌باشد، در منطقه‌ای واقع شده است که پر از تنش، درگیری، خشونت و رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی است. این عوامل افغانستان را به میدان جنگ ویران‌گر و مرگ‌بار، ددخویی فزاینده و سیاست‌ورزی مقطعی مبدل ساخته است. یک ضرب المثل قدیمی امریکایی وضعیت جنگ را چنین توصیف می‌کند: «هنگامی که دو فیل در نبرد هستند، جَورش را علف‌زار می‌کشد.» در منازعات مسلحانه افغانستان علاوه بر خسارات جانی و مالی بر جوانب داخلی و خارجی، جور اصلی را افغانستان و مردمانش متحمل شده‌اند. در پی منازعات؛ میلیون‌ها افغان جان‌های شان را از دست داده‌اند، میلیون‌ها افغان یتیم، بیوه و بی‌سرپرست و یا بی‌وطن، مهاجر و متواری گردیده‌اند. سرانجام، افغانستان به سر زمینی مبدل گردیده است که حکومت‌ها در آن دوام نمی‌آورد، آبادی در او نقش نمی‌گیرد و مردمانش در قرن ۲۱ هنوز در فقر شدید و عدم دسترسی به خدمات صحتی، آموزشی، ترانسپورت، برق و سایر خدمات رفاهی به سختی روزگار می‌گذرانند.

از جانب دیگر در نیم قرن اخیر، هیچ یک از تلاش‌های صلح افغانستان منجر به استقرار صلح پایدار در افغانستان نشده است. معاهده جینیوا بین دو دولت افغانستان و پاکستان به اضافه اتحاد جماهیر شوروی وقت و ایالات متحده آمریکا (حمل ۱۳۶۷) منجر به خروج نیروهای نظامی شوروی سابق از افغانستان شد، اما صلح در افغانستان نیاورد.

«طرح آشتی ملی» سنبله ۱۳۶۵) داکتر نجیب الله احمدزی رئیس دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان از جانب اشخاص و احزاب جهادی وقت طی صدور اعلامیه‌ها رد شد. طرح صلح سازمان ملل و تلاش‌های بنون سیوان (۱۶ عقرب ۱۳۶۹) عملی نشد. توافقات سیاسی راولپندی-پیشاور (۶ ثور ۱۳۷۱) و اسلام آباد (حوت ۱۳۷۱) میان احزاب و تنظیم‌های جهادی، نه تنها به تشکیل دولت و ساختار سیاسی توافقی نیانجامید که منجر به جنگ‌های داخلی شد. در ادامه تفرقه، کشمکش بر سر قدرت و وقوع جنگ‌های داخلی، جانب تحریک اسلامی طالبان با داعیه مبارزه با شر و فساد علیه حکومت مجاهدین به منازعات مسلحانه برخاستند. در نتیجه، به قدرت هم رسیدند و در سال (۱۳۷۵) امارت اسلامی وقت را تأسیس نمودند. اما امارت اسلامی وقت به مشروعیت داخلی و بین‌المللی و ایجاد ساختار سیاسی همه شمول و توافق با جوانب منازعات افغانستان دست نیافت. در واقع، در این دوره برنامه اعمار صلح روی دست گرفته نشد. سرانجام، امارت اسلامی وقت پس حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در پی حمله نیروهای ائتلاف بین‌المللی به رهبری امریکا، سقوط کرد. ازین رو به‌منظور انتقال مدیریت سیاسی کشور به جانب افغان‌ها، کنفرانس بن میان جوانب افغان، بدون حضور نمایندگان جانب طالبان و حزب اسلامی دایر شد. بدین ترتیب، قدم اول برای تأسیس دولت جمهوری اسلامی افغانستان برداشته شد.

در دو دهه اخیر، مبارزات مسلحانه شدید میان نیروهای ائتلاف بین‌المللی به رهبری امریکا، دولت جمهوری اسلامی افغانستان و جانب تحریک اسلامی طالبان جریان داشت. با وجود جنگ‌ها، تلاش‌های صلح افغانستان با جانب طالبان برای سال‌های طولانی دنبال شد. از بعد داخلی، در پروسه‌های صلح افغانستان تکنوکرات‌ها، تنظیم‌های جهادی و یا نمایندگان آن‌ها و جانب طالبان حضور داشتند، اما نسل نو و جوانان افغانستان با وجودی که بیشترین تلفات در جوانب منازعات را متحمل شده‌اند، بیشتر از نصف نفوس افغانستان را تشکیل می‌دهند و نیروی محرک جامعه محسوب می‌شوند، در تصمیم مشارکت نداشته‌اند. با آن‌هم نسل نو و جوانان خارج از برنامه‌های حکومتی تلاش‌های زیادی را انجام داده و خواست‌های مشخص برای آوردن صلح در افغانستان دارند که در این تحقیق به آن پرداخته می‌شود.

در بیست سال پسین؛ روزنه‌ای جدید به‌روی نسل نو و جوانان بازگردید. از یک‌طرف نسل نو و جوانان در عرصه‌های مختلف همچون معارف و تحصیلات عالی، تکنالوژی و فن آوری‌های جدید، اقتصاد و تجارت، صحت، زراعت، ادبیات و فرهنگ، مشارکت در قوای دفاعی و امنیتی، فعالیت‌های مدنی-سیاسی و رسانه‌ای سیر صعودی قابل توجهی داشتند. از جانب دیگر آن‌ها در جوانب منازعات قربانی بی‌شمار داده‌اند. اما در عرصه «صلح‌خواهی» نسل نو و جوانان پراکنده بودند، هم‌صدایی و هم‌گرایی میان آن‌ها وجود نداشت. سرانجام، نسل نو و جوانان در تصمیم‌گیری‌ها و پروسه‌های صلح حضور معنادار نداشتند و به صداها و خواسته‌های آن‌ها نیز توجه لازم صورت نگرفته است.

در پی تلاش‌های صلح؛ شورای عالی صلح دولت جمهوری اسلامی به ریاست پیر سید احمد گیلانی به تاریخ ۱ میزان ۱۳۹۵ ه. ش با حزب اسلامی حکمتیار به توافق صلح دست یافتند و ایالات متحده امریکا با جانب طالبان به تاریخ ۱۰ حوت ۱۳۹۸ در دوحه به توافق رسیدند، اما دولت جمهوری بنابر عواملی هرگز به توافق سیاسی صلح با جانب تحریک اسلامی طالبان دست نیافتند. سرانجام، طالبان با مبارزات سرسختانه در میز مذاکره و میدان جنگ، با گسترش دامنه تسلطشان از ولایات به کابل، دوباره به قدرت رسیدند. خلاصه، از یک‌جانب مسائل جنگ و صلح افغانستان؛ در

محور اشغال، بحران مشروعیت، نوع نظام و ساختار سیاسی، میکانیزم مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، روش حکومت‌داری و وابستگی‌های مالی «جنگ و صلح افغانستان» را به یک دور تعاملات خصمانه ویران‌گر و مرگ‌بار مبدل نمود و از جانب دیگر پروسه‌های صلح نافر جام افغانستان به سان گرداب تمام حکومت‌های نیم قرن اخیر را غرق کرده و مصائب بی‌شماری را بر مردم افغانستان تحمیل نموده است.

## ۲. پرسش‌های تحقیق

با در نظر داشت آنچه طرح مسأله گردید، هنوز منازعات افغانستان به گونه بنیادین حل نشده است. ازین رو محل طرح این پرسش‌ها همچنان باقی است که چگونه به منازعات افغانستان نقطه پایان ببخشیم؟ گره‌کور منازعات مسلحانه، تعاملات خصمانه و بحران دیرگذر افغانستان چیست؟ پروسه‌های صلح نافر جام افغانستان کدام فراز و نشیب را پیموده و کدام جوانب در تلاش‌های صلح و تصمیم‌گیری‌ها شامل بودند؟ در دو دهه اخیر، نسل نو و جوانان برای آوردن صلح در افغانستان کدام تلاش‌ها را انجام داده‌اند؟ عوامل ناکامی پروسه صلح افغانستان در دوحه از دید نسل نو و جوانان چیست؟ سرانجام، نقدها، خواست‌ها و پیشنهادات نسل نو و جوانان افغانستان برای رسیدن به صلح دایمی و ثبات پایدار چیست؟

## ۳. فرضیه‌های تحقیق

به نظر می‌رسد:

۱- افغانستان هنوز در چرخه‌های طولانی تعامل خصمانه است، با وجود شکل‌گیری حاکمیت‌ها، ظرفیت بازگشت به منازعات مسلحانه همواره وجود داشته و دارد. با فراهم شدن فرصت، زمینه بازگشت به میدان مبارزات مسلحانه و گرم‌تر شدن تنور جنگ مهیا است. در نیم قرن اخیر، منازعات افغانستان در محور بحران مشروعیت، نوعیت نظام، ساختار سیاسی فراگیر و کارآمد، وابستگی مالی به منابع خارجی، وجود لانه‌های تروریسم و موقعیت افغانستان در منطقه‌ای پر از تنش گره خورده است.

۲- پروسه‌های صلح افغانستان از معاهده جینیوا تا کنفرانس بن، هیچ کدام منجر به استقرار صلح در افغانستان نشد. از جانب دیگر پروسه‌های صلح دولت افغانستان با طالبان پسا بن که با اشتراک تکنوکرات‌های شامل قدرت، تنظیم‌های جهادی، تحریک طالبان و بدون مشارکت معنادار نسل نو و جوانان در تصمیم‌گیری‌ها، یک دیپلماسی بی‌روح و ناکام صلح‌سازی را شکل داده بود که منجر به توافق سیاسی صلح میان دولت جمهوری وقت با جانب طالبان نگردید.

۳- در دو دهه اخیر، با وجودی که نسل نو و جوانان افغانستان در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت معنادار نداشتند، اما با تاسیس نهادهای راه اندازی حرکت‌ها، تدوین برنامه‌ها، برگزاری نشست‌ها، کنفرانس‌ها، جرگه‌ها و همایش‌ها و برپایی اعتراضات و راه پیمایی‌ها در تلاش آوردن صلح و رسیدن به ثبات بودند.

- ۴- عوامل ناکامی پروسه صلح افغانستان در دوحه، به سه جانب مشتمل بر صف جمهوریت و رهبری حکومت وقت افغانستان، کشورهای دخیل در پروسه صلح افغانستان و ایالات متحده امریکا و جانب طالبان بر می‌گردد، اما نقش رهبری حکومت وقت افغانستان در نافرجام ماندن آن برجسته‌تر به نظر می‌رسد.
- ۵- نسل‌نو و جوانان افغانستان با وجودی که مشتاقانه برای حل قضایای افغانستان از طریق گفتگو، مذاکره و توافق سیاسی تلاش و حمایت کردند و می‌کنند، اما از سوء مدیریت پروسه‌های صلح افغانستان انتقادهای دارند. سرانجام، به نظر می‌رسد که خواست‌های نسل‌نو و جوانان مشتمل بر «حل منازعات از طریق مذاکره و توافق سیاسی، تشکیل نظام همه شمول، آتش‌بس، قطع کامل و دائمی جنگ و تامین صلح پایدار، جلوگیری از تخریب تالیسات عام المنفعه و حفظ ادارات و نظام اداری و ملکی، حمایت از انتخابات و قانون اساسی، حفظ دستاوردهای دو دهه پسین همچون دستاوردهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، حقوق اتباع به خصوص حقوق زنان، آزادی مطبوعات و رسانه‌ها، نظارت از پروسه‌های صلح و دوام حمایت‌های مالی جهانی» می‌باشد.

#### ۴. روش جمع‌آوری داده‌ها

داده‌های این تحقیق به روش مختلط کتابخانه‌ای و میدانی تدوین شده است. جامعه آماری و نمونه آماری تحقیق قرار ذیل است:

##### ۴-۱. جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق نسل‌نو و جوانان افغانستان در ۳۰ ولایت است.

##### ۴-۲. نمونه آماری

داده‌های این تحقیق به روش نمونه‌گیری هدفمند از ۱۱۲۸۶ نفر با تفکیک ۸۲۳۵ مرد و ۳۰۵۱ زن از رده‌های سنی ۱۸-۳۵ سال تدوین شده است.

#### ۵. روش تحلیل داده‌ها

داده‌های این تحقیق به روش تحلیل محتوای کیفی تجزیه و تحلیل شده است. تحلیل محتوا از روش‌های اسنادی است که به بررسی نظام مند، عینی و تعمیم پذیر پیام‌های ارتباطی می‌پردازد و پاسخ سوالات از محتوای پیام استنباط می‌شود. در این تحقیق به‌کارگیری روش تحلیل محتوا نخست مفاهیم تعریف عملیاتی شده است، دوم، داده‌ها دسته بندی شده است، سوم، شاخص‌ها تعیین شده است، چهارم، نمونه پردازی صورت گرفته و سرانجام، یافته‌های تحقیق با انجام مصاحبه گروهی با شماری از اعضای رهبری گروه تماس و جرگه صلح نسل‌نو و جوانان حمایت و تقویت شده است.

#### ۶. اهداف تحقیق

هدف این رساله تحقیقی از بررسی تلاش‌های نسل‌نو و جوانان برای صلح، تحلیل قطعنامه‌های جرگه‌های صلح نسل‌نو و جوانان و همایش‌های صلح و انجام مصاحبه گروهی با شماری از اعضای رهبری گروه تماس و جرگه استنباط



و رهیافتِ به نقدها، خواسته‌ها و پیشنهادات نسل نو و جوانان افغانستان برای رسیدن به «صلح دائمی و ثبات پایدار» در افغانستان می‌باشد.

## فصل اول

### چارچوب نظری تحقیق

در زندگی روزمره، اگر صفحات مجازی و روزنامه‌ها را باز می‌کنیم یا رسانه‌های صوتی و تصویری را تعقیب می‌کنیم و یا به کتب و مقالات سر می‌زنیم؛ با خبرها، عناوین، مطالب و اطلاعات گیج‌کننده‌ای راجع به جنگ و صلح افغانستان مواجه می‌شویم و با حیرت و نگرانی از خود و دیگران می‌پرسیم، آینده وطن چه خواهد شد؟ همین‌طور هر روز سوالات بیشتری خلق می‌شود که افغانستان ما به کدام سو می‌رود؟ وضعیت جنگ و صلح چطور خواهد شد؟ و آیا افغانستان به ثبات پایدار خواهد رسید؟! اینگونه پرسش‌ها توأم با نگرانی برخاسته از نگاه «صلح پژوهی» بوده و ریشه در «منازعات دیرگذر» و «صلح نافرجام» دارد.

بدون شک، هر تحقیق علمی و روشمند، نیازمند مروری بر ادبیات تحقیق است. ازین‌رو در این فصل در پی پاسخ به این پرسش‌ها هستیم که صلح پژوهی چیست؟ منازعه و مصالحه با کدام شاخص‌ها و در کدام چارچوب مفهومی قابل مطالعه و تحلیل هستند؟ سرانجام، در پی رسیدن به چارچوب نظری و مدل تحلیل برای داده‌های تحقیق می‌باشیم.

### ۱. تحقیق در حوزه صلح

تحقیق و پژوهش راجع به صلح مانند: تحقیق در سایر رشته‌ها؛ دانش، روش و مهارت خاص خود را می‌طلبد. منظور از صلح پژوهی، تلاش‌ها، فعالیت‌ها و اقداماتی است که در مورد مفهوم صلح، زمینه‌ها و شرایط صلح در کشورها و جوامع درگیر منازعه به راه انداخته می‌شود. (حسرت، ۱۳۹۲: ۱۹۶) به بیان دیگر صلح پژوهی فعالیتی است در راستای صلح و فعالیت‌های معطوف به صلح‌پروری. همچنان تحقیق در حوزه صلح (صلح پژوهی)، به روش ارزیابی فعالیت‌ها و تلاش‌ها برای تأمین صلح و تحلیل منازعه نیز گفته می‌شود. (Berghof, ۲۰۱۲: ۶۹)

صلح پژوهی، در نیمه نخست قرن بیستم عمدتاً تحت تأثیر دو جنگ جهانی، روشمند و تبدیل به رشته علمی «مطالعات صلح و منازعه» شد. مطالعات صلح و منازعه یکی از حوزه‌های مطالعات و مباحث میان رشته‌ای در علوم

انسانی است. در صلح پژوهی شرایط، دینامیزها و زمینه‌های تبیین می‌شود که در آن ریشه‌های منازعه مطالعه و شناخته شده و سپس راه‌ها و شیوه‌های صلح‌سازی ارائه می‌شود. (Kurtz, ۲۰۰۷:۸۱۰)

پژوهش در حوزه صلح، نیازمند روش‌شناسی، مفهوم‌شناسی، مبانی نظری، نگرش‌ها و پارادایم‌های است که با استفاده از آن پروژه‌ها و برنامه‌های صلح پژوهی روی دست گرفته شده و انجام می‌گیرند. در صورت نبود روش علمی، عدم آشنایی با ادبیات تحقیق، زبان شفاف و تعاریف روشن از مفاهیم، نظریات و نگرش‌ها و دیدگاه‌های مختلف نه می‌توان با افراد، سیاست‌سازان، مردم عام و رویکردهای مختلف گفتگو کرد و نه هم می‌توان به توضیح رفتارها و واکنش‌های افراد در جامعه دست یافت. ازین‌رو مفاهیم و اصطلاحات فنی که به صورت گسترده در حوزه صلح پژوهی به کار می‌روند، در واقع ابزارهای مهم در فهم یافته‌های تحقیق تلقی می‌شود. (Erin McCandless, ۲۰۰۷:۸۵)

صلح پژوهی کاربردی، نیازمند کار و فعالیت‌های میدانی در ساحات و مناطق مختلف درگیرمنازعه است. ازین‌رو در پروژه‌های صلح پژوهی باید جامعه آماری، شاخص جامعه آماری، وابستگی جامعه آماری به گروه‌ها، تاثیرپذیری آن‌ها از صلح و منازعه، جغرافیایی انجام تحقیق، زمان انجام تحقیق، سویه تحصیلی، جنسیت و سایر عوامل موثر در نظر گرفته شود. همچنان روش‌های صلح پژوهی همگام با تغییرات و دگرگونی که در شیوه، شرایط و موضوع منازعه در یک جامعه به وجود می‌آید، می‌باید قابلیت انعطاف و تغییر را داشته باشد. (Galtung, ۱۹۷۳:۴۰۱-۴۰۳)

سرانجام، در صلح پژوهی ارتباط متقابل میان منازعه و صلح وجود دارد. پرداختن به یکی از آن‌ها، مستلزم پرداختن به دیگری است. ازین‌رو اکنون به تعریف چارچوب مفهومی «منازعه» و «مصالحه» و ارائه مدل‌های تحلیل پرداخته می‌شود.

## ۲. چارچوب نظری منازعه

### ۱-۲. تعریف منازعه

منازعه، در زبان انگلیسی به معانی (Conflict, Battle, Clash, Combat) و در فرهنگ زبان فارسی به معنای تضاد، تعارض، اختلاف، خشونت، فتنه، جنگ، ستیزه و کشمکش یاده شده است. (دهخدا، ۱۳۲۵: م) اما در ادبیات صلح پژوهی واژه منازعه جافتاده‌تر است. منازعه زمان ظهور پیدا می‌کند که میان نگرش‌ها، کنش‌ها و واکنش‌های افراد، گروه‌ها و دولت‌ها تناقض و تضاد به‌وجود آید. در این تحقیق اصطلاح «منازعه مسلحانه» بیشتر به‌کار گرفته شده است. منازعه مسلحانه (جنگ) یکی از شیوه‌های کسب و اعمال قدرت و توسل به زور در مناسبات قدرت است. منازعات مسلحانه از دید حقوق بین الملل بشر دوستانه دارای چهار رکن، مشتمل بر: عنصر تشکیلاتی و سازمانی (دولت‌ها، سازمان‌ها و گروه‌ها) عنصر مادی (اعمال قدرت) عنصر معنوی (قصد و نیت) و در نهایت هدفدار بودن، می‌باشد. (بیگدلی، ۱۳۹۴: ۲۱-۲۲)

منازعات مسلحانه از دیرباز اعجاب محققان و نویسندگان را برانگیخته‌اند. نویسندگان دنیای قدیم مانند: توی ست زون تزو (ری، ۱۹۹۱) تا دانشمندان معاصر همچون کوبین‌سی رایت (رایت، ۱۹۴۲) و ریچارد بارت (بارنت، ۱۹۷۸) عوامل، جنبه‌ها، اشکال و پیامدهای منازعات مسلحانه را به تجزیه و تحلیل گرفته‌اند.

## ۲-۲. دسته بندی منازعه

محققان و دانشمندان منازعات مسلحانه را براساس محل وقوع، عوامل، آمار تلفات و سایر شاخص‌ها قابل دسته‌بندی می‌دانند. منازعات مسلحانه، براساس آمار و میزان تلفات به سه گروه زیر دسته‌بندی می‌شود:

(۱) منازعات مسلحانه کوچک: عبارت از منازعه بین نیروهای است که یک طرف آن دولت بوده و طی یک سال کمتر از ۲۵ نفر تلفات داشته باشد.

(۲) منازعات مسلحانه متوسط: این نوع منازعه، براساس تلفات بیشتر از ۲۵ و کمتر از ۱ هزار نفر در یک سال تعریف می‌شود.

(۳) منازعه بزرگ: این نوع منازعه، براساس تلفات بیشتر از یک هزار نفر در یک سال تعریف می‌شود. (لیدراک، ۱۳۹۶: ۲۸)

این دسته‌بندی به نحو گسترده‌ای توسط محققان، با اندک تفاوت‌هایی مورد استفاده قرار گرفته است. متأسفانه، در طول نیم قرن اخیر و بخصوص در دو دهه اخیر منازعات مسلحانه میان حکومت‌ها و جوانب منازعات افغانستان از حیث شدت، آمار قربانی و تلفات در رده‌ی منازعات مسلحانه بزرگ قرار می‌گیرد.

با در نظر داشت دسته‌بندی منازعات مسلحانه بر محور میزان تلفات، منازعات ۲۰۰۱-۲۰۲۱ افغانستان در تمام سال‌ها در رده منازعات مسلحانه بزرگ قرار می‌گیرد. مردم افغانستان اعم از نظامی و ملکی، مرد و زن، کودک، جوان و پیر از همه طرف‌ها و گروه‌های دخیل در منازعات مسلحانه، قربانی این منازعات خانمان‌سوز بوده‌اند.

## ۲-۳. ویژگی‌های جوامع درگیر منازعه

به صورت عموم میان جوامع درگیر منازعه ویژگی‌های مشترک وجود دارد. زیرا اکثر منازعات مسلحانه از الگوهای معینی پیروی می‌نمایند و از منابع مشابه جهانی تغذیه می‌شوند. محققان تعدادی از ویژگی‌های جوامع درگیر منازعات مسلحانه را چنین شمرده‌اند:

- اکثر منازعات مسلحانه، در جوامع منزوی و دور افتاده اتفاق می‌افتند که با فقر، نابرابری و «توسعه نیافتگی» دست و پنجه نرم می‌کنند. تعدادی محدودی منازعات در کشورهای «در حال توسعه» اتفاق می‌افتند. اما وقوع منازعات مسلحانه در کشورهای «توسعه یافته» نادر است. افغانستان بحیث یک کشور توسعه نیافته و یا در حال توسعه همواره قربانی منازعات مسلحانه داخلی با صبغه بین المللی بوده است.

- تقریباً در تمام موارد منازعات بعد داخلی داشته‌اند. به این معنا که منازعات بین گروه‌هایی صورت گرفته است که در درون مرزهای یک کشور بوده‌اند. اگرچه اکثر منازعات، در دید نخست داخلی بوده‌اند، اما تاحدی بعد بین المللی نیز داشته‌اند؛ بخصوص که جنگ‌جویان یا گروه‌های مخالف در کشورهای همسایه و منطقه زندگی کرده‌اند یا می‌کنند و پول و سلاح برای‌شان از دور و نزدیک سرازیر می‌شود. اینگونه منازعات مسلحانه را می‌توان «منازعات داخلی دارای صبغه بین المللی» دانست. منازعات داخلی دارای صبغه بین المللی، نه تنها به بی‌ثباتی در داخل کشور، بلکه به بی‌ثباتی

در منطقه و حتی جهان نیز دامن می‌زند. در نیم قرن اخیر، با کودتای سردارد داوودخان علیه حکومت ظاهر شاه، گرایش داوودخان به غرب و پیدایش اختلافات میان جناح‌های خلق و پرچم و سرانجام، تهاجم نیروهای نظامی اتحاد جماهیر شوروی سابق در افغانستان، جهاد علیه اشغال و به تعقیب آن منازعات مسلحانه داخلی با صبغه بین‌المللی شکل گرفت. شکل‌گیری و وابستگی احزاب اسلامی و جهادی افغان‌ها به کشورهای پاکستان و ایران نمونه‌ای از آن است.

■ مشروعیت بخشیدن به استفاده از سلاح، بخصوص توسط دولت-ملت‌ها برای تأمین امنیت و اهداف دفاعی. جهان به تولید سلاح همواره به عنوان یک صنعت مشروع و سودآور، نگرسته است. دسترسی آسان به اسلحه می‌تواند سطح خشونت‌ها را در یک منازعه افزایش دهد. در پی چند تهاجم خارجی در افغانستان، اسلحه و مهمات نظامی زیاد به کشور سرازیر شد. از جانب دیگر کشورهای که در عقب جنگ افغانستان هستند، جوانب منازعات را تمویل و تجهیز کردند و حتی بازارهای دست‌چندم سلاح در کشور شکل گرفت. از این سبب، همانند سایر جوامع درگیر منازعه، دسترسی به سلاح سهل و آسان گردید.

■ در جوامع درگیر منازعات مسلحانه، هویت مردم لزوماً با شهروندی‌شان تعریف نمی‌شود. همبستگی هویتی میان گروه‌های محدود مشاهده می‌شود، اما تمام شهروندان تحت یک پوشش ملی قرار ندارند. مردمان این جوامع به دنبال امنیت و تکیه بر هویت‌های هستند که به تجارب خودشان نزدیک بوده و آنان بر این هویت کنترل داشته باشند. این واحدهای هویتی ممکن است قبیله، قوم، مذهب، زبان، وابستگی‌های جغرافیایی یا ترکیبی از این‌ها باشد. افغانستان نیز در پی جنگ‌های داخلی به هویت‌های تکه و پاره در دامن قبیله، قوم، مذهب و زبان سقوط کرد. تصور غالب در اینگونه هویت‌ها چنین است «اگر مسلط نشویم، تحت سلطه قرار خواهیم گرفت.»

■ اینگونه جوامع دچار گروه‌گرایی و پراکندگی قدرت هستند. یکی از پیچیدگی‌های درک منازعات مسلحانه، تعدد گروه‌ها و مجموعه‌های رقیب است که بر سر قدرت و شناسایی رسمی‌شان، اغلب مسلحانه رقابت می‌نمایند. خصومت، نفرت و تقویت همبستگی گروهی را در پاسخ به تهدیدهای رقیبان‌شان تشخیص داده‌اند. در جوامع چون افغانستان تصور قالبی نادرست از گروه‌های معارض، تضاد منافع حزبی و گروهی، تاریخ سیاه جنگی و کلیشه‌های ذهنی از یکدیگر دوام منازعه را مضاعف کرده است.

■ جوامع درگیر منازعه طولانی مدت دچار خصومت، نفرت و هراس از گروه‌های قومی، مذهبی و سایر تشکلات اجتماعی است. بخصوص که گروه‌ها طی چندین دهه و حتی چندین نسل، خصومت‌های متقابل را تجربه کرده باشند. تصور غالب در اینگونه جوامع چنین است که دشمن در آن سوی مرزها نیست، بلکه دشمن در همین روستای هم جوار و حتی در همسایگی شما زندگی می‌کند. افراد و گروه‌های اجتماعی که چنین تصور از همدیگر داشته باشند، به آسانی بازپچه‌ی دست این و آن می‌شوند. (لیدراک، ۱۳۹۶: ۶-۴۰)

ویژگی‌های جوامع درگیر منازعه و تطبیق آن با شرایط افغانستان نشان می‌دهد که جنگ‌های داخلی با صبغه بین‌المللی و تغذیه احزاب و گروه‌های مسلح از کشورهای همسایه، منطقه و جهان و استعانت جوانب منازعه از مسائل عقیدتی، قومی، مذهبی، زبان و حتی سمت، جامعه افغانستان را به جامعه چند پارچه و هویت‌های پریشان تقسیم

کرده است. مشروعیت استفاده از سلاح و حضور کشورهای همسایه، منطقه و جهان در عقب جنگ، جنگ‌های پایدار در کشور را شکل داده است.

#### ۲-۴. چارچوب تحلیل منازعه

طوری که قبلاً خاطر نشان شد، مطالعات صلح و منازعه با همدیگر ارتباط متقابل دارند. محققان حوزه صلح پژوهی، از جمله یوهان گالتونگ با ارایه تصویر سه ضلعی از منازعه: الف. تناقض‌ها ب. نگرش‌ها ج. رفتارها کوشش می‌کند نشان‌دهنده صلح چیست. (Galtung, ۱۹۷۳: ۱۶) شاخص‌های منازعه در وجود این ارکان قابل تحلیل و بررسی است.

تناقض‌ها؛ بیانگر این وضعیت است که طرف‌های منازعه فکر می‌کنند، اهداف غیر قابل جمع دارند. ممکن، این برداشت‌شان مطابق با واقعیت باشد و یا مطابق با واقعیت نباشد. منافع و تضاد منافع میان آنان این تناقض را به وجود می‌آورد. طور نمونه: مبنای مشروعیت، نوعیت نظام، ساختارسیاسی، میکانیزم‌های مشارکت و روش حکومت‌داری از دیدگاه حاکمان، احزاب و گروه‌های دخیل در منازعات افغانستان نمونه‌های از تناقض است.

نگرش‌ها؛ در تصویر سه ضلعی منازعه، نگرش عبارت از درک و سوء فهم طرف‌های منازعه از یکدیگر و از خودشان است. نگرش‌ها بصورت کنش و یا واکنش تبارز پیدا می‌کنند. طور مثال: درک و فهم طرف‌های منازعات افغانستان از یک دیگر و به کار گرفتن کلیشه‌های تکفیر و تحقیرآمیز همچون مرتد، اشرار، شر و فساد، مستبد، نوکر، جاسوس، اجیر و مزدور بیگانه علیه یکدیگر، نمونه‌های از نگرش منازعه است.

رفتارها؛ کنش و واکنش طرف‌های منازعه، رفتار آن‌ها است. منازعه در ذات خود همراه با خشونت است. خواه خشونت فیزیکی و یا فرهنگی! خشونت نیز در نوع خود در سه حالت؛ خشونت مستقیم و فیزیکی مانند منازعات مسلحانه، خشونت ساختاری مانند ساختار و تشکیل حکومت و خشونت فرهنگی مانند تبعیض جنسیتی، قومی، گروهی، مذهبی و... خود را نمایان می‌نماید.

بنابراین وجود تناقض‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای خشونت‌آمیز یک منازعه کامل را شکل می‌دهد. در رویکرد یوهان گالتونگ هیچ پدیده و وضعیت نمی‌تواند بدون عامل و زمینه‌های مشخص پدیدار گردد.

#### ۳. چارچوب نظری مصالحه

##### ۳-۱. تعریف صلح

صلح یک مفهوم مطلق نیست، بلکه مفهوم ذهنی و قابل پردازش از منظرهای مختلف است. صلح در لغتنامه فارسی به معنای سازش، آشتی، مهربانی، حل منازعه و توافقی است که بر حسب آن دعوی را حل و فصل می‌کنند. (معین، ۱۳۸۷: ص) همچنان صلح به معنای کنار گذاشتن جنگ، توقف منازعات مسلحانه و از بین بردن نفرت از میان مردم (ریگی، ۱۳۸۶: ص) نیز آمده است.

صلح در دین مبین اسلام به مفهوم از بین بردن نفرت میان مردم، سازش میان طرفین منازعه، دفع مفسده و معانی قریب دیگر آمده است. خداوند<sup>۱</sup> در آیه ۱۲۸ سوره نساء می‌فرماید: و الصلح خیر...؛ در صلح خیر است. این جمله کوتاه و پر معنی یک قانون کلی و همگانی را بیان می‌کند که در همه جا اصل نخستین، صلح، صفا و دوستی است و کشمکش و جدایی بر خلاف نهاد انسان و زندگی آرام بخش او است. همینطور در قرآن کریم واژه «صالحون» در وصف و شناسایی نیکوکاران، شایستگان و همواره برای اولوالعقل (اعم از فرشتگان، انسان‌ها و پریان) به کار رفته است. پیامبر اسلام حضر محمد مصطفی<sup>ص</sup> خود معمار چندین صلح مانند: صلح «بنی ضمره»، «بنی مدلج» و «صلح حدیبیه» بوده است. (حامد، ۱۳۹۵: ۴۳-۴۴) در سایر ادیان نیز توجهی به زندگی مسالمت آمیز و صلح شده است.

به گفته باروخ اسپینوزا فلیسوف هالندی «صلح، به معنی نبود جنگ نیست، بلکه فضیلتی است که از نیروی جان مایه می‌گیرد و همان طور که آزادی به معنای زندانی نبودن نیست، صلح هم به معنای نبود جنگ نیست. همچنین مفهوم صلح را نباید با آتش‌بس اشتباه گرفت، زیرا «صلح» به معنای پایان دادن به منازعه و توقف جنگ است.» صلح سرکوب، خفقان، تبعید، حذف، کشتار و محروم کردن با توسل به زور نیست و صلح سکوت بالاجبار نیست. صلح سازش، توافق، حل بنیادین نزاع و رفع فتنه است. صلح، سیاست مشروع، قانونمند، مسالمت‌آمیز و خشونت پرهیز است. سرانجام، صلح با تحمیل خواست‌ها و ارزش‌های یک گروه بر جوانب دیگر فراهم نمی‌شود.

با صلح تصویرهای نظم، وحدت، و رفاه می‌آید. صلح احساس و غلبه احترام و امنیت است. صلح برای تعدادی محدودی نیست و اگر صلح برای منفعت برخی و نه همه، حفاظت شود، مسخرگی را به نمایش می‌گذارد. صلح متضاد جنگ است. هر جنگی درد فراوان و دشمنی ریشه‌دار به همراه دارد. طبیعت جنگ چنین است که همسایه، همسایه را می‌ترساند، برخی وقت‌ها حتی عضو خانواده، عضو دیگر را می‌ترساند و هرکسی خون می‌ریزد. (لیدراک، ۱۳۹۶: ۴۸-۴۹)

### ۲-۳. دسته‌بندی صلح

نظریه پردازان، محققان و اندیشمندان حوزه مطالعات صلح و منازعه، نظر به شاخص‌های مختلف صلح را به صلح مثبت<sup>۱</sup>، صلح منفی<sup>۲</sup>، صلح مسلحانه<sup>۳</sup>، صلح متهورانه<sup>۴</sup>، صلح عادلانه<sup>۵</sup>، صلح حقیقی<sup>۶</sup>، صلح با ثبات<sup>۷</sup>، صلح مردم‌سالار<sup>۸</sup>،

۱. positive peace

۲. Negative peace

۳. Armed Peace

۴. Brave peace

۵. Justice peace

۶. True peace

۷. Stable/ Steady peace

۸. Democratic peace

صلح ابدی،<sup>۱</sup> صلح دائمی<sup>۲</sup> و صلح پایدار<sup>۳</sup> دسته بندی کرده‌اند. همچنان بر اساس قلمرو شمولیت، صلح را به صلح جهانی، منطقه‌ای و کشوری دسته‌بندی کرده‌اند.

چارچوب مفهومی صلح که در این تحقیق به دنبال آن هستیم، صلح پایدار است. ازین‌رو بمنظور جلوگیری از طولانی شدن حجم مباحث از توضیحات سایر مفاهیم اجتناب نموده و به شرح و بست چارچوب مفهومی صلح پایدار می‌پردازیم. صلح پایدار در سال‌های اخیر حوزه صلح پژوهی شده است. گذار از مفاهیم انتزاعی صلح به صلح پایدار (کاربردی و عملی) زمانی آغاز شد که سازمان‌های بین‌المللی مدافع صلح، از جمله سازمان ملل متحد در ماموریت‌های صلح، آنگونه که انتظار می‌رفت، موفق عمل نکرد. (حسرت، ۱۳۹۲: ۱۹)

صلح پایدار مفهوم کاربردی و معطوف به کنش عملی است. به این معنا که صلح پایدار در کنار قدم‌های عملی گذار از منازعه، بر دو اصل حکومت‌داری و توانمندسازی بیش از همه تأکید دارد. هنگامی که حکومت‌داری خوب ناظر بر تمام سطوح و حوزه‌های اجتماعی باشد و از سوی توانمندسازی همراه با آموزش مهارت و توزیع امکانات که بتوان از مجرای آن عوامل منازعه را ریشه‌یابی و طرف‌های درگیر را قادر به حل و گذار مسالمت آمیز از منازعات ذات‌البینی‌شان کرد، می‌توان گفت که زمینه‌های عملی برای استقرار صلح پایدار فراهم شده است. (Peck, ۱۹۹۸: ۱۵)

به عبارت دیگر صلح پایدار به این معنی است که دشمنان دیرینه، نه تنها سلاح‌های شان را به زمین بگذارند، بلکه به آشتی عمیقی دست‌یابند که با ایجاد میکانیزم و روابط پایدار و گسترده اجتماعی که عدالت در آن تأمین گردیده و دشمنی و خصومت را ریشه‌کن و آن را بازگشت ناپذیر سازد، دوام می‌آورد. صلح پایدار چشم انداز درازمدت گذار از منازعه و صلح‌سازی را بحیث روند یک پارچه نقش‌ها، کارکردها و فعالیت‌ها ارائه می‌کند. صلح‌سازی برای این که پاسخگوی نیازمندی معاصر باشد، باید عملی و کاربردی باشد و ریشه در واقعیت‌های تجربی و درونی داشته باشد که چشم اندازها و نیازهای مردم را شکل می‌دهند. (حسرت، ۱۳۹۲: ۲۰)

مصالحه، فرآیندی است که طی آن شخص ثالث به منظور ایجاد تفاهم بین طرفین دعوا، سعی می‌نماید اختلاف آن‌ها را دوستانه حل و فصل نماید. ایده‌ی مصالحه نقطه تلاقی میان «واقع‌گرایی» و «ابتکار عملی» در حل چالش‌های منازعه معاصر است. (Slim, ۱۹۹۴: ۴۳) مصالحه را به اصطلاح خیلی دقیق‌تر می‌توان در پرداختن به سه پارادوکس خاص نگریست. اول، مصالحه در یک معنای کلی، از یک سو مواجهه میان اظهار آزادانه گذشته دردناک و از سوی دیگر تلاش برای صورت بندی دراز مدت آینده به هم‌بسته را ارتقا می‌بخشد. دوم، مصالحه فضا را برای به هم رسیدن حقیقت و رحمت فراهم می‌سازد؛ جایی‌که نگرانی‌ها برای در معرض گذاشتن آنچه رخ داده و برای اجازه دادن به سود تجدید نظر بر گذشته و حل منازعه پذیرفته شده است. سوم، مصالحه نیاز به زمان و فضا برای جبران خطاها، تحقق عدالت و استقرار صلح را به رسمیت می‌شناسد. (لیدراک، ۱۳۹۶: ۵۰)

۱. Perpetual peace

۲. Permanent peace

۳. Sustainable peace



### ۳-۳. چارچوب تحلیل مصالحه

مصالحه و استقرار صلح پایدار در سه محور و مراحل: الف صلح‌سازی، ب صلح‌بانی، ج اعمار صلح قابل تحلیل و پردازش است.

صلح‌سازی، روندی است که نوعی توافق و مصالحه میان نخبگان جوانب منازعه به وجود می‌آورد. صلح‌سازی در مراحل ایجاد ارتباط، اعتمادسازی و مذاکره فراهم می‌شود. نتیجه صلح‌سازی رسیدن به توافق راجع به مبنی، اصول، شرایط و توافق سیاسی صلح است. توافق سیاسی صلح ممکن است توأم با ضمایم باشد. این ضمایم می‌تواند شامل شناسایی رسمی طرف‌ها، کاهش خشونت، آتش‌بس مشروط یا غیر مشروط، آتش‌بس موقت یا دائم، شناسایی رسمی طرف‌ها، پذیرفتن غرامت و جبران خسارت، پذیرفتن محاکمه عادلانه و موضوعات دیگر در محوریت صلح باشد. صلح‌بانی، به توافق پیرامون میکانیزم‌های نظارت و تطبیق توافق‌نامه سیاسی صلح گفته می‌شود که مانع خشونت مستقیم و فزینی می‌شود. صلح‌بانی یا حفاظت از توافق‌نامه سیاسی صلح به روش‌های مختلف مانند: نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد، تضمینات داخلی و یا میکانیزم مشخص دیگر صورت گرفته می‌تواند. وظیفه اصلی صلح‌بانی، توقف خشونت (آتش‌بس) و نظارت از تطبیق توافق‌نامه سیاسی صلح است.

اعمار صلح، عالی‌ترین سطح در پروسه صلح‌سازی است. اعمار صلح خشونت‌های فزینی، ساختاری و فرهنگی را از میان بر می‌دارد. برخی محققان «اعمار صلح» را «حل منازعه» نیز تعبیر می‌نمایند. با اعمار صلح؛ توافق و تطبیق توافق صلح، تحقق توقف جنگ، تاسیس نظام مشروع، کسب مشروعیت، عادلانه ساختن ساختارها و محورنگرش‌های تبعیض آمیز، صلح پایدار استقرار می‌یابد.

## فصل دوم

### مروری بر تعاملات خصمانه قدرت و پروسه های نافر جام صلح

محور اصلی این فصل، مروری بر عوامل منازعات قدرت جویانه و پروسه های نافر جام صلح افغانستان است. اما به منظور ایجاد یک چشم انداز جهانی نسبت به جغرافیایی جنگ در جهان، این فصل را با گزارشی موسوم به «گزارشی وضعیت منازعات مسلحانه در جهان» شروع می‌نماییم.

بر اساس گزارش مذکور در هنگام جنگ سرد؛ ابر قدرت‌ها هیچ‌گاه به صورت مستقیم وارد منازعات مسلحانه در سر زمین‌های خود نشدند. برعکس، اکثر جنگ‌ها در کشورهای اتفاق افتادند که از اقمار ابر قدرت‌ها به شمار می‌رفتند. دوران جنگ سرد برای ابر قدرت‌ها، سرد، اما برای بخش‌های جهان بسیار هم داغ بود. جالب است بدانیم که منازعات مسلحانه، کشورهای به شدت آسیب‌پذیر را نشانه می‌گیرد. بخصوص در مناطقی که در آن‌ها نیازهای اساسی انسانی مانند: مسکن، صحت و آموزش به ندرت و به سختی بر آورده می‌شود. (یوری، ۱۹۹۲: ۶۷)

در ادامه جنگ سرد؛ تجارت اسلحه تبدیل به یک شبکه تجارت چند ملیتی در یک گستره جغرافیایی وسیع شده است. این صنعت، سود سرشار اقتصادی نصیب کشورهای تولید کننده سلاح و شرکت‌های تجاری اسلحه می‌نماید. حتی بازار و صنعت سودآور چند ملیتی شکل می‌گیرد و سلاح‌های سبک و سنگین از بازارهای دست اول به بازارهای دست دوم و سوم انتقال پیدا می‌کند. هر گروهی که پول کافی در اختیار داشته باشد، به آسانی به انواع سلاح‌ها دسترسی پیدا می‌کند. ازین‌رو تزریق کردن پول در گروه‌های جنگ‌جو، قرصه‌های مالی برای خرید سلاح و همکاری مالی برای قوای مسلح؛ دولت‌های فقیر و هزاران انسان و گروه‌های جنگ‌جو را به بازارهای سلاح رهنمون می‌سازد. در نتیجه، اینگونه است که تنور جنگ گرم نگهداشته می‌شود. (ری، ۱۹۹۱: ۱۲۳)

### ۱. مروری بر تعاملات خصمانه قدرت در افغانستان

در نیم قرن اخیر، وضعیت منازعات مسلحانه افغانستان از جهت‌های چون وجود تنش و رقابت کشورهای همسایه، منطقه و قدرت‌های جهان در خاک افغانستان، تمویل و تجهیز جوانب منازعه از منابع خارجی، دسترسی سهل احزاب و گروه‌ها به سلاح، اما محرومیت از نیازهای اساسی انسانی با گزارش فوق شباهت دارد. این امر، یکی از چالش برانگیزترین موانع نظم، امنیت، صلح و ثبات در افغانستان بوده است.

در افغانستان، برحسب تحولات داخلی، منطقه‌ای و جهانی بسا اوقات جنگ‌های پایان می‌یابد و جنگ‌های جدیدی شروع می‌شود. گروه‌ها، نقش‌ها، توجیه، عوامل و مناطق جنگ تغییر پیدا می‌کند، حاکمی محکوم و محکومی حاکم می‌شود. گروهی بر اریکه قدرت و گروهی در زندان و برعکس! اما جنگ پایان نمی‌یابد. سرانجام، عوض صلح پایدار، جنگ‌های پایدار شکل گرفته است. در حدود نیم قرن اخیر؛ تعاملات خصمانه قدرت مبدل به جنگ پایدار شده است. چرا این جنگ به صورت دوام‌دار در قالب‌ها و برداشتها و سازوبرگ‌های متفاوت وجود داشته است؟ گره‌کور این این منازعات چیست؟ و ریشه‌های این جنگ خانمان‌سوز و ویران‌گر از کجا آب می‌خورد؟ در پاسخ به پرسش‌های فوق در ذیل به شرح و بست مختصر پنج دوره «تعاملات خصمانه قدرت در افغانستان» پرداخته شده است:

#### ۱-۱. کودتای داوودخان تا فروپاشی حکومت نجیب‌الله

کودتای سردار محمد داوودخان در سال ۱۳۵۲ ه.ش منجر به سقوط حکومت شاهی مشروطه ظاهرشاه و متزلزل شدن ثبات نسبی در افغانستان شد. پس از آن تحولات و رخ‌دادهای جدید در منازعات قدرت‌جویانه در کشور شکل گرفت. از یک‌سو پدیدار شدن نیروهای چپی در قالب حزب دموکراتیک خلق و از طرف دیگر تقویت نهضت‌های اسلامی، منجر به ورود بازیگران جدیدی در ساختار پیچیده قدرت در افغانستان شد. گرایش داوودخان به غرب و پیدایش اختلافات میان دو جناح خلق و پرچم سبب شد تا با حمایت اتحاد جماهیر شوروی در هفتم ثور ۱۳۵۷ ه.ش کودتایی توسط جناح کمونیست راه اندازی شود و حکومت داوودخان سرنگون گردد. سرانجام، تشدید اختلافات میان جناح‌های مذکور، هجوم نیروهای نظامی شوروی در ششم جدی ۱۳۵۸ را در پی داشت. (تمنا، ۱۳۹۹: ۸۵-۸۶)

مردم افغانستان با روحیه خارجی ستیزی که دارند و با استعانت از توجیه ایدئولوژیک، به «جهاد» علیه اشغال کشور توسط شوروی سابق و جنگ علیه حکومت‌های وابسته به آن‌ها برخاستند و تا خروج کامل نظامیان شوروی سابق و سقوط حکومت داکتر نجیب‌الله (۸ ثور ۱۳۷۱) به جهاد و جنگ ادامه دادند. (تمنا، ۱۳۹۹: ۸۶) گرچه داکتر نجیب‌الله رئیس‌جمهور وقت با خروج نیروهای شوروی از افغانستان «طرح آشتی ملی» را ارایه کرد، اما جوانب منازعه و گروه‌های مسلح وقت (احزاب و تنظیم‌های جهادی) با صدور اعلامیه‌ها آن را رد کردند و تعدادی بر حل قضیه افغانستان از راه نظامی تأکید ورزیدند. (کاکر، ۱۴۰۰: ۲۱)

مجاهدین وقت، عوامل جهاد علیه اتحاد جماهیر شوروی و جنگ با حکومت‌های وابسته به آن‌ها را «اشغال» کشور توسط کمونیست‌ها و عناصر وابسته به آن‌ها اعلان کردند. مجاهدین وقت، حتی با خروج کامل نیروهای نظامی شوروی، حاضر به گفتگوهای صلح با حکومت داکتر نجیب‌الله نشدند. از نظر مجاهدین حکومت داکتر نجیب‌الله و نظامیان‌شان

به لحاظ مالی، تسلیحاتی و نظامی متحد کفر بوده و علیه مسلمانان جنگیده بودند. ازین رو تا به سقوط حکومت وقت به جنگ ادامه دادند.

مجاهدین به قول خودشان نظام سیاسی کمونیستی و حضور شوروی اشغالگر در کشور را تحمل نمی توانستند. مجاهدین با طرز فکر، روش زندگی، سنتها و عقایدی که داشتند، نمی خواستند در ساختار قدرت پیرو اصول کمونیسم شامل شوند. در پی مخالفت با نظام وقت؛ سالیان متمادی توهین، تحقیر، شکنجه، سرکوب و زندان شدند و تعدادی زیادی در کشورهای همسایه متواری و مهاجر شدند. سرانجام، با ایجاد انسجام، یافتن منابع و تأسیس تنظیمهای اسلامی افغانها وارد منازعات مسلحانه در کشور شدند.

بصورت عموم، دلگرمی مجاهدین اکثریت قریب بر محور ایدئولوژی جهاد دور می زد. مجاهدین نه اقتصاد و سرمایه قابل ملاحظه داشتند و نه درک روشن از آزادی، رهایی از اشغال و یا طرح و برنامه سیاسی برای حکومت داری! اکثریت مجاهدین شامل میدان جنگ، حتی از نعمت سواد محروم بودند، اما رهبران تنظیمهای جهادی اکثراً تحصیلات دینی داشتند. ازین رو با توجیهات عقیدتی و ایدئولوژیکی سربازان را به جنگ دل گرم نگه می داشتند، امکانات و تجهیزات جنگی را از کشورهای همسایه، منطقه و جهان می گرفتند.

### ۲-۱. به قدرت رسیدن تنظیمهای جهادی

با استعفای داکتر نجیب الله و فروپاشی حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان، مجاهدین وارد کابل شدند و قدرت را به دست گرفتند. صبغت الله مجددی که در جریان جنگ شوروی در افغانستان از رهبران مجاهدین افغان بود و در سال ۱۳۵۷ جبهه ملی نجات را برای مبارزه با حکومت کمونیستی افغانستان بنیان گذاشته بود، پس از پیروزی مجاهدین در بهار ۱۳۷۱ برای دو ماه به عنوان رئیس موقت دولت اسلامی افغانستان، منصوب شد. سپس، برهالالدین ربانی فردی که از رهبران تاثیرگذار و نسبتاً محافظه کار مجاهدین به شمار می آمد، از طریق ائتلاف تعدادی احزاب اسلامی و جهادی و گرفتن بیعت از آنها بر اریکه قدرت تکیه زد. (ایده، ۱۳۹۹: ۲۶)

وقتی از مجاهدین پرسیده می شد که کار حکومت داری چه خواهد شد، با الفاظ و تعبیرهای متفاوتی این سخن به زبان می آمد که ملتی که توانست اتحاد شوروی را شکست دهد، حکومت داری هم کرده می تواند. بسیاری از سران تنظیمهای جهادی متأثر از تفسیرهای خاص دینی معتقد بودند که اخلاص قلبی و تقوای درونی، کافی است تا امداد الهی را به همراه آورد تا همه مسائل با کمک آن حل گردد. این توقع امداد غیبی و وجیزه جذاب در عمل نادرست ثابت گردید. سرانجام، دیده شد که تفاوت زیادی میان جنگیدن و حکومت کردن وجود دارد. دولت داری مجاهدین و حکومت وقت طالبان نشان داد که در کنار تقوا و ترس از خدا، کار، تدبیر و تخصص نیز از نیازهای اساسی دولت داری است. (منصور، ۱۴۰۰: ۱۴۰)

مجاهدین با توجیه ایدئولوژیک؛ «جهاد علیه اشغال» و از بین بردن «حکومت غیر اسلامی» توانستند مردم را به قیام مسلحانه وادار نمایند. با این که مردمان بی شمار قربانی دادند، اما صرف واژه گان رهایی کشور از «اشغال» و کسب درجه «شهید» برای خانواده آنها کافی بود. مجاهدین در مهارت جنگ زبان زد عام و تام شدند، اما در حکومت داری

لرزیدند. مجاهدین نتوانستند یک حکومت فراگیر که شامل همه جوانب دخیل در جهاد و جنگ افغانستان شود، تشکیل دهند. سر انجام، لذت پیروزی دیر نیامید و به دلیل به توافق نرسیدن گروه‌های مجاهدین بر تقسیم و دست‌یابی بیشتر به قدرت، جنگ داخلی افغانستان میان آن‌ها آغاز شد. نداشتن دانش و مهارت تأسیس حکومت، روش حکومت‌داری، عدم دسترسی به منابع مالی فوری و عدم توافق بر سر تقسیم قدرت منجر به اختلافات در داخل ائتلاف و درگیری مسلحانه میان جانب حکومت مجاهدین و جوانب بیرون از حکومت شد.

اما بازی پایان نیافت، واژه‌گان «قومیت»، همچون پشتون‌ها، تاجیک‌ها، هزاره‌ها و اوزبیک‌ها، در برخی موارد «مذهب» همچون «شیعه و سنی»، زبان «پشتو وان - فارسی وان» و حتی «سمت» هم در خدمت جنگ گرفته شده‌اند.

با شرارت جنگ‌های داخلی کابل به چندین جغرافیایی جنگ تقسیم شد. جنگ، قسمت‌های زیادی از کابل را ویران کرد و هزاران انسان جان‌های شیرین شان را از دست دادند. وارد شدن واژه‌گان «قومیت»، «مذهب» و «سمت» علاوه بر گرم نمودن مبارزات مسلحانه، خشونت‌های فرهنگی را نیز پدید آورد. ازین‌رو افغانستان دچار تبعیض قومی، مذهبی، سمتی و زبانی نیز شد. جوانب منازعات از واژه‌گان مزدور، نوکر، اجیر بیگانه و سایر اصطلاحات زنده بحیث ابزار جنگ فرهنگی کار گرفته و می‌گیرند. این عوامل؛ تناقض‌ها، نگرش‌ها و شکاف‌های قومی را بیشتر نموده و منازعات مسلحانه قدرت‌جویانه داخلی را گرم نگه‌داشت. خودسری در سراسر کشور رخنه کرد. شکاف‌های قومی، مذهبی و سمتی بیشتر شد. سر انجام، پس از تفرقه، جنگ و فجایع داخلی، راه برای تحریک اسلامی طالبان باز شد.

### ۳-۱. تحریک اسلامی طالبان و تشکیل امارت

طالبان با قرائتی خاص از دین در سال ۱۳۷۳ ه.ش در ولایت کندهار اعلام موجودیت کرد. اعضای این گروه که طلبه‌های مدارس دینی خوانده می‌شدند، اظهار نمودند که «در مقابل اعمال رهبران مجاهدین که برای کسب قدرت جنگیدند، احساس هتک حرمت و اهانت می‌کردند. لذا تصمیم گرفتند به کارهای این احزاب فاسد که از اسلام برای توجیه اعمال خود سوء استفاده می‌نمودند، پایان دهند.» (مارزدن، ۱۳۷۹: ۵۳)

طالبان داوطلبان بسیاری را گردآوری نمودند، نیروهای مسلح را تجهیز کردند و در میان ولایات تحت امر خود، اتحاد خوبی ایجاد نمودند. (تمنا، ۱۳۹۹: ۸۹) طالبان بر کندهار و غزنی در سال ۱۳۷۳، هرات ۱۳۷۴، کابل ۱۳۷۵، مزار شریف ۱۳۷۶ و بالأخره بر بیش از ۹۰ درصد خاک افغانستان تسلط یافتند. (مارزدن، ۱۳۷۹: ۲۶۰-۲۶۶)

طالبان براساس ادعای خود شان «حرکتی بود که برای مبارزه با شر و فساد فراگیر، به وجود آمد و به زودی توانست گروه‌های شر و فساد را ریشه کن، نظم و قانون را جایگزین نمایند.» آن‌ها، حکومت مجاهدین، احزاب و تنظیم‌های جهادی حاکم و ائتلاف آن‌ها را گروه‌های شر و فساد خواندند. ازین‌رو جهت ریشه‌کن کردن آن‌ها دست به منازعات مسلحانه زدند. بدین‌ترتیب به قدرت رسیدند و امارت اسلامی افغانستان را تأسیس نمودند و به قول خودشان «۱۵۰۰ عالم دینی به عنوان اهل و حل عقد با ملا محمد عمر به عنوان امیر المومنین بیعت کردند.» (احمدی، ۱۴۰۰:

حاکمیت وقت طالبان با کشتارها، اشکال مختلف مجازات، سنگسار، قصاص، قطع دست، سرکوب شدید زنان، منع دیدن فلم و شنیدن موسیقی و ده‌ها محدودیت دیگر همراه بود. (ایده، ۱۳۹۹: ۲۶) کشت و قچاق مواد مخدر طور فزاینده رشد یافته بود. در پی انزوای جهانی و سقوط اقتصادی، فقر و عدم دسترسی به خدمات صحتی مردمان این سرزمین را زجر وافر می‌داد. همچنان تعدادی گروه‌های تروریستی در گوشه و کنار کشور لانه کرده بودند. از این میان گروه القاعده توانسته بود موجودیت خود را در افغانستان تثبیت نماید. با حاکمیت سخت گیرانه طالبان، امنیت فزینگی خوبی در کشور شکل گرفته بود، اما امنیت روانی و آزادی‌های اجتماعی از جامعه رخت بسته بود. (تمنا، ۱۳۹۹: ۹۳)

طوری که یادآوری گردید؛ در دوره حاکمیت وقت طالبان، گروه‌های تندرو و بنیادگرا از جمله گروه القاعده در کشور لانه کرده بودند. به ادعای امریکایی‌ها، گروه القاعده حمله ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ به مرکز تجارت جهانی و پنتاگون (وزارت دفاع امریکا) را از افغانستان طراحی، مدیریت و اجرا کردند. در واکنش به این حمله در کمتر از یک ماه (۵ اکتبر ۲۰۰۱) نیروهای ائتلاف بین المللی به رهبری امریکا دخالت نظامی و حمله به افغانستان را آغاز نمودند. حکومت طالبان به سرعت سقوط کرد. (ایده، ۱۳۹۹: ۲۶)

#### ۴-۱. ایجاد جمهوری اسلامی افغانستان

به دنبال حملات نیروهای ائتلاف بین المللی به رهبری امریکا و سقوط حکومت امارت اسلامی وقت، کشور وارد دوره جدیدی از تاریخ خود شد. به‌منظور تأسیس نظام جدید و مدیریت سیاسی کشور در سیزدهم دسامبر سال ۲۰۰۱ میلادی به دنبال ۹ روز بحث و مشاجره، شرکت کنندگان نشست بن در آلمان، یک توافقنامه دو مرحله‌ای را امضا کردند که سنگ بنای ایجاد نظام جدید را در افغانستان گذاشت. براساس این توافقنامه، چهره‌ها و گروه‌های درگیر در مسائل افغانستان روی ایجاد یک حکومت موقت شش ماهه توافق کردند. جناح‌های مختلف شرکت کننده در این نشست، از جبهه متحد ملی اسلامی افغانستان گرفته تا سایر تنظیم‌های جهادی و اعضای شورای روم این توافقنامه را امضا کردند، اما طالبان و حزب اسلامی در این نشست شرکت نداشتند. طالبان تا حدود میانه سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۴ پراکنده بودند و آدرس و نشان رسمی از آن‌ها موجود نبود. (تمنا، ۱۳۹۹: ۱۰۰-۱۰۱) ازین‌رو از آن‌ها در نشست بن دعوت نشده بود. به گمان غالب، اگر دعوت هم می‌شد، اشتراک نمی‌کردند. چون از دیدگاه آن‌ها؛ اولاً، حکومت مشروع شان کنار زده شده بود. دوم، حضور نظامیان خارجی در افغانستان با قرائت تحریک طالبان از دین قابل جمع نبود، و سوم، تشکیل حکومت فراگیر با جبهه متحد ملی اسلامی افغانستان مسیر نمی‌شد.

خلاصه، کنفرانس بن؛ اساس اداره موقت، حکومت انتقالی و حکومت‌های انتخابی به زعامت حامد کرزی و محمد اشرف غنی و دوام نظام تا به ۱۵ اگست ۲۰۲۱ - ۲۴ اسد ۱۴۰۰ شد.

در بدو تأسیس نظام جدید؛ ایالت متحده با در نظر داشت ریشه‌های تروریسم، یعنی فقر اقتصادی، قچاق مواد مخدر، نبود دولت قوی و پاسخگو، بی‌عدالتی، کم سواد و جهل، نبود فرهنگ مدارا، برای محو تروریسم به بازسازی افغانستان و تثبیت حکومت قوی مرکزی در این کشور همت گماشت. در این دوره یکی از بزرگ‌ترین چالش جدید برای تشکیل دولت ملی و مقتدر، وجود تعداد کثیری از افراد مسلح باقی مانده از دوران جنگ‌های داخلی بود. دوره‌ای از مداخله

خارجی، جنگ داخلی، حضور و رشد شبکه‌های تروریستی، ساختار قدرت را براساس اقتدار شخصی فرماندهان محلی بنا نهاد و این امر رشد گروه‌های مسلح غیر قانونی را در پی داشت. این امر یکی از مهم‌ترین عواملی بود که زمینه اعمال نفوذ تروریست‌ها، شورشیان، قاچاق چیان مواد مخدر و دیگر گروه‌های جنایت‌کار را فراهم ساخت. دسترسی اکثریت مردم به سلاح توانست به صورت بالقوه ثبات را به خطر بیندازد. وجود گروه‌های مسلح غیر قانونی در مناطق مختلف افغانستان زمینه حکمرانی فرماندهان محلی و عدم تبعیت آن‌ها از دولت مرکزی را در پی داشت. (تمنا، ۱۳۹۹: ۹۵-۹۶)

بار دیگر، طالبان پس از حدود سه سال از سقوط حکومت‌شان، به انسجام دوباره‌شان روی آوردند. این زمانی است که آمریکا به عراق حمله کرد و توجه‌شان از جنگ افغانستان به عراق بیشتر مبدول شد. با معطوف شدن توجه آن‌ها از افغانستان به عراق، افغانستان یک بار دیگر در حاشیه سیاست خارجی آمریکا قرار گرفت. این وضعیت مجال بیشتر برای بازیگران منطقه‌ای منازعات افغانستان فراهم آورد تا پایه‌های نفوذ خویش در افغانستان را دوباره تحکیم بخشند. طالبان نیز مجال بازتوانی و قدرت‌یابی دوباره یافتند و با زهم تهدیدات دیگری فراروی آمریکا و نظام حاکم در افغانستان آفریدند. (Sullivan, ۲۰۰۷: ۱۰۳) از جانب دیگر خودسری قومندان‌های محلی، ساختن زندان‌های شخصی، حملات هوایی بر خانه‌ها، تلاشی خانه‌به‌خانه، بدرفتاری با طالبان در زندان‌های دولتی و زندان‌های امریکایی-افغانستان و سرانجام ظلم، شکنجه، توهین، تحقیر و هتک حرمت بخشی از مردم افغانستان در طالب‌پروری و بازگشت آن‌ها به میدان مبارزات مسلحانه نقش داشتند. (امیری، ۱۳۹۰: ۲)

این‌بار طالبان با این داعیه به میدان مبارزات مسلحانه بازگشتند که «امارت اسلامی از طرف کفار مورد حمله و تجاوز واقع شد، کشور اشغال شد و تحت تسلط کفار قرار گرفت و نظام اسلامی امارت نیز از حاکمیت دور شد.» به دنبال این رویداد، طالبان جهاد خود را به دو هدف: نخست، آزادی کشور از اشغال کفار و دوم، اعاده نظام و حاکمیت اسلامی از سر گرفتند. (احمدی، ۱۴۰۰: ۴۴)

هیأت مذاکره کننده طالبان تا آخرین روزهای پروسه صلح افغانستان در دوحه، دولت جمهوری اسلامی افغانستان را بحیث دولت نمی‌پذیرفتند. به دلیل که اداره محصول اشغال بوده و از جانب کفار تحمیل شده است. جهادشان را از این جهت که دولت جمهوری اسلامی افغانستان را اجیر و شریک کفار در جنگ علیه مسلمانان، مانع تحقق امارت اسلامی و در خدمت کفار بوده، جایز می‌دانستند. اینکه این ادعا چه قدر صادق و مطابق واقعیت می‌باشد، در مقام داوری آن در این تحقیق نمی‌باشیم. اما دکتر محمد امین احمدی، در کتاب «صلح افغانستان جدال جمهوری و امارت»، به اساس آیات و احادیث و همچنان مصاحبه با عالمان دینی «جهاد» علیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان را مردود دانسته و آن را جنگ تلقی کرده است. (احمدی، ۱۴۰۰: ۴۳-۴۵)

در مبحث بعدی مفصل توضیح خواهیم داد که طی دو دهه اخیر درکنار جنگ، تلاش‌های زیادی برای رسیدن به توافق سیاسی با جانب تحریک اسلامی طالبان و حزب اسلامی حکمتیار صورت گرفت. اما این تلاش‌ها منجر به توافق سیاسی با تحریک طالبان نشد. سرانجام، پس از توافق خروج نظامیان امریکایی، طالبان بار دیگر از راه غلبه نظامی به قدرت رسیدند.

### ۱-۵. احیای مجدد امارت اسلامی

پس از نزدیک به دو دهه منازعه مسلحانه، با توسعه دامنه حاکمیت طالبان از ولایات به کابل و فرار محمد اشرف غنی رئیس جمهور، مقامات حکومت و دولت پیشین، رهبران و چهره‌های مطرح سیاسی به تاریخ ۲۴ اسد ۱۴۰۰ - ۱۵ آگست ۲۰۲۱؛ طالبان دوباره به قدرت رسیدند. به دنبال سقوط کابل، تعدادی از شخصیت‌ها، رهبران و نمایندگان جریان‌ها و تنظیم‌های جهادی که به هدف اشتراک در نشستی به پاکستان رفته بودند تاکنون به کشور برنگشتند. بسیاری همکاران نیروهای مسلح و موسسات خارجی افغانستان را ترک کرده‌اند. همچنان بسیاری سارنوالان، قضات، نیروهای قوای مسلح، تعدادی فعالان رسانه‌ای و جامعه مدنی درخواست‌های پناهندگی داده‌اند. مردمان عام دچار درد و ناامیدی از آینده، ترس از سرکوب، گرفتار شدن به فقر شدید و از دست دادن حقوق و آزادی‌های اجتماعی‌شان هستند.

آنچه اکنون شکل گرفته تحقق داعیه تحریک طالبان (امارت اسلامی) است که در دو دهه اخیر به دنبال آن بودند، اما تعدادی رهبران سیاسی، نسل نو و جوانان و فعالان زن در تکاپوی شکل‌گیری نظام و دولت فراگیر، مشروعیت نظام، قانون اساسی، انتخابات و شیوه مشارکت سیاسی هستند و تا هنوز مشروعیت سیاسی، ساختار دولت و حکومت، روش حکومت‌داری، میکانیزم‌های شمولیت و انتقال قدرت و بسا مسائل دیگر همچنان حل نشده باقی‌مانده است.

### ۲. پروسه‌های نافر جام صلح افغانستان

بررسی پروسه‌های صلح افغانستان را با حکایتی از دو سومالیایی راجع به این که خانه صلح در کشور جنگ زده‌شان چگونه باید بنا شود، شروع می‌کنیم.

یک سومالیایی به نمایندگی از سازمان‌های غیر دولتی سومالی در کنفرانس شرکت کرده بود با پرسرکاکایش که رئیس یکی از احزاب در سومالی است، در دهلیز کنفرانس رو برو می‌شود. یکی از آن‌ها با شوخ طبعی خاص سومالیایی به پرسرکاکایش گفت: «آقای رئیس، چرا شما جنگ سالاران فکر می‌کنید که یکی از شما حق دارید، رئیس جمهور شوید؟» با این سوال، او به بحث‌ها و چانه زنی‌های سیاسی اشاره داشت که در هر کنفرانس صلح راجع به این که کدام قبیله و سرانجام، کدام شخص باید به ریاست جمهوری برسد، در می‌گرفت و کنفرانس را به بن‌بست می‌کشاند. در ادامه پرسید: «شما نمی‌دانید که بدون یک چارچوب، سقف خانه فرو می‌ریزد؟» پرسرکاکایش بی‌درنگ و با شوخ طبعی خاص جواب داد: «شما نیز به خوبی می‌دانید که بدن سالم نیاز به سر دارد. من هرگز ندیده‌ام که یک پای بدون سر قدم بزند یا بازوی بدون سر حرکت کند.» دیگری با اندوه عمیق پاسخ داد: «پسرکاکای عزیز! خانه از پای بست ویران است، پاها شکسته و از بازوان خون می‌چکد. بدنی در کار نیست که نیاز به سر داشته باشد.» (لیدراک، ۱۳۹۶: ۱۷)

این حکایت نشان دهنده وضعیت دشوار و پیچیده جست‌جوی صلح در جوامع جنگ‌زده است. بحران منازعات دیرگذر، تعاملات خصمانه و پروسه‌های نافر جام مذاکرات صلح افغانستان از جهت‌های مختلف با حکایت فوق مشابهت



دارد. بخصوص بن‌مایه و خواسته آشکار و پنهان جوانب منازعات این است که رهبری حکومت نزد کدام گروه باشد و در راس هرم قدرت چه کسی بنشینند.

اکنون نوبت بررسی این پرسش‌ها است که چه کسی، چه زمانی و چگونه سعی و تلاش برای ختم جنگ و تأمین صلح انجام داد؟ و چه کسی، چه زمانی و چرا از صلح ابا ورزید؟ ازین‌رو در این مبحث به پروسه‌های صلح افغانستان در نیم قرن اخیر پرداخته شده است:

## ۲-۱. معاهده جینیوا

همانطور که توضیح داده شد، پس از کودتای سردار محمد داوودخان و سقوط حکومت ظاهرشاه، بازیگران جدیدی قدرت در افغانستان ظاهر شدند. با پیدایش اختلافات میان جناح‌های راست و چپ (خلق و پرچم) و گرایش داوودخان به غرب، نظامیان اتحاد جماهیر شوروی وارد افغانستان شدند. پس از چندین سال جهاد و جنگ و تلاش برای حل سیاسی قضیه افغانستان، معاهده جینیوا در ۲۵ حمل ۱۳۶۷ (۱۴ اپریل ۱۹۸۸) بین دو دولت افغانستان و پاکستان به اضافه شوروی و ایالات متحده آمریکا در جینیوا به امضا رسید. با آنکه معاهده جینیوا منتج به خروج نیروهای شوروی از افغانستان شد، اما نتوانست به پایان خشونت و جنگ در کشور کمک کند. چون در سایه سیاست‌های جنگ سرد؛ توجه آمریکا و سایر حامیان بین‌المللی مجاهدین متمرکز بر خروج نظامیان شوروی سابق از افغانستان بود و برنامه خاصی برای افغانستان پس از شوروی وجود نداشت. (وفایی‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۵) با وجود پایان اشغال با خروج نیروهای شوروی سابق از افغانستان؛ مجاهدین به جنگ علیه حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان ادامه دادند. چون مجاهدین حکومت داکتر نجیب‌الله را بقایایی اشغال، حکومت وابسته به شوروی می‌پنداشتند. خلاصه، معاهده جینیوا منتج به خروج نیروهای شوروی از افغانستان شد، اما منجر به توافق سیاسی برای ادامه حکومت و یا تشکیل حکومت اسلامی فراگیر میان جوانب منازعات افغانستان نشد.

## ۲-۲. طرح آشتی و مصالحه ملی

تلاش دیگر در راستای تأمین صلح در افغانستان، «طرح آشتی ملی» داکتر نجیب‌الله احمدزی رئیس جمهور وقت جمهوری دموکراتیک افغانستان بود. خلاصه این طرح مشتمل بر سه بخش بود:

- ۱) مذاکره بین الافغانی با شرکت همه جوانب؛
  - ۲) تشکیل شورای رهبری و دولت موقت انتقالی با قاعده وسیع؛
  - ۳) مذاکرات و کنفرانس بین‌المللی متشکل از کشورهای منطقه و ممالک قدرتمند. (احمدی، ۱۴۰۰: ۷۴)
- با خروج نیروهای شوروی از افغانستان، طرح آشتی ملی از سوی داکتر نجیب‌الله، رئیس جمهور وقت با شتاب بیشتر دنبال شد. محاسبه احزاب اسلامی و تنظیم‌های جهادی وقت این بود که با خروج نظامیان شوروی و قطع کمک آن‌ها، نظامیان حکومت توان مبارزه با مجاهدین را ندارند. ازین‌رو طرح آشتی ملی داکتر نجیب‌الله را با صدور اعلامیه‌ها رد کردند و حتی تعدادی بر حل نظامی قضیه اصرار ورزیدند. محمد ظاهر شاه، شاه سابق می‌گوید: «تا هنوز نظام

تحمیلی کمونیستی در کابل باقی مانده است.» و صبغت الله مجددی، رئیس حکومت موقت وقت با الفاظ صریح به دوام مبارزه نظامی اصرار دارد و می‌گوید: «ما هرگز با دو گروه کمونیست خلق و پرچم تحت هیچ‌گونه شرایطی ائتلاف نخواهیم کرد، بلکه با اعمال فشار و تشدید مبارزه، نظام کمونیستی را در کشور خویش سرنگون خواهیم ساخت.» از این میان برهان الدین ربانی، رئیس دولت اسلامی مجاهدین، حل سیاسی قضیه افغانستان را به معنای «سازش با کمونیزم» می‌دانست. (کاکر، ۱۴۰۰: ۲۱)

در میان جوانب منازعات، صرف سازمان انقلابی زحمت‌کشان افغانستان (سازا) تحت رهبری طاهر بدخشی با اعلام طرح آشتی ملی به دولت جمهوری وقت پیوست. سازمان ملل متحد که در آن زمان در میدان صلح افغانستان فعال بود، طرح آشتی ملی را با اصلاحات اندک برای مدت کوتاهی تعقیب نمود. اما با استعفای داکتر نجیب الله و سقوط حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان به دست مجاهدین، پروسه صلح‌سازی به فراموشی گرفته شد.

### ۲-۳. طرح صلح سازمان ملل و تلاش‌های بنون سیوان

همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، سازمان ملل بحیث یکی از بازیگران صلح در افغانستان، با توجه به سنگینی سیاست حاکم دوران جنگ سرد، در طول دهه هشتاد میلادی نتوانست نقشی فراتر از محکوم کردن تجاوز شوروی سابق در افغانستان بازی کند و برای پس از اشغال برنامه ارائه کند. معاهده جینیوا به اضافه توافق بر خروج نیروهای شوروی و قطع حمایت شوروی و قدرتهای غربی به رهبری امریکا از هر دو طرف (حکومت داکتر نجیب الله و احزاب جهادی) برنامه صلح پس از خروج شوروی را شامل نمی‌شد. در ۱۶ عقرب ۱۳۶۹ - ۷ نوامبر ۱۹۹۰ مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه شماره ۱۲/۴۵ را تصویب کرد که بر مبنای آن خاویر پرز دکویار، سرمنشی سازمان ملل، برای حل اساسی مسأله افغانستان اعلامیه پنج ماده‌ای صادر کرد. این اعلامیه موارد ذیل را شامل می‌شد:

- ۱) به رسمیت شناختن حاکمیت ملی افغانستان
- ۲) تأکید بر حق مردم افغانستان برای انتخاب حکومت و سیستم سیاسی
- ۳) ترتیبات موقت و ایجاد میکانیزم قابل اعتماد برای نظارت از انتخابات و حکومت با پایه‌های وسیع
- ۴) آتش‌بس تحت نظارت سازمان ملل
- ۵) کمک مالی برای عودت مهاجرین و بازسازی اقتصادی و اجتماعی. (Assembly, ۱۹۹۰)

با وجود تصویب این قطعنامه، اما هیچ طرحی از جانب سازمان ملل متحد برای صلح افغانستان ارایه نشد تا اینکه طرحی بنون سیوان دیپلمات اهل قبرس و مشاور ارشد نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد در امور افغانستان به میان آمد. براساس «طرح صلح بنون سیوان» لیستی ۱۵۰ نفره از اقوام مختلف و نمایندگان تمام احزاب و جریان‌های سیاسی به شمول ظاهرشاه تهیه کرد تا این افراد در ویانا با هم جلسه کنند و از میان خود ۳۵ نماینده را انتخاب کنند. وظیفه این نمایندگان این بود که در طول یک ماه در مشورت با طیف‌های وسیعی از مردم، زمینه برگزاری لوی جرگه را فراهم سازند و لوی جرگه روی ساختار و ترکیب یک حکومت انتقالی تصمیم بگیرد که به برگزاری انتخابات و روی

کار آمدن حکومت جدید منجر شود. (Gargan, ۱۹۹۲) این طرح صلح گرچه مورد استقبال قرار گرفت، اما به موفقیت نینجامید.

#### ۲-۴. توافقات سیاسی راولپنڈی - پشاور و اسلام آباد

مجاهدین پس از نزدیک به سه و نیم سال تلاش‌های نافر جام و امید به پیروزی در جنگ، در حالی که رقابت بر سر قدرت در میان آن‌ها جریان داشت، پس از مشوره‌های زیاد شورای قیادی ۵۱ نفره را در ۱ ثور ۱۳۷۱ در شهر پشاور پاکستان شکل دادند. این شورا با ترتیبات پیش‌بینی شده پس از کنار رفتن داکتر نجیب الله از قدرت به کابل منتقل شد و در ۸ ثور ۱۳۷۱، طی محفلی در تالار وزارت خارجه، قدرت توسط فضل الحق خالقیار، رییس ستره محکمه دولت داکتر نجیب الله، به شورای قیادی تحت رهبری حضرت صبغت الله مجددی انتقال یافت. اما با وجود پیروزی مجاهدین و سقوط دولت داکتر نجیب الله، مجاهدین موفق نشدند دولتی با پایه‌های قوی و قاعده وسیع و فراگیر که مورد قبول همه اطراف سیاسی باشد را به وجود آورند. پرتاب یک فیر راکت به سوی طیاره حامل آقای مجددی در اولین روز ورودش، نشان دهنده دوام منازعه در قالب و شکل جدید و نارضایتی از ترکیب و ساختار نظام سیاسی و ترتیبات پیش‌بینی شده انتقالی بود. به این صورت اختلافات میان احزاب جهادی و رهبران سیاسی کشور بر سر قدرت تبارز یافت و تنها اطراف منازعه تغییر کرد و خشونت همچنان در کشور ادامه پیدا کرد. (وفایی‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۵-۳۶)

محمدکریم خلیلی (معاون ریاست جمهوری وقت) که در جلسات پشاور اشتراک داشته، می‌گوید: مشکل اصلی بعد از جلسه در یکی از کنسول‌گری‌های کشورهای عربی پدید آمد و گفتند که با هزاره‌ها و شیعه‌ها بعداً حرف می‌زنیم. اسدالله ولوالجی (نویسنده اوزبیک تبار افغانستان) می‌گوید: دولت و حکومتی که مجاهدین در پشاور به رهبری آقای مجددی ساختند، مسائل قومی حاد شد؛ حتی به اوزبیک‌ها یک چوکی هم ندادند که در آن دولت شریک شود و به هزاره‌ها هم سهمی داده نشد. به تدریج موضوع در افغانستان به طرف قومی شدن سیر کرد. (وفایی‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۷)

با توجه به بروز و دوام جنگ میان احزاب جهادی که بیشتر با هویت‌های قومی گره خورده بود، پس از گذشت تقریباً یک سال از امضای معاهده پشاور، تلاش‌های تازه برای آشتی میان احزاب درگیر جنگ و شکل دادن یک توافق میان آنان بر سر ایجاد یک دولت «وسیع‌البنیاد» و اعاده صلح و ثبات و امنیت در افغانستان به ابتکار عربستان سعودی و دولت پاکستان آغاز شد. اجلاس اسلام‌آباد که به دعوت شاه فهد بن عبدالعزیز - پادشاه عربستان سعودی و میزبانی نواز شریف - صدراعظم پاکستان در ماه حوت سال ۱۳۷۱ دایر شد. در نتیجه این تلاش‌ها، نمایندگان احزاب سیاسی به شمول نمایندگان احزاب شیعی که در موافقت‌نامه پشاور در نظر گرفته نشده بودند، اشتراک ورزیدند. این اجلاس پس از چانه زنی‌ها و وساطت دو کشور عربستان و پاکستان روی مسائل اساسی و بنیادی برای پایان جنگ و تشکیل دولت به توافق رسید و موافقت‌نامه‌ای را در ۱۶ حوت ۱۳۷۱ در شهر اسلام‌آباد به امضا رسانیدند و پس از آن، رهبران جهادی اشتراک کننده در این اجلاس به دعوت پادشاه عربستان سعودی به هدف زیارت بیت الله شریف و حج عمره به مکه رفتند. با اینکه رهبران جهادی در کعبه باسر دادن گریه قسم و تعهد کردند، اما بعداً قسم را شکستند. طرف‌های موافقت‌نامه اسلام‌آباد در دهم ثور ۱۳۷۲ در اجلاس جلال‌آباد برای تشکیل کابینه دور هم آمدند و به توافقاتی هم‌دست

یافتند، اما سرانجام، این موافقت‌نامه نیز منجر به ختم جنگ و تحقق صلح پایدار در کشور نشد. (وفایی‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۷-۳۹)

پس از تنظیم‌های جهادی، طالبان در تأمین امنیت فزینی موفق شدند، اما نتوانستند راه را به سوی امنیت روانی، پایان خشونت و صلح پایدار در افغانستان باز کنند. طالبان جزء تسلیمی، سر صلح و آشتی با هیچ یک از جوانب منازعات مسلحانه افغانستان را نگرفتند. (وفایی‌زاده، ۱۳۹۵: ۴۲)

## ۲-۵. پروسه‌های صلح افغانستان با جانب طالبان از بن تا دوحه

همانطوری که توضیح داده شد، به دنبال حملات نیروهای ائتلاف بین‌المللی به رهبری امریکا حکومت امارت اسلامی وقت به رهبری طالبان سقوط کرد. به تعقیب آن، کنفرانس بن برگزار شد. هدف اصلی این کنفرانس انتقال مدیریت سیاسی به حکومت مشروع افغان‌ها بود. این کنفرانس تقسیم قدرت و مصالحه میان جناح‌های مخالف تحریک اسلامی طالبان را نیز در پی داشت، اما به باور بسیاری فعالان و سیاسیون هدف اصلی این کنفرانس «اعمار صلح در افغانستان» نبود.

پس از سقوط امارت اسلامی وقت به رهبری طالبان، حتی حرف زدن در مورد طالبان پسندیده به نظر نمی‌رسید. سخن از طالبان بخصوص اگر به همراه توصیف می‌بود، شک ایجاد می‌کرد. امریکایی‌ها با واژه مستعار «آدم‌های بد» از آن‌ها یاد می‌کردند. خارجی‌ها در مورد طرز فکر، زندگی و جامعه افغانستان شناخت درست نداشتند، در میان جوانب داخلی هنوز لذت پیروزی، عقده‌گشایی و سرمستی اقتدار نعره می‌کشید. در جوانب خارجی و داخلی این فکر وجود داشت که اگر «آدم‌های بد» محو شوند، مشکل هم حل خواهد شد. در حالی که مسأله منازعات افغانستان صرفاً شکست طالبان نبود، بلکه باید برنامه‌ای جامع برای شامل ساختن آن‌ها در ساختار قدرت، تقویت آن‌ها بحیث بخشی از جامعه و برگرداندن نیروهای آن‌ها به زندگی عادی و آرام در کنار سایر مردم افغانستان روی دست گرفته می‌شد، اما چنین نشد.

حامد کرزی، رئیس‌جمهور وقت و برخی چهره‌های دیگر سیاسی با شناختی که از جامعه افغانستان داشتند، به این نکته پی‌برده بودند که قضیه افغانستان راه حل نظامی ندارد. کرزی بارها از حملات هوایی، تلاشی خانه‌ها، دستگیری و زندانی کردن هزارها نیروی وابسته به طالب که در پشت آن صدها خانواده حضور داشت، انتقاد می‌کرد، اما حملات هوایی، تلاشی خانه‌ها، متواری ساختن رهبری طالبان، شکنجه، توهین، تحقیر و وضعیت بد زندان‌ها در بازگشت طالبان به میدان جنگ بی‌تاثیر نبود. (ایده، ۱۳۹۹: ۳۹۴)

علاوه بر موارد فوق، نه تنها توجه لازم و کافی به قریه‌ها صورت نگرفت، بلکه ارایه خدمات در سطح قریه‌ها به فراموشی سپرده شد. ازین رو میان شهر و قریه، حکومت و مردم قریه فاصله افتاد. سرانجام، مردمان قریه به سمت و سوء غیر از جانب حکومت‌های وقت کشیده شدند.

پروسه‌های صلح طی بیست سال پسین، از نامیمون بودن سخن‌راندن در مورد طالبان تا به پیشی گرفتن برای شامل ساختن آن‌ها در نظام و قدرت سیاسی، فراز و نشیب زیادی به همراه داشته است.

در سال ۱۳۸۴؛ حامد کرزی «کمیسیون تحکیم صلح و آشتی ملی» را برای اولین بار به ریاست حضرت صبغت الله مجددی، رییس اولین دولت مجاهدین و با عضویت تعدادی از چهره‌های شاخص جهادی دیگر ایجاد کرد. این کمیسیون عمدتاً برنامه خلع سلاح جوانب منازعات را انجام می‌داد، اما در مورد صلح با جانب طالبان تلاش درخور توجه و دستاوردی نداشت. بعداً این کمیسیون به «کمیسیون حل منازعات و ارتباط مردم با دولت» تغییر نام یافت و در زعامت آقای مجددی و خانواده ایشان باقی‌ماند. (محمدی، ۱۳۸۳: ۲)

در سال ۱۳۸۹؛ بر اساس فرمان حامد کرزی، رئیس جمهور وقت افغانستان، شورای عالی صلح به رهبری برهال‌الدین ربانی، رئیس دولت اسلامی وقت و عضویت تعدادی از رهبران و فرماندهان تنظیم‌های جهادی، متنفذین محلی، چند تن از اعضای سابق طالبان و ۸ زن تشکیل شد. تشکیل این شورای به فیصله‌های لوی جرگه مشورتی صلح (۱۲-۱۴ جوزای ۱۳۸۹) برمی‌گردد. جرگه و شورای صلح خوش بینی‌های زیادی را برای پیشرفت روند مذاکره و آشتی با مخالفین مسلح برانگیخت. (محمدی، ۱۳۸۳: ۳)

برهان‌الدین ربانی، ریاست لوی جرگه مشورتی صلح را نیز برعهده داشت که تشکیل شورای عالی صلح، از پیشنهاد‌های اصلی آن به حکومت وقت افغانستان بود. این شورا وظیفه مذاکره با جانب طالبان با هدف دستیابی به صلح پایدار و یافتن راهی مسالمت‌آمیز برای پایان دادن به درگیری‌ها در افغانستان را بر عهده داشت. آقای ربانی نخست به تنظیم ساز و کار داخلی شورا پرداخته و به دنبال ایجاد کانال‌های ارتباطی با جانب تحریک اسلامی طالبان و کشاندن آن‌ها به میز مذاکره چندین مجلس و سفر به کشورهای پاکستان و ایران داشتند.

البته راه صلح هرگز هموار نبود. شعله‌های عطش جنگ در کشور فوران می‌کرد. مشکلات زیادی راجع به یافتن آدرس، تماس با نمایندگان طالب، حساسیت داخلی و ملاحظات بین المللی در راه گشودن دروازه صلح وجود داشت. چهره‌های شاخص که می‌توانستند از طالبان تا حدودی نمایندگی نمایند، اکثراً در لست قطعنامه شماره ۱۲۶۷ مورخ ۵ اکتوبر ۱۹۹۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد در باره افغانستان و تعدادی هم در لست امریکایی‌ها بودند. از این میان بر تعدادی از آن‌ها محدودیت سفر وجود داشت و امریکایی‌ها برای یافتن تعدادی آن‌ها حتی جایزه تعیین نموده بودند. در داخل کشور، تعدادی اشخاص به دلیل ارتباط با طالبان گرفتار و زندانی شده بودند. به هر صورت؛ کانال‌های ارتباط با طالبان محدود بود. (ایده، ۱۳۹۹: ۳۹۶)

باری، شخصی به نام ملا منصور که خود را نماینده بلند پایه طالبان معرفی کرده بود، با مقامات افغان و آیساف نشست‌های را انجام داده بود. مدتی بعد داستان اصلی به رسانه‌ها رسید و سر انجام معلوم شد شخصی به نام ملا منصور، جعلی است. او آن شخص که در میان طالبان صاحب نفوذ و صاحب اختیار بود، نیست. این ملا منصور جعلی، یک دکاندار در کوئته پاکستان بود. ملا منصور جعلی، قبل از آنکه از سوی افغان‌هایی که ملا منصور اصلی را می‌شناخت، متوقف و شناسایی شود، با مقامات آیساف و مقامات افغان، نشست‌هایی را انجام داده بود. این دکاندار اهل کوئته پاکستان، پول قابل ملاحظه‌ای در کابل گرفته بود. این شخص جامعه جهانی و افغان‌ها را فریب داده بود. (ایده، ۱۳۹۹: ۲۷۴)

این که منصور جعلی واقعاً یک دکاندار ساده بود و یا نفر استخبارات بیگانه، مسخره‌گی تمام عیار استخبارات داخلی را به نمایش می‌گذاشت. به هر صورت این واقعه در رویکرد صلح‌جویی دو پیام را می‌رساند: یک. آدرس و کانال ارتباطی امن و مطمئن برای صلح وجود نداشت. دو. افغان‌ها و جامعه جهانی واقعاً در پی صلح شده بودند.

سرانجام، در پی کانال‌های ارتباطی نامطمئن، برهان الدین ربانی در ۲۹ سنبله ۱۳۹۰ توسط انتحاری که به نام نماینده و شخص بانفوذ در میان طالبان برای گفتگو به خانه او رفته بودند، کشته شد. این حادثه، بی‌اعتمادی به کانال‌های ارتباطی را چندین برابر کرد. پس از این حادثه، تماس با تحریک اسلامی طالبان با احتیاط صورت می‌گرفت. در حمل ۱۳۹۱؛ پس از شهادت برهان‌الدین ربانی، فرزندش صلاح الدین ربانی به ریاست شورای عالی صلح رسید. بعداً صلاح الدین ربانی و معصوم ستانکزی، رئیس دارالانشای این شورای به مناصب دولتی در حکومت وحدت ملی، گماشته شدند. ازین‌رو شورای عالی صلح برای مدتی در حاشیه قرار گرفت و بدون رئیس باقی‌ماند. (صدر، ۱۳۹۷: ۲۹) در سال ۱۳۹۴؛ حکومت وحدت ملی تشکیلات و پالیسی‌های شورای عالی صلح را مورد بازنگری قرارداد. پیر سید احمد گیلانی، رئیس حزب محاذ ملی اسلامی افغانستان بحیث رییس و تعدادی از شخصیت‌های جهادی، اعضای سابق طالبان و نیز علمای دینی بحیث معاونین و اعضای این شورای گماشته شدند. در این دوره، تلاش‌های حکومت وحدت ملی به رهبری داکتر اشرف غنی و داکتر عبدالله عبدالله، بیشتر معطوف بر مذاکره و تفاهم با پاکستان برای کشاندن طالبان به پای میز مذاکره بود. اما با شدت گرفتن حملات تروریستی در شهرهای افغانستان و نگرفتن جواب روشن از پاکستان، رویکرد دولت تغییر کرد و این گفتگوها متوقف شد. (وفایی‌زاده، ۱۳۹۵: ۵۷)

به تعقیب تلاش‌های صلح‌جویانه قبلی، تلاش‌های دولت از مجاری دیپلماتیک در قالب اجلاس چهارجانبه (به شمول افغانستان، پاکستان، امریکا و چین) آغاز شد. هدف اصلی آن به مذاکره کشاندن گروه طالبان بدون تعیین پیش شرط بود. اما این گفتگوها نیز با ناامیدی افغانستان و تردید آن در صداقت پاکستان متوقف شد. هم‌زمان با این روند، تلاش‌هایی از سوی شورای عالی صلح برای مذاکره و گفتگو با حزب اسلامی گلبدین حکمتیار آغاز شد و پس از چندین دور مذاکره، موافقت‌نامه صلح میان دولت جمهوری اسلامی و حزب اسلامی حکمتیار در اول میزان ۱۳۹۵ ه.ش به امضا رسید. (وفایی‌زاده، ۱۳۹۵: ۵۷)

پس از وفات پیر سید احمد گیلانی، محمد کریم خلیلی، رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان و معاون پیشین ریاست جمهوری افغانستان به تاریخ ۱۵ جوزا ۱۳۹۶، بحیث رئیس شورای عالی صلح افغانستان تعیین شد. پیش از این آقای خلیلی معاون این شورا بود. در این دوره، محمد اکرم خیلواک ریاست دارالانشای این شورای را بر عهده داشت، پس از استعفای خیلواک از ریاست دارالانشای این شورای، محمد عمر داوودزی طی فرمان ریاست جمهوری در ماه قوس ۱۳۹۷ به‌عنوان رییس دارالانشای شورای عالی صلح و نماینده‌ی دولت در امور منطقه‌ای برای اجماع صلح، گماشته شد. (محمدی، ۱۳۹۸: ۴)

پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۸ و جنجالی شدن نتایج آن میان داکتر محمد اشرف غنی و داکتر عبدالله عبدالله و دوام جنجال تا به برگزاری دو مراسم تحلیف ریاست جمهوری، در نتیجه تلاش‌ها و فشار بیرونی، میانجی‌گری داخلی و توافق بالجبر میان محمد اشرف غنی و داکتر عبدالله عبدالله، «شورای عالی مصالحه ملی» به ریاست داکتر

عبدالله عبدالله بیحیث آدرس دولت جمهوری اسلامی افغانستان برای صلح پدید آمد. شورای عالی مصالحه ملی متشکل از کمیته رهبری، مجمع عمومی، هیأت مذاکره کننده و معاونان شورای بودند.

توافق سیاسی دکتر محمد اشرف غنی و دکتر عبدالله عبدالله جنجال انتخابات را حل کرد، اما منجر به ایجاد آدرس قوی و واحد صلح دولت جمهوری اسلامی افغانستان نشد. کمیته رهبری و مجمع عمومی شورای عالی مصالحه ملی تکمیل و تشکیل نشد. ریاست شورای عالی مصالحه ملی با مداخلات و محدودیت‌های که از جانب محمد اشرف غنی رئیس جمهور وقت و تیم‌اش صورت می‌گرفت؛ صلاحیت لازم را نداشت و با محدودیت‌های فراوان گرفتار بود. جانب محمد اشرف غنی، رئیس جمهور وقت بارها اعلان کرده بود که «تصمیم آخری را رئیس جمهور و مردم افغانستان می‌گیرد.» و باری، اشرف غنی از مهم بودن «امضای آخر» در موافقت‌نامه صلح سخن زده بود. این نیز خاطر نشان می‌کرد که حرف آخر را اشرف غنی، رئیس جمهور وقت باید بگوید و ریاست شورای عالی مصالحه ملی صلاحیت عام و تام صلح‌سازی را ندارد.

## ۲-۵-۱. پروسه صلح با تحریک اسلامی طالبان در دوحه

پروسه صلح دوحه، اساساً ادامه تلاش‌های صلح پسا بن است. اما از حیث تحولات صلح که در آن‌جا اتفاق افتاد، ایجاب بررسی جداگانه را می‌نماید. دوحه از چه زمان بیحیث آدرس صلح افغانستان پدید آمد؟ کنش‌ها و واکنش‌های جوانب منازعات افغانستان در مورد بازشدن دفتر سیاسی جانب طالبان در دوحه چه بود؟ و در دوحه چه گذشت؟ همانطوری که در مبحث پروسه صلح پسا بن یادآوری شد. آدرس و کانال ارتباط با جانب طالبان یکی از چالش‌ها در روند صلح‌سازی بود. جانب دولت جمهوری اسلامی افغانستان، نمایندگی سازمان ملل متحد و آمریکا به این چالش پی برده بودند. بدین‌منظور سال‌ها به آدرس پاکستان مراجعه می‌کردند، اما هیچ نتیجه‌ای نمی‌گرفتند. سرانجام، دفتر سیاسی تحریک طالبان در ۲۸ جوزای ۱۳۹۲ در دوحه قطر افتتاح شد.

جانب دولت جمهوری از یک‌طرف اشتیاق فراوان برای استقرار صلح داشت، از جانب دیگر نمی‌خواست که جایگاه بین‌المللی دولت با داشتن دو آدرس، بلند کردن دو تابلو و برافراشتن دو پرچم لکه‌دار شود. از این سبب، باز شدن دفتر سیاسی تحریک طالبان در دوحه بیحیث آدرس جانب طالبان خبر خوش بود، اما بلند کردن تابلو و پرچم «امارت اسلامی افغانستان» خشم سیاسیون افغان، به‌ویژه حامدکرزی، رئیس جمهوری وقت را برانگیخت.

دولت وقت طی صدور اعلامیه‌ای، طالبان را متهم کرد که در نظر دارند این محل را به عنوان دفتر نماینده‌گی یک «دولت مستقل» معرفی کنند. این در حالی بود که دور چهارم مذاکرات هیأت آمریکا و افغانستان در مورد «قرارداد امنیتی» در کابل جریان داشت. دولت در واکنش «به تناقض در گفتار و عمل امریکایی‌ها» در روند صلح، مذاکرات در مورد قرارداد امنیتی را به تعلیق در آورد. این واکنش باعث شد که جان‌کری، وزیر خارجه وقت آمریکا با آقای کرزی تلفنی صحبت کند و وعده داده بود که پرچم طالبان و تابلوی «امارت اسلامی» از دفتر تازه باز شده تحریک اسلامی طالبان در دوحه، برداشته خواهد شد و از این دفتر به غیر از مقاصد مذاکرات صلح استفاده نخواهد شد. سرانجام، پرچم و تابلوی امارت اسلامی از دفتر دوحه برداشته شد.

عبدالکریم خرم از چهره‌های نزدیک با حامد کرزی در کتاب «چهل سال در طوفان» نوشته است که آقای کرزی با گشوده شدن دفتر قطر موافق نبود. او مدعی شده که ملاقات‌های مخفی امریکا و طالبان گویا از آلمان آغاز و به مفاکوره ایجاد دفتر در قطر انجامیده بود و افغانستان با علاقه‌مندی که به روند صلح داشت، اما با نحوهٔ پرداختن به آن به دیده شک می‌نگریست. (خرم، ۱۳۹۸: ۴۳۶-۴۳۷)

آقای خرم می‌نویسد که رئیس جمهور کرزی تمایل داشت که اگر قرار باشد دفتری برای طالبان در خارج از افغانستان باز شود، به ترکیه یا عربستان ترجیح داده شود، اما این موضوع برای امریکایی‌ها قابل قبول نبود. از جانب دیگر آقای کرزی قطر را کشور فاقد اختیار و عملی کننده فرمایشات امریکا می‌دانست. وقتی به تاریخ ۳۰ مارچ ۲۰۱۳ آقای کرزی در راس یک هیأت به هدف راضی کردن مقام‌های قطر برای تنظیم کردن ملاقات مستقیم با طالبان رفت، جواب مقامات قطر این بوده که «در زمینه باید با امریکایی‌ها حرف زد، قطر فقط مهمان‌دار است.» (خرم، ۱۳۹۸: ۴۳۸) در ماه جولای ۲۰۱۳ خبرهای از بسته شدن موقت دفتر سیاسی طالبان، پایین کشیدن پرچم و تابلوی امارت اسلامی از دوحه به نشر رسید. تحریک طالبان نیز تأیید کردند که از این دفتر استفاده نمی‌کنند. ولی مقامات آنان در دوحه باقی ماندند و از آن‌جا خارج نشدند. جانب طالبان مدعی شدند که بارک اوباما، رئیس جمهور پیشین امریکا و حامد کرزی، نصب پرچم و لوحه امارت اسلامی را بهانه کرده و مذاکرات صلح را به بن‌بست کشاندند. در مورد بازماندن و یا بسته شدن دفتر سیاسی طالبان در دوحه، میان جانب دولت افغانستان از کرزی تا غنی و جانب امریکا از اوباما تا دونالد ترامپ کش‌و‌گیری‌های فراوان وجود داشت.

اما دفتر دوحه دوباره فعال شد. با انتخاب زلمی خلیل‌زاد به عنوان نماینده ویژه وزارت خارجه امریکا در امور صلح افغانستان، در میزان ۱۳۹۷، بعد دیدار او با نمایندگان طالبان، روند صلح رنگ و رخ تازه گرفت. در پروسه صلح دوحه، دولت جمهوری اسلامی افغانستان در حاشیه قرار گرفته بود. دکتر زلمی خلیل‌زاد، از روند صلح به محمد اشرف غنی، رئیس جمهور وقت و داکتر عبدالله عبدالله، رئیس شورای عالی مصالحه ملی وقت گزارش می‌داد، با آن‌هم حاکمیت وقت و جوانب افغان‌ها از ماندن در حاشیه ناراحت بودند.

پس از هژده ماه رفت و آمد و مذاکرات میان جانب امریکا و طالبان بدون حضور دولت افغانستان، سر انجام، به تاریخ ۱۰ حوت ۱۳۹۸ توافق‌نامه‌ای موسوم به «موافقتنامه آوردن صلح به افغانستان» میان دکتر زلمی خلیل‌زاد، نماینده ایالات متحده امریکا برای صلح افغانستان با ملا عبدالغنی برادر، معاون سیاسی طالبان و رئیس دفتر سیاسی تحریک اسلامی طالبان در دوحه به امضا رسید. هم‌زمان با امضای این موافقت‌نامه، اعلامیهٔ مشترک میان کابل، واشنگتن و ناتو در کابل که حکایت از تجدید تعهد آن‌ها به افغانستان داشت، به امضا رسید. به تعقیب، شورای امنیت سازمان ملل متحد که در ۱۳۸۰ ه.ش جواز حمله نظامی بر افغانستان را داده بود، به تاریخ ۲۰ حوت ۱۳۹۸، با صدور یک قطعنامه ده ماده‌ای توافق‌نامه امریکا و طالبان و همین‌طور اعلامیه مشترک کابل و واشنگتن را مورد تأیید قرار دادند.

عنوان کامل این موافقتنامه این‌گونه است: «موافقتنامه آوردن صلح به افغانستان میان امارت اسلامی افغانستان که امریکا به عنوان دولت به رسمیت نمی‌شناسد و به نام طالبان شناخته می‌شود و ایالات متحده امریکا.» در عنوان



موافقتنامه آمریکا و طالبان تأکید شده که آمریکا همچنان امارت اسلامی طالبان را به عنوان دولت به رسمیت نمی‌شناسد. محتوای این موافقتنامه روی چهار محور ذیل متمرکز است:

(۱) ضمانت‌ها و میکانیسم‌های عملی برای جلوگیری از استفاده از خاک افغانستان از سوی هیچ گروه یا فردی علیه امنیت ایالات متحده و متحدانش.

(۲) ضمانت‌ها و میکانیسم‌های عملی و اعلام یک برنامه زمانی برای خروج تمام نیروهای خارجی از افغانستان.

(۳) پس از اعلام این ضمانت‌های اشاره شده با حضور شاهدان بین‌المللی، طالبان مذاکرات بین‌افغانی را با جوانب افغان در دهم مارچ ۲۰۲۰ آغاز خواهد کرد.

(۴) آتش‌بس جامع و دایمی شامل اجندای مذاکرات بین‌افغانی باشد و شرکت کنندگان نشست بین‌افغانی در مذاکرات شان روی تاریخ و چگونگی این آتش‌بس دایمی بحث و مشخص می‌کنند.

در ذیل متن موافقتنامه برای تطبیق بخش‌های فوق سه بخش تطبیقی در نظر گرفته شده که در بخش سوم آن در مورد ایجاد «حکومت جدید پساً توافق که توسط مذاکرات بین‌افغانی تعیین شود.» تأکید صورت گرفته است.

(USA\_Taliban, Agreement for Bringing Peace to Afghanistan, February ۲۹, ۲۰۲۰, www.state.gov/)

موافقتنامه آمریکا و طالبان دست‌آورد تاریخی برای داعیه‌داران امارت اسلامی به‌شمار می‌رود. با امضای این موافقتنامه، موضع تحریک اسلامی طالبان در مذاکرات صلح بین‌افغانی و میدان جنگ طور قابل ملاحظه تغییر یافت. داعیه آن‌ها در پروسه مذاکره بزرگ‌تر و روحیه به قول آن‌ها مجاهدین؛ در میدان جنگ چند برابر قوی‌تر شد. بخصوص با رهایی بیشتر از ۵ هزار زندانی آن‌ها از زندان‌های دولت و زندان‌های امریکایی - افغانستان صفوف جنگ را تقویت نمود و مورد استقبال مردمی در میان حامیان طالبان شد. برعکس، در حاشیه ماندن دولت افغانستان از یک‌سو، تعهد به رهایی ۵ هزار زندانی تحریک اسلامی طالبان از سوی دیگر و گرم شدن میدان جنگ بر گرده حکومت وقت سنگینی می‌کرد. حکومت وقت طی پروسه‌یی، بیشتر از ۴ هزار و ۵۰۰ زندانی طالب را رها کرد، اما محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهور وقت در ارتباط به رهایی ۴۰۰ زندانی به قول آن‌ها زندانیان خطرناک، به تاریخ ۱۷ اسد ۱۳۹۹ لوی جرگه مشورتی را برگزار نمود و لوی جرگه مذکور به رهایی آن‌ها رای تأیید دادند.

بر مبنای موافقتنامه میان آمریکا و رهبری طالبان می‌بایست مذاکرات بین‌افغانی میان جوانب منازعات افغانستان صورت می‌گرفت. اما این روند از جانب حکومت وقت مملو از «سوء مدیریت» بود. طور نمونه: وقتی دولت افغانستان یک هیأت ۲۵۰ نفره را برای گفتگوهای صلح از طرف افغانستان برای نشست دوحه اعلام کرد، طالبان در واکنش به آن اعلام کردند که «این مراسم عروسی یا مهمانی در هتلی در کابل نیست، بلکه یک کنفرانس منظم است.» گرچه این نشست بنابر دلایلی لغو شد، اما تعیین چنین هیأت، بخاطر موضوعی به بزرگی «صلح افغانستان» سوء مدیریت پروسه از جانب دولت جمهوری را به نمایش می‌گذاشت. (اطلاعات روز، ۱۳۹۸: ۱)

سرانجام، در نتیجه تلاش‌های داکتر خلیل‌زاد، تأکید جهانیان و چانه زنی‌های داخلی یک هیأت ۲۱ نفره متشکل از تکنوکرات‌های شامل حکومت، نمایندگان تنظیم‌های جهادی و تعداد زنان به رهبری داکتر عبدالله عبدالله، رئیس شورای عالی مصالحه ملی تحت عنوان «هیأت دولت جمهوری اسلامی افغانستان» عازم دوحه شدند، اما صلاحیت

نهایی تصمیم‌گیری همچنان در کابل گروگان گرفته شده بود. در این میان نمایندگان واقعی نسل‌نو و جوانان افغانستان با اینکه نقش فعال در حوزه صلح، بازی می‌توانستند، در لست هیأت صلح نبودند. هیأت اعزام دوحه شدند، نشست عمومی و اولیه با قرائت بیانیه رهبری هیأت دولت جمهوری اسلامی افغانستان و تحریک اسلامی طالبان افتتاح شد. فیصله بر این شده بود که نخست از همه طرزالعمل مذاکرات میان هیأت جمهوری اسلامی افغانستان و تحریک طالبان توسط کمیته‌های تخنیکی تدوین شود.

توافق بر طرزالعمل مذاکرات میان هیأت جمهوری اسلامی افغانستان و طالبان ۸۰ روز طول کشید. علت تعلل، ریشه در تفاوت‌های عمیق و پرچالش دو روایت «جمهوریت» و «امارت» داشت. طالبان سال‌ها شعار داده بود که امارت اسلامی است و به عنوان دولت مشروع علیه اشغال و تجاوز خارجی می‌جنگد و وجود دولت جمهوری اسلامی افغانستان را قبول نداشتند. به همین دلیل مخالف هرگونه مذاکره با دولت بود و مذاکره با هیأتی به عنوان هیأت رسمی دولت جمهوری اسلامی افغانستان را نمی‌پذیرفتند. لذا توجه‌شان را بر موافقت‌نامه دوحه بحیث مبنای مذاکره کرده بودند و جوانب منازعات افغانستان را بحیث جانب مذاکره بین‌الافغانی می‌طلبیدند، نه هیأت دولت! (احمدی، ۱۴۰۰: ۳۳۴)

طالبان، سعی و تلاش نهایی خود را می‌کردند تا دولت جمهوری اسلامی افغانستان را به رسمیت نشاسند تا بدین‌وسیله مشروعیت دولت را مخدوش و مشروعیت جنگ‌شان با دولت را که جهاد می‌خوانند، زیر سوال نبرند. در نهایت، با وساطت میزبان و گروه‌های حامی صلح پیشنهادهای مختلف مبادله شد، سر انجام بعد از مباحثات طولانی روی متن‌های گوناگون بر متنی، توافق اولیه به عمل آمد. در این متن علاوه بر سه اصل (قطعنامه‌های شورای امنیت راجع به حمله نظامی نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا بر افغانستان، اعلامیه مشترک کابل و واشنگتن و اعلامیه شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد موافقت‌نامه آوردن صلح در افغانستان میان امریکا با طالبان) موافقت‌نامه دوحه به عنوان اصل چهارم، بحیث اساس مذاکره قبول شد. با وجودی که طالبان، دولت جمهوری اسلامی افغانستان را بحیث دولت نمی‌شناختند، اما در سه سند فوق‌الذکر از دولت جمهوری اسلامی افغانستان، بحیث دولت نام برده شده بود. سرانجام، براساس اصول توافق شده هیأت رسمی دولت بحیث طرف مذاکره با طالب قلمداد می‌شد. اما از نگاه داکتر محمد اشرف غنی، رئیس جمهور وقت، این یک توافق خوب به حساب نمی‌آمد و از جانب دیگر طالبان برای تحمیل روایت خود در میز مذاکره و در جبهات جنگ سرسختانه جنگیدند. (احمدی، ۱۴۰۰: ۳۳۵-۳۳۶)

سرانجام، در ۱۳ سپتمبر ۲۰۲۰ مذاکرات صلح بین‌الافغانی میان هیأت‌های جمهوری اسلامی افغانستان و تحریک اسلامی طالبان شروع شد. شعارهای دل‌پسند و دهان‌پرکن و جذاب از رسانه‌ها به گوش رسید، لیکن با همه‌ی این‌ها و صرف حدود ۸۰ روز برای تدوین طرزالعمل مذاکرات گذشت. سر انجام، با گسترش تسلط تحریک طالبان از ولایات به کابل و فرار محمد اشرف غنی، رئیس جمهور پیشین، پروسه صلح‌سازی افغانستان برای چندمین بار در همان نقطه‌ی دردمند و اولیه‌اش عقیم ماند.

### ۲-۵-۲. نشست‌های غیر رسمی برای صلح افغانستان

در دو دهه پسین؛ نشست‌ها و کنفرانس‌های متعدد با موضوع صلح و یافتن راه‌حل بحران افغانستان، در کشورهای مختلف از جمله در امارات متحده عربی، قطر، پاکستان، روسیه، چین، ناروی، جاپان، آلمان و فرانسه به شکل علنی و سری برگزار شده است. در این نشست‌ها نمایندگان حکومت‌های وقت، سیاسیون و چهره‌های شاخص تنظیم‌های جهادی و جانب تحریک اسلامی طالبان و همچنان نمایندگان کشورهای همسایه، منطقه و جهان اشتراک نمودند. همچنان سازمان ملل متحد و شورای امنیت سازمان مذکور چندین اعلامیه و قطعنامه راجع به «جنگ و صلح افغانستان» صادر نموده است. موسسات همچون موسسه پگواش که برای صلح و حل منازعات در بخش‌های گوناگون جهان تلاش می‌کند، یکی از سازمان‌های پیشگام در برگزاری نشست‌های صلح با اشتراک مقامات وقت شورای عالی صلح، نمایندگان تنظیم‌های جهادی، جامعه مدنی و جوانان و تحریک طالبان بوده است. این موسسه چندین نشست مهم در رابطه به صلح افغانستان را در دبی، اسلام آباد، کابل و دوحه میزبانی کرده است.

### ۲-۵-۳. تلاش‌های نسل‌نو و جوانان برای صلح

علاوه بر برنامه‌های حکومتی با حضور تکنوکرات‌های شامل در حکومت و تنظیم‌های جهادی شامل در شورای عالی صلح؛ جوانان بحیث محرک صلح نیز همواره در تلاش استقرار صلح در کشور بودند و هستند. نمونه برجسته آن «کنفرانس ملی جوانان افغانستان» است که در تلاش تحکیم صلح و ثبات، اشتراک در تصمیم‌گیری‌ها و بحث روی مسائل مهم ملی برای دو روز، ۲۸ و ۲۹ جوزای سال ۱۳۹۰ ه.ش با اشتراک صدها جوان از ۳۴ ولایت کشور، تدویر یافت. حامد کرزی، رئیس‌جمهور وقت افغانستان نیز در این کنفرانس اشتراک نموده و بیانیه دادند. در این کنفرانس روی دست آوردها، رویکردها و مسوولیت‌های نهادهای جوانان، چالش‌ها و موانع فرا راه جوانان، بحث و تبادل نظر صورت گرفت. اشتراک کنندگان کنفرانس، دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خویش را پیرامون روند مصالحه، تحکیم ثبات، تأمین عدالت، حکومت داری خوب، حاکمیت قانون، شفافیت و حسابدهی، انکشاف متوازن، مبارزه علیه مواد مخدر، ایجاد زمینه‌های اشتغال برای جوانان و مشارکت جوانان در تصمیم‌گیری‌ها را در قطعنامه‌ی ۲۰ ماده‌ای با مردم، حکومت وقت و نهادهای بین‌المللی شریک نمودند.

تلاش درخور توجه دیگر؛ «جرگه ملی صلح جوانان افغانستان» است که برای چهار روز (۱۲ الی ۱۵ سرطان سال ۱۳۹۱ ه.ش با اشتراک ۱۷۰۰ تن نمایندگان جوانان از تمام ولایات کشور و صدها مهمان در تالار لویه جرگه و قصر سلام خانه- ارگ ریاست جمهوری برگزار گردید. نمایندگان جوانان در بیست کمیته‌ی کاری راجع به چالش‌های عمده و مهم کشور از جمله؛ روند مذاکرات صلح، چگونگی حضور نظامی امریکا، مبارزه با فساد اداری، بیکاری و مشکلات تعلیمی و تحصیلی در کشور بحث و تبادل نظر کردند. حامد کرزی رئیس‌جمهور وقت نیز در جرگه صلح جوانان اشتراک داشته و سخنرانی نمودند.

رهبری جرگه ملی صلح جوانان افغانستان بحیث یکی از تلاش‌های ارزنده، خواست‌های همه جانبه جوانان را در قالب قطعنامه سی و یک ماده‌ای ترتیب و به رییس‌جمهور وقت-حامد کرزی تسلیم دادند. در جرگه مذکور نمایندگان

شماری از احزاب سیاسی (بخش جوانان)، نمایندگان جریان‌های سیاسی، فعالان جامعه مدنی، فعالان حقوق زن از اقشار مختلف جامعه دعوت شده بودند. در پی این کنفرانس و جرگه؛ چندین نهاد جامعه مدنی، فعالان نسل نو و جوانان به میدان مبارزات اجتماعی، سیاسی، اصلاح طلبی و صلح‌خواهی وارد شدند.

در کنار تلاش‌های صلح‌سازی فوق؛ ده‌ها نهاد با برگزاری نشست‌ها، کنفرانس‌ها، راه پیمایی و روش‌های دیگر برای آوردن صلح در افغانستان تلاش و دادخواهی نمودند. در این میان حرکتی موسوم به کاروان صلح هلمند، پس از انفجار مهیب در استدیوم هلمند در بهار سال ۱۳۹۷ عرض اندام کرد. عمده ترین خواست این جوانان توقف جنگ و آتش بس میان حکومت و تحریک اسلامی طالبان بود.

در کنار تلاش‌های فوق، جمعی از نهادها همچون انستیتیوت مطالعات صلح امریکا-کابل، انستیتیوت مطالعات استراتژیک افغانستان، مرکز ملی تحقیقات پالیسی دانشگاه کابل، انستیتیوت جنگ و صلح، میکانیزم افغانستان برای صلح همه شمول (AMIP) و تعدادی دیگری از دانشگاه‌ها و نهادها تحقیقی نیز به زعم خویش در انجام پژوهش، برگزاری کنفرانس‌های علمی و آموزش‌های صلح و حل منازعه، سهم گرفتند.

علاوه بر آن، جمعی از فعالان نسل نو و جوانان، مشارکت فعالانه شبکه اصلاح و تغییر و سایر نهادها و جریان‌های سیاسی-مدنی جوان محور با درک از وضعیت موجود و نیازمندی‌های جدی و موثر در زمینه ایجاد نظام پایدار و دادخواهی برای تامین صلح و ثبات دایمی در کشور؛ گروه تماس برای صلح و جرگه صلح نسل نو و جوانان از بزرگ‌ترین جریان‌ها و برنامه‌های صلح‌خواهی جوانان را راه اندازی کردند.

گروه تماس برای صلح<sup>۱</sup> به عنوان برنامه ملی صلح‌خواهی، مستقل و غیر وابسته به افراد یا گروه‌های سیاسی، متشکل از فعالان نسل نو و جوانان، در ۳۱ اسد ۱۳۹۸ جهت ایجاد و تقویت آدرس همه شمول نسل نو و جوانان، دادخواهی برای تأمین صلح و ثبات دایمی در کشور، تفاهم از طریق گفتگو و راه‌حل‌های سیاسی، تقویت جایگاه و مشارکت سیاسی زنان، مراجعه به آرا و خواست‌های مردم، حفظ روند مردم سالاری و کسب اقتدار سیاسی از طریق انتخابات و حمایت از قانون اساسی که در آن حقوق تمام اتباع محفوظ باشد، تأسیس گردید.

به باور رهبری گروه تماس و جرگه صلح نسل نو و جوانان؛ در دو دهه پسین، چهار محور سیاسی در افغانستان حضور داشتند: ۱\_ رهبران و تنظیم‌های جهادی ۲\_ تحریک اسلامی طالبان ۳\_ تکنوکرات‌های شامل قدرت و ۴\_ نسل نو و جوانان افغانستان. از این جمله سه محور نخست، در تمام تصمیم‌گیری‌های سیاسی و نظامی افغانستان حضور فعال داشته‌اند. اما محور چهارم- نسل نو و جوانان افغانستان که ضمن باورمندی به ارزش‌های اسلامی و ملی، خواهان حضور همه اقوام، زنان و جوانان در تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی و مشارکت ملی هستند تا کنون نقش فعال نداشته و در تصمیم‌گیری‌ها دخیل نبوده و همواره قربانی تصمیم‌گیری‌های سه محور نخست شده‌اند.

<sup>۱</sup> که قبلاً تحت نام «گروه تماس جوانان برای صلح» فعالیت می‌کرد؛ به اساس مشوره و تصمیم رهبری و همکاران گروه تماس و جرگه صلح نسل نو و جوانان بعد از تحولات سیاسی و نظامی ۲۴ اسد ۱۴۰۰- ۱۵ اگست ۲۰۲۱ به نام «گروه تماس برای صلح» اختصار گردید.

از دید رهبری گروه تماس «بحران افغانستان راه حل نظامی نداشته و از طریق گفتگو و تفاهم‌های سیاسی می‌توان حضور معنادار همه مردم و اقشار جامعه در قدرت و ثبات سیاسی در کشور را فراهم کرد.» این گروه به دنبال تحقق اهداف ذیل در صحنه‌ی صلح‌خواهی فعال شدند:

۱. ایجاد و تقویت آدرس و نمایندگی همه شمول به منظور دفاع و حمایت از حقوق نسل نو و جوانان افغانستان در روند گفتگوها و مذاکرات صلح.
  ۲. برقراری آتش‌بس سراسری، دادخواهی برای تأمین صلح و ثبات دایمی در افغانستان، تقویت و حمایت از صدای صلح‌خواهی و تفاهم بین‌الافغانی از راه سیاسی (گفتگو و مذاکره).
  ۳. تقویت جایگاه، مشارکت و حضور معنادار نسل نو، جوانان و زنان در پروسه‌های پسا صلح و توافقات سیاسی بعد از مذاکرات بین‌الافغانی.
  ۴. حمایت از تلاش‌های همکاران بین‌المللی به خصوص ایالات متحده امریکا، کشورهای اسلامی، اتحادیه اروپا، ناتو، کشورهای همسایه و منطقه برای حل قضیه افغانستان از طریق گفتگو و تفاهم.
  ۵. نظارت از پروسه و مذاکرات صلح و تطبیق توافقات آن.
- رهبری گروه تماس همزمان با ایجاد این گروه، ۱۵ خواست ذیل را به منظور تحقق اهداف فوق و تأمین صلح پایدار و ثبات دایمی در افغانستان مطرح کردند:

۱. برقراری آتش‌بس و حمایت از مذاکرات بین‌الافغانی بدون قید و شرط.
۲. هیچ طرف نباید به فکر پیروزی یکی بر دیگر باشد. ما از دولت افغانستان، تحریک اسلامی طالبان و ایالات متحده امریکا و متحدان آن می‌خواهیم با گفتگو و تفاهم به این جنگ خاتمه دهند.
۳. تمثیل اراده ملت از طریق تدویر لویه جرگه همه شمول به منظور مشروعیت بخشیدن به توافقات صلح در سطح ملی و همچنان تدویر کنفرانس بین‌المللی در یکی از کشورهای دوست و بی طرف به منظور تضمین توافقات صلح در سطح بین‌المللی.
۴. حضور معنادار نسل نو و جوانان در گفتگوهای صلح، توافقات سیاسی و پروسه‌های پسا صلح بحیث یکی از طرف‌های تاثیرگذار.
۵. حفظ روند مردم‌سالاری و کسب اقتدار سیاسی از طریق انتخابات در گفتگوها و توافقات صلح؛
۶. نظام جمهوری، حمایت از قانون اساسی و تعدیل آن توسط لویه جرگه همه شمول که برخواسته از آرا و خواست مردم افغانستان باشد و یا برگزاری رفراندوم.
۷. حفظ حقوق و وجایب اساسی اتباع افغانستان.
۸. حراست از حقوق و آزادی‌های اساسی زنان (حق تعلیم، تحصیل، کار و مشارکت فعال در عرصه‌های مدنی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و سیاسی) در گفتگوها و توافقات صلح.
۹. حفظ آزادی بیان، مطبوعات و رسانه‌ها و دسترسی به اطلاعات در چوکات قانون.
۱۰. حفظ، تقویت و غیر سیاسی سازی قوت‌های امنیتی و دفاعی افغانستان (اردوی ملی، پولیس ملی و امنیت ملی).

۱۱. بیرون شدن مسوولانه‌ی قوت‌های خارجی از کشور و ادامه همکاری و روابط دوستانه و استراتژیک با ایالات متحده امریکا، جامعه جهانی و نهادهای بین المللی بر اساس تعریف توافقات جدید با تأیید لویه جرگه همه شمول.

۱۲. حفظ، تدوام، طرح و توسعه همکاری‌های دوستانه با کشورهای اسلامی، کشورهای منطقه و همسایگان براساس منافع ملی دو طرف.

۱۳. صدور قطعنامه توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد به منظور حمایت از حضور معنادار زنان، نسل نو و جوانان افغانستان در روند صلح، مذاکرات و توافقات سیاسی پس از مذاکرات.

۱۴. مراجعه به آرا و خواست‌های ملت در مسائل کلان و سرنوشت ساز کشور.

۱۵. در صورت عدم توافق بر نوعیت حکومت کنونی، رفتن به طرف راه حل سومی و تعدیل قانون اساسی که برخاسته از آرا و خواست مردم افغانستان باشد.

رهبری و همکاران گروه تماس تا ماه اسد ۱۴۰۰ به ۳۰ ولایت کشور سفر نموده و با راه اندازی جرگه‌های صلح نسل نو و جوانان و همایش‌های صلح خواهی، برگزاری نشست‌ها و راهپیمایی‌ها در راستای ایجاد انسجام، هم‌صدایی و همگرایی میان نسل نو و جوانان تلاش نمودند. دارالانشای برگزاری برنامه‌های مذکور را گروه تماس به عهده داشته و جرگه‌های صلح در ولایات توسط کمیسیون برگزاری؛ متشکل از نهادها، جوانان و شخصیت‌های فعال سیاسی، مدنی و فرهنگی برگزار گردیده است. اعضای جرگه در ده کمیته کاری تقسیم و راجع به پرسش‌های از قبل تعیین شده، بحث نموده و در اخیر موضع، خواست‌ها و نظریات‌شان را در قالب قطعنامه مشترک ترتیب می‌کردند. همچنان این حرکت صلح نشستی منطقه‌ای جوانان را در شهر اسپارتهای کشور ترکیه با حضور دانشجویان بین المللی میزبانی کردند و نشست‌های مهم با دکتر زلمی خلیلزاد، نماینده ویژه وزارت خارجه ایالات متحده امریکا برای صلح افغانستان، دیپارتمنت صلح سفارت امریکا در کابل و نمایندگی دفتر صلح ملل متحد در افغانستان داشتند. راجع به شرح و بست فعالیت‌های گروه تماس و خواست‌های نسل نو و جوانان در فصل‌های بعدی با جزئیات بیشتر پرداخته شده است.

## فصل سوم

### تحلیل داده‌ها

خواست‌ها، انتقادات و پیشنهادات نسل نو و جوانان افغانستان راجع به صلح از قطعنامه‌های جرگه‌های صلح نسل نو و جوانان، همایش‌های صلح خواهی و مصاحبه‌گروپی استنباط شده است. قطعنامه‌ها ابزار نوین بیان درخواست‌ها و مواضع است که مبارزین اجتماعی و سیاسی خشونت‌پرهیز از آن استفاده می‌نمایند. در مفهوم عام، قطعنامه پیام کتبی با ساختار مشخص است که در بردارنده مواضع و خواسته‌های گروهی از مردم است که در پایان نشست‌ها، جرگه‌ها، تظاهرات و سایر حرکت‌ها و جنبش‌ها جهت نیل به اهداف گروهی از پیش تعیین شده صادر می‌شود.

قطعنامه‌ها یکی از منابع مهم تحلیل وضعیت، خواسته‌ها، کنش‌ها و واکنش‌ها نسبت به وقایع و حوادث در یک جغرافیا و مقطع زمانی است. قطعنامه‌های همایش‌ها و جرگه‌های صلح نسل نو و جوانان به دلیل جنبه‌های کاربردی‌اش در پروسه‌های صلح‌سازی، ارزش‌دآوری و غرض‌ورزی را دارد. تحلیل این قطعنامه‌ها در کنار سایر منابع مانند: کتب، مقالات، توافق‌نامه‌ها، دیوارنویسی‌ها و کنفرانس‌های خبری می‌تواند، ابعاد جدیدی را در مطالعات صلح و منازعه بگشاید. مطالعه قطعنامه‌های نسل نو و جوانان افغانستان ازین‌رو ضروری است که دارای کارویژه‌های اجتماعی و سیاسی بوده و پیام «نسل نو و جوانان» را برای مخاطبان‌شان حمل می‌نمود. قطعنامه‌های جرگه‌های صلح نسل نو و جوانان و همایش‌های صلح خواهی، دست کم سه گروه مخاطب داشت: ۱. حکومت وقت ۲. تحریک طالبان ۳. امریکا، جامعه بین‌المللی، کشورهای منطقه و همسایه.

در این فصل؛ قطعنامه‌های جرگه‌های صلح نسل نو و جوانان، همایش‌های صلح و با در نظر داشت تحول سیاسی جدید در کشور (۲۴ اسد ۱۴۰۰ - ۱۵ اگست ۲۰۲۱)؛ مصاحبه‌گروپی تحلیل و بررسی شده است.

#### ۴. شاخص جرگه‌های صلح نسل نو و جوانان و همایش‌های صلح

گروه تماس نشست‌ها، کنفرانس‌ها، همایش‌ها و جرگه‌های صلح را در ۳۰ ولایت کشور به هدف ایجاد انسجام، هم‌صدایی و همگرایی نسل نو و جوانان افغانستان در روند صلح برگزار نموده است. اشتراک کنندگان جرگه‌ها و

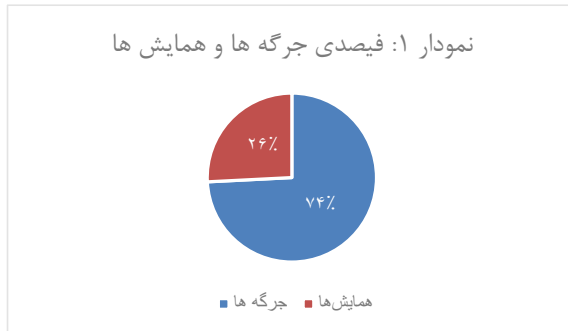
همایش‌های صلح نسل‌نو و جوانان با در نظر داشت شاخص‌های درجه تحصیل، سن، جنسیت، قومیت و ولسوالی در کمیته‌های کاری تقسیم می‌شدند. اعضای کمیته راجع به پرسش‌های از قبل تعیین شده بحث و تبادل نظر می‌نمودند. سرانجام، تمام کمیته‌ها نظریات، خواسته‌ها، انتقادات و پیشنهادات شان را راجع به صلح طی قطعنامه مشترک توحید نموده و ارایه می‌نمودند. شاخص‌های جرگه‌های صلح نسل‌نو و جوانان و همایش‌های صلح خواهی قرار شرح ذیل است:

### ۱-۱. نسل‌نو و جوانان

همانطوری که قبلاً اشاره گردید، جامعه آماری و نمونه آماری این تحقیق نسل‌نو و جوانان است. منظور از نسل‌نو و جوانان در این تحقیق فعالان مدنی-سیاسی هستند که پس از تحولات ۲۰۰۱ از متن جامعه افغانستان برخاسته و به روش خشونت پرهیز به مبارزات مدنی-سیاسی روی آورده‌اند. به عبارت دیگر نسل‌نو و جوانان خارج از کتگوری سیاست‌گران تکنوکرات‌های شامل در قدرت، تنظیم‌های جهادی و نمایندگان آن‌ها و تحریک اسلامی طالبان هستند.

### ۲-۱. شاخص برنامه‌ها

گروه تماس ده‌ها جرگه، همایش‌های صلح خواهی، کنفرانس‌ها و نشست‌های مطبوعاتی، راه‌پیمایی‌ها و جلسات هماهنگی در ولایات مختلف و جرگه منطقه‌ای جوانان برای صلح افغانستان در شهر اسپارتهای ترکیه را جهت تحقق



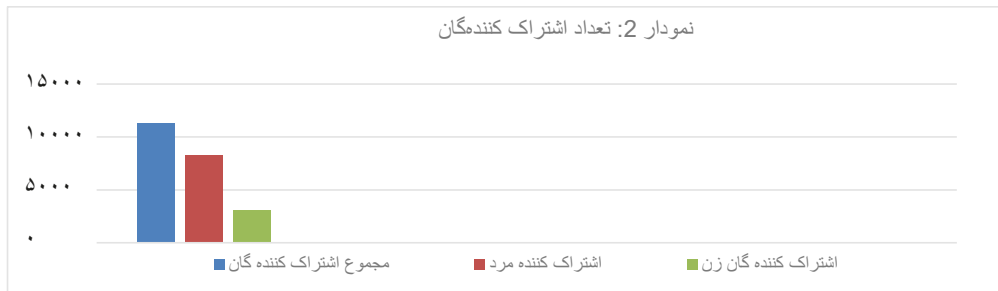
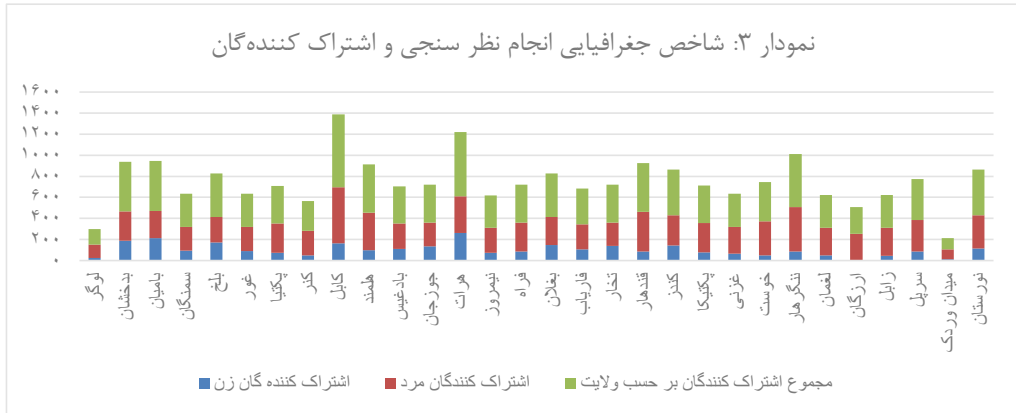
اهداف خویش برگزار نموده است. قابل ذکر است که تمام این برنامه‌ها مد نظر این تحقیق نبوده و آنچه زیر نام شاخص برنامه‌ها در این تحقیق بررسی می‌شود؛ به تعداد ۲۳ جرگه و ۸ همایش صلح خواهی می‌باشد. طبق نمودار شماره (۱) ۷۴ فیصد برنامه‌ها را جرگه‌ها و ۲۶ فیصد برنامه‌ها را همایش‌های صلح خواهی تشکیل می‌دهد. (نمودار ۱).

### ۳-۱. شاخص اشتراک کنندگان

نمونه آماری این تحقیق، اشتراک کنندگان همایش‌ها و جرگه‌های صلح نسل‌نو و جوانان است. شاخص‌های اشتراک کنندگان قرار ذیل می‌باشد:



آمار عمومی اشتراک کنندگان همایش‌ها و جرگه‌های صلح نسل نو و جوانان ۱۱۲۸۶ نفر مشتمل بر ۸۲۳۵ مرد و ۳۰۵۱ نفر زن می‌باشد. به لحاظ فیصدی ۷۳٪ اشتراک کنندگان مرد و ۲۷٪ زن بوده‌اند. به لحاظ سنی، سن اشتراک کنندگان بین ۱۸ - ۳۵ سال و به لحاظ تحصیلی، اشتراک کنندگان محصل برحال، لیسانس و یا ماستر بوده‌اند. (نمودار ۲)



#### ۴-۱. جغرافیایی انجام تحقیق

داده‌های این تحقیق از جرگه‌های صلح نسل نو و جوانان و همایش‌های صلح خواهی از ۳۰ ولایت کشور تدوین شده است. از این میان جرگه‌های صلح نسل نو و جوانان به ترتیب حروف الفبا در ولایت‌های بادغیس، بامیان، بدخشان، بغلان، بلخ، پکتیا، پکتیکا، تخار، جوزجان، خوست، سمنگان، غزنی، غور، فاریاب، فراه، کندز، کندهار، کنر، لوگر، ننگرهار، نیمروز، هرات و هلمند، و همایش‌های صلح خواهی به ترتیب حروف الفبا در ولایت‌های ارزگان، زابل، سرپل، کابل، لغمان، میدان وردک و نورستان برگزار گردیده است.

قابل ذکر است که ولایت‌های کاپیسا، پروان، پنجشیر و دایکندی از این تحقیق باز مانده است. باوجودی که برنامه‌ریزی برای این ولایات صورت گرفته بود، اما عمر حکومت یاری نکرد و به تبع آن برنامه‌های صلح در کشور متوقف شدند. (نمودار ۳)

در این میان بیشترین اشتراک کنندگان از ولایت کابل است که در آن دو همایش گرفته شده است و در مراحل بعدی بیشترین اشتراک کنندگان به ترتیب از ولایت‌های هرات، ننگرهار، بامیان و بدخشان می‌باشد. کمترین تعداد اشتراک کنندگان به ترتیب از ولایت‌های میدان وردک و لوگر است. به لحاظ جنسیتی بیشترین اشتراک کنندگان زن به ترتیب در ولایت‌های هرات، بامیان، بدخشان، بلخ و کابل بوده است و کمترین اشتراک کنندگان زن از ولایت‌های میدان وردک، لوگر، خوست و کنر می‌باشد. در همایش صلح خواهی ولایت ارزگان از زنان کسی اشتراک نداشته است.

#### ۵-۱. مدت انجام تحقیق

داده‌های مربوط به قطعنامه‌های جرگه‌های صلح نسل نو و جوانان و همایش‌های صلح خواهی از تاریخ ۳۱ اسد ۱۳۹۸ تا به ۹ اسد ۱۴۰۰ تدوین شده است، اما داده‌های شامل مصاحبه گروهی پس از تحولات سیاسی ۲۴ اسد ۱۴۰۰ - ۱۵ اگست ۲۰۲۱ تدوین شده است.

#### ۶-۱. روش تدوین قطعنامه‌ها

اعضای جرگه‌های صلح نسل نو و جوانان و همایش‌های صلح خواهی در هر ولایت با در نظر داشت شاخص‌های تحصیل، جنسیت، سن، قومیت و ولسوالی در کمیته‌های کاری تقسیم می‌شدند. آن‌ها در کمیته‌های کاری مربوط راجع به صلح در محور هفت پرسش مشخص، نظریات و دیدگاه‌های شان را مطرح نموده و در اخیر نظریات‌شان را در قالب قطعنامه مشترک ترتیب می‌کردند.

#### ۷-۱. محور پرسش‌ها

در جرگه‌ها و همایش‌های صلح خواهی پرسش‌ها در هفت بخش راجع به صلح از اشتراک کنندگان پرسیده شده است. این پرسش‌ها مشتمل بر موارد ذیل بود:

- ۱) خواست نسل نو و جوانان از دولت ج.ا. افغانستان در روند صلح
- ۲) خواست نسل نو و جوانان از تحریک اسلامی طالبان در روند صلح
- ۳) خواست نسل نو و جوانان از جامعه جهانی، ایالات متحده امریکا، کشورهای اسلامی و کشورهای همسایه در روند صلح افغانستان
- ۴) چگونگی حضور و مشارکت معنادار نسل نو و جوانان در تصمیم‌گیری‌های روند صلح
- ۵) پیشنهادات نسل نو و جوانان در مورد به نتیجه رسیدن مذاکرات بین الافغانی و مسئولیت جوانان
- ۶) دیدگاه نسل نو و جوانان در مورد آینده مبهم سیاسی؛ راه حل برای گذار از وضعیت فعلی
- ۷) پیشنهادات نسل نو و جوانان در مورد چگونگی نظارت از روند صلح در سطح محلی و ملی

از آنجایی که پرسش‌های فوق در قالب پرسشنامه تحقیق نه، بلکه به منظور بحث و بررسی مطرح شده بود و از جانب دیگر نظریات و دیدگاه‌های اشتراک کنندگان در قالب قطعنامه‌ها آمده است، پاسخ آماری به پرسش‌های فوق ممکن و میسر نیست. از این رو پاسخ پرسش‌های فوق به روش تحلیل محتوا در قطعنامه‌های جرگه‌ها و همایش‌های صلح جست‌جو شده است.

## ۵. تحلیل محتوایی قطعنامه‌های جرگه‌های صلح نسل نو و جوانان و همایش‌های صلح

### ۲-۱. انسجام نسل نو و جوانان

انسجام و هماهنگی نسل نو و جوانان برای صلح پایدار و ثبات دایمی در کشور از برجسته‌ترین اهداف گروه تماس و جرگه‌ها و همایش‌های صلح خواهی است. طوری که قبلاً یادآوری گردید یکی از بزرگترین برنامه جوانان برای صلح در کشور «جرگه ملی صلح جوانان افغانستان-۱۳۹۱» بود. به دنبال این جرگه، نهادها و گروه‌های از فعالان جوان صلح‌جو و خشونت پرهیز در کشور شکل گرفت. اما انسجام سراسری، هماهنگی پایدار و ارتباطات دوامدار میان جوانان در مرکز و ولایات شکل نگرفت. از این رو جرگه‌ی مذکور بحیث یک فعالیت بزرگ، صدای واحد و تاثیرگذار در همان مقطع خاص تاریخی باقی‌ماند. سرانجام، انسجام مجدد جوانان مرکز و ولایات کشور در محوریت «صلح» سر لوحه «گروه تماس برای صلح» قرار گرفت.

در سراسر جهان، جوانان بحیث محرک فرهنگ صلح به طور فعال برای صلح‌سازی و پرهیز از خشونت کار می‌کنند. قسمی که در اجرای قطعنامه‌های ۲۲۵۰ (۲۰۱۵) و ۲۴۱۹ (۲۰۱۸) شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد جوانان، صلح و امنیت موضوعات ارزنده‌ای اشاره شده است. بحث اصلی این قطعنامه‌های شورای امنیت شمولیت معنادار جوانان در تمام روندهای صلح است. در کشورهای چون افغانستان که بیش از ۶۰ درصد نفوس آن‌ها را جوانان تشکیل می‌دهند، حضور معنادار، تعامل جمعیتی و دفاع از آینده‌ای که مربوط به نسل نو و جوانان است؛ در پروسه‌های صلح‌سازی یک ضرورت مبرم می‌باشد. علاوه بر آن، جوانان اکثریت نیروی مسلح جوانان را تشکیل می‌دهند. شناخت جوانان به عنوان ذی‌نفعان در میز مذاکره صلح برای اطمینان از ادغام نیازها و منافع آن‌ها و سرنوشت آینده‌گان در فرایندهای صلح‌سازی مهم و حیاتی بود، اما در پروسه صلح افغانستان در دوحه سه جانب مشتمل بر تکنوکرات‌های حکومتی بیست‌سال اخیر، چهره‌های تنظیم‌های جهادی و یا نمایندگان آن‌ها و نمایندگان تحریک اسلامی طالبان حضور داشتند، اما نمایندگان نسل نو و جوانان هیچ نقش و سهمی نداشتند.

در دو دهه اخیر؛ نسل نو و جوانان افغانستان از «شورای تحکیم صلح» تا به «پروسه صلح در دوحه» انسجام، هماهنگی و روابط دوامدار قابل توجه نداشتند. فعالان سیاسی نسل نو و جامعه مدنی به استثنای تعداد محدود، سایر آن‌ها در بی‌برنامه‌گی، پراکندگی و با آدرس‌های جداگانه به سر برده‌اند. علاوه بر این‌ها تمام برنامه‌ها و فعالیت‌ها در مرکز-کابل متمرکز بودند.

با در نظر داشت چالش‌های فوق، یکی از اهداف گروه تماس به وجود آوردن آدرس، ایجاد انسجام، تأمین هماهنگی پایدار و روابط دوامدار میان فعالان نسل نو و جوانان افغانستان در ۳۴ ولایت کشور بود. این حرکت چهره‌های شاخص

نسل نو و جوانان افغانستان را در تمام ولایات شناسایی نموده و با تأمین روابط با آن‌ها در ۳۰ ولایت جرگه‌ها، نشست‌ها و فعالیت‌های مشترک انجام داده و جهت پایداری و تأمین روابط دوامدار سکرتریت‌های ولایتی مربوط را ایجاد نمودند. رهبری این جریان طور حضوری و ذریعه وسایل ارتباطی با سکرتریت‌های ولایتی در تماس بوده و سرانجام، این حرکت تبدیل به یکی از آدرس‌های مشخص نسل نو و جوانان افغانستان در راستای صلح خواهی و دادخواهی برای مشارکت سیاسی نسل نو گردید.

در قطعنامه‌های جرگه‌های صلح نسل نو و جوانان ولایت‌های خوست مواد ۱، ۲ و ۸، ننگرهار ماده ۸، کندز ماده ۸، بغلان ماده ۴، نیمروز ماده ۴ بند ۲، بدخشان ماده ۵، بلخ ماده ۱۶، سمنگان ماده ۹ و همایش صلح خواهی ولایت زابل مواد ۳ و ۶ به اجماع، انسجام و همصدایی نسل نو و جوانان پرداخته شده است.

## ۲-۲. انتقادهای نسل نو و جوانان

موضوع دوم که از قطعنامه‌های جرگه‌ها و همایش‌های صلح خواهی استنباط می‌شود، انتقاد از کاستی‌ها، نابسامانی‌ها در پروسه و روند مذاکرات صلح و پیامدهای ناگوار جنگ در کشور است. انتقادهای نسل نو و جوانان افغانستان طوری که از قطعنامه‌ها برداشت می‌شود، مشتمل بر موارد ذیل است:

- ۱) انتقاد از عدم حضور نمایندگان نسل نو و جوانان (بیرون از حکومت و تنظیم‌های جهادی) در تصمیم‌گیری‌ها و روند مذاکرات صلح
- ۲) انتقاد از ترکیب هیأت، عدم همسویی، وجود پراکندگی و بی‌برنامه‌گی، خودخواهی و منفعت طلبی در صف جمهوری

۳) انتقاد از تحریک اسلامی طالبان بخاطر ضایع کردن وقت، انعطاف ناپذیری و عدم پذیرش کثرت‌گرایی

۴) انتقاد از جست‌وجوی منافع شخصی، حزبی و گروهی در روند مذاکرات صلح

۵) انتقاد از عدم انعطاف‌پذیری جوانب در پروسه و مذاکرات صلح

۶) انتقاد از پیامدهای ناگوار جنگ بر مردم

۷) انتقاد از مبهم بودن توافقات و روند مذاکرات صلح

در قطعنامه‌های جرگه‌ها و همایش‌های صلح ولایت زابل ماده ۵، ننگرهار ماده ۲۳، سرپل ماده ۳، هرات ماده ۲، پکتیا ماده ۱، نیمروز ماده ۱ بند ۲ و ماده ۴ بند ۱، جوزجان ماده ۵، لغمان ماده ۳، میدان وردک ماده ۲، کندز ماده ۳، تخار ماده ۴، لوگر ماده ۵، پکتیکا ماده ۷، بلخ ماده ۱، بادغیس ماده ۱، بامیان ماده ۳، بغلان ماده ۱، بدخشان ماده ۲، فاریاب ماده ۲ بند ۱، کابل (۳۱ اسد ۱۳۹۸) ماده ۴ از عدم حضور نسل نو و جوانان انتقاد شده، بر حضور معنادار جوانان و زنان در پروسه و روند مذاکرات صلح تأکید صورت گرفته است.

در قطعنامه‌های جرگه‌ها و همایش‌های صلح ولایت کابل (۱۳ حوت ۱۳۹۸) ماده ۷، ننگرهار ماده ۴، خوست ماده ۶، فاریاب ماده ۱ بند ۱ و تخار ماده ۸ از ترکیب هیأت، عدم همسویی، وجود پراکندگی و بی‌برنامه‌گی، خودخواهی و منفعت طلبی در صف جمهوری انتقاد شده است.

در ماده ۴ قطعنامه جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت هلمند چنین آمده است: «از طرف‌های درگیر می‌خواهیم تا از اختلافات داخلی و ادبیات تنش‌زا جلوگیری کرده و به منافع ملی ترجیح دهند و تعصبات سمتی، زبانی و مذهبی را سرمشق خود قرار ندهند...» همچنان در قطعنامه‌های جرگه‌ها و همایش‌های صلح ولایت کندهار ماده ۱۱، جوزجان ماده ۱، میدان وردک ماده ۱۱، کندز مواد ۲ و ۳، لوگر ماده ۲، فاریاب ماده ۱ بند ۳، ماده ۲ بند ۴ و ماده ۶، پکتیا ماده ۴، نیمروز ماده ۴ بند ۴، هلمند ماده ۴، خوست مواد ۷، ۱۳ و ۱۴، بغلان ماده ۹، بادغیس ماده ۶، بامیان ماده ۵، ننگرهار مواد ۲ و ۴، تخار مواد ۳ و ۷، پکتیکا ماده ۴، سمنگان مواد ۸، ۱۲ و ۱۵، نورستان ماده ۴، بلخ مواد ۴ و ۹، ننگرهار ماده ۹، بدخشان مواد ۹ و ۱۱، غزنی ماده ۲، هرات ماده ۶، کابل (۱۳ حوت ۱۳۹۸) ماده ۲ از عدم انعطاف‌پذیری از جانب هیأت دولت جمهوری اسلامی افغانستان و تحریک اسلامی طالبان انتقاد صورت گرفته و از آن‌ها خواسته‌اند تا منافع ملی را راجح قرارداده و بخاطر منافع شخصی، حزبی و گروهی؛ روند مذاکرات صلح را اخلال، تأخیر و یا تخریب نمایند.

در ماده ۱ قطعنامه جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت لوگر آمده است که «ما باشندگان ولایت لوگر نسبت به سایر شهروندان کشور بیشتر از جنگ جاری در کشور متضرر شده‌ایم. ما سالیان متمادی با مشکلات اقتصادی، زراعتی و آموزشی مواجه هستیم. به همین دلیل از طریق این جرگه از حکومت افغانستان، تحریک طالبان و تمام جناح‌های دخیل در جنگ افغانستان می‌خواهیم تا هرچه زودتر آتش بس را برقرار کنند.» در ماده ۵ قطعنامه جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت هلمند چنین آمده است: «بحران بشری و انسان‌کشی، بیجاشدن خانواده‌ها، افزایش بیوه‌ها و یتیم‌ها، فقر، بحران اقتصادی، از بین رفتن تأسیسات عام المنفعه، و دور بودن جوانان از آموزش از جمله مواردی است که در نتیجه جنگ‌ها به ولایت هلمند آسیب رسانیده است.» همچنان در قطعنامه‌های جرگه‌ها و همایش‌های صلح ولایت نورستان مواد ۱ و ۶، جوزجان ماده ۶، لغمان مواد ۱، ۴، ۵ و ۶، ارزگان ماده ۶، زابل مواد ۲، ۴ و ۶، فراه ماده ۵، بغلان ماده ۱۵، کندز ماده ۷، بادغیس ماده ۷، ننگرهار مواد ۶ و ۲۰، بلخ ماده ۱۸، فاریاب ماده ۵، غزنی ماده ۷، هرات ماده ۱۲، پکتیا ماده ۲۱، خوست ماده ۲۱، غور ماده ۹، بدخشان مواد ۱۷، ۱۸ و ۱۹ از پیامدهای ناگوار جنگ بر مردم افغانستان انتقاد صورت گرفته است.

در قطعنامه جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت کندهار ماده ۵ چنین آمده است: «ما جوانان کندهار نمی‌خواهیم که در پروسه صلح بر حقوق ما معاملات پنهان صورت بگیرد. هر دو جناح گفتگوهای صلح، روند صلح افغانستان را روشن و شفاف کنند، ابهامات و رازهای پت و پنهان را برای افغان‌ها روشن کرده، به رسانه‌های بین‌المللی، ملی، محلی و نهادهای ناظر اجازه دهند تا در روند صلح افغانستان، افغان‌ها را به شکل همه‌جانبه آگاه بسازند.» در ماده ۸ جرگه لوگر چنین آمده است: «از حکومت افغانستان می‌خواهیم تا روند صلح کشور را برای تمام افغان‌ها روشن ساخته و هیچ نوع ابهام و عدم شفافیت در این روند برای ما قابل‌پذیرش نیست.» همچنان اعضای جرگه در قطعنامه‌های جرگه‌های صلح نسل نو و جوانان ولایت کندهار ماده ۶، فاریاب ماده ۶ بند ۲، هلمند ماده ۶، غور ماده ۱۰ و خوست ماده ۲۲ از مبهم بودن توافقات و مذاکرات صلح انتقاد کرده؛ خواهان وضاحت در این زمینه شدند.

### ۲-۳. خواست‌های نسل‌نو و جوانان

خواست‌های نسل‌نو و جوانان افغانستان از دولت و حکومت وقت، تحریک اسلامی طالبان، جامعه جهانی بخصوص ایالات متحده امریکا، کشورهای اسلامی، منطقه و همسایه مشتمل بر موارد ذیل بود:

#### ۲-۳-۱. حل منازعات از طریق مذاکره و توافق سیاسی

همانطور که بررسی نمودیم، منازعات مسلحانه قدرت‌جویانه افغانستان مبدل به تعاملات خصمانه قدرت و به یک دور باطل گراییده است. هرازگاهی وابسته به عوامل داخلی و بیرونی، جنگی ختم و جنگ دیگری دامنگیر افغانستان می‌شود. پیروزی از راه خشونت، غلبه نظامی و سرکوب ممکن نیست و اگر هم فراهم شود، پایداری نخواهد داشت. در نشست صلح دوحه، تمام جوانب اعم از حکومت، نمایندگان طالبان و کشورهای حامی صلح افغانستان اعتراف کردند که قضیه افغانستان راه حل نظامی ندارد. متأسفانه حرف و عمل یکی نبود. این طرف محمد اشرف غنی، رئیس جمهور وقت اعلام جنگ داد، آن طرف تحریک اسلامی طالبان نیز جنگ را شدت بخشیدند.

در قطعه‌نامه‌های مربوط به جرگه‌های صلح نسل‌نو و جوانان و همایش‌های صلح خواهی ضمن حمایت از صلح، بر حل منازعه افغانستان از طریق «توافق سیاسی صلح» تأکید شده است. نسل‌نو و جوانان افغانستان به این باور بودند و هستند که حل قضیه افغانستان و رسیدن به صلح و ثبات راه حل نظامی ندارد. از همین سبب تمام قطعه‌نامه‌های جرگه‌ها و همایش‌های صلح، تأکید بر حل قضایای افغانستان از طریق «مذاکره و گفتگو» دارد. در این ارتباط نسل‌نو و جوانان ولایت غور فراهم شدن بستر مذاکرات صلح را یک فرصت طلایی خوانده و می‌گویند: «پس از چندین سال جنگ، خشونت و نا امنی، باب گفتگو و مذاکره صلح بین جناح‌های درگیر تحریک اسلامی طالبان و حکومت جمهوری اسلامی افغانستان، با پا درمیانی قدرت‌های دخیل در جنگ و صلح افغانستان در سطح ملی و بین المللی باز گردیده که این یک فرصت طلایی در تاریخ سیاسی معاصر کشور به حساب می‌آید.»

در قطعه‌نامه‌های ولایت‌های زابل ماده ۱، ارزگان ماده ۲، سرپل ماده ۲، لوگر ماده ۳، کابل (۳۱ اسد ۱۳۹۸) ماده ۱ و کابل (۱۳ حوت ۱۳۹۸) ماده ۴ نسل‌نو و جوانان خواهان آغاز مذاکرات صلح با جانب تحریک اسلامی طالبان بوده و در قطعه‌نامه‌های ولایت‌های ارزگان ماده ۳، نورستان ماده ۳، کنر ماده ۲، نیمروز ماده ۱ بند ۱، تخار ماده ۷، سمنگان ماده ۳، کندز مواد ۱ و ۶، بغلان ماده ۲، پکتیا ماده ۱۹، فاریاب ماده ۴ بند ۱، کابل (۱۳ حوت ۱۳۹۸) ماده ۱ و در مقدمه قطعه‌نامه ولایت لوگر بر حل بحران و ختم جنگ از طریق مذاکره و تفاهم‌های سیاسی تأکید صورت گرفته است.

#### ۲-۳-۲. آتش‌بس و قطع دائمی جنگ در کشور

با مشخص شدن تاریخ خروج نیروهای ناتو به رهبری امریکا و خروج کامل سربازان امریکایی از افغانستان، توقع می‌رفت آتش‌بس کامل و سراسری میان دولت وقت و طالبان به وجود آید و یا حد اقل خشونت‌ها کاهش داده شود. چون دیگر از یک طرف بهانه‌ای برای در اشغال بودن کشور وجود نداشت. از جانب دیگر از دیدگاه اسلامی جنگ میان مسلمانان و کشتن مسلمان هر دو حرام است. تحمیل یک نظام و حکومت بر مردم بر خلاف اراده‌ی آنان مشروعیت ندارد و جنگ با قوای مسلح افغانستان بعد از صلح با امریکا، دیگر با مصداق همکاری با کفار توجیه پذیر نبود. از دیدگاه

عام مردم همچنان صلح با نیروهای خارجی و غیر مسلمان، اما جنگ با اتباع داخلی و مسلمانان افغانستان توجیه و منطق نداشت.

بدون شک، مردم مسلمان افغانستان اعم از زن و مرد، پیر و جوان، شهرنشین و روستانشین همه با چشیدن طعم تلخ جنگ، خونریزی، ویرانی، شکنجه، زجر و تحقیر بیشتر از چهل سال، هرگز تمایل به ادامه خونریزی‌ها و تداوم نابسامانی‌ها نداشته و ندارند. آتش‌بس، می‌توانست تصویر وطن دوستی، مردم دوستی، تعهد به صلح را از جوانب منازعه به اثبات برساند و پیش زمینه استقرار صلح و یک توافق جامع را فراهم نماید. نسل‌نو و جوانان افغانستان با درک پیامدهای ناگوار جنگ همچون از دست دادن هموطنان در طرف‌های جنگ، یتیم شدن کودکان و بیوه شدن زنان، ویرانی خانه‌ها و حتی از دست دادن حاصلات زراعتی‌شان و ده‌ها رنج و غم ناشی از جنگ اقدام به دادخواهی برای توقف جنگ، آتش‌بس و یا حداقل کاهش خشونت کرده‌اند.

قطعه‌نامه‌های جرگه‌ها و همایش‌های صلح نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان همایش‌ها، جرگه‌ها، نشست‌ها و راه‌پیمایی‌ها؛ برقراری «آتش‌بس فوری، دایمی و جامع» و یا حداقل «کاهش خشونت» را ضروری می‌دانستند. اینگونه تلاش‌ها و سایر دادخواهی‌ها منجر به گپ و گفت «آتش‌بس و کاهش خشونت» در جانب حکومت وقت، تحریک طالبان و حامیان بین‌المللی صلح شد، اما در عمل آتش‌بس و یا کاهش خشونت محقق نشد. برعکس، این طرف محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهور وقت «اعلام جنگ» داد، آن طرف نیروهای تحریک اسلامی طالبان با سرسختی ایدئولوژیک به جنگ علیه قوای مسلح دولت که خود آن را جهاد می‌پنداشتند، تا به گرفتن کابل و سقوط ولایت پنجشیر سرسختانه ادامه دادند.

کاهش خشونت و آتش‌بس در تمام قطعه‌نامه‌های جرگه‌ها و همایش‌های صلح آمده است. در ماده ۱ قطعه‌نامه جرگه صلح نسل‌نو و جوانان ولایت کندهار چنین آمده است: «از آنجایی که همین اکنون امریکا در پروسه صلح افغانستان به شکل مستقیم حضور ندارد، یگانه خواست جوانان کندهار از دولت افغانستان و تحریک اسلامی طالبان این است که هرچه زودتر آتش‌بس و بالاخره آتش‌بس دایمی را اعلام کنند. به جای جنگ، از سیاست گفتگو استفاده کنند، تا افغان کشی متوقف و به صلح دایمی برسیم.» و در ماده ۲ قطعه‌نامه جرگه صلح نسل‌نو و جوانان ولایت فراه آمده است که «مردم ولایت فراه بویژه جوانان این ولایت صمیمانه از تحریک اسلامی طالبان می‌خواهند تا آتش‌بس را به عنوان مقدمه‌ی مذاکرات و صلح پایدار بپذیرند. زیرا بدون اعلام آتش‌بس روند صلح به شدت خدشه‌دار خواهد شد.» همچنان نسل‌نو و جوانان در قطعه‌نامه‌های جرگه‌ها و همایش‌های صلح ولایت زابل ماده ۳، جوزجان ماده ۱، نورستان مواد ۱ و ۲، لغمان ماده ۱، سرپل ماده ۱، میدان وردک ماده ۱۰، خوست مواد ۱۰ و ۱۵، کنر ماده ۳، نیمروز ماده ۲ بند ۱، تخار ماده ۲، پکتیکا ماده ۱، فراه ماده ۴، سمنگان ماده ۲، بادغیس ماده ۲، هرات ماده ۵، کندز ماده ۷، بامیان ماده ۱، بغلان ماده ۵، پکتیا مواد ۷ و ۱۱، بدخشان مواد ۸ و ۱۰، فاریاب ماده ۲ بند ۱، کابل (۳۱ اسد ۱۳۹۸) ماده ۱، کابل (۱۳ حوت ۱۳۹۸) ماده ۴، لوگر ماده ۱، غور ماده ۲، هلمند مواد ۱ و ۲، ننگرهار ماده ۴، غزنی ماده ۶ و در مقدمه و نتیجه‌گیری قطعه‌نامه ولایت ارزگان خواهان آتش‌بس، قطع دایمی جنگ و پایان دادن به خونریزی‌ها در کشور شده‌اند.

### ۲-۳-۳. جلوگیری از تخریب تأسیسات عام‌المنفعه

تشدید جنگ، گرم شدن میدان تعرض و دفاع و دست‌به‌دست شدن مناطق و تأسیسات عام‌المنفعه به دست قوای مسلح دولت جمهوری و نیروهای تحریک طالبان، تخریب تأسیسات عام‌المنفعه همچون تعمیر مکاتب، تعمیرهای برخی ولسوالی‌ها، تأسیسات نظامی، پل‌ها و حتی جاده‌ها را در پی داشت. بسیاری تأسیسات عام‌المنفعه تخریب یا به آتش کشیده می‌شد و یا اموال آن چور و چپاول می‌شد. این عمل شنیع، از جانب مردم مورد نکوهش قرار گرفت. گروه تماس نیز طی اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های جرگه‌ها و همایش‌های صلح در مورد جلوگیری از تخریب، چور و چپاول تأسیسات و اموال عام‌المنفعه صدا بلند کردند. در چندین قطعنامه این حرکت از جانب حکومت وقت و تحریک طالبان خواسته شده است که از تخریب تأسیسات عام‌المنفعه و چپاول شدن اموال دولتی جلوگیری نمایند. به باور نسل‌نو و جوانان افغانستان تصرف اموال، دارایی و ملکیت دولت مربوط به همه مردم افغانستان بوده و از دایره «غنیمت جنگی» خارج است.

در ماده دهم قطعنامه جرگه صلح نسل‌نو و جوانان ولایت ننگرهار آمده است که «ما از هر دو طرف جنگ می‌خواهیم که از تخریب نهادهای عامه و تأسیسات ملی جلوگیری کنند. به ارزش‌های ملی، فرهنگی و مقدرات اسلامی احترام بگذارند.» همچنان در ماده هشتم قطعنامه جرگه صلح نسل‌نو و جوانان ولایت کندهار آمده است: «از دولت افغانستان و تحریک اسلامی طالبان تقاضا داریم تا بجای از بین بردن نظام، به منظور آوردن اصلاحات در ساختار بر صلاحیت‌های حقوقی تمرکز کنند. برای اصلاح قانون اساسی و سایر قوانین در روشنایی اصول و نصوص دین مقدس اسلام تلاش صورت گیرد، از تخریب تأسیسات ملی و عامه جلوگیری صورت گیرد. تحریک اسلامی طالبان منحصراً یک طرف گفتگوهای صلح، سیاست خارجی خود را واضح کرده تا در روند پسا صلح استراتژی‌ی شان برای مردم افغانستان روشن باشد.» همچنان در قطعنامه ولایت نورستان ماده ۱۰ و ولایت پکتیا ماده ۱۳ بر جلوگیری از تخریب تأسیسات عام‌المنفعه تأکید صورت گرفته است.

### ۲-۳-۴. حمایت از نظام و دولت همه شمول

نوعیت و ماهیت نظام یکی از موضوعات مورد منازعه میان جوانب درگیر در منازعات افغانستان بوده است. در نیم قرن اخیر نظام‌ها و ساختارهای سیاسی گوناگون در افغانستان تجربه شده است، اما هیچ کدام نتوانسته است که تمام جوانب منازعات را دور دست‌خوان قدرت جمع نماید. نظام‌های که در افغانستان ناکام شد، در جوامع دیگر موفق واقع گردیده‌اند. یکی از دلایل عدم کارآمدی نظام‌ها و ساختارها از یک‌جانب عدم شکل‌گیری آن‌ها براساس توافق همه جوانب و میکانیزم‌های مشخص مشارکت در قدرت و تصمیم‌گیری‌ها بوده و از جانب دیگر تحمیل خواسته‌ها، ارزش‌ها و خواهشات یک یا چند جانب بر یک یا چند جانب دیگر بوده است. از این‌رو به نظر می‌رسد که نظام و ساختاری در افغانستان کارآمد واقع خواهد شد که در نتیجه توافق میان جوانب و در مشوره با مردم افغانستان ایجاد شود.



از قطعنامه‌های همایش‌ها و جرگه‌های صلح نسل‌نو و جوانان چنین استنباط می‌شود که نسل‌نو و جوانان به دنبال نظام و دولت همه شمول مبتنی بر اراده مردم هستند که در آن همه جوانب تحت یک چتر بزرگ ملی و اسلامی قابل جمع باشند.

به صورت عموم در قطعنامه‌های جرگه‌ها و همایش‌های صلح آمده است که آن‌ها از نظام حمایت می‌نمایند که مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و ملی باشد و از «توافق سیاسی صلح» حاصل شود و تأیید «لوی جرگه قابل قبول برای همه افغان‌ها» یا «همه پرسی و رفراندوم» و یا سایر میکانیسم‌های قابل قبول را بگیرد. با این حال چنین یک تفکیک ظریف در قطعنامه‌های مذکور به مشاهده می‌رسد:

- ۱) شماری از قطعنامه‌ها بر ایجاد نظام سیاسی همه شمول تأکید دارند که مبتنی بر ارزش‌های اسلامی باشد.
  - ۲) تعدادی از قطعنامه‌ها بر حمایت از نظام جمهوری مبتنی بر قانون اساسی؛ سازگار با ارزش‌های اسلامی و راه‌میانه برای جمع کردن همه جوانب با اصلاحات جزئی در راستای رفع نگرانی جانب منازعات تأکید دارد.
- نسل‌نو و جوانان در قطعنامه‌ها اظهار کرده‌اند که نظام باید مشروعیت مردمی و دینی داشته باشد. انتخابات بحیث میکانیسم مشارکت در قدرت و مشروعیت دهی به نظام باید موجود باشد. جوانب منازعات باید از راه رقابت مسالمت آمیز و خشونت پرهیز به قدرت برسند.

در ماده ۱ قطعنامه جرگه صلح نسل‌نو و جوانان ولایت غور آمده است که آن‌ها از نظام مبتنی بر ارزش‌های اسلامی که در آن حق و حقوق تمام شهروندان این سرزمین تأمین و تضمین شده باشد، حمایت می‌نمایند. همچنان در قطعنامه‌های ولایت نیمروز ماده ۲ بند ۵ و فاریاب ماده ۴ بند ۳ بر ایجاد نظام و ساختار همه شمول تأکید دارند. در ماده ۳ قطعنامه جرگه صلح نسل‌نو و جوانان ولایت پکتیکا آمده است: «در کشور نظام اسلامی و ملی ایجاد گردد، که به هیچ جناح وابسته نبوده، ارزش‌های اسلامی، ملی، فرهنگی، سیاسی و سایر ارزش‌ها رعایت شود، دست آوردهای گذشته کشور صیانت شده و به خواست و اراده ملت به میان آید.» و در ماده ۷ قطع نامه جرگه صلح نسل‌نو و جوانان بلخ چنین آمده است: «ما از طرف‌های درگیر می‌خواهیم تا برای ایجاد حکومت همه شمول، مشترک و سراسر که در آن ارزش‌های مادی و معنوی مردم افغانستان حفظ باشد، تلاش کنند.»

اما در قطعنامه‌های جرگه‌های صلح نسل‌نو و جوانان ولایت‌های بامیان ماده ۲، خوست ماده ۱۱، هلمند ماده ۱، پکتیا ماده ۷، هرات ماده ۱، کابل (۱۳ حوت ۱۳۹۸) ماده ۶ و در مقدمه و ماده ۶ همایش کابل (۳۱ اسد ۱۳۹۸) بر حفظ نظام جمهوری، ساختار دموکراتیک و متکثر، رعایت ارزش‌های اسلامی و اصلاحات در راستای رفع نگرانی جانب منازعه تأکید شده است.

### ۲-۳-۵. حمایت از انتخابات و قانون اساسی

میکانیسم مشارکت در قدرت و مبنای تأسیس دولت، مشروعیت دولت، تفکیک وظایف میان بخش‌های مختلف دولت و حقوق اتباع موضوعاتی است که از دیر وقت بحیث یک چالش فراراه نظام‌ها قرار دارد. از این‌رو در اکثریت مطلق دولت‌های مدرن «انتخابات» بحیث یکی از روش کسب مشروعیت مردمی، مشارکت در قدرت و رقابت سیاسی

مسالمت‌آمیز برگزیده شده است. همچنان قانون اساسی بحیث مبنای مشروعیت اقتدار، مبنای تأسیس دولت، تنظیم وظایف دولت، تأمین حقوق اتباع، تعامل مثبت با جهان پذیرفته شده است.

یکی از خواست‌های مهم و اساسی نسل نو و جوانان در جرگه‌ها و همایش‌های صلح، «انتخابات» و «قانون اساسی» است. اشتراک‌کنندگان جرگه‌ها و همایش‌ها بر برگزاری «انتخابات» در کشور تأکید می‌نمایند. در ماده ۱۱ قطعنامه جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت ننگرهار آمده است که «ما از تحریک اسلامی طالبان می‌خواهیم که برای به قدرت رسیدن پس از توافق صلح، راه‌های سیاسی، مدنی و انتخاباتی را در پیش گیرند.» و در ماده ۱۲ قطعنامه جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت خوست آمده است: «از طالبان می‌خواهیم تا آتش‌بس نموده و از طریق انتخابات آزاد به قدرت برسند.» در قطعنامه‌های ولایت هرات ماده ۱۱، میدان وردک ماده ۶، بامیان ماده ۲، بدخشان ماده ۸، کابل (۳۱ اسد ۱۳۹۸) ماده ۶ بر مراجعه به خواست مردم، نظام مبتنی بر آرا و به قدرت رسیدن از طریق انتخابات تأکید دارند.

همچنان در مورد «قانون اساسی» در قطعنامه‌ها دو دسته نظریات مشاهده می‌شود. بیشتر نظریات بر حفظ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۲ تأکید دارند و در تعدادی قطعنامه‌ها به تعدیل قانون اساسی به هدف رسیدن به صلح اشاره شده است. در رابطه به قانون اساسی در ماده ۸ قطعنامه جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت کندهار آمده است که «از دولت افغانستان و تحریک اسلامی طالبان تقاضا داریم تا بجای از بین بردن نظام، به منظور آوردن اصلاحات در ساختار بر صلاحیت‌های حقوقی تمرکز کنند. برای اصلاح قانون اساسی و سایر قوانین در روشنایی اصول و نصوص دین مقدس اسلام تلاش صورت گیرد...» در قطعنامه‌های جرگه صلح نسل نو و جوانان-هرات ماده ۳، کابل (۳۱ اسد ۱۳۹۸) ماده ۶، کابل (۱۳ حوت ۱۳۹۸) ماده ۶، نورستان ماده ۷، بامیان ماده ۲ و بدخشان ماده ۳ بر حفظ و حمایت از «قانون اساسی افغانستان» تأکید شده است.

### ۲-۳-۶. حفظ دستاوردهای دو دهه اخیر

در طول دو دهه اخیر با وجود منازعات و مشکلات گسترده، دولت و مردم افغانستان دست‌آوردهای زیادی داشته‌اند. از این‌رو در مواد قطعنامه‌های جرگه‌ها و همایش‌های صلح به صورت جامع بر حفظ آن‌ها در پروسه‌های صلح تأکید شده است. مصداق دستاوردهای بیست سال اخیر از قطعنامه‌های این حرکت، چنین برداشت می‌شود:

در بخش سیاسی در حوزه داخلی داشتن نظام و قانون اساسی، تفکیک قوا، شکل‌گیری میکانیزم‌های مشارکت قدرت، رای و انتخابات، باورمندی به رقابت مسالمت‌آمیز، اجتناب از تعاملات خصمانه و خشونت فزینگی و جنگ برای رسیدن به کرسی، مشارکت سیاسی زنان و جوانان، فعالیت سیاسی احزاب، گروه‌ها و فعالان سیاسی، از جمله دستاوردهای دو دهه اخیر شمرده می‌شود. در حوزه سیاست خارجی، افغانستان در دوره حاکمیت مجاهدین وقت و امارت اسلامی وقت در انزوای جهانی به سر می‌برد. اما در بیست سال اخیر با تعامل مثبت با کشورهای جهان، اعتبار بخشی و تثبیت نسبی جایگاه افغانستان در جامعه جهانی، تعهدات بین‌المللی و روابط و تعاملات گسترده با کشورهای همسایه، منطقه و جهان صورت گرفته است، البته مشکلات و عدم توازن در سیاست داخلی و خارجی و بخصوص

سیاست خارجی در قبال کشورهای همسایه و منطقه وجود داشت، با آن هم حفظ، اصلاح و توسعه این دستاورد به افغانستان پسا منازعه ظرفیت و قوت بیشتر می‌بخشد.

در بخش اقتصادی؛ افغانستان در بیست سال اخیر در بخش سرمایه‌گذاری خصوصی، روابط تجاری با کشورهای همسایه و منطقه، از بین بردن انحصار ترانزیتی و تجارتي و بازاریابی برای برخی اقلام صادراتی افغانستان در وضعیت بهتری نسبت به گذشته قرار گرفت. طور نمونه حفظ ثبات نسبی اقتصادی، سرمایه‌گذاری در حوزه ترانسپورت هوایی، خدمات نسبی برق، خدمات مخابرات و انترنت، توجه به زراعت و مالداري، تأسیس تعدادی زیرساخت‌های شهری، عیار ساختن نسبی گمرکات با معیارهای جهانی، جلب سرمایه‌گذاری در سکتورهای معدن، شهرسازی، محیط زیست، توسعه فابریکات و پارک‌های صنعتی، حمایت از صنایع دستی و موارد دیگر دستاوردهای خوبی داشته است. این دستاوردها نه تنها نیاز به حفظ، بلکه نیاز به توسعه و گسترش بیشتر دارد.

در بخش اجتماعی؛ تعاملات اقوام و مذاهب، آزادی برپایی مراسم و مناسک دینی، بهبود روابط اجتماعی، خشونت پرهیزی در میان مردم عوام، دادخواهی‌های خشونت پرهیز، بازگشت مهاجرین، پدید آمدن احزاب سیاسی، ایجاد نهادهای مدنی، دسترسی به خدمات آموزشی معارف و تحصیلات عالی برای دانش آموزان ذکور و اناث، حضور اجتماعی زنان، بهبود خدمات صحتی، تقویت نظام ورزشی، بهبود وضعیت محیط زیستی دستاوردهای مهم داشته است. در این زمینه تعدادی قطعنامه‌های صلح نسل‌نو جوانان از عدم توجه کافی و لازم دولت و رسانیدن خدمات در سطح قریه بحيث یک چالش یاد می‌نمایند. لذا، در پروسه صلح بر لزوم دستاوردهای اجتماعی و توسعه آن در سطح قریه تأکید شده است.

آزادی بیان و رسانه؛ بخش دیگری از دستاوردهای بیست سال اخیر در قطعنامه‌های جرگه‌ها و همایش‌های صلح خوانده شده است. افغانستان در زمینه رسانه‌های چاپی، شنیداری و دیداری و آزادی بیان طور قابل ملاحظه نسبت به گذشته و نسبت به کشورهای همسایه و منطقه رشد داشته است. از این‌رو حفظ و حمایت از آزادی بیان و رسانه در قطعنامه‌ها تأکید شده است.

حفظ نظام و قوای مسلح؛ قوای دفاعی و امنیتی افغانستان با سرمایه‌گذاری، فراگیری آموزش‌های مسلکی و با رشادت و قربانی زیاد شکل گرفته بود. این حرکت از سابقه از هم پاشیدن قوای مسلح خاطرۀ نیک به دست نمی‌دهند. از این‌رو در قطعنامه‌های جرگه‌ها و همایش‌های صلح بر حفظ قوای دفاعی و امنیتی تأکید شده است. اما در عمل آنچه اتفاق افتاد، همه را حیرت زده کرد. چون همه اقشار جامعه، حکومت وقت و کشورهای حامی صلح افغانستان بر لزوم حفظ قوای امنیتی و دفاعی تأکید داشتند، اما قوای امنیتی و دفاعی طور غیرقابل پیش‌بینی تسلیم داده شدند و یا سلاح‌شان را بر زمین گذاشته، تسلیم و متواری شدند.

در قطعنامه‌ها از حکومت وقت، جانب تحریک اسلامی طالبان، امریکا و کشورهای تسهیل‌کننده روند صلح افغانستان خواسته شده است که دستاوردها قربانی صلح نشود. از دید نسل‌نو و جوانان افغانستان نادیده گرفتن دستاوردها استقرار صلح و ثبات پایدار را در پی‌ندارد و باعث عقب‌گرد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خواهد شد.

در قطعنامه‌های همایش‌ها و جرگه‌های صلح نسل‌نو و جوانان ولایت‌های کنر ماده ۶، جوزجان ماده ۱، نورستان ماده ۱۲، میدان وردک ماده ۹، فراه ماده ۱ بند ۲، سمنگان ماده ۷، کندز ماده ۱، پکتیا ماده ۱، فاریاب ماده ۲ بند ۲، تخار ماده ۱، کندهار ماده ۴، بادغیس ماده ۶، پکتیکا ماده ۶، بلخ مواد ۲ و ۶، غور ماده ۳، هلمند ماده ۱، نیمروز ماده ۱ بندهای ۳ و ۴، بامیان ماده ۲ و بدخشان ماده ۳ بر حفظ دستاوردهای دو دهه و همچنان در قطعنامه‌های ولایت کابل (۳۱ اسد ۱۳۹۸) ماده ۱۰، کابل (۱۳ حوت ۱۳۹۸) ماده ۸ و میدان وردک ماده ۱، بر حفظ، تقویت و غیر سیاسی سازی قوت‌های امنیتی و دفاعی افغانستان تأکید صورت گرفته است.

در قطعنامه‌های ولایت کنر مواد ۶ و ۱۰، کابل (۳۱ اسد ۱۳۹۸) ماده ۹، بلخ ماده ۳، میدان وردک ماده ۴، بغلان ماده ۱۰، نیمروز مواد ۱ و ۲ بندهای ۳ و ۴، پکتیا ماده ۱۲، ننگرهار مواد ۳ و ۷، و ماده ۳ قطعنامه غور بر حفظ دستاوردهای چون ساختار سیاسی، نظام تعلیمی، آزادی بیان، مطبوعات، حقوق زنان، حقوق اقلیت‌های قومی و حفظ سیستم آموزشی، سیستم خدمات ملکی و سایر نهادهای ملی بحیث دستاوردهای دو دهه اخیر تأکید شده است.

### ۲-۳-۷. حقوق زنان

حقوق زنان با اینکه در بخش دستاوردها و حقوق اجتماعی مطرح می‌باشد. اما در تمام قطعنامه‌های همایش‌ها و جرگه‌های صلح نسل‌نو و جوانان، به صورت اختصاصی مورد توجه قرار گرفته است. در دو دهه اخیر افغانستان در زمینه حقوق زنان دستاوردهای قابل ملاحظه‌ای در حوزه توانمند سازی اقتصادی، مشارکت سیاسی و اجتماعی، کار، آموزش و موقف‌های سیاسی داشته است.

در قطعنامه‌های جرگه‌ها و همایش‌های صلح ولایت جوزجان ماده ۴، نورستان ماده ۹، میدان وردک ماده ۳، کنر ماده ۱۰، لوگر ماده ۵، بلخ ماده ۵، غور مواد ۳ و ۵، کابل (۳۱ اسد ۱۳۹۸) ماده ۸، کابل (۱۳ حوت ۱۳۹۸) ماده ۱۲، هلمند ماده ۱، بامیان ماده ۲، ننگرهار ماده ۷، پکتیا ماده ۱۲، کندز ماده ۱، بغلان ماده ۱۰، هرات مواد ۳ و ۸، نیمروز ماده ۱ بند ۴ و ماده ۲ بند ۳، بلخ ماده ۳ و پکتیکا ماده ۶ بر حفظ حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان تأکید شده است.

در ماده ۲ قطعنامه جرگه صلح نسل‌نو و جوانان ولایت بامیان آمده است: «ما خواهان حفظ دستاوردهای دو دهه‌ای اخیر، حفظ نظام جمهوریت و مبتنی بر آرای مردم، حفظ و در نظر گرفتن حقوق اساسی اتباع در قانون اساسی و قانون‌مداری دینی اعتدال‌گرایانه، حقوق اقلیت‌ها، اقشار محروم و زنان افغانستان استیم.» و در ماده ۸ همایش کابل (۳۱ اسد ۱۳۹۸) آمده است: «حراست از حقوق و آزادی‌های اساسی زنان (حق تعلیم، تحصیل، کار و مشارکت فعال در عرصه‌های مدنی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و سیاسی)». همچنان در ماده ۱ قطعنامه جرگه صلح نسل‌نو و جوانان ولایت کندز آمده است: «دستاوردهای دو دهه اخیر، حقوق زنان، اقلیت‌های قومی و مذهبی حفظ و از فرصت پیش آمده برای پایان جنگ و تأمین صلح دایمی استفاده شود.»

### ۲-۳-۸. نظارت و گزارش از پروسه صلح

نسل نو و جوانان و همه مردم افغانستان مشتاق روزی بودند و استند که صلح در تمام نقاط افغانستان نهادینه و تأمین شود. در روند مصالحه افغانستان متأسفانه کج روی و انعطاف ناپذیری زیادی از طرف جوانب اشتراک کننده وجود داشت. نسل نو و جوانان افغانستان از این که از پروسه به دور بودند و آنچه در رسانه ها می آمد، در بسیار موارد خلاف آنچه بود که مردم به چشمان خود در میدان جنگ می دیدند. طور نمونه: در بیانیه های حکومت وقت و جانب تحریک طالبان بر «حل مسائل از طریق مذاکره» تأکید می شد و جوانب اعتراف می کردند که «قضیه افغانستان راه حل نظامی ندارد.» اما در عمل جنگ تشدید می یافت. تناقض میان «گفتار تا عمل» بسیار زیاد بود و تفکیک میان سلامت و ملامت هم کاری سختی بود. از این رو نسل نو و جوانان بر نظارت از روند صلح و گزارش دهی به مردم تأکید داشتند.

در قطعه نامه های جرگه ها و همایش های صلح آمده است که پروسه صلح توسط نسل نو و جوانان، مردمان محل، رسانه ها، سازمان ملل متحد و کشورهای اسلامی باید نظارت شود. همچنان در تعدادی از قطعه نامه های این حرکت آمده است که واحد صلح سازمان ملل متحد و کشورهای همسایه و منطقه اجرای موافقت نامه صلح را تضمین نمایند. در تعدادی از قطعه نامه ها آمده است که پاسخگویی و گزارش دهی از پروسه باید به مردم وجود داشته باشد و مذاکرات هم دور از دید رسانه ها نباشد. بصورت عموم سه نوع نظارت از پروسه و تطبیق موافقت نامه در قطعه نامه های جرگه ها و همایش های صلح یاد آوری شده است:

(۱) نظارت داخلی توسط نسل نو و جوانان

(۲) نظارت توسط رسانه ها و از آن طریق نظارت توسط مردمان محل

(۳) نظارت توسط سازمان ملل متحد، کشورهای اسلامی و نهادهای بی طرف

در قطعه نامه های جرگه های صلح نسل نو و جوانان ولایت های ننگرهار ماده ۲۱، غزنی ماده ۸، کابل (۱۳ حوت ۱۳۹۸) ماده ۷، کندز ماده ۱۱، فراه ماده ۶، بدخشان ماده ۲۰، بامیان ماده ۱۰، بلخ ماده ۱۷، لغمان ماده ۳، لوگر ماده ۴، بغلان ماده ۱۶ و نیمروز ماده ۶ بند ۶ بر ایجاد میکانیزم نظارتی صلح در محوریت جوانان تأکید دارند.

در قطعه نامه های جرگه های صلح نسل نو و جوانان ولایت های خوست ماده ۲۲، جوزجان ماده ۷، کندهار ماده ۵، هرات ماده ۱۳، هلمند ماده ۶، ننگرهار ماده ۲۲، سمنگان ماده ۱۶، بلخ ماده ۱۹، پکتیا ماده ۲۲ و لوگر ماده ۶ بر نظارت از پروسه صلح توسط رسانه ها و مردم تأکید شده است. در قطعه نامه های جرگه های صلح نسل نو و جوانان ولایت های پکتیکا مواد ۲ و ۵، کندز ماده ۱۲، بامیان ماده ۱۳، بدخشان ماده ۱۴، فاریاب ماده ۶ بند ۵ و نیمروز ماده ۶ بند ۳ بر نظارت توسط نهادهای بین المللی، سازمان ملل متحد و کشورهای اسلامی تأکید شده است.

در قطعه نامه های جرگه های صلح نسل نو و جوانان ولایت های خوست ماده ۱۹، فاریاب ماده ۶ بند ۴ و بادغیس ماده ۸ بر ایجاد کمیته نظارت تأکید شده است. همچنان در قطعه نامه های جرگه های صلح نسل نو و جوانان ولایت های هلمند ماده ۴، ننگرهار ماده ۱۳، غزنی ماده ۳، خوست ماده ۱۷، کندهار ماده ۹، هرات ماده ۱۰، بلخ ماده ۱۰ و پکتیا ماده ۲۰ بر تضمین پروسه صلح توسط سازمان ملل متحد، کشورهای اسلامی، منطقه و جهان اشاره شده است.

### ۲-۳-۹. دوام همکاری، حمایت‌های مالی و روابط دوستانه با جامعه جهانی

دولت افغانستان با منابع مالی و عواید بسیار محدود، اما بودجه و مصارف هنگفت نیاز دارد. فقر، بیکاری، مشکلات اقتصادی، توسعه نیافتگی، مبارزه با امراض، ادامه و توسعه خدمات عامه و فراهم آوری نیازمندی‌های حکومت‌داری در بخش ملکی، نظامی، قضایی و مصارف دیگر همچنان دامنگیر جامعه است. فراهم آوردن این‌ها با منابع عواید داخلی ممکن و میسر نیست. از این‌رو مردم و دولت افغانستان به دسترسی به میکانیزم‌های مالی جهانی و حمایت مالی کشورها نیاز دارد.

در اکثر قطعنامه‌های جرگه‌ها و همایش‌های صلح بر دوام همکاری، کمک‌ها و تلاش‌های جامعه جهانی بخاطر رسیدن به صلح پایدار، ایجاد و تقویت دولت با ثبات، تقویت زیرساخت‌های اقتصادی، توسعه و انکشاف و عبور از بحران دیرگذر تأکید شده است. در ماده پنجم قطعنامه جرگه صلح نسل‌نو و جوانان ولایت پکتیکا آمده است: «...امریکا باید با نظارت جامعه جهانی، سازمان ملل، سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی و کشورهای همسایه به شکل مشترک تلاش‌های صادقانه را برای صلح افغانستان انجام داده و بحران افغانستان را برای همیشه حل کنند، کمک‌های مالی خود را برای انکشاف افغانستان در آینده هم جاری نگهدارد.» همچنان در قطعنامه‌های جرگه‌های صلح نسل‌نو و جوانان ولایات غور ماده ۸، بامیان ماده ۹، ننگرهار ماده ۱۲ و پکتیا ماده ۱۶ از سازمان ملل متحد، کشورهای اسلامی، منطقه و جهان خواسته‌اند که کمک‌های مالی‌شان به افغانستان را ادامه دهند.

در ماده ۹ قطعنامه جرگه صلح نسل‌نو و جوانان ولایت هرات آمده است: «ما از جامعه جهانی می‌خواهیم تا رسیدن به صلح پایدار، توسعه و انکشاف همه جانبه، در کنار مردم افغانستان قراردشته و از تمام ابزارهای دیپلوماتیک برای ختم جنگ چهل ساله در این کشور استفاده نماید.» همچنان در ماده ۴ قطعنامه ولایت کندز نیز آمده است: «ما از جامعه جهانی بخصوص ایالات متحده امریکا، کشورهای اسلامی و کشورهای همسایه می‌خواهیم تا مردم افغانستان را برای به نتیجه رسیدن مذاکرات صلح همکاری کنند.» و در ماده ۱۲ قطعنامه ولایت بغلان چنین آمده است: «از جامع جهانی و کشورهای همسایه می‌خواهیم تا به استقلالیت و ارزش‌های ملی مردم افغانستان احترام بگذارند و مردم افغانستان را در زمینه رسیدن به صلح کمک کنند.» همچنان نسل‌نو و جوانان در قطعنامه‌های ولایت جوزجان ماده ۳، بغلان ماده ۱۳، فراه ماده ۳، خوست ماده ۲۰، هلمند ماده ۳، پکتیا ماده ۱۷ و در ماده ۱۱ ولایت سمنگان از جامعه جهانی به خصوص ایالات متحده امریکا می‌خواهند تا به منظور حمایت از روند صلح افغانستان بر کشورهای همسایه فشار وارد کنند.

در قطعنامه‌های ولایت غزنی ماده ۵، لوگر ماده ۹، نیمروز ماده ۳ بندهای ۱، ۲ و ۳، سمنگان مواد ۵ و ۶، خوست ماده ۱۶، فاریاب ماده ۳ بندهای ۴، ۵ و ۶، بادغیس مواد ۳، ۴ و ۵ و جوزجان ماده ۳ نیز بر دوام همکاری جامعه جهانی و اعمال فشار آنان بالای طرف‌های درگیر برای به نتیجه رسیدن مذاکرات و استقرار صلح و ثبات پایدار در افغانستان تأکید صورت گرفته است.

در ماده ۱۲ قطعنامه همایش ولایت کابل (۳۱ اسد ۱۳۹۸) آمده است: «حفظ، تدوام، طرح و توسعه همکاری‌های دوستانه با کشورهای اسلامی، کشورهای منطقه به خصوص چین و روسیه و همسایگان براساس منافع ملی دو طرف.»

و در ماده ۱۱ قطعنامه همایش کابل (۳۱ اسد ۱۳۹۸) نیز آمده است: «... ادامه همکاری و روابط دوستانه و استراتژیک با ایالات متحده امریکا، جامعه جهانی و نهادهای بین المللی بر اساس تعریف توافقات جدید با تأیید لویه جرگه همه شمول» و همچنان در ماده ۱۰ همایش کابل (۱۳ حوت ۱۳۹۸) بر ادامه روابط دوستانه با کشورهای همسایه بر اساس منافع ملی متقابل تأکید صورت گرفته است.

قرار بررسی ها قطعنامه های همایش ها و جرگه های صلح نسل نو و جوانان از نظر ساختاری از سه بخش مقدمه، متن و نتیجه تشکیل شده است. مقدمه مشتمل بر بررسی اجمالی مشکلات، عوامل بحران ساز، دلایل برگزاری جرگه ها و همایش ها است. متن قطعنامه ها مشتمل بر «خواست ها» و «نقد اصلاح طلبانه» به جانب حکومت وقت، تحریک طالبان، امریکا و کشورهای تسهیل کننده است که به ادبیات قانون نویسی به صورت ماده وار تحریر شده است. اما نتیجه گیری قطعنامه ها؛ اصولاً مشتمل بر اتمام حجت، تهدید، ضرب العجل و رفع مسوولیت است. از این منظر خلای منطقی و آمیختگی در اغلب قطعنامه های نسل نو و جوانان دیده می شود. چون نسل نو و جوانان جز کنفرانس، راه پیمایی و تظاهرات اهرم فشار دیگر بر حکومت وقت، طالبان، امریکا و کشورهای تسهیل کننده پروسه صلح نداشتند.

## ۶. مصاحبه گروهی

این مصاحبه با در نظر داشت تحولات سیاسی اخیر (۲۴ اسد ۱۴۰۰ - ۱۵ اگست ۲۰۲۱) در کشور، میان تحلیلگر این رساله تحقیقی بحیث «گرداننده» و شماری از اعضای رهبری گروه تماس برای صلح و جرگه صلح نسل نو و جوانان بحیث «مصاحبه شونده» از ۱۳ سرطان ۱۴۰۱ ه.ش تا ۹ اسد ۱۴۰۱ ه.ش بصورت مصاحبه گروهی انجام شده است. مصاحبه شوندهگان شامل افراد ذیل می شوند:

محمد سنگر امیرزاده رییس گروه تماس و رییس پیشین شبکه اصلاح و تغییر، خلیل احمد متین معاون گروه تماس، احسان الله حکمت رییس دفتر ارتباطات، رسانه ها و سخنگوی، همایون میاخیل مسوول کمیته هماهنگی و جمع آوری معلومات، احمد بکتاش بریالی مسوول دفتر هماهنگی با قربانیان جنگ، وحیدالله سهیل مسوول کمیته حقوق بشر، محمد فهیم کریمی سخنگو و معاون دفتر ارتباطات، رسانه ها و سخنگویی، محمد علی فطرت، اجمل سائیس، مهنا سوله نیازی، میترا همت، ضیاءالدین جهش، حمید الله مسرور، سونیا احمدی، توریالی هلمند، رقیه غر جستانی، جان محمد جاهد، شبنم شایگان ساعی، محمد اقبال سخی، جهانزبیب شریفی، نثار احمد آزاد، سید نورالله باعث، سید جمال الدین آصف خیل، لینا حیدری، ساجد الله افغانمل، فروزان آریا، محمد همدرد، امان الله رهگذر، آرش بشریار، محمد اکمل مونس، خلیل الله وهمنش، ظاهر محبوب، حبیب الله اکمل، روکی مصلح، حنیف الله شهاب پشه‌یی و عبدالستار شمال اعضای رهبری گروه تماس و جرگه صلح نسل نو و جوانان.

این مصاحبه به دنبال یافتن تازه ها از دیدگاه نسل نو و جوانان در شش محور مشتمل بر عوامل ناکامی پروسه صلح دوحه، عوامل منازعات دیرگذر و تعاملات خصمانه قدرت در افغانستان، نقش موقعیت جغرافیایی افغانستان در تعاملات خصمانه قدرت، نقش توسل به قوم، مذهب و زبان در دوام تعاملات خصمانه و خشونت های فرهنگی، جزئیات نشست

شماری از اعضای رهبری گروه تماس با زلمی خلیلزاد، نماینده پیشین وزارت خارجه ایالات متحده امریکا برای صلح افغانستان و دیدگاه آن‌ها راجع به آینده صلح و ثبات پایدار در افغانستان طرح شده است.

### ۳-۱. عوامل ناکامی پروسه‌های صلح

قرار بررسی‌ها؛ پروسه‌های صلح افغانستان در نیم قرن اخیر فراز و نشیب‌های زیادی را پیموده است. در دو دهه اخیر در کنار جنگ، تلاش‌های زیادی در راه تامین صلح انجام شده است. بدون شک، جنگ از جوانب منازعات و مردم افغانستان قربانی بی‌شمار گرفته است. سرانجام، یکی از جدی‌ترین تلاش‌های صلح، پروسه صلح دوحه بود. متأسفانه پروسه صلح دوحه نیز منجر به توافق سیاسی صلح میان جانب دولت جمهوری اسلامی افغانستان و جانب تحریک اسلامی طالبان نشد. از این‌رو از مصاحبه شوندگان، راجع به عوامل ناکامی پروسه صلح دوحه پرسیده شده است.

**گرداننده:** شما می‌دانید که با گسترش دامنه حاکمیت جانب تحریک اسلامی طالبان از ولایات به کابل و فرار داکتر محمد اشرف غنی رئیس جمهور پیشین، صلح‌سازی افغانستان بدون نتیجه ماند. به نظر شما عوامل نافرجام ماندن پروسه صلح افغانستان در دوحه چه بود؟

از نظر مصاحبه شوندگان عوامل ناکامی پروسه صلح افغانستان در دوحه به سه جانب مشتمل بر ایالات متحده امریکا و کشورهای دخیل در پروسه، صف جمهوریت و حکومت وقت، و تحریک اسلامی طالبان بر می‌گردد، جزئیات پاسخ مصاحبه شوندگان به پرسش فوق قرار شرح ذیل است:

### اول، در حاشیه ماندن حکومت وقت و سایر جوانب تاثیرگذار

به نظر مصاحبه شوندگان یکی از عوامل به نتیجه نرسیدن پروسه صلح افغانستان در دوحه، در حاشیه ماندن صف جمهوریت است. مصاحبه شوندگان معتقدند که پروسه صلح دوحه هیچ‌گامی بین‌الافغانی نبود، بلکه پروسه‌ی میان تحریک طالبان و امریکایی‌ها بود که حکومت وقت و سایر جناح‌های افغان در آن دخیل نبودند. چون وقتی گفتگوهای صلح میان ایالات متحده امریکا و جانب طالبان در دوحه آغاز شد، جوانب غیر از امریکا و طالبان در حاشیه کشانیده شدند. این جوانب مشتمل بر صف جمهوریت؛ حکومت وقت، جریان‌های سیاسی مطرح، جامعه مدنی، زنان، نسل‌نو و جوانان افغانستان بودند. این‌ها بحیث جانب سوم باید شامل پروسه می‌بودند، اما نادیده گرفته شدند.

مصاحبه شوندگان در مورد مذاکرات تحریک اسلامی طالبان با امریکا به این عقیده‌اند که توافقنامه دوحه برای طالبان رسمیت جهانی داده و آن‌ها را قوی‌تر از قبل ساخت. آن‌ها می‌افزایند که داعیه طالبان در آن زمان چنین بود که اکنون طرف اصلی ما امریکایی‌ها است. چون جنگ ما با امریکایی‌ها است. به این دلیل که امریکایی‌ها در سال ۲۰۰۱ بر افغانستان «تجاوز» کرد و حکومت مشروع از نظر تحریک طالبان (امارت اسلامی وقت) سقوط داده و افغانستان را «اشغال» کردند. از این‌رو جانب طالبان طرف اصلی خود، ایالات متحده امریکا را می‌پنداشتند، و ادعا داشتند که در مرحله اول باید «اشغال» خاتمه پیدا کند و در مرحله دوم، به «مذاکرات بین‌الافغانی» پرداخته شود.



از نظر مصاحبه شوندهگان، اگر امریکایی‌ها فشار وارد می‌کردند، حضور جانب سوم در آغاز پروسه صلح ممکن و میسر می‌شد. چون تحریک اسلامی طالبان در موقعیت بسیار بالا و فوق العاده قرار داشتند، به عبارتی «موقعیت خوب داشتند، اما فوق العاده نبود.» این امکان میسر بود که جانب سوم مشتمل بر صف جمهوریت، حکومت وقت، جریان‌های مطرح سیاسی، جامعه مدنی، نسل نو و جوانان، زنان و فعالان مطرح بیست سال اخیر، هم در پروسه حضور داشته باشند. سرانجام، حضور جانب سوم می‌توانست برای گفتگوهای بین‌افغانی و مدیریت درست پروسه صلح فوق العاده موثر واقع شود، متأسفانه در آن وقت نشد.

### دوم، محاسبه نادرست حکومت وقت

به نظر مصاحبه شوندهگان، با فرار مسأله منازعات و تعاملات خصمانه قدرت در افغانستان خاتمه پیدا نمی‌کند. با این توضیح که تحریک اسلامی طالبان با رسیدن به توافق با امریکایی‌ها مبنی بر «خروج نظامیان امریکا از افغانستان» باور پیدا کردند که «امریکایی‌ها بیرون می‌شوند.» از این رو محاسبه آن‌ها چنین بود که آن‌ها می‌توانند حکومت وقت افغانستان را از پای در آورند. در این وقت، محاسبه جانب حکومت وقت افغانستان بسیار نادرست بود. چون این‌ها فکر می‌کردند که «امریکایی‌ها بیرون نمی‌شوند.» و نسل نو و جوانان با در نظر داشت موافقت‌نامه میان تحریک طالبان با امریکا، تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و براساس اطلاعات دریافتی از منابع بین‌المللی به چنین نتیجه رسیده بودند که «قطعاً یک تصمیم وجود دارد و امریکایی‌ها از افغانستان بیرون می‌شوند.» اما نه به آن شتاب زده‌گی که بیرون شدند، بلکه به شکل دیگری حتماً بیرون می‌شدند. از یک سو عدم موجودیت برنامه دراز مدت حکومتی برای دفاع بعد از خروج نیروهای خارجی و از سوی دیگر محاسبه اشتباه حکومت وقت بر به نتیجه رسیدن مذاکرات تاثیر منفی گذاشت.

### سوم، دسترسی محدود به اطلاعات صلح

به نظر مصاحبه شوندهگان دسترسی صف جمهوریت، حکومت وقت، جریان‌های سیاسی تاثیرگذار، نسل نو و جوانان، و زنان افغانستان به اطلاعات، معلومات و جزئیات نشست‌ها و توافقات میان نمایندگان تحریک طالبان و امریکا بسیار محدود بود. با این توضیح که جانب امریکایی‌ها به جز از محمد اشرف غنی، رئیس جمهور وقت، داکتر عبدالله عبدالله، رئیس شورای عالی مصالحه ملی وقت و تعدادی از شخصیت‌های مطرح سیاسی و سران تنظیم‌های جهادی معلومات و جزئیات مباحث صلح را با سایر جوانب از جمله جریان‌های سیاسی، نسل نو و جوانان، زنان و جامعه مدنی شریک نمی‌ساختند. گرچند تعداد از جریان‌ها به جلسات مرتبط به صلح در ارگ ریاست جمهوری و دفتر شورای عالی مصالحه ملی دعوت می‌شدند، اما اطلاعات لازم همراه‌شان شریک نمی‌شد؛ این جلسات در حد سخنرانی‌های عوام فریبانه خلاصه می‌شد. از این سبب، بسیاری از جریان‌های سیاسی براساس معلومات حکومتی موقف می‌گرفتند. اگر معلومات به سایر جوانب شریک می‌شد، ممکن بود بسیاری از جریان‌های سیاسی راه‌شان را از راه اشتباه که حکومت می‌رفت، جدا

می‌ساختند. علاوه بر آن، اگر مردم افغانستان به اطلاعات موثق و معتبر از پروسه صلح دسترسی می‌داشتند. قطعاً «سلامت و ملامت» را به موقع تفکیک و علیه جانب ملامت ایستادگی می‌کردند. گرچند تعدادی از جریان‌های دیگر خارج از برنامه‌های حکومتی موقف اصلاح طلبانه و واقع‌بینانه را پیش گرفته و همواره از روند اشتباه که توسط حکومت و تعدادی از سران سیاسی مطرح در خصوص پروسه صلح دنبال می‌شد، اعتراض داشتند.

بنابراین، از دیدگاه مصاحبه شونده‌گان محدودیت دسترسی به اطلاعات و عدم دسترسی مستقیم سایر جوانب تاثیرگذار به اطلاعات صلح بر پروسه صلح تاثیر منفی گذاشت.

#### چهارم، سوء مدیریت پروسه و وجود پراکندگی‌ها

یکی دیگر از عوامل عقیم ماندن پروسه صلح افغانستان در دوحه، سوء مدیریت پروسه و وجود پراکندگی‌ها گفته می‌شود. از نظر مصاحبه شونده‌گان، در جانب حکومت وقت و صف جمهوریت از زمان شروع مذاکرات تا به ختم نافرجام پروسه صلح در دوحه، پراکنده‌گی و بی‌اتفاقی روان بود. جانب حکومت وقت فوق العاده مصروف کشمکش بر سر قدرت با همدیگر بودند. فساد گسترده اداری و مالی، ناتوانی در اقناع نمودن متحدین غربی، عدم ایجاد توازن میان همسایه‌ها در سطح منطقه، دیپلماسی پنهان ارگ نشینان، تعصب و قوم‌گرایی، فعالیت‌های شکلی و میان تهی، و متمرکز بودن قدرت تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی در ارگ، باعث ایجاد پراکندگی‌ها و سوء مدیریت در پروسه گردید. تشدید رقابت‌های درون حکومتی و روزمره‌گی‌های جانب حکومت باعث آن شد تا ماه‌ها از فرصت طلایی صلح گذشت، اما یک «هیأت مذاکره کننده با صلاحیت» شکل نمی‌گرفت.

در تأیید نظر فوق تعدادی مصاحبه شونده‌گان مثالی را که در مبحث مروری بر پروسه‌های صلح آوردیم، یادآوری کرده‌اند. باری، یک هیئت ۲۵۰ نفره برای مذاکرات صلح از جانب حکومت وقت تشکیل شد. تحریک اسلامی طالبان در واکنش به تعداد مذاکره کننده‌گان اعلام داشتند که «این مراسم عروسی یا مهمانی در هتلی در کابل نیست، بلکه یک کنفرانس منظم است، اینجا ما و شما مذاکره می‌کنیم.» سرانجام، یک نشست میان هیأت مذاکره کننده ۲۵۰ نفره دولت جمهوری در ارگ دایر شد. آمادگی‌ها برای اعزام هیأت و برگزاری نشست در قطر گرفته شده بود، اما این سفر و آن نشست لغو شدند.

از نظر مصاحبه شونده‌گان، پراکندگی در جانب حکومت وقت و صف جمهوریت هرگز حل نشد، اجماع سیاسی قوی در داخل کشور شکل نگرفت و حتی مجمع عمومی شورای عالی مصالحه ملی تشکیل و برگزار نشد. در واقع، این نمایانگر سوء نیت رهبری حکومت در قبال صلح و جاه طلبی رهبری حکومت برای ماندن در قدرت بود. از این‌رو صف جمهوریت جلسات منظم و تصامیم واحد اتخاذ کرده نمی‌توانستند. در پی چنین پراکندگی‌ها، نبود اجماع سیاسی و خودخواهی‌ها، هیأت دولت جمهوری اسلامی با دو طرح جداگانه یکی از آدرس رئیس جمهور وقت و دیگری از جانب شورای عالی مصالحه ملی وقت به میز مذاکرات بین‌الافغانی به دوحه رفتند. این در حالی است که سایر جوانب تاثیرگذار داخلی نیز دیدگاه‌های ارایه می‌کردند.

بنابراین، از دیدگاه مصاحبه شوندهگان چنین استنباط می‌شود که یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار بر ناکامی پروسه صلح افغانستان در دوحه سوء مدیریت پروسه، وجود پراکندگی‌ها در صف جمهوریت، و سراسیمه‌گی و سر درگمی در نظام افغانستان بود که سرانجام به فروپاشی انجامید.

### پنجم، عدم واگذاری صلاحیت به هیئت

یکی از مسائل در پروسه صلح افغانستان در دوحه، بحث صلاحیت تصمیم‌گیری و امضای نهایی در موافقت‌نامه صلح بود. در این ارتباط در صف جمهوریت گاهی به صلاحیت رئیس‌جمهور، گاهی به تصویب شورای ملی و گاهی به تأییدی لویه جرگه اشاره می‌شد، اما کمتر کسی به صلاحیت شورای عالی مصالحه ملی و صلاحیت هیئت مذاکره‌کننده اشاره می‌کردند.

در این مورد مصاحبه شوندهگان می‌گویند بعد از واکنش نمایندگان تحریک اسلامی طالبان در مورد هیئت ۲۵۰ نفری دولت جمهوری و لغو نشست از قبل تنظیم شده، بار دیگر داکتر زلمی خلیل‌زاد تلاش کرد تا یک هیئت کوچک جدید مذاکرات صلح شکل گیرد که صلاحیت تصمیم‌گیری را داشته باشد. از این‌رو پس از چانه‌زنی‌ها و جلسات مشورتی متعدد، هیئت جدید شکل گرفت، اما صلاحیت لازم به آن‌ها تفویض نشد. رئیس‌جمهور وقت بارها اعلام می‌کرد که «امضای آخر» مهم است و تصمیم نهایی در «لوی جرگه» گرفته می‌شود. سرانجام، موقف جانب حکومت وقت چنین بود که هیئت دولت جمهوری مذاکره کنند، اما تصامیم نهایی توسط رهبری در کابل گرفته شود؛ در حالی که صف واحد در کابل نیز وجود نداشت. به نظر مصاحبه شوندهگان در جانب جمهوری اسلامی بی‌اعتمادی، پراکندگی، بی‌اتفاقی و نواقص بیداد می‌کرد، برعکس جانب طالبان منسجم، در صف واحد و از لحاظ روحیه نظامی قوی بودند.

بنابراین مصاحبه شوندهگان یکی از عوامل از دست دادن فرصت و ناکامی پروسه صلح افغانستان در دوحه را عدم واگذاری صلاحیت به هیئت مذاکره‌کننده عنوان می‌نمایند.

### ششم، ضایع کردن فرصت مذاکره

به‌وجود آمدن روزنه‌ی مذاکره و صلح یکی از فرصت‌های طلایی برای آوردن صلح در افغانستان محسوب می‌شد. از جانب دیگر شدت جنگ، خسارات جانی و مالی هنگفت و جبران‌ناپذیر را بر مردم و کشور فایق می‌آورد. از این‌رو استفاده از فرصت در آن مقطع زمانی بسیار حیاتی محسوب می‌شد.

به باور مصاحبه شوندهگان، فرصت‌های زیادی در پروسه صلح افغانستان در دوحه ضایع شد. با این توضیح که امریکایی‌ها با جانب طالبان بر رهایی پنج هزار زندانی آن‌ها توافق کرده بودند، اما رهبری حکومت وقت طبق ضرب‌المثل معروف دو پای خود را در یک موزه کرده بودند که رها نمی‌کنند و پنج تا شش ماه وقت در مورد ضایع شد. سرانجام زندانیان رها شدند، اما وقت و فرصت از دست رفت. به نظر مصاحبه شوندهگان اگر دولت افغانستان به حسن نیت برای صلح زندانیان را رها می‌کردند، صداقت خود در پروسه صلح را اعلام می‌داشتند و به دنیا هم نشان می‌دادند که به آوردن صلح در افغانستان متعهد هستند. این اقدام، بهتر از این بود که با زور رهایی صورت گیرد.

به نظر مصاحبه شونده‌گان در پی واکنش‌ها در مورد رهایی زندانیان، شکاف دیگری میان حکومت، تحریک اسلامی طالبان و امریکا درز کرد. به دنبال برگزاری لوی جرگه بخاطر رهایی ۴۰۰ زندانی به قول آن‌ها خطرناک، فرصت بسیار از دست رفت و سرانجام، رهایی نیز صورت گرفت. با گسترش حملات و سقوط ولایات، طالبان علاوه بر زندانیان خود، هزاران زندانی دیگر را نیز از زندان‌ها رها کردند.

از سوی هم عدم توافق بر طرزالعمل مذاکرات، با فشاری بر تکمیل پیش شرط‌ها، عدم علاقمندی بر ختم جنگ از طریق مذاکرات و شدت بخشیدن جنگ از جانب تحریک طالبان باعث از دست رفتن فرصت‌ها و ضیاع وقت گردید. بنابراین از نظر مصاحبه شونده‌گان استنباط می‌شود که از یک طرف چگونگی تعیین هیأت مذاکره، تدوین طرح و رهایی زندانیان از سوی حکومت و از طرف دیگر عدم توافق بر طرزالعمل مذاکرات و شدت بخشیدن جنگ توسط تحریک اسلامی طالبان باعث از دست رفتن فرصت‌های زیاد شده است.

### هفتم، تأکید جوانب بر جنگ و تشدید جنگ

به نظر مصاحبه شونده‌گان عامل دیگر ناکامی پروسه صلح در دوحه، تشدید جنگ در میدان‌های نبرد بود. با این توضیح که وقتی آمادگی خروج آخرین عسکر امریکایی از افغانستان توسط رئیس جمهور (جو بایدن) اعلام گردید، به یک‌باره گی سران حکومت وقت شوکه شدند. چون از یک طرف از جانب حکومت برنامه دقیق و منظم برای دفاع بعد از خروج نیروهای خارجی وجود نداشت، از سوی هم مداخلات بی رویه سیاسی در تفری‌ها، فساد گسترده در رده‌های بالای ارگان‌های نظامی، مداخلات شدید در صلاحیت‌ها و سوق و اداره نادرست صفوف نظامی سبب شد تا جنگ مدیریت نشده و باعث فروپاشی نظام شود. آن طرف، جانب طالب هم فکر نمی‌کرد که بتواند در طی مدت کوتاه تمام افغانستان را تصرف نماید، اما ظاهراً آمادگی جنگ را داشتند.

به نظر مصاحبه شونده‌گان در پی عملیات خروج نظامیان امریکایی، ادبیات صلح در جانب حکومت وقت افغانستان به یک‌باره گی تغییر کرد. رئیس جمهور وقت جلسه‌ی فوق‌العاده مجلسین شورای ملی را فراخواند و اعلان جنگ نموده و وعده داد که ما در مدت شش ماه وضعیت را تغییر می‌دهیم. به این ترتیب، اعلام جنگ از جانب رئیس جمهور وقت خطرناک تمام شد. در مقابل، جانب تحریک اسلامی طالبان اعلام کردند که «حال، می‌بینیم که در جنگ چه می‌شود.» این در واقع دال بر مبهم بودن نیت طرف‌های درگیر در قضیه صلح افغانستان داشت.

به نظر مصاحبه شونده‌گان جنگ از هر دو جانب پکه می‌شد. ازین سبب گفتگوهای صلح به بن بست مواجه شد. هیأت جمهوری اسلامی افغانستان تعدادی به کابل آمدند، تعدادی در قطر ماندند. بار دیگر امریکایی‌ها، سازمان ملل متحد، کشورهای حامی صلح، چهره‌های مطرح سیاسی، نسل‌نو و جوانان افغانستان خواهان کاهش خشونت و آتش‌بس در کشور شدند. جانب تحریک اسلامی طالبان هم اعلام کردند که به شهرها حمله‌ور نمی‌شوند، اما حمله‌ور شدند. به این ترتیب، شهرهای مهم و سایر شهرها از حاکمیت حکومت وقت، تحت تسلط طالبان قرار گرفت.

### هشتم، عدم همکاری صادقانه بازیگران بین المللی و منطقه‌ای

به نظر مصاحبه شونده‌گان عامل دیگر در بی‌نتیجه ماندن پروسه صلح افغانستان در دوحه عدم همکاری صادقانه بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای دخیل در صلح افغانستان بود. این عامل متأثر از متعدد بودن بازیگران، نبود میانجی بی‌طرف و صادق، تضاد منافع کشورهای دخیل، رقابت‌های منطقه‌ای و رقابت میان قدرت‌های شرق و غرب بوده و سرانجام، فرصت به دست آمده برای حل بنیادین قضایا را از افغان‌ها گرفت.

### نهم، سرسختی و انعطاف ناپذیری جانب تحریک اسلامی طالبان

به نظر مصاحبه شونده‌گان عامل دیگر نافرجام ماندن پروسه صلح افغانستان در دوحه این بود که جانب طالبان واقعاً در پروسه صلح انعطاف نشان نمی‌دادند و سرسختانه مبارزه می‌کردند. طالبان با اعتقاد به تمامیت خواهی مطلق، به صلح و فضای که در آن تنوع افکار و کثرت‌گرایی حاکم باشد، باورمند نبودند. به دنبال تصمیم قطعی خروج نظامیان آمریکایی، جانب طالبان طور باید و شاید به مذاکرات صلح، تن ندادند. طالبان بحیث یک جانب افغان، مسوولیت خود را درست درک نکردند و خواست مردم افغانستان مبنی بر آتش بس و حل قضایای افغانستان از طریق گفتگو را نپذیرفتند. یک فرصت طلایی به‌وجود آمده بود که بعد از امضای موافقت‌نامه میان آمریکایی‌ها با جانب طالبان، «مذاکرات بین‌الافغانی» باید آغاز می‌شد، اما طالبان از یک طرف با این عقیده که حکومت موجود دست نشانده است و با آن‌ها مذاکره نمی‌کنیم، و از طرف دیگر با باورمندی به بردن این جنگ از راه نظامی، فرصت پیش آمده را به هدر دادند.

براساس موافقت‌نامه میان جانب طالبان با آمریکایی‌ها و دیدگاه مصاحبه شونده‌گان، مذاکرات بین‌الافغانی بر اساس توافق جوانب افغانی باید نظام بعدی را مشخص می‌کرد، میکانیزم مشارکت در قدرت و تصمیم‌گیری‌های ملی مشخص می‌شد و برای مشروعیت دینی، مردمی و بین‌المللی دولت از طریق لوی جرگه، انتخابات و میکانیزم‌های بین‌المللی چاره‌اندیشی می‌شد. مصاحبه شونده‌گان به پیش فرض طالبان اشاره می‌کنند و می‌گویند که پیش فرض طالبان چنین بود: «وقتی می‌توانیم به زور بگیریم، پس چرا با دیگران تقسیم کنیم.» به نظر مصاحبه شونده‌گان این پیش‌فرض برای پیروزی در جنگ شاید مطابق شرایط وقت بود، اما برای حل منازعات قدرت در افغانستان اشتباه بود. بنابراین تشدید جنگ خطرناک تمام شد. وقتی جنگ به شهرها کشیده شد، قابل درک بود که پروسه صلح به طرف ناکامی می‌رود.

### دهم و نهمی، امتناع از شکل‌گیری حکومت انتقالی و توافقی

به نظر مصاحبه شونده‌گان عاملی دیگر که در نافرجام ماندن پروسه صلح افغانستان نقش داشت «امتناع از شکل‌گیری حکومت انتقالی و توافقی» بود. بخاطر مدیریت پروسه مصالحه و روند مذاکرات صلح، باید یک حکومت انتقالی شکل می‌گرفت، اما متأسفانه محمد اشرف غنی و اطرافیان وی بارها اعلام کردند که «قدرت را به یک جایگزین انتخابی‌اش انتقال می‌دهند و تا به آخر روی این موضع خود ایستاد شدند.» حکومت انتقالی می‌توانست به شکل درست و هدفمند

با جانب طالبان پروسه صلح را به نتیجه نهایی برساند. از سوی دیگر، بر اساس توافقنامه دوحه میان طالبان و ایالات متحده امریکا و بیانات رسمی دیپلمات‌های امریکایی، قرار بود حکومت توافقی و همه شمول، در نتیجه مذاکرات بین‌الافغانی مشخص گردد، اما تشدید جنگ، کوچک شدن دایره حاکمیت حکومت وقت و گسترش سلطه طالبان؛ این پروسه (مذاکرات بین‌الافغانی) نیز نا فرجام باقی ماند و آن حکومت توافقی و «نقشه راه سیاسی آینده افغانستان»<sup>۱</sup> هم شکل نگرفت. آنچه اکنون شکل گرفته است نه حکومت انتقالی است و نه هم حکومت توافقی و همه شمول، بلکه داعیه تحریک اسلامی طالبان (امارت اسلامی) است. در حالی که اگر بیانیه‌های مقامات و سخنان سخنگویان جانب طالبان قبل از استیلای نظامی بر افغانستان را بشنویم؛ آن‌ها می‌گفتند که «توعیت نظام» و موارد دیگر در «مذاکرات بین‌الافغانی» توسط جوانب افغان تعیین می‌شود و این کار همه افغان‌ها است. بنابراین عوامل ناکامی پروسه صلح افغانستان در دوحه به سه جانب: الف: حکومت وقت و صف جمهوریت، ب: ایالات متحده امریکا و بازیگران جهانی و منطقه دخیل در صلح و ج: جانب تحریک اسلامی طالبان بر می‌گردد. هر کدام در ناکامی پروسه صلح نقش داشتند.

### ۲-۳. عوامل تعاملات خصمانه قدرت از دید نسل نو و جوانان

در نیم قرن اخیر، افغانستان دچار تعاملات خصمانه قدرت بوده و است. از این رو حکومت‌ها با عمرهای کوتاه شکل گرفته و رفته‌اند. هرازگاهی یک جنگ ختم و جنگ دیگر شروع شده است. جوانب افغان بر اساس توافق به یک نظام مشروع، ساختار سیاسی، راهکار همه شمول در تمام مسائل ملی و کلان کشور، و روش حکومت‌داری که همه جوانب و در مشوره با مردم افغانستان بر آن توافق داشته باشند، دست نیافته‌اند. از جانب دیگر، عدم تفکیک دوست و دشمن به سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و نبود روابط نیک و پایدار با کشورهای همسایه بر مبنای منافع ملی و مشترک، منجر به جنگ‌های پایدار، منازعات دیرگذر و تعاملات خصمانه قدرت شده است. در ذیل نظریات تعدادی از اعضای رهبری گروه تماس و جرگه صلح نسل نو و جوانان در این مورد پرسیده شده است:

**گرداننده:** قرار یافته‌ها، در نیم قرن اخیر منازعات مسلحانه قدرت جویانه در افغانستان در پی حضور نظامیان خارجی، شکل نگرفتن نظام همه شمول و وابستگی به کشورهای خارجی به یک‌دور باطل و تعاملات خصمانه قدرت مبدل و مانع رسیدن به صلح و ثبات شده است. دیدگاه شما در مورد چیست؟ چرا به صلح و ثبات نرسیدیم و عوامل چه بوده؟ از دید مصاحبه شونده‌گان از سال ۱۳۵۷ ه.ش تاکنون عوامل ذیل در تعاملات خصمانه قدرت تأثیرگذار بوده است:

#### اول، تحمیل ایدئولوژی بیرونی

به نظر مصاحبه شونده‌گان بعضی از جوانب سیاسی افغان یک ایدئولوژی بیرونی را می‌آورند؛ با توسل به زور نظامی یا تزریق پول و هزاران توجیه و تزویر دیگر، می‌خواهند آن را با تمام اصول، ارزش‌ها و مقرراتش چه ایدئولوژی شرقی یا غربی در افغانستان تطبیق نمایند. این درحالی است که در داخل کشور بستر مناسب و اجماع کلی برای پذیرش آن

<sup>۱</sup> مطابق توافقنامه دوحه

وجود نداشته است. مثلا نور محمد ترکی در نخستین روزهای اقتدارش، فرمان<sup>۱</sup> صادر کرده بود که کسی نمی‌تواند بیشتر از ۳۰ جریب زمین زراعتی آبی داشته باشد. ملکیت‌های بیشتر از حدود تعیین شده ذریعه فرمان باید مصادره و تقسیم شود. از آنجایی که در افغانستان بستر افراط و تفریط وجود دارد، به زودی در مقابل ایدئولوژی بیگانه ایستاده می‌شوند. در پایان کار، در تطابق آن با طرز فکر و عقاید مردم، متوسل به فتوا، آیات و حدیث می‌شویم، حتی اگر ارتباط دینی و منطقی هم نداشته باشد.

### دوم، وجود بستر بنیادگرایی

از نظر مصاحبه شوندگان، بستر بنیادگرایی در کشور وجود دارد و اینگونه تهدیدات اکثرا از جانب قریه‌ها خلق شده است. مردمان قریه و روستا با قیام مسلحانه، حکومت شهرها را از بین برده‌اند. چون حکومت‌های افغانستان، نتوانسته‌اند رابطه خوب با قریه و روستاها داشته باشند. در دو دهه اخیر همچنان میان شهر و روستا فاصله افتاد. بنابر عدم انکشاف متوازن در نقاط و اقصی افغانستان، مردمان قریه به آموزش معیاری، خدمات صحتی و سایر خدمات عام المنفعه دسترسی نداشته‌اند. این امر در کشیده شدن مردمان قریه به جانب غیر از حکومت بی‌تاثیر نبوده است.

همچنان به نظر مصاحبه شوندگان بی‌سوادی مطلق، کم سوادی، تبعیض نژادی و قومی، پایین بودن سطح آگاهی مردم از مسایل عقیدتی، بسترهای بنیادگرایی، تعصبات و خشونت را فراهم آورده است. از این رو بنیادگرایی، برتری طلبی و قومیت خواهی افراطی، و انحصار طلبی از جمله عوامل منازعات قدرت محسوب می‌شود.

### سوم، خارجی ستیزی افغان‌ها

مصاحبه شوندگان می‌گویند، با در نظر داشت تاریخ و شناخت که از طرز فکر، روش زندگی و عنعنات مردم افغانستان داریم، افغان‌ها با خارجی‌ها بخصوص نظامیان آن‌ها جور آمد ندارند، به شکل موقتی هم اگر جور آمد داشته باشند، اما بالاخره ناسازگار می‌شوند. طور مثال: اگر به مداخلات نظامی خارجی‌ها به بیشتر از یک قرن اخیر مداخله نظامی انگلیس، اتحاد جماهیر شوروی و حضور نیروهای ائتلاف بین‌المللی به رهبری امریکا و ناتو ببینیم، قسمتی از مردم افغانستان به مبارزات مسلحانه علیه شان برخاسته‌اند.

به نظر مصاحبه شوندگان بنابر نظم جدید نظام بین‌المللی، حکومت و مردم افغانستان باید با کشورها در تماس باشد. شماری از شخصیت‌ها و جریان‌های افغان که با کشورهای همسایه، منطقه و جهان روابط دارند، از آن بحیث یک غنیمت و فرصت استفاده شود. بدون شک، در نظر داشت منافع ملی، شناخت جوانب و نظارت بر آن‌ها ضرور است، اما نباید به هر کسی «تاپه جاسوس» زده شود.

به نظر مصاحبه شوندگان با رفتن به طرف تفاهم سیاسی ملی، از تجربه یک قرن اخیر بخصوص بیست سال گذشته استفاده کرده و به حضور نظامی خارجی دیگر اجازه ندهیم. حضور نظامیان خارجی باعث افتادن در چاه رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی می‌شود. سرانجام، از حضور نظامی خارجی‌ها چه مسلمان و یا غیر مسلمان باید جلوگیری شود.

۱ فرمان شماره ۸ نورمحمد ترکی در مورد درجه بندی زمین

افغانستان می‌تواند با کشورهای جهان، روابط استراتژیکی قوی بر مبنای منافع ملی داشته باشد که در آن نوع رابطه و منافع طرف‌ها تعریف شده باشد.

### چهارم، انحصارگرایی در قدرت

به نظر مصاحبه‌شوندگان یکی دیگر از عوامل منازعات افغانستان انحصار قدرت، متمرکز بودن سیستم حکومت داری، نهادینه نساختن عدالت اجتماعی و ناعادلانه بودن توزیع بودجه ملی و چگونگی استفاده از ثروت ملی بوده است. مصاحبه‌شوندگان معتقدند که هر وقت یکی از جوانب به قدرت رسیده است، قدرت را انحصار کرده و به طرف تفاهم کلان ملی نرفته‌اند.

نخبه‌گان قومی افغانستان هنوز باهم روی مواردی برای حل مسأله قدرت به تفاهم نرسیده‌اند. ضعیف بودن مشارکت عادلانه و معنادار اقوام در قدرت سیاسی و اتخاذ تصمیم دولت، همواره باعث آن شده که طرف‌های دیگر تلاش نمایند تا در سطوح مختلف حتی نظامی و استخباراتی از منابع بین‌المللی و خارجی تغذیه شوند و برای رسیدن به قدرت استفاده کنند. طورنمونه در منازعات نیم قرن اخیر افغانستان، کشورهای چون پاکستان، هند، ایران، عربستان، روسیه، امریکا، انگلستان و سایرکشورها مداخله داشتند. افراد خود را تمویل می‌کردند و جانب افغان‌ها علیه یکدیگر می‌جنگیدند. مداخلات خارجی و بی‌خردی داخلی باعث آن شده که جوانب منازعات افغانستان توسط خارجی‌ها استفاده استخباراتی و سیاسی شوند. از این‌رو، وجود رهبران ناکار، تأکید بر روایت اقلیت و اکثریت از سوی رهبرای قومی، خودخواهی، فساد و بی‌ظرفیتی رهبری حکومت‌ها باعث انحصار قدرت و یکی از عوامل منازعات افغانستان است.

### پنجم، نداشتن نیروهای دفاعی و امنیتی قدرتمند، غیرسیاسی و غیر وابسته

به باور مصاحبه‌شوندگان، متأسفانه در بیشتر از یک قرن اخیر به خصوص ۲۰ سال گذشته، افغانستان قادر به ساختن یک اردوی غیرسیاسی و غیر وابسته نگردیده است. در طول بیشتر از یک قرن گذشته، هرازگاهی که حکومت‌های جدید شکل گرفته است، اردوی افغانستان به اساس روابط و بنابر نفوذ افراد حاکم در قدرت تشکیل شده است. با آنکه نیروهای دفاعی و امنیتی آموزش‌های خوب دیده‌اند، اما امور و فرمان کار را به گونه‌ی غیر سیاسی و با اتکا به حفظ امنیت ملی کشور در نظر نگرفته‌اند. متأسفانه در بیست سال گذشته، زحمات زیاد کشیده شد و تلاش‌های فراوان در ساختن اردوی افغانستان صورت گرفت، اما اردوی کشور به اساس ارقام رشد کرده و بدون در نظرداشت ریشه ساختارهای فرهنگی-اجتماعی بومی، بیشتر متکی به مشاور و مربی خارجی بوده است. وابستگی خارجی در بخش‌های مالی، تأمیناتی، خدماتی و محاروبی، باعث آن شد که اردو نتواند قابلیت لوژستیکی، اکمالاتی، تخنیکی و ارتباطی موثر را ایجاد کرده و به قدرت درونی خویش متکی شود.

مصاحبه‌شوندگان به این باورند که جمع شدن گنگوری‌های نامتجانس در اردو، نبود بینش قوی سیاسی و استراتژیکی، سیاسی سازی و واسطه بازی، دسپلین ناپذیری و نبود انسجام و هماهنگی لازم در اردوی کشور باعث



فسادهای گسترده اداری و مالی، و حتی حیف و میل اعاشه سربازان اردو شد. هرازگاهی که جنرالان و فرماندهان بی‌کفایت به خاطر اختلاس و دزدی از اعاشه و اباطه منسوبان اردو دستگیر می‌شدند، به جای محاکمه و زندان، به لواها و قول اردوهای دیگر تبدیل می‌گردیدند و همین امر باعث گردید تا اشخاص که در رؤس فرماندهی بالایی قرار داشتند، جسارت بیشتر به خراج داده و بیشتر به سمت اختلاس و فساد گرایش پیدا کنند. مصاحبه شوندهگان در این زمینه می‌افزایند که در ۲۰ سال گذشته، متأسفانه ارتقا به مناصب بالاتر و تقرر در بست‌های حساس نظامی کشور بر مبنای شایستگی مسلکی-نظامی نه، بلکه بیشتر بر مبنای وفاداری به شخص حاکم، گروه‌های حاکم و شخصیت‌های شریک در قدرت صورت می‌گرفت.

مصاحبه شوندهگان معتقدند که در ۲۰ سال گذشته، در صفوف نیروهای دفاعی و امنیتی، خلق روایت قوی برای دفاع، تعریف و شناخت واضح از دشمن، منافع ملی و امنیت ملی صورت نگرفت. نیروهای دفاعی و امنیتی به گونه اشتباه در عملیات‌های جنگی استعمال شده و بصورت درست تعبیه و تقویه نمی‌شدند. کشف و استخبارات اردو به شکل سازماندهی شده و منظم ایجاد نشد و حتی که ضعیف‌ترین ارگان در سطوح ارگان‌های امنیتی و کشفی، همین کشف و استخبارات اردو بود. بدین ملحوظ، حتی که تغییرات در ساختار سیاسی کشور، صفوف اردوی کشور و نهادهای نظامی را دچار تزلزل می‌نمود. این ضعف‌ها و ناتوانی در ساختن اردوی قدرتمند، غیر سیاسی و غیر وابسته یکی از عوامل بزرگ تعاملات خصمانه قدرت در بیشتر از یک قرن اخیر بوده است. بنابراین، برای رسیدن به صلح و ثبات دایمی، افغانستان نیازمند ایجاد و ساختن یک اردوی قدرتمند، غیرسیاسی و غیر وابسته، سازمان استخباراتی و امنیتی متعهد و غیرسیاسی، و پولیس مسلکی که در صورت تغییر و حتی سقوط سیاسی بتواند اقتدار کشور، تمامیت ارضی و منافع ملی کشور را حفظ نماید، است.

### ۳-۳. نقش موقعیت منطقه‌ای در تعاملات خصمانه قدرت

افغانستان به لحاظ جغرافیایی در منطقه‌ای قرار گرفته است که پر از تنش‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی است. بدون شک، این مسأله بر منازعات داخلی افغانستان بی‌تاثیر نبوده و نیست. از این‌رو در ذیل نظر شماری از اعضای رهبری گروه تماس و جرگه صلح نسل نو و جوانان در این رابطه پرسیده شده است.

**گرداننده:** افغانستان به لحاظ جغرافیایی در منطقه‌ای پر از تنش‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی قرار گرفته است. به نظر شما در تنش پاکستان با هند، ایران با عربستان و تنش‌های جهانی چون رقابت شرق (چین، روسیه، هند) و غرب (امریکا و اروپا) افغانستان چه موقفی را باید اتخاذ نماید؟ افغانستان چگونه می‌تواند ازین رقابت‌ها و تنش‌ها مصون بماند؟

به نظر مصاحبه شوندهگان، موقعیت افغانستان در منطقه‌ای پر از تنش، رقابت و جنگ‌های نیابتی برای افغان‌ها به جنجال مبدل شده است؛ چون افغانستان در منطقه‌ای قرار گرفته است که جغرافیایی مناسب برای بازی، رقابت و کشمکش‌های منطقه‌ای و جهانی است. افغانستان در طول تاریخ از موقعیت خاص منطقه‌ای خود متضرر شده است. مصاحبه شوندهگان راه‌های ذیل را برای مصئون ماندن از رقابت‌ها و تنش‌های منطقه‌ای پیشنهاد می‌نمایند:

### اول، ایجاد دولت قدرتمند و مشروع

به نظر مصاحبه شوندگان راه مدیریت چالش منطقه‌ای و مصون ماندن از پیامد تنش‌های منطقه‌ای داشتن یک دولت قدرتمند و مشروع است. افغانستان با تشکیل دولت قدرتمند که برخاسته از واقعیت‌های افغانستان و بر مبنای رای و انتخابات شکل گیرد؛ هم مشروعیت ملی و هم مشروعیت دینی داشته باشد، می‌تواند از رقابت‌ها، کشمکش‌ها و پیامد تنش‌های منطقه‌ای و جهانی خود را مصون نگهدارد. مصاحبه شوندگان می‌افزایند، دولت قدرتمند و مشروع در افغانستان زمانی شکل می‌گیرد که در آن قوانین عادلانه تدوین و اجرا گردد، مشارکت سیاسی وجود داشته و مبارزات سیاسی و رسیدن به اقتدار سیاسی حزب محور باشد. نیروهای دفاعی و امنیتی متعهد، غیر سیاسی و غیر وابسته شکل گیرد و تفکیک قوا، کثرت‌گرایی، رعایت حقوق بشری و شهروندی، رقابت مسالمت آمیز، اجتناب از تعاملات خصمانه و مشارکت معنادار زنان، نسل نو و جوانان، گروه‌ها و فعالان سیاسی، اعمال گردد.

### دوم، اجتناب از ایجاد حساسیت در روابط خارجی

به نظر مصاحبه شوندگان، افغانستان نیازمند اجتناب از ایجاد حساسیت در روابط خارجی خویش بوده و باید در تنش‌ها، رقابت‌های منفی و جنگ‌های نظامی و استخباراتی منطقه و جهان بی‌طرفی خویش را حفظ کند. افغانستان ضرورت به دستگاه فعال و متخصص دیپلماسی داشته و نیازمند تعریف مشخص از سیاست خارجی خود با در نظر داشت اولویت‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است.

مصاحبه شوندگان می‌افزایند افغانستان در صلح نمی‌تواند از همسایه‌های خود جدا شود و نمی‌تواند کشورهای منطقه را هم نادیده بگیرد. بنابراین ما نیازمند سیاست خارجی جامع مبنی بر منافع طرفین با کشورهای همسایه، چین، پاکستان، ایران، اوزبیکستان، ترکمنستان و تاجیکستان هستیم. برای ایجاد همگرایی، استفاده از فرصت‌های اقتصادی منطقه‌ای و روابط دوستانه تلاش صورت گرفته و برای کاهش تنش‌ها در روابط میان افغانستان و کشورهای همسایه بخصوص پاکستان اقدامات لازم انجام شود؛ البته این اقدامات به گونه‌ای باشد که کشورهای منطقه به ویژه هندوستان را حساس نکند. همچنان افغانستان نیازمند داشتن پالیسی مشخص در برخورد با چین است. افغانستان می‌تواند از فرصت‌های اقتصادی، ترانزیتی و اتصال محور در روابط با چین استفاده کند.

مصاحبه شوندگان معتقدند افغانستان باید به یک بازیگر قوی در منطقه مبدل شود. از موقعیت و جغرافیای افغانستان در تعاملات مثبت و اقتصادی با منطقه و جهان استفاده شود، اما هیچ گاهی سیاست تقابل را نباید پیشه کند. در کشورهای همسایه، منطقه و فرامنطقه روسیه، هندوستان، جاپان و عربستان، ترکیه، مصر، امارات متحده عربی، قطر و سایر کشورهای اسلامی منابع بیشتر به کار گرفته شود و روابط گسترده و توسعه یافته با توجه به منافع ملی به وجود آید.

به باور مصاحبه شوندگان، افغانستان باید تلاش نماید تا متحدین خود را در جهان بیشتر سازد. افغانستان هنوز هم نیازمند روابط استراتژیک و دوستانه با ایالات متحده امریکا و سایر کشورهای متحد آن، انگلستان، کانادا، استرالیا،

کشورهای اتحادیه اروپا بخصوص آلمان، فرانسه و ایتالیا است. داشتن روابط دوستانه و استراتژیک با ایالات متحده امریکا خود یک سرمایه و فرصت است. بنأ افغانستان باید بر اساس تعریف جدید، روابط دوستانه و استراتژیک با این کشورها به خصوص ایالات متحده امریکا، نیازمندی‌های اقتصادی و مالی خویش را تأمین نموده، اعتبار بین‌المللی خود را توسعه ببخشد و از فرصت‌ها و امتیازات سازمان‌های بین‌المللی نیز استفاده نماید.

### سوم، استفاده از امتیازات سازمان‌های منطقه‌ای

مصاحبه شوندگان می‌افزایند که باید در سطح منطقه و جهان از پلاتفورم‌های موجود به نفع افغانستان استفاده شود. افغان‌ها تا هنوز نتوانسته‌اند از سازمان همکاری‌های جنوب آسیا یا سارک<sup>۱</sup> به نفع کشور استفاده لازم نمایند. طور مثال: افغان‌ها تا هنوز امتیاز مسافرت بدون ویزا میان کشورهای عضو سازمان سارک را ندارند. در حالی که این امتیاز برای اتباع بسیاری از کشورهای عضو وجود دارد. از سازمان ایکو<sup>۲</sup> نیز استفاده آنچنانی صورت نگرفته است. مثلاً مرز افغانستان با ترکمنستان در بسیاری موارد بسته است یا به مشکل به افغان‌ها ویزه می‌دهند، همین‌طور کشورهای تاجیکستان، اوزبیکستان و سایر کشورهای آسیای میانه. همچنان از سازمان شانگ‌های<sup>۳</sup> نیز استفاده لازم به نفع افغانستان صورت نگرفته است.

مصاحبه شوندگان می‌افزایند، افغانستان باید به یک بازیگر قوی در منطقه مبدل شود. از موقعیت و جغرافیایی افغانستان در تعاملات مثبت با منطقه و جهان استفاده شود، اما هیچ‌گاهی سیاست تقابل را نباید پیشه کند.

### چهارم، گذار از چالش منطقه‌ای به فرصت اقتصادی

مصاحبه شوندگان می‌گویند در رابطه به موقعیت افغانستان صرف به لحاظ جنگ دیده نشود، تا هنوز چنین بوده است. قدرت‌های شرق و غرب و همسایه‌گان نباید از افغانستان بخاطر منافع شان استفاده نظامی نمایند. در بعد نظامی، دنیا جنگ افغان‌ها را دیده‌اند. دنیا می‌دانند که افغان‌ها جنگجویان خوبی هستند، نه پروای مرگ خود را دارند و نه از دیگران را. در بعد اقتصادی به افغانستان توجه کافی نشده است که چگونه می‌توان از افغانستان بحیث چهار راه اقتصادی و ترانزیت استفاده شود. افغان‌ها تاکنون از این ظرفیت‌ها استفاده نکرده و از سوی کشورهای منطقه و جهان نیز به ظرفیت‌های جغرافیایی و اقتصادی افغانستان توجه لازم صورت نگرفته است. افغانستان می‌تواند در همگرایی منطقه‌ای نقش مهمی را ایفا کند. پروژه‌ها و برنامه‌های اقتصادی انتقال انرژی، ترانزیت و اتصال منطقه با همکاری و اشتراک افغانستان می‌تواند عملی گردد. از طرف دیگر، با توجه به علاقمندی کشورها به منابع طبیعی افغانستان، ظرفیتی ایجاد

۱. South Asian Association for Regional Cooperation (SAARC)

۲. Economic Cooperation Organization

۳. Shanghai Cooperation Organization

شود که بتواند اقتصاد افغانستان را در بخش های استخراج معادن، زراعتی و آبی ترقی بدهد. اگر چنین هدف برآورده شود، افغانستان به صلح دائمی و ثبات پایدار دسترسی پیدا می کند.

بنابراین از نظر مصاحبه شوندگان استنباط می شود که افغانستان از موقعیت منطقه ای خود متضرر بوده و بخاطر مصون ماندن از تنش های منطقه ای و جهانی «ایجاد دولت قدرتمند و مشروع، اجتناب از ایجاد حساسیت در روابط خارجی، استفاده از امتیازات سازمان های منطقه ای و گذار از چالش منطقه ای به فرصت اقتصادی» را پیشنهاد می نمایند. همچنان مصاحبه شوندگان توصیه می نمایند که افغانستان با کشورهای همسایه و منطقه باید وارد گفتگو ها و توافقات کلان شده و برای ایجاد همگرایی منطقه ای تلاش نماید.

### ۳-۴. توسل به مسایل قومی، زبانی و سمتی در تعاملات خصمانه قدرت

در پی چندین دهه منازعه در افغانستان، سیاست ورزی قومی و توسل به قوم، مذهب، زبان و سمت، منجر به شکل گرفتن خشونت های فرهنگی شده است. بدون شک، خشونت های فرهنگی راه حل نظامی هم ندارد. در ذیل دیدگاه و نظریات مصاحبه شوندگان در مورد پرسیده شده است.

**گرداننده:** قرار بررسی ها، توسل به قوم، مذهب، زبان و حتی سمت سبب خلق نفرت، هراس، تبعیض و خشونت های فرهنگی میان شهروندان افغانستان شده است. دیدگاه شما در مورد چیست؟ چگونه می توان در صلح با خود و دیگران زندگی کرد؟

به نظر مصاحبه شوندگان؛ منازعات دوامدار، زندگی قبیله ای، جدایی گزینی اقوام، عوامل جغرافیایی و رقابت های نا سالم نخبگان قومی سبب شده تا زندگی شهری و ملی گرایی در افغانستان شکل نگیرد. باورمندی و احترام به نمادهای ملی نهادینه نشده و احزاب، گروه ها و افراد با رویکرد قومی به قدرت می نگرند. در جوانب منازعات نگاه به قدرت، نگاه قومی و قبیله ای بوده و این امر از زندگی با همی افغان ها کاهش می دهد. تا هنوز اکثر مردم در گروه های قومی از همدیگر تصورات قالبی نادرست دارند. مردم براساس این که در کدام گروه قومی تعلق دارند، قضاوت می شوند. امیدواری هایی وجود داشت که نسل نو متفاوت باشند، اما برنامه ها، ساختارهای حکومتی و منازعات در بیست سال پسین، نسل نو را هم متأثر از نگاه قومی ساخته است. بنابراین، برای بیرون رفت از این مشکل، مردم افغانستان نیازمند هم پذیری، احترام گذاشتن و رعایت حقوق حقه همدیگر، تامین عدالت اجتماعی، تفاهم و تعامل هستند. همزمان باید برای کثرت گرایی فرهنگی، مذهبی و قومی مبارزه شود. قانون گذاری عادلانه و حاکمیت قانون بنا گذاشته شود. اقتدار و ثروت ملی طبق قانون مربوط تمام شهروندان باشد. برای بیداری ملی باید تلاش صورت گرفته و در میان نخبگان اقوام مختلف افغانستان، قرارداد اجتماعی واضح و کتبی جهت تعهد بر مفکوره ها و داشته های مادی و معنوی یکدیگر، ایجاد و حمایت گردد.

مصاحبه شوندگان می افزایند؛ در جنگ های افغانستان از بی سوادی و پایین بودن سطح سواد علمی و دینی مردم استفاده سوء شده است. این در حالی است که جنگ مسلمان علیه مسلمان هرگز مجاز نبوده و نیست. بخش کلان جنگ افغانستان محصول لایه های فقیر جامعه که از نعمت سواد و تکامل تفکر محروم بوده اند، است. انکشاف متوازن و

رسیدگی به مشکلات روستاها و مناطق دورافتاده کشور، انکشاف تعالیم شرعی، تدوین نصاب تصحیح شده و تأیید شده برای نهادهای دینی، ایجاد شورای عالی فقهی و دارالافتاء، ترویج روشنفکری دینی و معیاری سازی آموزش مطابق نیازمندی‌های جامعه راه حل جلوگیری سوء استفاده از مردم و بنیادگرایی است. در حین زمان، ملا امامان مساجد باید از دوره مشخص مراکز آموزشی یا دانشگاه خاص امامتی فارغ شوند. در صورت عدم موجودیت، این نهاد باید ایجاد شود. گفتگو میان دانشگاه و مدرسه و تعامل میان این دو تفکر ایجاد شود.

بنابراین، موارد فوق در جهت زدودن اندیشه‌های افراطی و توسل به مسایل قومی، سمتی و مذهبی موثر بوده و مردم را بسوی روشنفکری و برداشت‌های متعادل سوق می‌دهد، تا اینکه اندیشه‌های وارداتی که با اغراض بیگانه‌ها به همراه است خنثی شده؛ از یک سو دین از چنگال دکانداران دینی نجات یابد و از سوی هم جلو استفاده‌های ابزاری از قوم، سمت و زبان گرفته می‌شود. این گونه می‌توان خشونت‌های فرهنگی را کاهش داده و در صلح با یک دیگر زندگی کرد.

### ۳-۵. جزئیات نشست گروه تماس با دکتر زلمی خلیلزاد

جمعی از اعضای رهبری گروه تماس و جرگه صلح نسل نو و جوانان به تاریخ ۲۱ حمل ۱۴۰۰ ه.ش نشست با دکتر زلمی خلیلزاد، نماینده خاص پیشین وزارت خارجه ایالات متحده امریکا برای صلح افغانستان داشتند. از آنجایی که دکتر خلیلزاد نماینده امریکا در پروسه صلح و امریکا بحیث یک‌جانب مهم جنگ و صلح، همکار و متحد دولت افغانستان بودند، یافتن دیدگاه آن‌ها در فهم و درک جنگ و صلح افغانستان اهمیت دارد. از این‌رو در ذیل از جزئیات نشست مذکور پرسیده شده است.

**گرداننده:** شما به تاریخ ۲۱ حمل ۱۴۰۰ ه.ش نشست با دکتر زلمی خلیلزاد، نماینده خاص پیشین وزارت خارجه ایالات متحده امریکا برای صلح افغانستان داشتید. نکات برجسته آن نشست چه بود؟ خلیلزاد راجع به صلح افغانستان چه گفت؟

مصاحبه شوندگان می‌گویند که آن‌ها در جرگه‌های صلح نسل نو و جوانان و همایش‌های صلح به اعضای جرگه وعده سپرده بودند که خواست‌های آن‌ها را به دولت جمهوری اسلامی افغانستان، جانب تحریک اسلامی طالبان و ایالات متحده امریکا و متحدین آن می‌رسانند. بدین‌سبب، هدف از نشست با نماینده خاص ایالات متحده امریکا برای صلح افغانستان رسانیدن پیام نسل نو و جوانان بود.

مصاحبه شوندگان می‌گویند که آن‌ها پیام نسل نو و جوانان را حضور دکتر خلیلزاد رسانیدند و به او گفته‌اند که در قضایای سیاسی افغانستان چهار محور مشتمل بر تکنوکرات‌های شامل در قدرت در دو دهه اخیر، جانب تحریک اسلامی طالبان، تنظیم‌های جهادی و چهره‌های شاخص مجاهدین و نسل نو و جوانان حضور دارند. در پروسه و مذاکرات صلح و قضایای افغانستان سه محور نخست دخیل‌اند، اما نمایندگان واقعی نسل نو و جوانانی که در بیست سال اخیر در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی فعال بوده‌اند، شامل نمی‌باشند.

مصاحبه شوندگان می‌گویند که به دکتر خلیل‌زاد توضیح دادند که افغانستان کشوری است که فیصدی قابل توجه و بیشتر از نصف آن را جوانان تشکیل می‌دهند. از جانب دیگر جوانان در طرف‌های منازعات افغانستان قربانی داده و می‌دهند و آینده هم مربوط به همین نسل‌نو و جوانان است که هم دانش آموخته‌اند و هم اهل تسامح و تساهل هستند و می‌خواهند با طالب و همه جوانب افغان در صلح زندگی، کار و سیاست نمایند. از این‌رو نسل‌نو و جوانان باید در پروسه‌ای که بر سرنوشت سیاسی و آینده آن‌ها تاثیر می‌گذارد، دخیل باشند.

مصاحبه شوندگان در ادامه؛ نگرانی‌های نسل‌نو و جوانان افغانستان را به دکتر خلیل‌زاد شریک نموده‌اند و از وی خواسته‌اند که تصمیم یکجانبه اتخاذ نگردد و از پروسه صلح برای منافع افراد و اشخاص استفاده سوء نشود که پروسه سبوتاژ می‌شود.

مصاحبه شوندگان خاطر نشان ساخته‌اند که راه رسیدن اقتدار باید غیر از راه تفنگ باشد. تعاملات خصمانه قدرت در نیم قرن اخیر، افغانستان را تباه و برباد کرده است. انتخابات باید یک اصل باشد. در ادامه مذاکرات صلح بین الافغانی باید به یک «توافق جامع سیاسی صلح» و تفاهم کلان ملی بخاطر «میکانیزم مشارکت سیاسی و توزیع قدرت» دست‌یافته شود. همچنان تأکید ورزیده شده است که نظامیان امریکا قطعاً از افغانستان خارج شوند، دوام حضور آن‌ها باعث تشدید و ادامه جنگ می‌شود، اما خروج غیرمسوولانه نباشد.

مصاحبه شوندگان می‌گویند که دکتر زلمی خلیل‌زاد در این نشست با تفصیل صحبت نکرد. با این وجود موارد ذیل را یادآوری نمود: به نقل از مصاحبه شوندگان دکتر خلیل‌زاد به رهبری گروه تماس و جرگه گفته است که او به جانب حکومت و طالبان گفته‌اند که «اگر شما از طریق زور اقدام به حل منازعات افغانستان نمایید، حمایت جامعه جهانی را با خود نمی‌داشته باشید.» صرف یک راه وجود دارد، او هم راه مذاکره است. راه دوم وجود ندارد یا مذاکرات یا قطع کمک‌ها. خلیل‌زاد در ارتباط به نوع نظام آینده به رهبری گروه تماس و جرگه گفته است که «ما چیزی را تحمیل نمی‌کنیم. همه موارد باید در مذاکرات بین‌افغانی حل شود.» و تأکید بر «مذاکرات بین‌افغانی» داشته است.

مصاحبه شوندگان می‌افزایند، دکتر خلیل‌زاد بیشتر از ما شنید. به نظر می‌رسید که دکتر خلیل‌زاد از گفتگوهای صلح خرسند نبود و ناامید به نظر می‌رسید. مصاحبه شوندگان از دکتر خلیل‌زاد پرسیده‌اند که شما با تحریک اسلامی طالبان در دوحه توافق‌نامه امضا کردید، اما خشونت افزایش یافت، جنگ توقف و یا کاهش نیافته است. اگر جانب حکومت و یا طالبان تن به صلح ندهند، پس چه می‌شود؟ وضعیت به کدام طرف روان است؟ و سرانجام چه خواهد شد؟ در پاسخ دکتر خلیل‌زاد ناراضیتی خود را چنین ابراز کرده است که «باری، رهبران تنظیم‌های جهادی در پیوند به تعهدات صلح به دعوت شاه وقت عربستان به زیارت کعبه و حج عمره رفتند، در کعبه قسم خوردند. باوجود آن، وقتی به افغانستان برگشتند، جنگ را ادامه دادند.» این پیام خلیل‌زاد می‌رساند که «جوانب افغان به تعهدات‌شان متعهد نیستند، حرف، تعهد و عمل‌شان فرق دارد.»

### ۳-۶. آینده صلح افغانستان از دید نسل نو و جوانان

با در نظر داشت این که تلاش‌های صلح افغانستان با گسترش دامنه سلطه تحریک اسلامی طالبان از ولایات به کابل و سرانجام فرار محمد اشرف غنی، رئیس جمهور و رهبری حکومت وقت، نافرجام باقی ماند. در مورد، نظر مصاحبه شونده‌گان در رابطه به آینده اعمار صلح در افغانستان پرسیده شده است.

**گرداننده:** اکنون که با توجه به تحول بزرگ و رسیدن جانب طالبان به قدرت، برای اعمار صلح در افغانستان چه می‌توان کرد؟ و پیشنهاد شما چیست؟

به نظر مصاحبه شونده‌گان، اکنون با در نظر داشت تحولات سیاسی اخیر در کشور دو سناریو محتمل، متصور و عملی است:

**سناریوی اول،** اگر جانب امارت اسلامی می‌خواهند که افغانستان به صلح دائمی و ثبات پایدار برسد، باید کمیسیون و یا شورای با صلاحیت برای ادامه گفتگوهای صلح با سایر جوانب افغان جهت تأمین ثبات دائمی تشکیل دهند. صلح و ثبات پایدار زمانی تحقق می‌یابد که تمامی طرف‌ها از راه مباحثه و گفتگو بحران چندین دهه را پایان دهند. از این رو، جانب طالبان در مشوره با سایر جریان‌های تاثیرگذار داخلی، زنان، نسل نو و جوانان افغانستان ابتکار آشتی ملی، صلح و تشکیل دولت همه شمول را روی دست گیرند. حقوق شهروندی، حقوق زنان، آزادی بیان و حق ابراز نظر برای مردم افغانستان را ارج گذاشته و زمینه ملت شدن و انسجام ملی را بیشتر فراهم سازند. اجبار در امور شرعی را کنار گذاشته، توأم با خواسته‌های سیاست بین‌الملل عمل نمایند. کنوانسیون‌ها، میثاق‌ها و معاهدات بین‌المللی را در عرصه حکومت‌داری رعایت کنند. تحریک اسلامی طالبان باید با قاعده بازی سیاسی انتخابی و خشونت پرهیز متعهد گردند. نظام مبتنی بر آرای مردم ایجاد کرده و در مشوره با همه جریان‌ها، کار بر تدوین قانون اساسی جدید را آغاز نمایند. اگر این ابتکار روی دست گرفته نشود، افغانستان بار دیگر به مشکل جدی گرفتار خواهد شد.

در ادامه، مصاحبه شونده‌گان به تجربه بن اشاره می‌کنند: در کنفرانس بن ۲۰۰۱ جانب تحریک طالبان و حزب اسلامی حکمتیار نادیده گرفته شد که یکی از عوامل ادامه جنگ در کشور بود. اعضای تحریک اسلامی طالبان مورد توهین و تحقیر قرار گرفته، خانه و خانواده‌های شان تلاشی و آزار و اذیت شدند، برای سالیان متمادی در بند کشیده شده و اکثریت شان مجبور به ترک وطن شدند. حتا مردم عام در مناطق مختلف کشور تحت نام طالب مورد ستم قرار گرفتند. اگر این سناریو این بار از جانب عساکر و قومندانان امارت اسلامی روی دست گرفته و ادامه یابد و مردم بی‌عزت شوند، ممکن باز هم مردم دست به سلاح ببرند. در پی منازعات نیم قرن اخیر، دست به سلاح بردن در افغانستان کار ساده شده است. علاوه بر آن، تعدادی از کشورها و گروه‌های تروریستی نیز در کمین هستند و احتمالاً تعدادی جذب تمویل شوند.

به باور مصاحبه شونده‌گان اگر افغان‌ها می‌خواهند افغانستان به ثبات برسد، پروسه صلح باقی‌مانده باید به شکل بهتری، دوباره آغاز شود. هنوز بحث صلح ادامه دارد و ما باید صلح خواهی را منحنی یک داعیه ملی ادامه دهیم. پروسه صلح، بخصوص اگر صلح سیاسی تکمیل نشود، ره به ثبات نمی‌برد.

مصاحبه شونده‌گان می‌گویند اگر از کدام جانب افغانی انتقام سیاسی گرفته شود، روزی آن‌ها هم انتقام خواهند گرفت و این منجر به دوام تعاملات خصمانه خواهد شد. برعکس، اگر زمینه زندگی اجتماعی و فعالیت سیاسی با عزت برای همه مساعد شود و زمینه مشارکت در قدرت و تصمیم‌گیری‌های سیاسی برای همه جوانب افغان به شمول نسل‌نو و جوانان و چهره‌های نو ظهور فراهم شود و احزاب به شکل منظم‌تر فعال شوند، می‌توان به صلح دائمی و ثبات پایدار رسید. بنابراین، جانب امارت اسلامی باید به افرادی که طالب نیستند و انتقاد می‌کنند، گوش دهند و آن‌ها را منحيث مخالف سیاسی بپذیرند. راه تعامل و گفتگو را نبندند. اکنون امارت اسلامی باید با حوصله‌مندی سیاسی از طریق گفتگوهای مداوم و استفاده از تجارب کشورهای که وضعیت مشابه افغانستان را داشتند، در راستای صلح دائمی و ثبات پایدار در کشور تلاش‌های جدی و صادقانه نمایند.

**سناریوی دوم**، به نظر مصاحبه شونده‌گان اگر فرض جانب طالبان بر این باشد که افغانستان را به زور فتح کردند و هرچه خواهند می‌کنند. این گونه فرضیات ره به صلح و ثبات نمی‌برد. تاریخ نشان داده است که حکومت زور در افغانستان دوام نمی‌آورد؛ طوری که حکومت کمونیست‌ها و جمهوریت‌های مطلقه نتیجه نداد و آمریکایی‌ها و ناتو با تمام امکاناتش، به چالش مواجه شدند.

مصاحبه شونده‌گان می‌افزایند: رسیدن به قدرت و انتقال قدرت از راه جنگ برای مردم و کشور ویرانی و تباهی فراوان به دنبال داشته و خواهد داشت. اکنون جانب طالبان در موقعیت دیگری قرار دارند. مردم از آن‌ها کار، نان، امنیت، عدالت، مشارکت، انکشاف و خدمات رفاهی می‌خواهند. از جانب دیگر در افغانستان تنها طالبان نیستند، جریان‌های مختلف هستند، اقوام مختلف زندگی می‌کنند و افکار مختلف وجود دارد. اگر به این منظور راه خوب جست‌وجو نشود، تجربه ناکامی‌ها در افغانستان تکرار خواهد شد.

مصاحبه شونده‌گان در مورد پیشنهاد ابتکار صلح و سناریوی اول به دست امارت اسلامی چنین جزئیات می‌دهند: برای رسیدن به ثبات یک نقشه راه باید مشخص شود. توافقنامه دوحه مبنی بر توافق بر نقشه راه سیاسی آینده افغانستان و ایجاد حکومت جدید پسا توافق که توسط مذاکرات بین‌افغانی مشخص می‌شود، عملی و مذاکرات جدید بین‌افغانی میان طالبان و سایر جوانب افغان آغاز شود. همه جوانب افغان در لوی جرگه قابل قبول برای همه جمع شوند. سرانجام، حتمن باید «انتخابات» صورت گیرد. اگر جانب طالبان بر وجود فساد و دخالت خارجی‌ها در پروسه‌های انتخاباتی گذشته نقد دارند. اکنون، خودشان انتخابات عاری از فساد و دور از مداخلات خارجی‌ها را دایر کنند. بدین منظور یک نظامی که هم مشروعیت ملی و هم مشروعیت دینی داشته باشد، تاسیس شود. نظام سیاسی که همه جوانب بر آن توافق نمایند و هیچ جانب، خواست‌های شان را بر دیگری تحمیل نکند. عطش قدرت طلبی باید در کشور فروکش کند و روحیه تواضع، تساهل، همدیگر پذیری و کثرت‌گرایی ترویج شود. سرانجام، راه رسیدن به اقتدار سیاسی به گونه خشونت پرهیز باید مشخص گردد، نظام سیاسی در کشور تأسیس شود که در آن دیگر جوانب سیاسی با طالبان و طالبان با سایر جوانب سیاسی افغان زندگی، کار و سیاست کرده بتوانند.



## فصل چهارم

### نتیجه گیری و پیشنهادات

#### نتیجه گیری

این تحقیق در پی یافتن پاسخ به این پرسش‌ها بود که چگونه به منازعات افغانستان نقطه پایان ببخشیم؟ گره کور منازعات مسلحانه، تعاملات خصمانه و بحران دیرگذر افغانستان چیست؟ پروسه‌های صلح نافرجام افغانستان کدام فراز و نشیب را پیموده و کدام جوانب در تلاش‌های صلح و تصمیم‌گیری‌ها شامل بودند؟ در دو دهه اخیر، نسل نو و جوانان برای آوردن صلح در افغانستان کدام تلاش‌ها را انجام داده‌اند؟ عوامل ناکامی پروسه صلح افغانستان در دوحه از دید نسل نو و جوانان چیست؟ سرانجام، خواست‌ها و پیشنهادات نسل نو و جوانان افغانستان برای رسیدن به صلح دائمی و ثبات پایدار چیست؟

تعاملات خصمانه قدرت در افغانستان ریشه در تجاوز و اشغال خارجی، تحمیل ایدئولوژی بیگانه در افغانستان، عدم شکل‌گیری نظام و ساختار سیاسی فراگیر و مورد توافق جوانب منازعات، بحران مشروعیت و وابستگی مستقیم و غیرمستقیم حکومت‌ها به منابع مالی، نظامی و کمک‌های بین‌المللی دارد. موقعیت جغرافیایی افغانستان در منطقه‌ای پر از تنش و رقابت میان کشورهای همسایه، منطقه و جهان سبب مداخلات و تمویل جوانب منازعات داخلی بوده و جنگ‌های داخلی با صبغه بین‌المللی را شکل داده است. در کنار جنگ و خشونت فزینگی، توسل جوانب منازعات به قوم، مذهب، زبان و حتی سمت سبب شکل‌گیری خشونت‌های فرهنگی در افغانستان شده است.

پروسه‌های صلح نافرجام افغانستان از معاهده جینووا (حمل ۱۳۶۷) بین دولت‌های افغانستان و پاکستان به اضافه اتحاد جماهیر شوروی سابق و ایالات متحده آمریکا که منجر به خروج نیروهای نظامی شوروی سابق از افغانستان شد، «طرح آشتی ملی» (سنبله ۱۳۶۵) داکتر نجیب‌الله احمدزی که از طرف مجاهدین و جوانب منازعات رد گردید، طرح صلح سازمان ملل و تلاش‌های بنون سیوان (۱۶ عقرب ۱۳۶۹) غیر عملی باقی ماند، توافقات سیاسی راولپندی-

پیشاور (۶ ثور ۱۳۷۱) و اسلام آباد (حوت ۱۳۷۱) میان احزاب و تنظیم‌های جهادی نه تنها منجر به صلح و تشکیل دولت فراگیر نشد، بلکه جنگ‌های داخلی را به دنبال داشت.

پروژه‌های صلح دولت افغانستان با جانب طالبان پسا بن که با اشتراک تکنوکرات‌های شامل قدرت، تنظیم‌های جهادی و نمایندگان تحریک اسلامی طالبان و بدون مشارکت معنادار نسل نو و جوانان در تصمیم‌گیری‌ها، یک دیپلماسی بی‌روح و ناکام صلح‌سازی را شکل داده بود که منجر به توافق سیاسی صلح میان دولت جمهوری وقت با تحریک طالبان نشد. در دو دهه اخیر حکومت وقت با حزب اسلامی حکمتیار (۱ میزان ۱۳۹۵) و امریکا (۱۰ حوت ۱۳۹۸) با تحریک اسلامی طالبان به توافق سیاسی دست یافتند.

پروژه صلح دوحه، که یکی از فرصت‌های طلایی برای آوردن صلح در افغانستان بود، بنابر عواملی از جانب حکومت وقت، امریکا و بازیگران جهانی و منطقه دخیل در صلح افغانستان و جانب تحریک طالبان منجر به توافق صلح میان حکومت وقت و تحریک طالبان نشد. عوامل ناکامی پروژه صلح افغانستان در دوحه، به سه جانب مشتمل بر صف جمهوریت و رهبری حکومت وقت افغانستان، ایالات متحده امریکا و بازیگران جهانی و منطقه‌ای دخیل در صلح افغانستان و جانب طالبان بر می‌گردد.

اکنون که جانب طالبان با داعیه احیای امارت اسلامی به قدرت دست‌یافته‌اند. افغانستان هنوز در چرخه‌های طولانی تعامل خصمانه است. چون از یک‌طرف بسیاری مقامات حکومت پیشین فرار کردند. تعدادی از رهبران و نمایندگان تنظیم‌های جهادی و جریان‌های سیاسی که برای نشستی به پاکستان دعوت شده بودند، از آن‌جا به کشور برنگشتند. اعضای ارشد قوای امنیتی و دفاعی حکومت نیز کشور را ترک کردند. همکاران نیروهای خارجی، سارنوالان، قضات و تعدادی فعالان رسانه‌ای نیز از کشور خارج شدند. مردم عام از ترس از دست دادن آزادی‌های اجتماعی و مواجه شدن با فقر و بیکاری شدید، امنیت روانی ندارند و فعالان مدنی-سیاسی نسل نو و جوانان با در نظر داشت وضعیت جاری در کشور از سرنوشت و مشارکت سیاسی‌شان، عدم شکل‌گیری نظام و دولت فراگیر، وضع محدودیت‌ها بر رسانه‌ها، شیوه حکومت‌داری، صلح و ثبات و سایر مسایل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور نگران‌اند. از جانب دیگر برخی گروه‌های تندرو و بنیادگرا در تلاش جلب و جذب و ایجاد چالش فراراه امنیت و ثبات افغانستان، منطقه و جهان هستند. با این حال ظرفیت بازگشت به منازعات مسلحانه همواره وجود داشته و دارد. با پیش‌آمدن فرصت، زمینه بازگشت به میدان مبارزات مسلحانه و گرم‌تر شدن تنور جنگ مهیا است.

از قطعنامه‌های جرگه‌های نسل نو و جوانان و همایش‌های صلح چنین استنباط می‌شود:

اول، تأکید بر انسجام، هم‌صدایی، هم‌گرایی و هماهنگی نسل نو و جوانان برای صلح پایدار و ثبات دایمی در کشور. دوم، نسل نو و جوانان افغانستان در پروژه‌های صلح از عدم حضور نمایندگان نسل نو و جوانان (بیرون از حکومت و تنظیم‌های جهادی) در تصمیم‌گیری‌ها و روند مذاکرات صلح، ترکیب هیأت، عدم همسویی، وجود پراکندگی و بی‌برنامه‌گی، خودخواهی و منفعت‌طلبی در صف جمهوریت، انعطاف ناپذیری و عدم پذیرش کثرت‌گرایی توسط طالبان، جست‌جوی منافع شخصی، حزبی و گروهی در روند مذاکرات صلح، پیامدهای ناگوار جنگ بر مردم و مبهم بودن توافقات و روند مذاکرات صلح انتقاد داشتند.

سوم، خواست‌های نسل‌نو جوانان از قطعنامه‌های جرگه‌ها و همایش صلح چنین استنباط می‌شود که جوانان در تلاش صلح به دنبال «حل منازعات از طریق مذاکره و توافق سیاسی، آتش‌بس و قطع کامل و دائمی جنگ در کشور، جلوگیری از تخریب تأسیسات عام المنفعه، حمایت از نظام و دولت همه شمول، حمایت از انتخابات و قانون اساسی، حفظ دستاوردهای دو دهه اخیر همچون دستاوردهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوق اتباع به خصوص حقوق زنان، آزادی بیان و رسانه‌ها و حفظ نظام و قوای مسلح، نظارت و گزارش از پروسه‌های صلح و دوام همکاری، حمایت‌های مالی و روابط دوستانه با جامعه جهانی» بودند و تفصیل خواست‌های نسل‌نو و جوانان از مصاحبه گروهی با شماری از اعضای رهبری گروه تماس و جرگه چنین به دست می‌آید:

۱) برداشتن گام‌های عملی، صادقانه و متعهدانه توسط امارت اسلامی (جانب طالبان) در راستای حل منازعات از طریق مذاکره و تفاهم سیاسی، آغاز روند جدید گفتگوها و مذاکرات صلح، آشتی ملی، تفاهم بر نقشه راه همه جانبه و توافق روی چگونگی تسوید و تصویب قانون اساسی جدید با سایر جوانب تأثیرگذار افغان برای قطع دائمی منازعات مسلحانه و ایجاد آینده سیاسی با ثبات.

۲) اجتناب از خودخواهی و انحصار طلبی در قدرت، انعطاف‌پذیری و پاسخگویی امارت اسلامی (جانب طالبان) و سایر جوانب تأثیرگذار افغان برای رسیدن به یک تفاهم کلان سیاسی.

۳) توافق و تعهد همه جوانب سیاسی بر قاعده بازی سیاسی انتخابی و خشونت پرهیز.

۴) تعریف ساختار سیاسی و حکومت‌داری، زمینه‌سازی و تعریف مشارکت معنادار همه اقوام در قدرت سیاسی و تصامیم دولت بر اساس تصویب و تطبیق قوانین عادلانه.

۵) حفظ و تطبیق روند مردم‌سالاری و کسب اقتدار سیاسی از طریق انتخابات، دولت انتخابی (هم مشروعیت ملی و هم دینی داشته باشد)، رهبران انتخابی و پاسخگو، تعریف ارکان دولت و تفکیک قوا، برگزاری انتخابات سراسری و عادلانه، و مراجعه به آرا و خواست‌های ملت در مسائل کلان و سرنوشت ساز کشور.

۶) تعریف و احترام به ارزش‌های ملی و مشترک، همدیگر‌پذیری، احترام گذاشتن همه اقوام و جریان‌ها به ارزش‌ها و تفاوت‌های فکری، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی یک دیگر، و تلاش برای یک افغانستان با ثبات و مترقی.

۷) اخوت و همزیستی پیروان مذاهب در افغانستان در سطح منطقه نظیر نداشته و جدا ناپذیر استند. بنا باید در کنار مذهب حنفی و اهل تسنن، مذهب جعفری و اهل تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور حفظ و احترام گذاشته شود.

۸) حفظ اعتدال، کنار گذاشتن اجبار و جلوگیری از افراط و تفریط در امور شرعی.

۹) حفظ و توسعه آزادی بیان، مطبوعات و رسانه‌ها، حق دسترسی به اطلاعات، آزادی‌های اجتماعی، مدنی، سیاسی و حق اعتراض مسالمت‌آمیز برای تمام اتباع افغانستان در چوکات قوانین عادلانه.

۱۰) حراست و حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی زنان (حق تعلیم، تحصیل، کار، مشارکت و حضور معنادار در عرصه‌های سیاسی، مدنی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی).

(۱۱) حضور و مشارکت معنادار نسل نو و جوانان به عنوان طرف تاثیرگذار در روند تصمیم‌گیری‌های ملی، نخبگان نسل نو و جوانان باید از مبارزه و تلاش‌های فردی و پراکنده گذشته (اگر ممکن نیست در یک صف واحد قرار گیرند، با همفکران خویش چندین جریان سیاسی- مدنی هدفمند را با آجدای روشن برای شیوه دولتی و رسیدن به اقتدارسیاسی پدید آورند) و متحدانه در راستای رسیدن به ثبات سیاسی و صلح دائمی در کشور مبارزه و تلاش نمایند. همانطوری که قبلاً توضیح داده شد، در دو دهه پسین (ظهور جمهوری اسلامی افغانستان)، چهار محور سیاسی در افغانستان حضور داشتند؛ ۱\_ تکنوکرات‌های شامل در قدرت ۲\_ رهبران و تنظیم‌های جهادی ۳\_ تحریک اسلامی طالبان و ۴\_ نسل نو و جوانان افغانستان. از این جمله، سه محور نخست در تمام تصمیم‌های سیاسی و نظامی افغانستان حضور فعال داشته‌اند. اما محور چهارم- نسل نو و جوانان افغانستان تاکنون نقش فعال و معنادار نداشته، در تصمیم‌گیری‌ها دخیل نبوده و همواره قربانی تصمیم‌گیری‌های سه محور نخست شده‌اند.

(۱۲) مشارکت سیاسی و سهیم‌سازی نسل نو و جوانان در نشست‌ها و تصمیم‌های ملی، فارم‌ها و پلتفرم‌های بین‌المللی در خصوص قضایای افغانستان خارج از سه محور فوق‌الذکر و دخیل در تصمیم‌های سیاسی.

(۱۳) حفظ حقوق و رسیدگی بدون استثنا به مشکلات قربانیان جنگ، وارثان شهداء و افراد دارای معلولیت ناشی از چندین دهه منازعه در افغانستان.

(۱۴) ایجاد و تشکیل نیروهای دفاعی و امنیتی، سازمان استخباراتی و اطلاعاتی، و پولیس مسلکی متعهد، غیرسیاسی و غیر وابسته.

(۱۵) اجتناب از وضع محدودیت و ممنوعیت فعالیت‌های فرهنگی و هنری و حفاظت از میراث‌های فرهنگی، هنری و باستانی افغانستان.

(۱۶) حفظ، تداوم، توسعه و ایجاد روابط دوستانه و استراتژییک با کشورهای همسایه، منطقه و جهان بر اساس منافع ملی.

(۱۷) اجتناب از ایجاد حساسیت در روابط خارجی و حفظ بی‌طرفی در تنش‌ها، رقابت‌های منفی و جنگ‌های نظامی و استخباراتی منطقه و جهان.

(۱۸) حمایت قاطع سازمان ملل متحد به ویژه شورای امنیت و سایر سازمان‌های بین‌المللی از مردم، زنان، نسل نو و جوانان افغانستان.

(۱۹) دوام حمایت‌های مالی جهانی و همکاری جدی و صادقانه جامعه جهانی با مردم افغانستان در راه رسیدن به صلح پایدار و ثبات دائمی.

سرانجام، افغانستان زمان به طرف صلح و ثبات خواهد رفت که ابتکار صلح دوباره روی دست گرفته شود و در افغانستان نظام همه شمول با توافق جوانب منازعات و مراجعه به آرای مردم افغانستان شکل گیرد. تا بدین وسیله به جنگ و تعاملات خصمانه قدرت نقطه پایان گذاشته شود. براساس توافق سیاسی دولت و نظام ملی قوی ایجاد شود. مسأله مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و قدرت با تدوین میکانیسم حل شود. همه جوانب باید از خشونت فزینگی (جنگ‌های مسلحانه) دست بردارند. به عبارت دیگر گلیم جنگ در کشور باید برچیده شود و مبارزات سیاسی که بن‌مایه یک

جامعه سیاسی است به روش‌های مسالمت‌آمیز و خشونت پرهیز در کشور صورت گیرد. در نهایت، با حل مسائل داخلی و ایجاد دولت قوی ملی، زمینه مشروعیت بین‌المللی و روابط دوستانه با کشورهای همسایه، منطقه و جهان فراهم می‌شود.

آینده صلح افغانستان، یک جابجایی در کارگزاران صلح نیاز دارد که از فعالیت‌ها، چارچوب و کارگزاران سنتی صلح که دیپلماسی بی‌روح را تشکیل می‌دهند، فراتر رود. تمام بخش‌های جامعه باید در استقرار صلح سهم بگیرند. به این منظور بخش میانی جامعه (نسل نو و جوانان و چهره‌های نو ظهور) نقش مهم‌تری از سطوح بالا؛ یعنی رهبران طراز اول؛ تشنه‌گان قدرت و طرف‌های درگیر در منازعه، ایفا نمایند. این نقش تنها شامل حل مسائل فوری منازعه (تقسیم قدرت) نباشد، بلکه شامل رفع نگرانی‌های که بازگشت به منازعات مسلحانه و تعاملات خصمانه را ممکن می‌سازد، نیز باشد.

## پیشنهادات

### ۱. نقشه راه سیاسی

در نیم قرن اخیر، افغانستان دچار تعاملات خصمانه قدرت بوده و است. ازینرو دولت‌ها با عمرهای کوتاه شکل گرفته و رفته اند. هرازگاهی یک جنگ ختم و جنگ دیگر شروع شده است. جوانب افغان بر اساس توافق به یک نظام مشروع، ساختار سیاسی، راهکار همه شمول در تمام مسائل ملی و کلان کشور، و روش دولت‌داری و حکومت‌داری که همه جوانب بر آن توافق داشته باشند، دست نیافته‌اند. برای ختم چند دهه منازعه در افغانستان، گام‌های عملی و صادقانه در راستای آشتی ملی و حل منازعه از طریق مذاکره و تفاهم سیاسی توسط امارت اسلامی (جانب طالبان) و سایر جوانب تاثیرگذار افغان (رهبران و تنظیم‌های جهادی، تکنوکرات‌های شامل قدرت در دو دهه پسین، زنان، نسل نو و جوانان افغانستان)، برای ایجاد یک نظام انتخابی که هم مشروعیت ملی و هم مشروعیت دینی داشته باشد و همه جوانب بر آن توافق نمایند و هیچ جانب، خواست‌های شان را بر دیگری تحمیل نکند؛ برداشته شود. روحیه تواضع، تساهل، همدیگر پذیری و کثرت‌گرایی لحاظ و مدنظر گرفته شود، منازعات از طریق مذاکره و تفاهم‌های سیاسی حل گردد و سرانجام، راه رسیدن به اقتدار سیاسی باید به گونه خشونت پرهیز که صلح پایدار و ثبات دایمی را در افغانستان تضمین می‌کند، مشخص شود و نقشه راه سیاسی با شرح ذیل به مدت مشخص (۱ تا ۵ سال) عملی گردد:

- جانب طالبان و سایر جوانب سیاسی تاثیرگذار افغانستان یک‌بار و برای همیشه به ختم جنگ و تامین صلح پایدار تصمیم جدی اتخاذ نمایند. همه جوانب، باید آماده مذاکره قاطع، جامع و جدی بخاطر حل مسائل قدرت در افغانستان باشند. بدین‌منظور، جانب طالبان با سایر جوانب سیاسی افغانستان و سایر جوانب سیاسی افغانستان با طالبان برای آغاز گفتگو و گفت‌وگو اعتماد سازی در داخل و خارج از افغانستان (کشورهای همسایه، منطقه و جهان؛ حامی صلح و ثبات در افغانستان) گام بردارند.
- بنابراین، سازمان ملل متحد، نهادهای بین‌المللی حامی صلح در جهان، کشورهای حامی صلح و ثبات دایمی در افغانستان، و گروه از شخصیت‌های صلح‌جو و میانجیگر در افغانستان، برای تسهیل این گفتگوها زمینه سازی کنند.

- آغاز جدید مذاکرات تاثیرگذار بین‌الافغانی توسط امارت اسلامی با سایر جوانب افغان با تسهیل و نظارت سازمان ملل متحد.
- تشکیل حکومت همه شمول (تحت نام حکومت سرپرست/ موقت/ انتقالی برای مدت مشخص تا برگزاری انتخابات) که در آن حضور و مشارکت معنادار اقوام، طرف‌ها و جوانب سیاسی به شمول نسل نو و جوانان و چهره‌های نوظهور در نظر گرفته شود.
- تشکیل کمیسیون برگزاری لویه جرگه بر اساس توافق جوانب.
- برگزاری لویه جرگه قابل قبول برای تأیید حکومت همه شمول و ایجاد کمیسیون ملی تسوید قانون اساسی.
- تصویب قانون اساسی عادلانه توسط لویه جرگه قابل قبول، رفرااندوم و یا توافق بر سایر میکانیزم قابل قبول توسط امارت اسلامی و سایر جوانب سیاسی تأثیرگذار افغان.
- برگزاری انتخابات سراسری و عادلانه و تشکیل دولت بعدی بر اساس قانون اساسی جدید.

## ۲. ساختار سیاسی

انحصار قدرت، متمرکز بودن سیستم حکومت‌داری، نهادینه نساختن عدالت اجتماعی، انکشاف نامتوازن، ناعادلانه بودن توزیع بودجه ملی و چگونگی استفاده از ثروت ملی، ضعیف بودن مشارکت عادلانه و معنادار اقوام در قدرت سیاسی و اتخاذ تضامیم دولت، همواره باعث آن شده که طرف‌های دیگر تلاش نمایند تا در سطوح مختلف حتی نظامی از منابع بین‌المللی و خارجی تغذیه شوند و برای رسیدن به قدرت استفاده کنند. مداخلات خارجی و بی‌خردی داخلی باعث آن شده که جوانب منازعات افغانستان توسط خارجی‌ها استفاده استخباراتی و سیاسی شوند. از این‌رو، وجود رهبران ناکارا، تأکید بر روایت اقلیت و اکثریت از سوی رهبرای قومی، خودخواهی، فساد و بی‌ظرفیتی رهبری حکومت‌ها باعث انحصار قدرت و یکی از عوامل منازعات افغانستان بوده است. بنابراین، برای افغانستان واحد، یکپارچه و باثبات، ساختار سیاسی ذیل که در نوعیت نظام‌های مختلف قابل تطبیق است، پیشنهاد می‌گردد:

۱\_ رئیس دولت و معاونان ۲\_ صدراعظم و معاونان ۳\_ شورای ملی ۴\_ شورای عالی فقهی و دارالافتاء ۵\_ شورای عالی ستره محکمه ۶\_ والی‌ها ۷\_ شاروالی‌ها ۸\_ شورای ولایتی ۹\_ شورای ولسوالی و ۱۰\_ ولسوال‌ها بطور انتخابی با تفکیک صلاحیت‌های واضح در قانون اساسی با رای مستقیم یا غیرمستقیم طبق قانون توسط مردم افغانستان انتخاب گردند.

## ۳. چگونگی رسیدن به اقتدار سیاسی

جانب تحریک اسلامی طالبان و محوره‌های سیاسی تاثیرگذار در افغانستان بر قاعده بازی انتخابی برای رسیدن به قدرت سیاسی توافق کنند. افغان‌ها جز راه رسیدن به قدرت از طریق انتخابات، روش قابل قبول دیگر که صلح و ثبات دایمی در کشور را تضمین کند، ندارند. بناً انتخابات به عنوان یک اصل توسط همه جوانب پذیرفته شده و مبارزات سیاسی برای رسیدن به قدرت از طریق احزاب سیاسی در چوکات قانون صورت گیرد، نه افراد.

#### ۴. انکشاف متوازن و استفاده عادلانه از ثروت ملی

ثروت ملی؛ منابع زیر زمینی، آب، زمین، آثار باستانی و فرهنگی، تأسیسات دولتی، منابع انسانی و عواید مالی دولت جز ملکیت و منافع عمومی مردم افغانستان است که در چوکات قانون بصورت عادلانه از آن استفاده و حفاظت شود. توزیع عادلانه بودجه ملی و استفاده از عواید ثروت ملی به شکل عادلانه و برای انکشاف متوازن از مرکز به ولایات، طوری باشد که ولایات مربوطه صلاحیت کامل چگونگی مصرف آن را در چوکات قانون داشته باشند.

#### ۵. شورای عالی فقهی و دارالافتاء

مردم افغانستان در میان انبوه از روایات و تعاریف از آدرس‌های مختلف در امور شرعی و فقهی قرار دارند. با در نظر داشت شرایط موجود در افغانستان، علما و نخبگان شرعی و فقهی فتواها، رهنمایی‌ها و مشوره‌های لازم را در اختیار مردم افغانستان قرار دهند. بنابر این نیاز برای ایجاد شورای عالی فقهی و دارالافتاء در افغانستان که حدود صلاحیت‌ها، فعالیت‌ها و ساختار آن در قانون اساسی تسجیل گردد، می‌باشد.

#### ۶. روابط با همسایه‌ها، منطقه و جهان

افغانستان به لحاظ جغرافیایی در منطقه‌ای پر از تنش‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی قرار گرفته است. بدون شک، این مسأله بر منازعات داخلی افغانستان بی‌تأثیر نبوده و نیست. افغانستان نیازمند اجتناب از ایجاد حساسیت در روابط خارجی خویش بوده و باید در تنش‌ها، رقابت‌های منفی و جنگ‌های نظامی و استخباراتی منطقه و جهان بی‌طرفی خویش را حفظ کند. افغانستان ضرورت به دستگاه فعال و متخصص دیپلماسی داشته و نیازمند تعریف مشخص از سیاست خارجی خود با در نظر داشت اولویت‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است.

افغانستان در صلح نمی‌تواند از کشورهای همسایه خود جدا شود و نمی‌تواند کشورهای منطقه را هم نادیده بگیرد. بنابراین ما نیازمند سیاست خارجی جامع مبنی بر منافع طرفین با کشورهای همسایه؛ چین، پاکستان، ایران، اوزبیکستان، ترکمنستان و تاجیکستان هستیم. برای ایجاد همگرایی، استفاده از فرصت‌های اقتصادی منطقه‌ای و روابط دوستانه تلاش صورت گیرد و برای کاهش تنش‌ها در روابط میان افغانستان و کشورهای همسایه به خصوص پاکستان اقدامات لازم انجام شود؛ البته این اقدامات به گونه‌ای باشد که کشورهای منطقه به ویژه هندوستان را حساس نکند. همچنان افغانستان نیازمند داشتن پالیسی مشخص در برخورد با چین است. افغانستان می‌تواند از فرصت‌های اقتصادی، ترانزیتی و اتصال محور در روابط با چین استفاده کند.

افغانستان باید به یک بازیگر قوی در منطقه مبدل شود. از موقعیت و جغرافیای افغانستان در تعاملات مثبت با منطقه و جهان استفاده شود، اما هیچ‌گاهی سیاست تقابل را نباید پیشه کند. در کشورهای همسایه، منطقه و فرامنطقه؛ روسیه، هند، جاپان و عربستان، ترکیه، مصر، امارات متحده عربی، قطر و سایر کشورهای اسلامی منابع بیشتر به کار گرفته شود و روابط گسترده و توسعه یافته با توجه به منافع ملی بوجود آید.

افغانستان باید تلاش نماید تا متحدین خود را در جهان بیشتر سازد. افغانستان نیازمند روابط استراتژییک و دوستانه با ایالات متحده امریکا و سایر کشورهای متحد آن؛ انگلستان، کانادا، استرالیا، کشورهای اتحادیه اروپا بخصوص آلمان، فرانسه و ایتالیا است. داشتن روابط دوستانه و استراتژییک با ایالات متحده امریکا خود یک سرمایه و فرصت است. بنام افغانستان باید بر اساس تعریف جدید، روابط دوستانه و استراتژییک با این کشورها به ویژه ایالات متحده امریکا، نیازمندی‌های اقتصادی و مالی خویش را تأمین کند، اعتبار بین‌المللی خود را توسعه ببخشد و از فرصت‌ها و امتیازات سازمان‌های بین‌المللی نیز استفاده نماید.

### محدودیت‌های تحقیق

۱. از آنجایی که آمار و احصایه نفوس افغانستان و ارقام نفوس ساکن در هر ولایت و ولسوالی دقیق نیست. از این رو ایجاد تناسب و یا فیصدی میان نمونه آماری و جامعه آماری ممکن و میسر نشد.
۲. ادبیات تحقیق و استفاده از کلمات و اصطلاحاتی که با روحیه صلح جویی مغایرت نداشته باشد و حساسیت‌های اجتماعی و سیاسی حاکم در آن لحاظ شده باشد، محدودیت دیگر در راستای تکمیل تحقیق بود.
۳. رعایت نشدن ساختار علمی در بعضی قطعنامه‌ها که سبب خلط شدن نقدها، خواست‌ها، پیشنهادات و التیماutomها شده بود.
۴. سقوط نظام جمهوری اسلامی افغانستان و محدود شدن فعالیت‌های مدنی و سیاسی که مانع تکمیل این تحقیق در ۳۴ ولایت کشور شد. سر انجام چهار ولایت؛ پنجشیر، پروان، کاپیسا و دایکندی با وجود آمادگی‌ها جهت برگزاری جرگه‌ها؛ شامل این تحقیق نگردید.
۵. محدودیت دیگر در تکمیل تحقیق وقوع تحول ۱۵ اگست ۲۰۲۱ بود که با انجام مصاحبه گروهی تا حدودی زیاد رفع گردید.
۶. در تدوین معلومات و داده‌های تحقیق موضوعات امنیت، محدودیت مالی و پراکنده بودن نسل نو و جوانان محدودیت‌های دیگر فراراه این تحقیق بوده است.

به امید صلح و ثبات در افغانستان

و من الله توفیق



## منابع

۱. Assembly, G (۱۹۹۰). November ۷. (Resolution ۴۵/۱۲). *United Nation General Assembly*.
۲. Barash, D. P. (۲۰۰۲). *peace and Conflict studies*. London: Sage publications, Inc.
۳. Berghof, F. (۲۰۱۲). *Berghof Glossary on conflict Transformation: 20 notions for theory and practice*. Berlin: Berghof Foundation Operation GmbH.
۴. Erin McCandless, A. (۲۰۰۷). *Peace research for Africa, Critical Essays on Methodology*. Geneva: University for peace.
۵. Galtung, J. (۱۹۷۳). *Theory of Conflict: Difications, Dimentions, Nagations and Formations*. Hawaii: University of Hawaii.
۶. Gargan, E. A. (۱۹۹۲). *Whisper of Hope is Echoing in War-Scarred Afghan Hills*. New York: New York Times.
۷. Kurtz, L. (۲۰۰۷). *Encyclopedia of Violence, peace and conflict: Volumw 2 (F-P)*. San Diego: Academic press.
۸. Peck, C. (۱۹۹۸). *Sustainable Peace: The Role of UN and Regional Organization in Preventing Conflict*. New York: LITTLEFIELD PBLISHERS, INC.
۹. Slim, H. S. (۱۹۹۴). *From Civil War toward Civil Society*. Washington, D.C: American Enterprise Institute for Public Policy Research.
۱۰. Sullivan, D. p. (۲۰۰۷). The Mysterious Rise of the Taliban *Journal of peace Research*, Vol. ۴۴, no ۱, january ۲۰۰۷.
۱۱. USA\_Taliban, Agreement for Bringing Peace to Afghanistan). February ۲۹, ۲۰۲۰.
۱۲. <https://www.state.gov/wp-content/uploads/۲۰۲۰/۰۲/Agreement-For-Bringing-Peace-to-Afghanistan-۰۲,۲۹,۲۰.pdf>

۱۳. احمدی، م. (۱۴۰۰)، طرح آشتی ملی داکتر نجیب الله و درس‌های صلح در جویابه پوهاند کاکر. در ح. کاکر، *تلاش افغان‌ها برای صلح* (ص. ۷۴-۷۹). کابل: انتشارات امیری.
۱۴. احمدی، م. ا. (۱۴۰۰)، *صلح افغانستان؛ جدال جمهوریت و امارت*. کابل: انتشارات مقصودی.
۱۵. اطلاعات روز. (۲۸ حمل ۱۳۹۸). *طالبان در واکنش به هیأت ۲۵۰ نفری حکومت: نشست دوحه پلان شده است نه مهمانی*. کابل: اطلاعات روز.
۱۶. امیری، م. (۱۳۹۰). *روایت زندانیان*. کابل: هشت صبح.
۱۷. ایده، ک. (۱۳۹۹). *کشمکش بر سر قدرت در افغانستان*، ترجمه: محمد عارف منصوری و فرحناز منصوری. هرات: انتشارات قلم.
۱۸. بارت، ر. (۱۹۷۸). *آمار ریشه‌های جنگ*. نیویورک: پنگوئن.
۱۹. بیگدلی، ر. ض. (۱۳۹۴). *حقوق بین الملل بشر دوستانه؛ چاپ سوم*. تهران: کتابخانه گنج دانش.
۲۰. تمنا، ف. (۱۳۹۹). *معمای صلح و امنیت افغانستان*. کابل: انتشارات امیری.
۲۱. حامد، م. (۱۳۹۵). *دکترین جنگ و صلح در اسلام*. کابل.
۲۲. حسرت، س. ر. (۱۳۹۲). *مطالعات صلح و منازعه و آموزش صلح*. کابل: دهکده چاپ.
۲۳. خرم، ع. (۱۳۹۸). *چهل سال در طوفان*، چاپ دوم. کابل: مطبعه وایگل.
۲۴. دهخدا، ع. ا. (۱۳۲۵). *لغت نامه*. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۵. رایت، ک. س. (۱۹۴۲). *تحقیقی در جنگ*. شیکاگو: انتشارات دانشگاه.
۲۶. ری، س. ت. (۱۹۹۱). *هنر جنگ: ترجمه: توماس کلی*. نیویورک: شمباها.
۲۷. ریگی، م. ب. (۱۳۸۶). *فرهنگ عربی - فارسی*. تهران: انتشارات اندیشه.
۲۸. سیگار. (۷ نوامبر ۲۰۲۱). *۶۰ تا ۷۰ هزار سرباز افغان طی ۲۰ سال کشته شدند*. نیویورک: بازرس ویژه امریکا در امور بازسازی افغانستان.
۲۹. صدر، ع. (۱۳۹۷). *فرایندهای صلح در افغانستان*. کابل: انستیتوت مطالعات استراتیژیک افغانستان.
۳۰. کاکر، م. ح. (۱۴۰۰). *تلاش افغان‌ها برای صلح*. کابل: انتشارات امیری.
۳۱. لیدراک، ج. (۱۳۹۶). *استقرار صلح: ترجمه حسن رضایی*. کابل: نشر گوهرشاد.
۳۲. مارزدن، پ. (۱۳۷۹). *طالبان؛ جنگ، مذهب و نظم نوین در افغانستان*. ترجمه: نجله خندق. تهران: وزارت امور خارجه.
۳۳. محمدی، ج. (۱۳۹۸). *از کمیسیون تحکیم صلح تا وزارت دولت در امور صلح؛ نهادسازی های ناکام صلح در افغانستان*. بستر تعاملی و خدمات محور فارسی زبانان، ۲.
۳۴. معین، م. (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی؛ چاپ ۲۷*. تهران: امیر کبیر.
۳۵. منصور، ع. (۱۴۰۰). امکان تکرار خطای گذشته. در ح. کاکر، *تلاش افغان‌ها برای صلح* (ص. ۱۳۹-۱۴۳). کابل: انتشارات امیری.
۳۶. نامه جویابه پوهاند محمد حسن کاکر به داکتر نجیب الله. (۱۴۰۰). در م. ح. کاکر، *تلاش افغان‌ها برای صلح* (ص. ۱۶-۳۳). کابل: انتشارات امیری.
۳۷. وفایی‌زاده محمد قاسم، ح. ع. (۱۳۹۵). *بررسی گفتگوهای صلح در افغانستان در چهار دهه گذشته*. کابل: انستیتوت مطالعات استراتیژیک افغانستان.
۳۸. وفایی‌زاده، م. (۱۳۹۳). *سیاست ورزی قومی و بنای صلح در افغانستان*. کابل: موسسه حقوق بشر و محو خشونت.
۳۹. بوری، د. ا. (۱۹۹۲). *گزارش وضعیت منازعات در جهان*. اتلانتا: شبکه مذاکرات بین المللی مرکز کارتر.

۴۰. یونااما. (۲۰۲۱). *تلفات افراد ملکی در شش ماه نخست سال ۲۰۲۱*. کابل: نمایندگی سازمان ملل متحد در افغانستان.

۴۱. *قطعه‌نامه‌ها: همایش‌ها و جرگه‌های صلح نسل نو و جوانان، ۱۳۹۸-۱۴۰۰*.

## ضمایم: قطعهنامه های جرگه ها و همایش های صلح

### بیانیه نشست افتتاحیه گروه تماس جوانان برای صلح

ختم جنگ و دست یافتن به صلح و ثبات پایدار آرمان همه اقشار مردم افغانستان است. مردم افغانستان بخصوص نسل نو و جوان بیشترین پیامدهای جنگ را متحمل شده اند. ما نسل نو و جوان افغانستان از صلح سراسری و حتی صلح که منجر به جلوگیری از ریختن خون یک انسان شود، حمایت می کنیم. ما نگران آن هستیم که پروسه صلح، شروع فاز جدید جنگ را در پی نداشته باشد. نسل نو و جوان افغانستان نگران تلاش های مشکوک برای به حاشیه کشیدن و دور زدن نظام جمهوری اسلامی افغانستان هستند. همینطور نسل نو و جوان از عدم حضور معنادار شان در پروسه صلح نگرانی جدی دارند.

### نگرانی نسل نو و جوانان افغانستان و چگونگی تأسیس گروه تماس جوان برای صلح:

پروسه صلح افغانستان ابعاد ملی، منطقه ای و بین المللی یافته است. به همین منظور نسل نو و جوانان افغانستان از مذاکرات امریکا با طالبان حمایت میکنند اما این مذاکرات زمانی رضایت بخش و موثر است که دولت و نظام افغانستان که نماینده اصلی مردم هستند، مستقیماً دخیل باشند.

از سوی هم در مذاکرات صلح حکومت، تحریک اسلامی طالبان، کشورهای منطقه و جهان و بخصوص ایالات متحده آمریکا و همچنان جناح های مختلف داخلی دخیل شده اند. اما نسل نو و جوان افغانستان از دور زدن نظام جمهوری اسلامی افغانستان، در حاشیه ماندن جوانان، نادیده گرفتن نسل نو و جوانان بحیث یکی از طرف های تاثیرگذار فعلی و آینده بر سرنوشت سیاسی افغانستان و برخی پیامدهای منفی احتمالی و ناگوار پروسه صلح نگران اند. به هدف رفع این نگرانی ها، حضور فعال در پروسه و مذاکره با طرف های دخیل در پروسه صلح و تقویت نقش جوانان و نسل نو در این پروسه؛ گروه تماس جوانان برای صلح توسط جمعی از فعالان نسل نو و شماری از نهادهای فعال جوان محور و نسل نو بحیث آدرس مشخص که از حقوق جوانان و نسل نو افغانستان در پروسه و گفتگوهای صلح و مذاکره، دفاع و نمایندگی واقعی کرده بتواند، تشکیل گردیده است.

### هدف اساسی گروه تماس جوانان برای صلح قرار ذیل است:

گفتگو با رهبری و مسوولان بلند پایه دولت جمهوری اسلامی افغانستان، جامعه بین المللی و دفتر سیاسی تحریک اسلامی طالبان به منظور تقویت نقش، جایگاه و دفاع از مشارکت و حضور معنادار نسل نو و جوان افغانستان (اعم از زن و مرد) در تصمیم گیری های مهم ملی در حال و آینده افغانستان، به ویژه پروسه مصالحه و حمایت از صلح و مذاکره با تحریک اسلامی طالبان و تقویت همگرایی نسل نو برای تأمین ثبات دایمی و صلح سراسری در افغانستان.

### خواست های گروه تماس جوانان برای صلح در پروسه صلح:

۱. برقراری آتش بس و حمایت از مذاکرات بین الافغانی بدون قید و شرط.
۲. هیچ طرف نباید به فکر پیروزی یکی بر دیگر باشد. ما از دولت افغانستان، تحریک اسلامی طالبان و ایالات متحده آمریکا و متحدان آن می خواهیم با گفتگو و تفاهم به این جنگ خاتمه دهند.



۳. تمثیل اراده ملت از طریق تدویر لویه جرگه همه شمول به منظور مشروعیت بخشیدن به توافقات صلح در سطح ملی و همچنان تدویر کنفرانس بین المللی در یکی از کشورهای دوست و بی طرف به منظور تضمین توافقات صلح در سطح بین المللی.
۴. حضور معنادار نسل نو و جوانان در گفتگوهای صلح، توافقات سیاسی و پروسه‌های پسا صلح به حیث یکی از طرف‌های تاثیرگذار.
۵. حفظ روند مردم سالاری و کسب اقتدار سیاسی از طریق انتخابات در گفتگوها و توافقات صلح؛
۶. نظام جمهوری، حمایت از قانون اساسی و تعدیل آن توسط لویه جرگه همه شمول که برخاسته از آرا و خواست مردم افغانستان باشد و یا برگزاری رفراندوم.
۷. حفظ حقوق و وجایب اساسی اتباع افغانستان.
۸. حراست از حقوق و آزادی‌های اساسی زنان (حق تعلیم، تحصیل، کار و مشارکت فعال در عرصه‌های مدنی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و سیاسی) در گفتگوها و توافقات صلح.
۹. حفظ آزادی بیان، مطبوعات و رسانه‌ها و دسترسی به اطلاعات در چوکات قانون.
۱۰. حفظ، تقویت و غیر سیاسی سازی قوت‌های امنیتی و دفاعی افغانستان (اردوی ملی، پولیس ملی و امنیت ملی).
۱۱. بیرون شدن مسوولانه قوت‌های خارجی از کشور و ادامه همکاری و روابط دوستانه و استراتژیک با ایالات متحده آمریکا، جامعه جهانی و نهادهای بین المللی بر اساس تعریف توافقات جدید با تایید لویه جرگه همه شمول.
۱۲. حفظ، تدوام، طرح و توسعه همکاری‌های دوستانه با کشورهای اسلامی، کشورهای منطقه به خصوص چین و روسیه و همسایگان براساس منافع ملی دو طرف.
۱۳. صدور قطعه‌نامه توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد به منظور حمایت از حضور معنادار زنان، نسل نو و جوانان افغانستان در روند صلح، مذاکرات و توافقات سیاسی پس از مذاکرات.
۱۴. مراجعه به آراء و خواسته‌های ملت در مسائل کلان و سرنوشت ساز کشور.
۱۵. در صورت عدم توافق بر نوع حکومت کنونی، رفتن به طرف راه حل سومی و تعدیل قانون اساسی که برخاسته از آرا و خواست مردم افغانستان باشد.

در اخیر، جمع از جوانان، نهاد های مدنی و سیاسی به نمایندگی از نسل نو افغانستان، گروپ تماس جوانان برای صلح را رسماً اعلام نموده و اذعان می‌دارند که از دیدگاه ما تشدید و تداوم جنگ به هیچ وجه راه حل نیست. این معضل بزرگ باید از طریق گفتگو و مذاکرات بین‌الافغانی که نظام جمهوری اسلامی افغانستان دور زده نشود، حل گردد و هیچ طرف نباید به فکر تسلیمی یکی برای دیگر باشند. هر نوع تشدید خشونت‌ها، خونریزی و ویرانی وطن از دید ما مردود است.

و من الله توفیق

گروپ تماس جوان برای صلح

۳۱ اسد ۱۳۹۸ / ۲۲ اگست ۲۰۱۹



سولې لپاره د ځوانانو د اړیکو لړۍ  
گروپ تماس جوانان برای صلح  
Youth Contact Group for Peace



سولې لپاره د ځوانانو د اړیکو لړۍ  
گروپ تماس جوانان برای صلح  
Youth Contact Group for Peace

### همایش صلح و جوانان ارزگان

جوانان و نخبگان نسل نو در ولایت ارزگان به تاریخ ۲۱ سنبله ۱۳۹۸ - ۱۲ سپتمبر ۲۰۱۹ تحت عنوان "صلح و جوانان" خواستار آتش بس فوری و آغاز گفتگوهای صلح بین الافغانی شدند. این فعالان جوان در ولایت ارزگان تاکید کردند، در جنگ خانمانسوز که جریان دارد، قربانی اصلی مردم به خصوص جوانان و نسل نو کشور هستند. جوانان ارزگان در این نشست خواهان موارد ذیل گردیدند:

- ۱- ما خواهان حضور پر رنگ جوانان و نسل نو در اتخاذ تصمیم بزرگ ملی، گفتگوهای صلح و مذاکرات بین الافغانی می باشیم؛
  - ۲- ما خواهان آغاز گفتگوهای بین الافغانی به منظور تحکیم صلح پایدار در داخل افغانستان هستیم؛
  - ۳- مذاکرات صلح با طالبان که منجر به قطع جنگ در کشور شود خواست تمام مردم افغانستان بوده و از آن حمایت میکنیم؛
  - ۴- ما از صلح با عزت و پایدار حمایت میکنیم اما به هیچ عنوان خواستار صلح مقطعی که منجر به جنگ دیگر شود نیستیم؛
  - ۵- به منظور ایجاد محیط سالم برای صلح باید تمام شهروندان افغانستان، طرف های درگیر جنگ و جامعه جهانی متحدانه تلاش نمایند؛
  - ۶- طرف های درگیر در جنگ باید بدانند که جنگ راه حل نیست و ادامه این جنگ نا مشروع به سود هیچ یکی از طرف های درگیر نیست.
- در اخیر اشتراک کنندگان این نشست بار دیگر بر آتش بس فوری و حضور پر رنگ جوانان در روند صلح و تصمیم بزرگ ملی تاکید داشتند. این نشست با انتخاب هیئت رهبری ولایتی (ارزگان) گروه تماس جوان برای صلح و دعاییه خیر و فلاح مردم افغانستان پایان یافت.

با احترام

دفتر مطبوعاتی گروه تماس جوانان برای صلح

۱۲- سپتمبر ۲۰۱۹ - ۱۳۹۸ سنبله



سوی اېلوه و جوانان د اړیکو گروه  
گروپ تماس جوانان برای صلح  
Youth Contact Group for Peace



کونسل ملی نسل نو و جوانان افغانستان  
National Youth Council of Afghanistan

### همایش صلح و جوانان زابل

جمعی از جوانان و نخبگان نسل نو ولایت زابل در نشست تحت نام "صلح و جوانان" به تاریخ ۲۹ سنبله ۱۳۹۸ برابر با ۲۰ سپتمبر ۲۰۱۹ اشتراک کرده و پیشنهادات و خواست‌های ذیل را مطرح کردند:

- ۱- ولایت زابل یکی از ولایاتی است که همواره دچار جنگ و نا امنی بوده و به خصوص طی سال‌های پسین قربانی‌های زیادی از این ناحیه داده است. ما از بزرگان این ولایت که در گروه‌های مسلح غیر مسوول یا در تحریک طالبان فعالیت می‌کنند و یا هم در حکومت هستند؛ می‌خواهیم در راستای رسیدن به صلح و آغاز مذاکرات بین الافغانی صلح تلاش نمایند؛
- ۲- مردم شریف زابل به خصوص جوانان این ولایت هر روز بر اثر جنگ و نا امنی قربانی می‌دهند. این امر سبب شده است تا جوانان و نسل نو ما از درس، تعلیم و تحصیلات عالی دور بمانند؛
- ۳- تامین امنیت یکی از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین حقوق شهروندی ما است. ازینرو ما از مردم شریف زابل اعم از زن و مرد و به خصوص نسل نو کشور می‌خواهیم تا صدای شان را بلند کنند و متحدانه خواستار قطع جنگ و آغاز گفتگوهای صلح شوند؛
- ۴- ما مردم زابل در این جنگ تحمیلی از هر کس دیگری بیشتر قربانی داده ایم. اعضای خانواده خود را از دست داده‌ام. جایزاده‌های خود را از دست داده ایم، مهاجر و آواره شده ایم. ما جوانان زابل از سایر هم میهنان خود می‌خواهیم تا در این زمینه با ما صدای مشترک بلند کنند؛
- ۵- جوانان به عنوان یک قشر پر نفوس افغانستان یا هیچ‌گونه سهم در گفتگوهای صلح ندارند و یا هم خیلی کم رنگ هست. ما می‌خواهیم تا در گفتگوهای صلح جوانان حضور فعال و موثر داشته باشد. زیرا جوانان در این جنگ بیشترین قربانی را داده و هیچ آدرسی نمیتواند نمایندگی از این قشر داشته و یا درک درست از وضعیت‌شان داشته باشند؛
- ۶- در زمینه جنگ و نا امنی‌ها، یکی از مسوولیت‌های اصلی ما جوانان این است تا تصویر اصلی جنگ جاری در قریه و قصبات افغانستان را به جهانیان و قصر نشینان نشان دهیم. این جنگ تحمیلی از ما نیست، اما قربانی را ما می‌دهیم، آتش از کسی دیگریست، اما ما در میان آن می‌سوزیم. قربانی و جانفشانی از ماست، اما منفعت از دیگریست. هیچ کس صلح را برای ما به ارمغان آورده نمیتواند، مگر این‌که خود ما وارد اقدامات صلحجویانه با محوریت افغانها شویم؛
- ۷- گروپ تماس جوانان برای صلح یگانه آدرس جوانان برای رسیدن به صلح و گفتگوهای صلح است. گروپ تماس جوان برای صلح به نمایندگی از جوانان افغانستان می‌خواهد تا بار دیگر جنگ‌های نیابتی بر مردم ما تحمیل نشود و دیگر قربانی نشویم.

در اخیر تاکید می‌شود؛ چنین نشست‌ها باید ادامه داشته باشد و از تمام علما، بزرگان، استادان، جوانان، کسبه کاران و سایر شهروندان کشور می‌خواهیم تا صدای صلح خواهی خود را بلند کرده و مسوولیت ایمانی و وجدانی خود را در زمینه انجام دهند. از ایالات متحده آمریکا، مسوولین دولت و تحریک طالبان می‌خواهیم گفتگو را از سر گرفته و برای شروع مذاکرات بین الافغانی صلح تلاش کنند و از کشورهای تاثیرگذار در پروسه صلح افغانستان می‌خواهیم طرف‌های مذاکرات صلح افغانستان را تشویق به شروع دوباره مذاکرات بین الافغانی صلح نمایند.

بااحترام



### قطعهنامه همایش صلح و جوانان ولایت لغمان

ما جمع از علماء، جوانان، فعالان اجتماعی، مدنی و سیاسی و حامیان گروپ تماس جوانان برای صلح در ولایت لغمان خواهان آغاز دوباره مذاکرات و گفتگوهای صلح و موارد ذیل هستیم:

۱. مردم لغمان در کنار سایر هموطنان ما خسارات جبران ناپذیری را از ناحیه جنگ و نا امنی متقبل شده اند که بخش بزرگ از این قربانی‌ها را جوانان در هر دو طرف درگیر پرداخته اند. بنابراین ما جوانان و مردم این ولایت خواهان قطع جنگ و آتش بس فوری میان طرف‌های درگیر (ایالات متحده آمریکا، دولت افغانستان و تحریک طالبان) می‌باشیم؛
۲. ما جوانان و مردم ولایت لغمان خواهان آغاز دوباره گفتگوها و مذاکرات صلح میان ایالات متحده آمریکا و تحریک طالبان با حضور هیئت مذاکره همه شمول دولت افغانستان و سایر افغان‌های تأثیرگذار بوده و از تلاش‌های صادقانه صلح جویانه برای استقرار صلح دائمی و پایدار حمایت خویش را اعلام می‌داریم؛
۳. ما جوانان لغمان در کنار سایر جوانان و نمایندگان نسل نو کشور از موضع گروپ تماس جوانان برای صلح مبنی بر حضور جوانان در پروسه صلح حمایت نموده و از دولت افغانستان، جامعه جهانی و گروه طالبان می‌خواهیم تا جوانان به‌عنوان موثرترین قشر اجتماعی نقش مهم و نظارت مستقیم بر مذاکرات و گفتگوهای صلح داشته باشند؛
۴. شماری زیادی از مردم ملکی و خانواده‌ها در ولایت لغمان در جریان جنگ‌ها قربانی‌های زیادی داده اند، ما از طرف‌های درگیر (حکومت و طالبان) می‌خواهیم تا از خانه‌های مردم به عنوان پناهگاه استفاده نکرده و باعث قربانی افراد بیگناه و ملکی نشوند؛
۵. ما جوانان و مردم ولایت لغمان در برابر عملیات‌های شبانه که بیشتر منجر به از بین رفتن افراد ملکی و بی‌گناه می‌شود، مخالفت خویش را اعلام داشته و از مسوولین، به خصوص نهادهای امنیتی می‌خواهیم تا در این زمینه توجه جدی نمایند؛
۶. طی جنگ‌ها در ولایت لغمان تعدادی زیادی از خانواده‌های بیگناه ولایت لغمان خانه‌های شان را ترک کرده و بی‌جای شده اند. ما از حکومت و نهادهای امداد رسانی می‌خواهیم تا به وضعیت بیجای شدگان رسیدگی عاجل نمایند؛
۷. ما جوانان و مردم ولایت لغمان از هر اقدامی که سبب ایجاد فضای اعتماد میان طرف‌های درگیر (دولت افغانستان، ایالات متحده آمریکا و تحریک طالبان) شده و منجر به صلح پایدار در کشور گردد حمایت قاطعانه خویش را اعلام می‌داریم.

#### بااحترام

جمع از علماء، جوانان، فعالان اجتماعی، مدنی و سیاسی و حامیان گروپ تماس جوانان برای صلح



لغمان - افغانستان

۱۵ قوس ۱۳۹۸ / ۶ دسامبر



گروپ تماس جوانان برای صلح  
Youth Contact Group for Peace



### قطعهنامه همایش صلح و جوانان-سرپل

ما جوانان، زنان، متنفذین، علماء و حامیان "گروپ تماس جوانان برای صلح" در ولایت سر پل طی این همایش دادخواهانه "صلح و جوانان" مبنی بر مذاکرات و گفتگوهای صلح خواهان تحقق موارد ذیل هستیم:

۱. ما مردم سرپل، از هرگونه اقدامی که منجر به کاهش خشونتها در کشور گردد حمایت کرده و خواستار آتش بس دایمی و صلح سراسری هستیم؛
۲. مذاکرات بین الافغانی صلح باید بدون قید و شرط آغاز گردد؛
۳. ما در مذاکرات و گفتگوهای صلح خواهان اشتراک نمایندهگان نسل نو و جوانان هستیم. مامورین بلند پایه حکومتی از آدرس نسل نو افغانستان به هیچ عنوان نمیتوانند در گفتگوهای صلح از ما (نسل نو) نمایندگی کنند؛
۴. ما مردم سر پل مردم محرومی هستیم؛ در صورت که صلح و ثبات سراسری در کشور تامین شود در راستای آبادانی و خود کفایی افغانستان از طریق علم و دانش، مالداري، زراعت، دام داری و ... می توانیم سهم برارندهای داشته باشیم.

بااحترام

علماء، جوانان، زنان، متنفذین و حامیان گروپ تماس جوانان برای صلح

۲۹ دلو ۱۳۹۸ / ۱۸ فبروری ۲۰۲۰



### توافقنامه صلح: نگرانی‌ها و خواست‌های نسل نو

گروپ تماس جوانان برای صلح به‌عنوان جریان همه شمول نسل نو و جوانان افغانستان در همکاری با ده‌ها نهاد جوان محور، نمایندگان نسل نو و جوانان افغانستان در ۳۱ اسد ۱۳۹۸ خورشیدی ایجاد و در راستای تحقق صلح دائمی و سراسری و حمایت از روند گفتگوها و مذاکرات صلح در افغانستان تلاش کرده و با هزاران جوان در مرکز و ولایات مشورت نموده است.

ما جمع از نهادهای جوان محور، فعالان نسل نو و گروپ تماس جوانان برای صلح از مذاکرات و گفتگوهای که منجر به صلح دائمی و قطع جنگ در افغانستان گردد، استقبال نموده؛ برای تسریع روند صلح، خواهان تحقق موارد ذیل می‌باشیم:

۱. ما ضمن این که از امضای توافقنامه صلح میان تحریک طالبان و ایالات متحده آمریکا استقبال می‌نماییم، خواهان بحث جدی و توافق روی برخی موارد این توافقنامه در گفتگوهای بین‌افغانی هستیم؛
۲. ما از تحریک طالبان جداً می‌خواهیم تا به ادبیات نفرت و جنگ ناخواسته پایان دهند. در جنگی که مردم افغانستان هر روز شهید و زخمی می‌دهند. هیچ طرفی هم فاتح جنگ نیست. بنا بر این پس از توافق صلح آمریکا با طالبان، هر نوع عملیات نظامی علیه نیروهای امنیتی و دفاعی افغان توسط تحریک طالبان، جنایت نابخشودنی است؛
۳. ما از رهبری حکومت و شخص رییس جمهور می‌خواهیم تا برای ایجاد حسن همکاری و روحیه برادری، از ادبیات که منجر به صدمه پروسه و مذاکرات صلح می‌شود، جلوگیری نماید؛
۴. برقراری آتش بس فوری و آغاز مذاکرات بین‌افغانی: ما از قوت‌های دفاعی و امنیتی، همچنان تحریک طالبان جداً می‌خواهیم که برادرکشی را متوقف و بگذارند که مذاکرات بین‌افغانی آغاز و به نتیجه مثبت برسد. در ضمن ما از طرف‌های درگیر (حکومت افغانستان و تحریک طالبان) می‌خواهیم تا هر نوع حمله بر علیه یک دیگر را قطع کرده و برای ایجاد فضای آشتی و تحقق صلح دائمی تلاش نمایند؛
۵. تدویر لویه جرگه همه شمول به منظور مشروعیت بخشیدن به توافقات صلح در سطح ملی و همچنان تدویر کنفرانس بین‌المللی در یکی از کشورهای بی‌طرف به منظور تضمین صلح و ختم جنگ در کشور به سطح بین‌المللی؛
۶. حفظ نظام اسلامی و جمهوریت، حمایت از قانون اساسی و تعدیل در آن توسط لویه جرگه همه شمول؛
۷. ایجاد هیات همه شمول برای گفتگوهای بین‌افغانی: ما از حکومت افغانستان می‌خواهیم تا برای آغاز گفتگوهای بین‌افغانی، هیات همه شمول را که از جریان‌های مطرح سیاسی داخل و خارج حکومت نمایندگی واقعی کرده بتوانند و در آن نمایندگان جوانان و نسل نو افغانستان حضور معنادار داشته باشند، تشکیل نماید. ما از حکومت افغانستان، تحریک طالبان و جامعه بین‌المللی در رأس ایالات متحده آمریکا می‌خواهیم که برای نسل نو، ضمن اشتراک معنادار در مذاکرات صلح، حق نظارت از این گفتگوها را نیز بدهند. قابل ذکر است که تنظیم‌های جهادی و افراد مربوط به آنها، تکنوکرات‌های آزمایش شده و مامورین حکومت، در پروسه صلح نمایندگان ما (نسل نو) نبوده و از ما نمایندگی کرده نمی‌توانند؛



سوالی درباره طوفان و آتش گروپ  
گروپ تماس جوانان برای صلح  
Youth Contact Group for Peace

۸. حفظ و حمایت از قوت‌های مسلح افغانستان (اردوی ملی، پولیس ملی و امنیت ملی) و طی میکانیزم مشخص زمینه سازی برای خلع سلاح عمومی؛
۹. حمایت از بیرون شدن مسوولانه‌ی قوت‌های خارجی و همچنان ادامه همکاری و روابط دوستانه و استراتژیک با ایالات متحده آمریکا، جامعه جهانی و نهادهای بین‌المللی براساس تعریف جدید مطابق تصمیم و فیصله لویه جرگه همه شمول؛
۱۰. ما از همه کشورهای دوست و متحدین افغانستان که در تلاش تحقق صلح در افغانستان هستند تشکر می‌کنیم. مردم افغانستان خواهان روابط دوستانه با کشورهای همسایه بر اساس منافع متقابل می‌باشند، اما به هیچ عنوان حق مداخله سوء در پروسه صلح را نمی‌دهیم. تجارب گذشته برای ما افغان‌ها ثابت ساخته است که پاکستان به هیچ عنوان با ما صادق نبوده و خواهان تحقق صلح واقعی در افغانستان نمی‌باشد. بناً ما جداً از حکومت پاکستان، از جمله دستگاه سیاست خارجی آن کشور می‌خواهیم که در موضوعات داخلی ما مداخله نکنند؛
۱۱. رهایی زندانیان تحریک طالبان بر اساس تدبیر منطقی و سنجیده شده: رهایی زندانیان طالب برای مردم افغانستان نگرانی‌های را ایجاد کرده است. بناً ما از حکومت افغانستان و ایالات متحده آمریکا می‌خواهیم تا برای ایجاد فضای اعتماد و حسن همکاری برای رهایی زندانیان طالبان میکانیزم منطقی و سنجیده شده طرح و اجراء گردد، تا رهایی این زندانیان سبب تشدید و ادامه جنگ در کشور نگردیده و منجر به آشتی و ایجاد فضای برادری و صلح آمیز شود؛
۱۲. صدور قطعه‌نامه توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد به منظور حمایت از حق تعلیم، تحصیل و کار زنان و مشارکت فعال زنان، جوانان و نسل نو در عرصه‌های سیاسی، مدنی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی.

### با احترام

جمع از جریان های جوان محور و گروپ تماس جوانان برای صلح

نشست مطبوعاتی - کابل - افغانستان

سه شنبه ۱۳ حوت ۱۳۹۸ / ۳ مارچ ۲۰۲۰



### قطعهنامه جرگه صلح نسل نو و جوانان در ولایت لوگر

ما شماری از جوانان ولایت لوگر با اشتراک در جرگه صلح نسل نو و جوانان که به روز پنجشنبه، مؤرخ ۶ سنبله ۱۳۹۹ خورشیدی برابر با ۲۷ اگست ۲۰۲۰ میلادی در ولایت لوگر برگزار شده بود، در مورد خواسته های جوانان ولایت لوگر در روند صلح از حکومت افغانستان، تحریک طالبان و جامعه جهانی، چگونگی پایان یافتن جنگ در کشور، زیان های ناشی از جنگ در این ولایت و چگونگی ایجاد گروپ نظارتی جوانان از روند صلح در این ولایت، بحث نموده و فیصله آتی را صادر نمودیم:

۱. ما باشندگان ولایت لوگر نسبت به سایر شهروندان کشور بیشتر از جنگ جاری در کشور متضرر شده ایم. ما سالیان متمادی با مشکلات اقتصادی، زراعتی و آموزشی مواجه هستیم. به همین دلیل از طریق این جرگه از حکومت افغانستان، تحریک طالبان و تمام جناح های دخیل در جنگ افغانستان می خواهیم تا هرچه زودتر آتش بس را برقرار کنند.
۲. ما اشتراک کننده های جرگه صلح نسل نو و جوانان در لوگر از حکومت افغانستان و تحریک طالبان می خواهیم، تا در موقف های خود انعطاف پذیر شده و تمام بهانه های فرا روی آغاز مذاکرات بین الافغانی را از پیش رو بردارند.
۳. ما اعضای جرگه صلح نسل نو و جوانان در ولایت لوگر از حکومت افغانستان و تحریک طالبان می خواهیم، تا هر چه عاجل تر مذاکرات بین الافغانی را آغاز نموده و همچنان از جامعه جهانی، ایالات متحده آمریکا، کشورهای کنفرانس اسلامی و همسایه های افغانستان می خواهیم تا فشارها بر تحریک طالبان و حکومت افغانستان به منظور آغاز مذاکرات بین الافغانی را بیشتر سازند.
۴. ما باشندگان ولایت لوگر از حکومت افغانستان و تحریک طالبان می خواهیم تا توجه جدی به حضور جوانان در روند صلح کرده و حق نظارت از این پروسه را برای آن ها بدهند.
۵. ما اشتراک کننده های جرگه از حقوق اساسی افغان ها بویژه زنان حمایت کرده و خواهان حضور معنادار زنان و جوانان در روند صلح هستیم.
۶. ما اشتراک کننده های جرگه صلح نسل نو و جوانان تلاش می کنیم تا گروه های محلی نظارتی را به سطح قریه جات ولایت لوگر ایجاد کرده، تا بتوانند از روند صلح نظارت کنند.
۷. ما اشتراک کننده های جرگه از حکومت افغانستان می خواهیم تا هرچه زودتر تصامیم لویه جرگه مشورتی صلح را عملی کرده و ۴۰۰ تن از زندانیان طالبان را رها کند.
۸. از حکومت افغانستان می خواهیم تا روند صلح کشور را برای تمام افغان ها روشن ساخته و هیچ نوع ابهام و عدم شفافیت در این روند برای ما قابل پذیرش نیست.
۹. ما اشتراک کننده های جرگه از تلاش های تمام افراد، کشورها و همسایه های افغانستان که بدون در نظر داشت منافع شان برای روند صلح کشور انجام می دهند، قدردانی و حمایت کرده اما اجازه استفاده سو برای هیچ فرد، کشور و همسایه افغانستان از روند صلح افغانستان را نمی دهیم.

احترام

جرگه صلح نسل نو و جوانان لوگر



### قطعهنامه جرگه صلح جوانان و نسل نو ولایت بدخشان

ما جوانان بدخشان در جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت بدخشان که از سوی «گروپ تماس جوانان برای صلح» به روز یکشنبه مورخ ۱۶ سنبله سال ۱۳۹۹ برابر با ۶ سپتمبر ۲۰۲۰ برگزار گردید، شرکت نموده و در مورد خواسته‌های جوانان ولایت بدخشان در روند صلح، از حکومت افغانستان، تحریک طالبان و جامعه جهانی و چگونگی پایان یافتن جنگ در کشور و زبان‌های ناشی از جنگ درین ولایت بحث و فیصله‌های آتی را صادر نمودیم:

۱. ما جوانان خواهان صلح پایدار و همه شمول که مبنی بر ارزش های اسلامی و انسانی باشد، هستیم.
۲. ما خواهان شمولیت و نقش بارز و هدف مندانه جوانان در پروسه صلح هستیم.
۳. ما خواهان حفظ قانون اساسی، سهیم ساختن تمامی اقشار و گروه های مختلف در پروسه صلح، حفظ دست آوردهای ۱۹ ساله، عدالت، مساوات و تکررگرای قومی در پروسه صلح هستیم.
۴. ما خواهان در اولویت قرار گرفتن پروسه صلح در برنامه های حکومت هستیم.
۵. ما خواهان اجماع ملی در میان سیاسیون و صلح بین خودی میان آنان قبل از شروع مذاکرات صلح با طالبان، هستیم.
۶. ما خواهان برگزاری نشست های علنی در حضور رسانه ها در جریان مذاکرات و در جریان قرار گرفتن شهروندان افغانستان ازین پروسه هستیم.
۷. ما خواهان قرار گرفتن اشخاص با نفوذ، مدیر و توانا در راس هیئت مذاکره جمهوری اسلامی افغانستان هستیم.
۸. ما خواهان ارج گذاری طالبان به پروسه مردم سالاری، احترام گذاری به ارزش های مدرن و کاهش خشونت از جانب آنان در جریان مذاکرات هستیم.
۹. ما از طالبان می‌خواهیم نسبت به پروسه صلح متعهدانه عمل نموده و از ایجاد موانع درین پروسه خود داری نمایند.
۱۰. ما خواهان اعلام آتش بس دوجانبه از دو طرف درگیر جنگ هستیم.
۱۱. ما خواهان انعطاف پذیری حکومت و طالبان در جریان مذاکره بوده و از آنان خواهشمندیم نیت نیک شان را نسبت به پروسه مذاکرات ثابت بسازند.
۱۲. ما از جامعه جهانی، کشورهای منطقه و همسایگان مان خواهان پایان دادن به جنگ های نیابتی و استخباراتی شان هستیم.
۱۳. ما از کشورهای اسلامی می‌خواهیم از تفاسیر رادیکال از دین در جنگ و پروسه صلح کشور جلوگیری نموده و ما را در راستای رسیدن به صلح پایدار همکاری نمایند.
۱۴. ما خواهان نظارت جدی و دقیق جامعه بین الملل از جریان مذاکرات صلح افغانستان هستیم.
۱۵. ما از تمامی کشورهای جهان خواهشمندیم تا به کسانی که در افغانستان جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت نموده اند، پناه گاه امن ندهند.
۱۶. ما از طرف های مذاکره خواهشمندیم تا اشخاص با نفوذ، احزاب سیاسی و گروه های اجتماعی را در جریان مذاکره نادیده نگیرند.



سوی تیاره د جوانانو د اړیکو گروپ  
گروپ تماس جوانان برای صلح  
Youth Contact Group for Paktia

۱۷. جنگ در ولایت بدخشان سبب دور ماندن دختران از آموزش، ازدواج های اجباری، از بین رفتن زراعت، اقتصاد و عقب ماندگی شده است.
۱۸. جنگ در بدخشان سبب استخراج غیرقانونی، تاراج و قاچاق منابع طبیعی این ولایت شده است.
۱۹. جنگ در بدخشان سبب محروم شدن مردم از دست رسی به خدمات صحی رفاه عامه شده است.
۲۰. ما از حضور و نقش معنادار جوانان در پروسه مذاکرات صلح و نظارت این پروسه از جانب جوانان حمایت می کنیم.

### با احترام

جرگه نسل نو و جوانان - ولایت بدخشان

۱۶ سنبله ۱۳۹۹ - ۶ سپتامبر ۲۰۲۰



سوی نسل از جوانانو ملی جری  
سرکته ملی نسل نو و جوانان  
National Youth Council of Afghanistan



سوی لاره و جوانانو د اړیکو اروپ  
گروپ نلسی جوانان د برای صلح  
Youth Contact Group for Peace

### قطعهنامه جرگه صلح نسل نو و جوانان بامیان

جرگه صلح نسل نو و جوانان به تاریخ ۲۵ سنبله ۱۳۹۹ خورشیدی برابر با ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ در ولایت بامیان با حضور صدها جوان برگزار گردید. این جرگه از سوی گروپ تماس جوانان برای صلح، راه اندازی گردیده بود که در آن نمایندگان نسل نو و جوانان از ۸ واحد اداری این ولایت اشتراک داشته و خواسته‌ها و فیصله‌های شان را از حکومت افغانستان، تحریک طالبان و جامعه بین المللی به‌خصوص ایالات متحده امریکا قرار زیر بیان داشتند:

۱. ما خواهان اعلام آتش بس میان طرف‌های درگیر در زودترین فرصت ممکن استیم.
۲. ما خواهان حفظ دست آوردهای دو دهه‌ی اخیر، حفظ نظام جمهوریت و میتنی بر آرای مردم، حفظ و در نظر گرفتن حقوق اساسی اتباع در قانون اساسی و قانون‌مداری دینی اعتدال‌گرایانه، حقوق اقلیت‌ها، اقشار محروم و زنان افغانستان استیم.
۳. ما خواهان سهیم ساختن جوانان به شکل موثر در پروسه صلح استیم.
۴. ما از طرف‌های درگیر می‌خواهیم تا منافع ملی را در اولویت قرار داده و با استفاده از فرصت پیش آمده برای استقرار صلح پایدار و با عزت تلاش نمایند.
۵. ما از طرف‌های درگیر می‌خواهیم تا در مذاکرات صلح، منافع ملی کشور را در نظر گرفته، به دنبال پیروزی بر دیگر نباشند و هر دو طرف انعطاف‌پذیری نشان دهند.
۶. ما از تحریک طالبان، حکومت و سیاسیون افغانستان می‌خواهیم تا نسبت به پروسه صلح صادق بوده و مستقلانه و بدون اعمال فشارهای خارجی عمل کنند.
۷. ما از کشورهای همسایه و کشور های دخیل در پروسه صلح افغانستان می‌خواهیم تا از اعمال فشار و مداخله جلوگیری کرده، بگذارند تا افغان ها خود برای سرنوشت شان تصمیم بگیرند.
۸. ما از همکاران بین المللی خویش می‌خواهیم تا با مردم افغانستان همکاری های شان را ادامه داده و نگذارند تا گروه های جدید تروریسی در افغانستان ظهور و رشد کنند.
۹. ما از امریکا و سایر همکاران بین المللی و منطقه‌ی خویش می‌خواهیم تا به نتیجه رسیدن مذاکرات صلح، به کمک‌های شان در عرصه‌های مختلف به خصوص حمایت نظامی و امنیتی ادامه داده و مردم افغانستان را تنها نگذارند.
۱۰. ما از جوانان و نسل نو افغانستان می‌خواهیم تا سهم خویش را در استقرار صلح پایدار در کشور انجام داده و پروسه مذاکرات صلح را حمایت و نظارت نمایند.
۱۱. ما از تحریک طالبان و حکومت افغانستان می‌خواهیم تا در تامین امنیت شاهراه های کابل - بامیان توجه جدی نموده و جلو بازرسی های بدنی و آزار و اذیت مردم عام را بگیرند.
۱۲. ما از حکومت مرکزی می‌خواهیم تا در اختصاص منابع مالی، اصل انکشاف متوازن را در نظر گرفته و راهکارهای مناسب را برای کارایی جوانان برنامه ریزی کرده و از مهاجرت و سایر عوامل که سبب تشدید جنگ و نا امنی میگردد جلوگیری نماید.
۱۳. ما از طرف های درگیر و جامعه بین المللی می‌خواهیم تا زمینه نظارت از روند صلح توسط نهادهای ملی و بی طرف، رسانه‌ها، جامعه مدنی و نهادهای حقوق بشری را به منظور اعتماد سازی و شفافیت ایجاد نمایند.

با احترام

جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت بامیان

۲۵ سنبله ۱۳۹۹ - ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰



هېواد لویه تره جوانان د افغانستان  
 هم وېد نمانس جوانان لپاره د صلح  
 Youth Council of NDC

### قطعه نامه جرگه صلح نسل نو و جوانان سمنگان

جرگه صلح نسل نو و جوانان به تاریخ ۳ میزان ۱۳۹۹ خورشیدی در ولایت سمنگان با حضور صدها جوان برگزار گردید. این جرگه از سوی گروپ تماس جوانان برای صلح، راه اندازی گردیده بود که در آن نمایندگان نسل نو و جوانان از ۷ واحد اداری این ولایت اشتراک داشته و خواسته ها و فیصله های شان را از حکومت افغانستان، تحریک طالبان و جامعه بین المللی به خصوص ایالات متحده امریکا قرار زیر بیان داشتند:

۱. ما از طرفین مذاکره کننده گان می خواهیم تا جوانان در حکومت بعد از صلح نقش اساسی داشته باشند؛
۲. توقف جنگ و آتش بس دایمی از مهم ترین خواسته های ماست؛
۳. گفتگوی نرم هیأت های مذاکره کننده و عدم کار برد ادبیات تند و خشن؛
۴. احترام طرفین مذاکرات صلح بین الافغانی به تمام مذاهب در افغانستان؛
۵. اعمال فشار بالای هر دو طرف از جانب جامعه جهانی به خاطر به نتیجه رسیدن مذاکرات صلح؛
۶. اعمال فشار از طرف جامعه جهانی بالای کشورهاییکه طالبان را کمک تسلیحاتی می کنند؛
۷. پابندی هر دو طرف مذاکره کننده به دست آورده های ۱۹ سال اخیر؛
۸. ما از طرف های مذاکره کننده می خواهیم که فرصت بدست آمده را قربانی منافع شخصی و یا گروهی نسالند؛
۹. ما از جوانان می خواهیم که در پروسه صلح همکاری کنند؛
۱۰. ما از حکومت می خواهیم الی نهایی شدن پروسه صلح نهادهای امنیتی را بمنظور کاهش خشونت ها تقویت و حمایت کند.
۱۱. ما از کشورهای همسایه می خواهیم تا مردم افغانستان را در روند صلح همکاری نموده و از مداخلات در پروسه صلح خود داری کنند؛
۱۲. ما می خواهیم که هر دو طرف مذاکره کننده منافع علیای کشور را نسبت به منافع فردی و شخصی ترجیح دهند؛
۱۳. ما از تحریک طالبان می خواهیم حسن نیت شان را در پروسه صلح در عمل ثابت کنند؛
۱۴. امریکا باید در پروسه صلح حسن نیت داشته باشد و در روند صلح صادقانه عمل نموده و منافع مردم افغانستان را در نظر گیرند؛
۱۵. ما از هر دو طرف می خواهیم تا در مذاکرات صلح خود گذری نموده از منفعت طلبی و تفوق جویی خود داری کنند؛
۱۶. ما از جامعه جهانی می خواهیم تا از ایجاد کمیسیون متشکل از افراد متخصص، مجرب، جوانان تحصیل کرده، خانم ها و قشر آسیب دیده جامعه به منظور نظارت از گفتگوهای صلح حمایت کنند؛
۱۷. ما صلحی را می خواهیم که سبب از دست دادن ارزش های اسلامی، فرهنگی، ملی و انسانی نشود.
۱۸. ما از حکومت افغانستان می خواهیم تا در تامین امنیت شاهراه های کابل - سمنگان توجه جدی نمایند، در همین حال از تحریک طالبان نیز می خواهیم تا زمینه عبور و مرور مردم را بدون هراس در مناطق حاکمیت شان مساعد بسازند.

با احترام

جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت سمنگان

۳ میزان ۱۳۹۹ - ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۰



گروپ تماس جوانان برای صلح  
Youth Contact Group for Peace



۱۵. ما از کشور های اسلامی و همسایگان خود می‌خواهیم تا به هر توافقی که مذاکرات صلح بین الافغانی می‌رسند، احترام گذاشته و از مداخلات سیاسی و استخباراتی جلو گیری کنند.
۱۶. تدویر جرگه های مشورتی صلح جوانان بخاطر همگرایی و همفکری نسل نو افغانستان.
۱۷. ما خواهان ایجاد کمیسیون مستقل و اختصاصی از نمایندگان جوانان به منظور نظارت از مذاکرات صلح هستیم.
۱۸. در نبود صلح مردم افغانستان به خصوص مردم ولایت بلخ با مشکلات چون؛ نا امنی، بی کاری، ایجاد تفرقه، ایجاد تعصبات قومی، قوت گرفتن افراد غیر مسوول، سرقت های خیابانی، تخریب مکان های اکادمیک و عامل المنفعه، بالا رفتن تلفات ملکی و نظامی، باج گیری از مردم به نام عشر و ذکات، نا امنی شاهره ها، باز ماندن جوانان از تحصیل و ایجاد وحشت مواجهه بوده که باعث مشکلات روحی و روانی گردیده است.
۱۹. حضور پر رنگ رسانه ها به منظور در جریان قرار گرفتن مردم افغانستان از مذاکرات صلح بین الافغانی.

### با احترام

جرگه نسل نو و جوانان ولایت بلخ

۹ میزان ۱۳۹۹ برابر با ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۰



گروه نسل نو از جوانان و نسل نو و جوانان  
Youth Contact Group for Peace in Afghanistan



گروه نسل نو از جوانان و نسل نو و جوانان  
Youth Contact Group for Peace

### قطعنامه جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت بلخ

جرگه صلح نسل نو و جوانان به تاریخ ۹ میزان ۱۳۹۹ خورشیدی برابر با ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۰ در ولایت بلخ با حضور صدها جوان برگزار گردید. این جرگه از سوی گروه تماس جوانان برای صلح، راه اندازی گردیده بود که در آن نمایندگان نسل نو و جوانان از ۱۵ واحد اداری این ولایت اشتراک داشته و خواسته ها و فیصله های شان را از حکومت افغانستان، تحریک طالبان و جامعه بین المللی به خصوص ایالات متحده امریکا قرار زیر بیان داشتند:

۱. ما خواهان سهم ساختن نمایندگان واقعی جوانان در پروسه صلح استیم.
۲. ما خواهان حفظ دست آوردهای دو دهه اخیر با در نظر داشت منافع ملی، اسلامی و انسانی از طرف های درگیر در روند مذاکرات صلح استیم.
۳. ما خواهان صلح سراسری، دایمی و با عزت استیم که در آن ارزش های اسلامی و انسانی حفظ و حقوق شهروندی، حقوق زنان، تفاوت های قومی و مذهبی و حقوق اقلیت ها در آن رعایت گردد.
۴. ما از طرف های درگیر؛ حکومت و تحریک طالبان می خواهیم تا در مذاکرات صلح، انعطاف پذیری نشان داده و جهت رسیدن به توافق کلی تلاش های صادقانه انجام دهند.
۵. ما از تحریک طالبان می خواهیم تا به حقوق شهروندی و تفاوت های مذهبی و قومی احترام گذاشته و خواست های شخصی و گروهی شان را اعمال نکنند.
۶. ما از تحریک طالبان می خواهیم تا به دست آوردهای دو دهه اخیر مردم افغانستان احترام گذاشته و حسن نیت شان را در مذاکرات صلح نشان دهند.
۷. ما از طرف های درگیر می خواهیم تا برای ایجاد حکومت همه شمول، مشترک و سراسر که در آن ارزش های مادی و معنوی مردم افغانستان حفظ باشد، تلاش کنند.
۸. ما خواهان عدم سوء استفاده ابزاری از دین مبین اسلام و عدم سوء استفاده از مردم عام به عنوان سپر جنگی استیم.
۹. ما از طالبان می خواهیم تا در هیات مذاکره کننده خود ترکیب همه شمول را ایجاد کنند که در آن نمایندگان زنان و جوانان حضور فعال و معنا دار داشته باشد.
۱۰. ما از جامعه جهانی و کشور های دخیل در پروسه صلح افغانستان، به خصوص ایالات متحده امریکا خواهان ایجاد تضمین اجرایی پروسه صلح استیم.
۱۱. ما از همکاران بین المللی خود می خواهیم برای به نتیجه رسیدن مذاکرات بین الافغانی بالای طرف های درگیر فشار های دیپلوماتیک اعمال نمایند.
۱۲. ما از ایالات متحده امریکا و همکاران بین المللی خود می خواهیم تا به یک صلح قراردادی اکتفا نکرده، مردم افغانستان را برای رسیدن به صلح دایمی همکاری نمایند.
۱۳. ما از همکاران بین المللی خود می خواهیم تا خانواده های قربانیان جنگ را حمایت و همکاری های تحصیلی نمایند.
۱۴. ما از کشورهای همسایه می خواهیم تا در امور داخلی ما مداخله نکنند و بگذارند تا افغان ها مستقلانه به توافق دایمی برسند.



### قطعه‌نامه جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت غور

قال الله الحكيم: انما المومنون اخوت فاصلحوا بين اخويكم واتقوا الله لعلكم ترحمون. (حجرات، آیه: ۱۰)

صلح و آشتی، به عنوان یکی از اصول و ارزش های مهم اسلامی و هم چنان یک نیاز فطری و اساسی بشری بوده که بدون تردید زمینه ساز زندگی مسالمت آمیز و رمز شکوفایی و پیشرفت جامعه‌ی انسانی است.

افغانستان کشوری است که سال ها بستر جنگ، خشونت و نا امنی بوده که تمام فرصت های زندگی سالم و پیشرفت های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را از این ملت و مردم گرفته است. انسان های زیادی در جریان جنگ‌های ممتد داخلی و تحمیلی قربانی شده و ویرانی های زیادی را در پی داشته است.

پس از چندین سال جنگ و خشونت و نا امنی، باب گفتگو و مذاکره صلح بین گروه درگیر(طالبان) و حکومت جمهوری اسلامی افغانستان، با پادرمیانی قدرت های دخیل در جنگ و صلح افغانستان در سطح ملی و بین المللی باز گردیده که این یک فرصت طلایی در تاریخ سیاسی معاصر کشور به حساب میاید.

ما جوانان ولایت غور، از روند گفتگوی مذاکرات صلح استقبال و از آن حمایت نموده و از هیات های دو طرف گفتگوی مذاکرات صلح تقاضامندیم که با در نظر داشت ارشادات و ارزش های اسلامی و خیر و صلاح ملت و آینده افغانستان، با صبر و حوصله و مثبت اندیشانه، به پیش برده و از خواست ها و دیدگاه های شخصی و تفرقه انگیز دوری ورزیده و یک راهکار سازنده و مناسب را برای رسیدن به صلح پایدار و آرامش دایمی مردم افغانستان جستجو و به توافق نهایی برسند.

ما جوانان ولایت غور طی جرگه زیر نام "جرگه نسل نو و جوانان" ولایت غور که بتاريخ ۱۷ میزان ۱۳۹۹ توسط گروه تماس جوانان برای صلح برگزار گردیده بود، موارد ذیل را به عنوان خواست های مردم ولایت غور تصویب و به عنوان قطعه‌نامه برای کشورهای دخیل در جنگ و صلح افغانستان، نهادهای ملی و بین المللی و طرف های گفتگوی مذاکرات صلح ارائه میداریم:

۱. حمایت و حراست از یک نظام مبتنی بر ارزش های اسلامی که در آن حق و حقوق تمام شهروندان این سرزمین تامین و تضمین شده باشد؛
۲. جهت جلب اعتماد مردم افغانستان و تسهیل بخشی در پروسه مذاکرات صلح، ما خواهان آتش بس کلی و دایمی زودهنگام و قطع جنگ و خونریزی فوری می باشیم؛
۳. حفظ دست آوردهای چون ساختار سیاسی، قوت های نظامی، نظام تعلیمی، آزادی بیان و مطبوعات و حقوق زنان؛
۴. در نظر گرفتن تمام حقوق مدنی - سیاسی، اجتماعی- فرهنگی شهروندان افغانستان و به خصوص اقلیت های زبانی، قومی و دینی و مذهبی؛
۵. حفظ حقوق و جایگاه زنان و اطفال مطابق شریعت اسلامی و قوانین نافذه کشور؛
۶. ما از گروه طالبان میخواهیم بعد از این تاریخ ارتباطات شان با تمام گروه های تروریستی قطع نموده و بر اساس منافع ملی مردم افغانستان در پروسه صلح حاضر شوند؛



سوی نسل از جوانان علمی حرکت  
 حرکت ملی نسل نو و جوانان  
 National Youth Contact Group for Peace

سوی نسل از جوانان علمی حرکت  
 حرکت ملی نسل نو و جوانان  
 National Youth Contact Group for Peace

۷. از جامعه جهانی، ایالات متحده امریکا، کشورهای اسلامی، همسایگان و سایر ممالک دخیل در جنگ و صلح افغانستان می خواهیم که به طور صادقانه و بی طرفانه افغانستان را در روند گفتگوی مذاکرات صلح همکاری نمایند؛
۸. از جامعه جهانی و ایالات متحده امریکا می خواهیم که افغانستان را بعد از تحقق پروسه صلح بین حکومت افغانستان و گروه طالبان تنها نگذاشته و حمایت های سیاسی و مالی خود را ادامه دهند؛
۹. مختل شدن اوضاع اجتماعی، فقر و بی کاری، عدم دسترسی به تعلیم و تربیه، مهاجرت، تخریب زیربنای اجتماعی، منازعات ذات البینی از جمله ی مهم ترین مشکلات ناشی از جنگ های مسلحانه در ولایت غور می باشد.
۱۰. از دو طرف گفتگوی مذاکرات می خواهیم تا مردم افغانستان را از روند پیشرفت گفتگوها و نتایج مذاکرات به گونه ی دوامدار و آتی آگاه سازند.

این قطعهنامه با یک مقدمه و در ۱۰ ماده، بعد از خوانش مورد تایید و تصویب همه اعضای جرگه قرار گرفت.

#### با احترام

جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت غور

۱۷ میزان ۱۳۹۹ / ۱۸ اکتوبر ۲۰۲۰ میلادی



گروهی آواره و جوانان و ازیانو گروه  
گروهی نسل جوانان برای صلح  
Youth Contact Group for Peace



کمیته صلح افغانستان  
کمیته صلح افغانستان  
کمیته صلح افغانستان

### قطعه‌نامه جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت پکتیا

جرگه صلح نسل نو و جوانان به تاریخ ۲۳ میزان ۱۳۹۹ خورشیدی برابر با ۱۴ اکتوبر ۲۰۲۰ در ولایت پکتیا، شهر گردیز با حضور صدها جوان برگزار گردید. این جرگه از سوی گروپ تماس جوانان برای صلح، راه اندازی گردیده بود که در آن نمایندگان نسل نو و جوانان از ۱۵ واحد اداری این ولایت اشتراک داشته و فیصله‌ها و خواست‌های شان را از حکومت افغانستان، تحریک طالبان و جامعه بین المللی به خصوص ایالات متحده امریکا قرار زیر بیان داشتند:

۱. جوانان باید در تیم‌های مذاکره کننده حضور داشته باشند و دست آورد های بیست سال گذشته جوانان در روند صلح قربانی نشود.
۲. به اصول شریعت اسلامی باید توجه جدی مبذول داشته و توافقنامه صلح باید در روشنایی اصول اسلامی صورت گیرد.
۳. روند صلح باید همه شمول باشد.
۴. حکومت افغانستان و تحریک طالبان باید در موقف‌های خود انعطاف نشان داده و به یکدیگر به مثابه برادر بنگرند.
۵. از حکومت افغانستان می‌خواهیم تا به خانواده‌های شهدا و قربانیان جنگ در روند صلح سهم دهند.
۶. حکومت افغانستان باید از تمام افراد و جناح که در پی تامین منافع شخصی شان در روند صلح هستند، جلوگیری کند.
۷. نظام جمهورییت باید معامله نشود و آتش بس دایمی صورت گیرد.
۸. جوانان افغان به شکل مستقل با طالبان گفتگوی مستقیم داشته باشند و از تحریک طالبان، حکومت افغانستان و جامعه جهانی می‌خواهیم تا زمینه گفتگوهای مستقیم جوانان را با طالبان مساعد سازند.
۹. روند صلح باید به شکل صادقانه با طالبان به پیش برده شود و منافع ملی باید ارجحیت داده شود.
۱۰. از حکومت افغانستان و طالبان می‌خواهیم از افراد ملکی مانند سپر استفاده نکرده و به منظور پایان بخشیدن تلفات افراد ملکی اقدامات ضروری را انجام دهند.
۱۱. از طالبان می‌خواهیم تا هر چه عاجل آتش بس نموده و از هر دو طرف تقاضا داریم تا از کشتار افغان‌ها که از آن اجنبی‌ها منفعت می‌برند متوقف کنند.
۱۲. از تحریک طالبان می‌خواهیم تا در حین مذاکرات صلح به حقوق زنان از دیدگاه اسلام توجه جدی نموده و اجازه دهند تا آن‌ها از حق آموزش و کار برخوردار باشند.
۱۳. از تحریک طالبان می‌خواهیم تا به سرمایه ملی «مراکز آموزشی و پروژه‌های عام المنفعه» آسیب نرسانده و اجازه دهند تا پروژه‌های عام‌المنفعه تکمیل شوند.



سولی لپاره د جوانانو د اړیکو گروپ  
گروپ تماس جوانان برای صلح  
Youth contact Group for Pech

۱۴. از حکومت افغانستان و تحریک طالبان می‌خواهیم تا مشترکا از کشتار و آزار و اذیت افراد ملکی جلوگیری کنند.
۱۵. از تحریک طالبان می‌خواهیم تا تحت تاثیر فشار بیگانگان و کشورهای همسایه نرفته و تماس شان را با تمام گروه‌های هراس افکن قطع کرده و به شکل مستقلانه تصامیم شان را اتخاذ کنند.
۱۶. از ایالات متحده امریکا، کشورهای همسایه و اسلامی می‌خواهیم تا در روند صلح افغانستان صادقانه عمل نموده و این روند را موفق کنند و همچنان از آنها می‌خواهیم تا به کمک های شان با افغانستان ادامه دهند.
۱۷. از جامعه جهانی می‌خواهیم تا بدون در نظر داشت هر نوع منفعت از روند صلح افغانستان حمایت کرده و فشارها را به منظور موفق کردن روند صلح بر گروه طالبان و حکومت افغانستان وارد نمایند.
۱۸. از ایالات متحده امریکا می‌خواهیم تا از هر نوع مداخلات بیرونی که روند صلح افغانستان را با مشکل مواجه می‌کند، جلوگیری کند.
۱۹. جوانان برنامه‌های مختلف را در روند صلح برگزار کند و حکومت افغانستان و طالبان را مجبور کنند تا گفتگوهای بین‌الافغانی کامیاب شود.
۲۰. جامعه جهانی، کشورهای اسلامی و کشورهای همسایه باید اجرائی کردن موافقتنامه صلح را تضمین کنند.
۲۱. ولایت پکتیا آسیب های زیادی ناشی از جنگ جاری در کشور متقبل شده است، باشندگان این ولایت با خطرات جانی مواجه بوده است. این ولایت آسیب های زیادی اقتصادی، آموزشی، زراعتی و انکشافی متحمل شده است.
۲۲. اجماع ملی به سطح افغانستان ایجاد شود، تا از روند صلح نظارت کند.

### با احترام

جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت پکتیا

۲۳ میزان ۱۳۹۹ خورشیدی برابر با ۱۴ اکتوبر ۲۰۲۰



سولی لپاره د جوانانو د ای پکتو گروپ  
گروپ تماس جوانان برای صلح  
Youth Contact Group for Peace



کونسل ملی جوانان افغانستان  
National Youth Council of Afghanistan

### قطعه نامه جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت کنر

جرگه صلح نسل نو و جوانان به تاریخ ۲۳ میزان ۱۳۹۹ خورشیدی برابر با ۱۴ اکتوبر ۲۰۲۰ در ولایت کنر، شهر اسد آباد با حضور صدها جوان برگزار گردید. این جرگه از سوی گروه تماس جوانان برای صلح، راه اندازی گردیده بود که در آن نمایندگان نسل نو و جوانان از ۱۵ واحد اداری این ولایت اشتراک داشته و فیصله ها و خواست های شان را از حکومت افغانستان، تحریک طالبان و جامعه بین المللی به خصوص ایالات متحده امریکا قرار زیر بیان داشتند:

۱. ما جوانان ولایت کنر (زنان و مردان) حمایت قاطع خود را از روند جاری صلح اعلام می داریم.
۲. ما جوانان ولایت کنر به شکل جدی از حکومت و طالبان می خواهیم، تا از طریق مذاکرات بین الافغانی به صلح برسند.
۳. ما در روند جاری مذاکرات صلح از حکومت و طالبان می خواهیم تا آتش بس را تامین کنند.
۴. ما از کشورهای همسایه می خواهیم تا در روند صلح کشور همکاری نموده، تا این روند موفق شود.
۵. ما از حکومت و طالبان می خواهیم تا در روند مذاکرات صلح صادق باشند.
۶. ما از حکومت و طالبان می خواهیم تا در جریان مذاکرات صلح ارزش ها و پیشرفت های دو دهه گذشته را حفظ کنند.
۷. از جامعه جهانی می خواهیم تا طرف های درگیر را تشویق نموده تا مذاکرات صلح منتج به نتیجه مثبت شود.
۸. ما از طالبان و حکومت جداً می خواهیم تا از هر نوع مشکل و چالش فرا روی روند صلح جلوگیری نموده و این روند را به موفقیت برسانند.
۹. جامعه جهانی باید به شکل صادقانه از روند صلح افغانستان حمایت کند.
۱۰. ما فعالان حقوق زن در ولایت کنر از حکومت و طالبان می خواهیم تا حقوق زنان در روند گفتگوهای صلح حفظ شود.

و من الله توفیق

جرگه صلح نسل نو و جوانان

کنر - افغانستان

۲۳ میزان ۱۳۹۹ خورشیدی / ۱۴ اکتوبر ۲۰۲۰ میلادی



مجلسی لاره د جوانانو د اړیکو گروه  
گروه تماس جوانان برای صلح  
Youth Contact Group for Peace



کونړه لاره د خواتانو مسوول جرگه  
مجلسی ملیس نسل نو و جوانان  
National Council for Women and Girls

### قطعه نامه جرگه صلح نسل نو و جوانان-هلمند

جرگه صلح نسل نو و جوانان به تاریخ ۲۵ میزان ۱۳۹۹ خورشیدی برابر با ۱۶ اکتوبر ۲۰۲۰ در ولایت هلمند با حضور صدها جوان برگزار گردید. این جرگه از سوی گروه تماس جوانان برای صلح، راه اندازی گردیده بود که در آن نمایندگان نسل نو و جوانان از ۱۴ واحد اداری این ولایت اشتراک داشته و فیصله ها و خواست های شان را از حکومت افغانستان، تحریک طالبان و جامعه بین المللی به خصوص ایالات متحده امریکا قرار زیر بیان داشتند:

۱. آتش بس دایمی و صلح دوامدار، حفظ نظام، احترام به اصول دین مقدس اسلام، حفظ ارزش های ملی و عالیای کشور و احترام و حراست از حقوق زنان؛
۲. آتش بس دایمی و واقعی، حفظ مراکز عام المنفعه، نگهداشت حقوق بشر، و احترام به پیشرفت ها و دست آورد های زنان؛
۳. از جامعه جهانی می خواهیم که بر طرف های درگیر فشار وارد کرده تا به روند صلح متعهد و صادق باشند و جامعه جهانی تلاش های خود را به منظور تامین صلح در کشور تسریع نموده و به تعهدات کنفرانس بن پایبند باشند. همچنان از جامعه جهانی می خواهیم تا به مداخلات کشورهای بیرونی در امور افغانستان خاتمه دهند؛
۴. از طرف های درگیر می خواهیم تا از اختلافات داخلی و ادبیات تنش زا جلوگیری کرده و به منافع ملی ترجیح دهند و تعصبات سمتی، زبانی و مذهبی را سرمشق خود قرار نه دهند. تضمین جهانی در رابطه به صلح باید وجود داشته باشد؛
۵. بحران بشری و انسان کشی، بی جا شدن خانواده ها، افزایش بیوه ها و یتیم ها، فقر، بحران اقتصادی، از بین رفتن تاسیسات عام المنفعه، و دور بودن جوانان از آموزش از جمله مواردی است که در نتیجه جنگ ها به ولایت هلمند آسیب رسانیده است؛
۶. روند مذاکرات بین الافغانی باید از طریق رسانه های بین المللی به شکل زنده نشر شده و با مردم افغانستان شریک ساخته شود و همچنان می خواهیم تا ارزش های ما به معامله گرفته نه شود. اینکه مردم هلمند بیشتر در جنگ جاری در کشور آسیب دیده اند، باید برای شان در مذاکرات و گفتگوها سهم داده شود.

#### با احترام

#### جرگه نسل نو و جوانان

۲۵ میزان ۱۳۹۹ خورشیدی برابر با ۱۶ اکتوبر ۲۰۲۰ میلادی

هلمند - افغانستان



گروپی اېاره د جوانانو د اړیکو گروپ  
گروپ تماس جوانان لپاره د صلح  
Youth Contact Group for Peace



کونسل ملي نسل نو و جوانان  
کونسل ملی نسل نو و جوانان



### قطعه نامه جرگه نسل نو جوانان ولایت جوزجان

جرگه صلح نسل نو جوانان به تاریخ ۲ عقرب ۱۳۹۹ خورشیدی در ولایت جوزجان با حضور صدها جوان برگزار گردید. این جرگه از سوی گروه تماس جوانان برای صلح راه اندازی گردید که در آن نمایندگان نسل نو و جوانان از ده واحد اداری این ولایت اشتراک داشتند.

اعضای جرگه خواسته ها و فیصله های شان را از حکومت افغانستان، تحریک طالبان و جامعه جهانی بخصوص ایالات متحده آمریکا قرار ذیل بیان داشتند:

۱. انعطاف پذیری، حفظ دست آورد های دو دهه اخیر و در اولویت قرار دادن منافع ملی در گفتگوهای صلح؛
۲. ما از طالبان می خواهیم تا صداقت شان را با اعلان آتش بس و پایان دادن به جنگ ثابت بسازند؛
۳. ما از همکاران بین المللی خود به خصوص ایالات متحده آمریکا می خواهیم تا بالای کشورهای همسایه و دخیل در پروسه صلح فشار بیاورند تا از مداخلات دست بکشند؛
۴. ما خواهان صلح پایدار هستیم که در آن حقوق اساسی و انسانی زنان، جوانان و سایر اقشار جامعه حفظ گردد؛
۵. ما خواهان نقش معنا دار و سهم ساختن جوانان در پروسه صلح هستیم؛
۶. نا امنی، فشارهای روحی و روانی، محرومیت مردم از تعلیم، بی خانمان شدن خانواده ها و رکود اقتصادی از جمله چالش هایی است که مردم افغانستان به خصوص مردم جوزجان از جنگ های چند دهه متقبل شده اند؛
۷. در جریان قرار دادن مردم افغانستان از جریان مذاکرات بین الافغانی از طریق رسانه های ملی و محلی به منظور نظارت دقیق از این روند.

با احترام

جرگه صلح نسل نو و جوانان جوزجان

۲ عقرب ۱۳۹۹ / ۲۳ اکتوبر ۲۰۲۰



سولنی لاره د خوالانو د ا سگو گروه  
گروه تماس جوانان برای صلح  
Youth Contact Group for Peace



کونکله ملی نسل نو و جوانان  
National Council of the Youth of Afghanistan

### قطعه نامه جرگه صلح نسل نو و جوانان بادغیس

جرگه صلح نسل نو و جوانان به تاریخ ۲۳ عقرب ۱۳۹۹ برابر با ۱۳ نوامبر ۲۰۲۰ میلادی در ولایت بادغیس با حضور صدها جوان برگزار گردید. این جرگه از سوی گروه تماس جوانان برای صلح، راه اندازی گردید که در آن نمایندگان نسل نو و جوانان از ۷ واحد اداری این ولایت اشتراک داشته و فیصله ها و خواست های شان را از حکومت افغانستان، تحریک طالبان و جامعه بین المللی به خصوص ایالات متحده امریکا قرار زیر بیان داشتند:

۱. سهمین ساختن جوانان اعم از قشر مذکور و اناث در پروسه صلح و توجه به خواست ها و نظریات معقول جوانان و همچنین حفظ ارزش های اسلامی، اجتماعی و فرهنگی در پروسه صلح.
۲. اعلام آتش بس دائمی و توافق برای ایجاد یک نظام فراگیر، همدیگر پذیری و همزیستی در چوکات شریعت اسلامی با حفظ ارزش های اسلامی و فرهنگی بر بنیاد منافع ملی.
۳. حمایت همه جانبه و بی طرفانه جامعه جهانی از روند گفتگوهای صلح در افغانستان.
۴. حمایت همه جانبه و صادقانه ایالات متحده امریکا و فشار بر طرف های مذاکره کننده بخاطر توافق صلح توام با ارزش های ملی و اسلامی افغانستان.
۵. عدم پیشتبانی کشورهای اسلامی و همسایه از گروه های تروریستی و احترام به تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشور.
۶. انعطاف پذیری طرف های مذاکره کننده صلح و احترام به نظریات معقول مبتنی بر حاکمیت قانون، عدالت اجتماعی و فرهنگی و حفظ دست آوردهای چندین ساله کشور.
۷. از دست رفتن جان، عزت و مال مردم، مسدود بودن راه های مواصلاتی ولایات و ولسوالی ها، فقر و بیکاری، آواره شدن مردم از فقر و نا امنی، ترورهای هدفمند، تضادهای قومی، تخریب و نابودی تاسیسات عام المنفعه، محروم شدن جوانان از تحصیل و دسترسی به خدمات صحی، پایان آمدن رشد اقتصادی و انکشافی از خسارات ناشی از جنگ های داخلی در بادغیس است.
۸. ایجاد یک کمیته بی طرف متشکل از نسل نو، جوانان، زنان و شخصیت های ملی و مذهبی بخاطر نظارت از روند صلح و شریک ساختن موارد پیشرفت صلح از طریق رسانه های جمعی.

با احترام

جرگه نسل نو و جوانان

بادغیس - افغانستان

۲۳ عقرب ۱۳۹۹ برابر با ۱۳ نوامبر ۲۰۲۰ میلادی



گروه تماس جوانان برای صلح  
Youth Contact Group for Peace

### قطعه‌نامه جرگه صلح نسل نو و جوانان-هرات

جرگه صلح نسل نو و جوانان به تاریخ ۱ قوس ۱۳۹۹ خورشیدی برابر با ۲۱ نوامبر ۲۰۲۰ در ولایت هرات با حضور صدها جوان برگزار گردید. این جرگه از سوی گروه تماس جوانان برای صلح، راه اندازی گردید که در آن نمایندگان نسل نو و جوانان از ۲۰ واحد اداری این ولایت اشتراک داشته خواسته‌ها و فیصله‌های شان را از حکومت افغانستان، تحریک طالبان و جامعه بین المللی به‌خصوص ایالات متحده امریکا قرار زیر بیان داشتند:

۱. ساختار دموکراتیک و متکثر فعلی حفظ و امکان مشارکت سیاسی معنادار برای جوانان لحاظ شود.
۲. سهیم ساختن جوانان با دانش سیاسی و حقوقی از متن جامعه در ترکیب هیئت مذاکره کننده طرف حکومت بدون در نظر داشت مسائل قومی، سمتی، زبانی، نژادی، حزبی و مذهبی.
۳. حفظ دستاوردهای دو دهه اخیر از جمله قانون اساسی کشور، حقوق زنان، حفظ آزادی بیان، حقوق مدنی، مساوات بین اقوام و مذاهب.
۴. تامین امنیت شهروندان کشور که یکی از وظایف و اولیتهای حکومت است.
۵. اعلان آتش بس فوری از طرف طالبان به منظور کاهش خشونت‌ها و جلوگیری از تلفات افراد ملکی.
۶. از طالبان می‌خواهیم که در مذاکرات صلح مستقلانه عمل نموده و با در نظر داشت حفظ و رعایت منافع ملی طرزاعمال جامع و واضح را برای گفتگوهای صلح بین الافغانی ارائه نمایند.
۷. از حکومت افغانستان می‌خواهیم تا موانع فرا راه مذاکرات صلح را بردارند و از طالبان نیز می‌خواهیم که با کشورها و سازمان‌های محرک جنگ قطع رابطه نمایند.
۸. ما از طالبان می‌خواهیم تا حق تحصیل و مشارکت سیاسی زنان را در مذاکرات صلح مد نظر بگیرند.
۹. ما از جامعه جهانی می‌خواهیم تا رسیدن به صلح پایدار، توسعه و انکشاف همه جانبه، در کنار مردم افغانستان قرارداد شده و از تمام ابزارهای دیپلماتیک برای ختم جنگ چهل ساله در این کشور استفاده نماید.
۱۰. تضمین جامعه‌ی جهانی برای حفظ دست آوردها و ارزش‌های دو دهه اخیر.
۱۱. مراجعه طرف‌های مذاکرات به آرا و خواست مردم در مسائل کلان و سرنوشت ساز کشور.
۱۲. عدم امنیت فیزیکی، روانی، تخریب زیرساخت‌ها و تشدید فقر، بیکاری و بحران اجتماعی ... از عوامل ناشی از جنگ در ولایت هرات است.
۱۳. آماده سازی بستر مشارکت مردمی و اختصاص امکانات تشکیل هسته‌های مردمی برای نظارت و تحقق صلح پایدار در کشور.
۱۴. حضور رسانه‌ها و جامعه مدنی بمنظور شفافیت بیشتر در روند مذاکرات صلح.

با احترام

جرگه صلح نسل نو و جوانان هرات

۱ قوس ۱۳۹۹ خورشیدی برابر با ۲۱ نوامبر ۲۰۲۰



گروه تماس جوانان و نوجوانان از پکتو گروپ  
Youth Contact Group (YCG) Paktia



کونسل ملی جوانان افغانستان  
National Youth Council of Afghanistan (NYCA)

### قطعه‌نامه جرگه صلح نسل نو و جوانان نیمروز

جرگه صلح نسل نو و جوانان نیمروز به تاریخ ۲۱ قوس ۱۳۹۹ خورشیدی در مرکز ولایت نیمروز با حضور صدها جوان که از ۶ واحد اداری این ولایت اشتراک داشتند، برگزار گردید. این جرگه از سوی گروه تماس جوانان برای صلح راه اندازی گردید که اعضای جرگه خواست‌ها و فیصله‌های شان را از حکومت افغانستان، تحریک طالبان و جامعه بین المللی به‌خصوص ایالات متحده امریکا قرار زیر بیان داشتند:

#### خواست‌های جوانان ولایت نیمروز از حکومت افغانستان در روند صلح:

- ۱- استفاده از هنر دیپلماسی؛
- ۲- سهمیم ساختن زنان و جوانان در پروسه صلح؛
- ۳- حفظ دست آوردهای کشور؛
- ۴- در نظر گرفتن حقوق زنان؛
- ۵- ایجاد فرصت‌های برابر برای تمام اقلیت‌ها و اقشار جامعه؛
- ۶- صلح پایدار و دائمی و نه بر اساس شعار.

#### خواست‌های جوانان ولایت نیمروز از تحریک طالبان در روند صلح:

- ۱- آتش بس دائمی؛
- ۲- متعهد ماندن طالبان به تعهدات مذاکرات صلح؛
- ۳- حفظ حقوق زنان؛
- ۴- دست آوردهای چندین ساله مردم افغانستان؛
- ۵- امارت اسلامی در میان نباشد، زیرا مردم افغانستان این تجربه را پشت سر گذرانده اند.

خواست‌های جوانان ولایت نیمروز از جامعه جهانی، ایالات متحده آمریکا، کشورهای اسلامی و کشورهای همسایه در روند صلح:

۱. همکاری جدی جامعه جهانی و سازمان ملل متحد در پروسه صلح افغانستان؛
۲. صداقت کشورهای همسایه، منطقه و جهان در پروسه صلح؛
۳. فشار آوردن بالای طرفین مذاکرات (حکومت و طالبان) برای کوتاه سازی دست‌های مذاخله گر در پروسه صلح افغانستان؛
۴. محکوم نمودن جنگ‌های چندین ساله و خانمان سوز در افغانستان از طرف کشور های اسلامی.

ارائه پیشنهادات به منظور چگونگی به نتیجه رسیدن مذاکرات بین الافغانی و مسوولیت جوانان ولایت نیمروز:

۱. سهمیم سازی جوانان بی‌طرف و با دانش سیاسی در پروسه صلح؛



سوی لپاره د جوانانو د اړیکو گروه  
گروه تماس جوانان برای صلح  
youth contact Group for Peace

۲. ایجاد اجماع ملی، منطقه‌ای و جهانی؛
۳. شریعت اسلامی منبع اساسی مذاکرات صلح باشد؛
۴. انعطاف پذیری طرف‌های مذاکرات (حکومت و طالبان) در پروسه صلح.

#### ارائه مشکلات محلی ناشی از جنگ های مسلحانه در ولایت نیمروز؛

۱. فرار مغزها از ولایت نیمروز؛
۲. قاچاق انسان و مهاجرین در این ولایت به اثر جنگ‌های مسلحانه؛
۳. از بین رفتن امنیت؛
۴. عدم توسعه متوازن؛
۵. بالا رفتن امار جرایم جنائی در ولایت نیمروز.

#### ارائه نظریات و پیشنهادات جهت چگونگی نظارت از روند صلح به سطح محلی و ملی و مسوولیت جوانان ولایت نیمروز .

- ۱- سهیم ساختن متنفذین، جوانان و زنان در مشارکت‌های سیاسی برای بهتر شدن روند مذاکرات صلح؛
- ۲- تشکیل کمیته‌ها و جلسات دوامدار در سطح ولایات و کشور در رابطه به مذاکرات صلح؛
- ۳- نظارت دوام دار سازمان ملل متحد و سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی از پروسه صلح؛
- ۴- دعوت مردم به صلح و خیر خواهی و نشر و پخش مسائل مربوط به صلح دوستی؛
- ۵- نظارت از روند صلح باید بی‌طرفانه بوده و گروه‌های مداخله‌گر از این مسائل سوء استفاده نکنند؛
- ۶- حضور نسل نو، جوانان، رسانه‌ها و جامعه مدنی به منظور شفافیت بیشتر نظارت از روند صلح.

#### با احترام

جرگه صلح نسل نو و جوانان نیمروز

۲۱ قوس ۱۳۹۹ برابر با ۱۱ دسمبر ۲۰۲۰



مجلسی لپاره د جوانانو د اړیکو گروه  
گروه تماسی جوانان برای صلح  
Youth Contact Group for Peace



مجلسی نسل نو و جوانانو  
سازمان ملی نسل نو و جوانان  
National Council of the New Generation and Youth of Afghanistan

### قطعهنامه جرگه صلح نسل نو و جوانان فراه

جرگه صلح نسل نو و جوانان فراه به تاریخ ۲۸ قوس ۱۳۹۹ خورشیدی مطابق ۱۸ دسمبر ۲۰۲۰ میلادی در مرکز ولایت فراه با حضور صدها جوان که از تمام واحدهای اداری این ولایت اشتراک داشتند، برگزار گردید. این جرگه از سوی گروه تماس جوانان برای صلح راه اندازی گردید که اعضای جرگه خواسته ها و فیصله های شان را از حکومت افغانستان، تحریک طالبان و جامعه بین المللی به خصوص ایالات متحده امریکا قرار زیر بیان داشتند:

ماده ۱: مردم ولایت فراه بویژه جوانان این ولایت از دولت جمهوری اسلامی افغانستان می خواهند تا در فرایند صلح و مذاکرات بین الافغانی با تحریک طالبان براساس مصالح ملی اقدامات عملی انجام داده و مدبرانه تصمیم اتخاذ نماید. تلاش و رایزنی جهت توافق به خاطر روی کار آمدن یک نظام معتدل اسلامی، حفظ و حراست از عمده ترین دستاوردهای ۱۹ ساله اخیر، ایجاد یکپارچگی و اتخاذ دیدگاه واحد و موقف سازنده و باورمند در قبال فرایند صلح، ارائه تعریف جامع از صلح پایدار، تدوین استراتژی واحد و دیپلماسی متناسب با آن از خواسته های اساسی جوانان ولایت فراه از حکومت افغانستان می باشد.

ماده ۲: مردم ولایت فراه بویژه جوانان این ولایت صمیمانه از تحریک طالبان می خواهند تا آتش بس را به عنوان مقدمه می مذاکرات و صلح پایدار بپذیرند. زیرا بدون اعلام آتش بس روند صلح به شدت خدشه دار خواهد شد. توجه به خواست اکثریت مردم افغانستان، رعایت حقوق و دستاوردهای مشروع زنان از خواسته های مهم اعضای جرگه از تحریک طالبان می باشد.

ماده ۳: خواست اساسی جوانان ولایت فراه از جامعه بین المللی بویژه ایالات متحده امریکا، کشورهای اسلامی و کشورهای همسایه اینست تا آنان منافع ملی افغانستان را در تمامی اقدامات شان لحاظ نموده و اصل حق تعیین سرنوشت ملت ها را به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بین الملل در عمل رعایت نموده و به ملت افغانستان اجازه دهند تا سرنوشت شان را خودشان رقم زنند. اعمال فشارهای مثبت بالای کشورها و طرف های دخیل در جنگ افغانستان و ادامه حمایت همه جانبه جامعه جهانی از فرایند صلح پایدار افغانستان از خواسته های مهم اعضای جرگه می باشد.

ماده ۴: خواست جوانان ولایت فراه از طرفین مذاکرات بین الافغانی اعلام و رعایت آتش بس فوری است که مصالح و منافع ملی کشور را به عنوان خواست اساسی و زیربنایی در نظر گرفته و منافع ملی را بر منافع خویش ترجیح داده و از این طریق دین خویش را نسبت به کشورشان ادا نمایند.

ماده ۵: خواست جوانان ولایت فراه در مورد مشکلات محلی ولایت فراه ناشی از جنگ های مسلحانه طرفین آنست تا اولاً به بارآوردن تلفات انسانی و مالی و جانی، تشدید فساد، بروکراسی، ایجاد عقب ماندگی در ابعاد مختلف کاهش یافته و متوقف گردد زیرا جامعه فراه از ناحیهی جنگ و درگیری های مسلحانه بیشترین آسیب جانی و مالی را متحمل شده است و می شود.



ماده ۶: پیشنهادات و نظریات ویژه جوانان ولایت فراه در مورد چگونگی نظارت از روند صلح به سطح محلی و ملی آنست که: نماینده گان نسل نو و جوانان، نمایندگان علمای جید کشور، نمایندگان نهادهای جامعه مدنی، نمایندگان رسانه ها، نمایندگان جامعه‌ی اکادمیک کشور، نمایندگان منتخب زنان افغانستان و نمایندگان پارلمان و مشرانو جرگه به عنوان ناظرین اقدامات طرفین مذاکرات بین الافغانی در این مذاکرات دخیل گردیده و نظارت نمایند.

ماده ۷: این قطعهنامه دارای یک مقدمه و ۷ ماده می باشد که از جانب اعضای جرگه صلح نسل نو و جوانان فراه توسط منشی‌های کمیته‌های ده‌گانه به اساس دیدگاه‌های جمع آوری شده طی روند کاری کمیته ها تهیه گردیده و ارائه شده است.

### با احترام

جرگه صلح نسل نو و جوانان فراه

۲۸ قوس ۱۳۹۹ برابر با ۱۸ دسمبر ۲۰۲۰



### قطعه‌نامه جرگه صلح نسل نو و جوانان بغلان

جرگه صلح نسل نو و جوانان به تاریخ ۸ جدی ۱۳۹۹ خورشیدی برابر با ۲۸ دسمبر ۲۰۲۰ در ولایت بغلان با حضور صدها جوان برگزار گردید. این جرگه از سوی گروه تماس جوانان برای صلح، راه اندازی گردیده بود که در آن نمایندگان نسل نو و جوانان از تمام واحدهای اداری این ولایت اشتراک داشتند که خواسته‌ها و فیصله‌های شان را از حکومت افغانستان، تحریک طالبان و جامعه بین المللی به‌خصوص ایالات متحده امریکا قرار زیر بیان داشتند:

۱. ما از حکومت افغانستان و تحریک طالبان می‌خواهیم تا در روند صلح به جوانان سهم فعال داده و در پروسه صلح جوانان باید نمایندگی موثر و مستقل داشته باشند.
۲. از طرف‌های مذاکرات می‌خواهیم تا بدون تعلل با اراده صادق به مذاکرات صلح بپردازند.
۳. صلح حق مردم افغانستان است و از طرفین می‌خواهیم که به این حق مردم احترام قایل شده و زمینه زندگی در فضای صلح آمیز را مساعد سازند.
۴. ما از حکومت افغانستان می‌خواهیم که با ایجاد اجماع ملی، زمینه رسیدن به صلح همه شمول و پایدار را مساعد سازد.
۵. از طرف‌های درگیر می‌خواهیم که خشونت‌ها را کاهش داده و زمینه را برای یک آتش بس پایدار مساعد سازند.
۶. از طرفین مذاکرات می‌خواهیم در تامین امنیت، آزادی‌های مدنی و رفاهی مردم تلاش نمایند.
۷. از طرفین مذاکرات می‌خواهیم که مذاکرات صلح را در داخل کشور برگزار کرده و این پروسه را به یک پروسه ملی مبدل کنند.
۸. از طالبان می‌خواهیم زمینه اشتراک زنان و جوانان را در هیات مذاکره کننده خویش نیز مساعد نمایند تا دیدگاه‌های جوانان و زنان طرف تحریک طالبان نیز در نظر گرفته شود.
۹. از طرفین می‌خواهیم در مذاکرات صلح از انعطاف پذیری و نرمش کار بگیرند.
۱۰. از حکومت و تحریک طالبان می‌خواهیم به ارزش‌های مردم، حقوق اساسی شهروندان به خصوص حقوق زنان ارزش قایل شده و دست آورد های دو دهه اخیر در مذاکرات صلح حفظ گردد.
۱۱. از طرفین می‌خواهیم به تعهدات و پیمان‌های شان پایبند بوده و جلو هر نوع بی اعتمادی در پروسه را بگیرند.
۱۲. از جامع جهانی و کشورهای همسایه می‌خواهیم تا به استقلالیت و ارزش‌های ملی مردم افغانستان احترام بگذارند و مردم افغانستان را در زمینه رسیدن به صلح کمک کنند.
۱۳. ما از همکاران بین المللی خود می‌خواهیم جلو حمایت از گروه‌های تروریستی را گرفته و بر کشورهای حامی تروریسم فشار بیاورند.
۱۴. ما برای به نتیجه رسیدن مذاکرات بین الافغانی خواهان، اتحاد اقوام افغانستان، حمایت از حرکت های مدنی، حفظ استقلالیت در تصمیم گیری، پاسداری از حاکمیت و ارزش‌های کشور، ایجاد اجماع جهانی برای قطع جنگ





در کشور، سهم سازى عالمان دینی و بزرگان قومی و سهم سازى متخصصین حقوقی برای دفاع از حقوق قربانیان جنگ هستیم.

۱۵. عدم دسترسی به امکانات صحی، تخریب مکاتب، شفاخانه ها، عدم حفظ و تطبیق پروژه های انکشافی، مهاجرت، بی جا شدن مردم، تهدیدات امنیتی، عوامل ناشی از جنگ ها در کشور به خصوص در ولایت بغلان است.

۱۶. حضور افراد بی طرف، کشورهای جامعه جهانی، دخیل سازی جوانب ذی دخل، رسانه ها و مشارکت جوانان و نمایندگان نسل نو به منظور نظارت از پروسه صلح.

### جرگه صلح نسل نو و جوانان بغلان

۸ جدی ۱۳۹۹ خورشیدی برابر با ۲۸ دسمبر ۲۰۲۰



گروه تماس جوانان و جوانان در افغان گروپ  
 گروه تماس جوانان جهان برای صلح  
 Youth Contact Group for Peace



کونسل ملی نسل نو و جوانان  
 شورای ملی نسل نو و جوانان  
 National Council for the New Generation and Youth

### قطعهنامه جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت فاریاب

جرگه صلح نسل نو و جوانان فاریاب به تاریخ ۲۵ جدی ۱۳۹۹ خورشیدی برابر با ۱۴ جنوری ۲۰۲۱ میلادی در ولایت فاریاب با حضور صدها جوان برگزار گردید. این جرگه از سوی گروپ تماس جوانان برای صلح، راه اندازی گردیده بود که در آن نمایندگان نسل نو و جوانان از تمام واحدهای اداری این ولایت اشتراک داشته، خواسته‌ها و فیصله‌های شان را از حکومت افغانستان، تحریک طالبان و جامعه بین المللی به‌خصوص ایالات متحده امریکا قرار زیر بیان داشتند:

#### ۱. خواسته‌های جوانان ولایت فاریاب از حکومت افغانستان در روند صلح:

- نه گفتن به انحصار و تعصبات، ایجاد تیم همه شمول و سهیم ساختن جوانان، زنان و همه اقشار جامعه در پروسه صلح؛
- انسجام و وحدت سیاسیون و متنفذان ملی و ایجاد وحدت ملی؛
- انعطاف پذیری در چوکات تعادل اسلامی در روند مذاکرات صلح؛
- در نظر گرفتن منافع ملی کشور؛
- ملی بودن ساختار سیاسی پسا صلح.

#### ۲. خواسته‌های جوانان ولایت فاریاب از تحریک طالبان در روند صلح:

- آتش بس باید مبنای مذاکرات صلح باشد؛
- ارج گذاشتن به دستاوردهای ۲۰ سال اخیر مردم و حکومت افغانستان؛
- استقلالیت در مذاکرات و قطع همکاری با کشورهای که خواهان ادامه جنگ در افغانستان هستند؛
- انعطاف پذیری طرفها مطابق دین مبین اسلام و قانون اساسی کشور.

#### ۳. خواسته‌های جوانان ولایت فاریاب از جامعه جهانی، ایالات متحده آمریکا، کشورهای اسلامی و کشورهای

همسایه در روند صلح:

- حمایت از پروسه صلح، جلوگیری از مداخلات کشورها و احترام به اصل تمامیت ارضی کشور؛
- ایجاد اجماع جهانی و بین المللی برای پروسه صلح؛
- پایبند بودن به تعهدات طرفهای دخیل در مذاکرات صلح افغانستان؛
- حمایت جامعه جهانی به خصوص ایالات متحده امریکا از پروسه صلح و حفظ موقف ناظر بین‌المللی؛
- اجماع کشورهای اسلامی جهت حمایت از پروسه صلح و صدور قطعهنامه توسط کنفرانس اسلامی بمنظور نا مشروع خواندن جنگ در افغانستان؛
- اجماع منطوقی در سطح کشورهای همسایه به منظور حمایت از پروسه صلح افغانستان.

#### ۴. ارائه پیشنهادات به منظور چگونگی به نتیجه رسیدن مذاکرات بین الافغانی و مسوولیت جوانان ولایت

فاریاب:

- ما جوانان فاریاب از مذاکرات صلح حمایت می‌کنیم؛
- ارج گذاری بر منافع ملی و دستاوردهای ۲۰ سال اخیر؛
- ایجاد یک میکانیزم جدید و همه شمول که در آن دولت جمهوری اسلامی افغانستان یا طالبان و همچنان احزاب تاثیر گذار سهیم بوده و یک ساختار حکومت عبوری را داشته باشد؛



دستان نسل او جوانان صلح حرکت  
خبرگه ملت نسل نو و جوانان  
www.youthcontactgroupforpeace.com

سوی بهره د جوانانو د اړیکو گروپ  
گروپ په تماس جوانان نسل نو و صلح  
Youth Contact Group for Peace

- جانبین به اساس منافع ملی و بر اساس اصل اعتطاف پذیری مذاکرات را پیش ببرند.
- ۵. **ارائه مشکلات محلی ناشی از جنگ های مسلحانه در ولایت فاریاب:**
- بیجا شدن مردم ولایت فاریاب از ولسوالی‌ها به شهر در اثر جنگ‌های دوامدار؛
- از بین رفتن تاسیسات عام المنفعه، عدم دسترسی مردم به خدمات صحتی و تحصیلی، عقب ماندن برنامه‌های انکشافی؛
- نا امن بودن شاهراه‌ها و قطع دوامدار لین برق ولایت فاریاب.
- ۶. **ارائه نظریات و پیشنهادات جهت چگونگی نظارت از روند صلح به سطح محلی و ملی و مسوولیت جوانان ولایت فاریاب:**
- تسریع بخشیدن روند صلح از طرف دولت افغانستان و طالبان؛
- همگانی ساختن آجندای مذاکرات صلح؛
- پیشبرد مذاکرات توسط آدرس کلی و همه شمول (شورای عالی مصالحه ملی)؛
- ایجاد یک کمیته همه شمول از تمام اقشار جامعه جهت نظارت از روند مذاکرات صلح؛
- نظارت قاطع در روند صلح توسط شرکای بین المللی و جامعه ملل.

با احترام

جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت فاریاب

۲۵ جدی ۱۳۹۹ خورشیدی / ۱۴ جنوری ۲۰۲۱ میلادی



سولې تياره د جوانانو د لږگو گروه  
گروه نسل نو جوانان سره صلح  
Youth Contact Group for Peace



د سولې لامل او جوانانو ملي شورا  
شورگه نسل نو و جوانان  
National Youth Council of Afghanistan

### قطعه‌نامه جرگه صلح نسل نو و جوانان تخار

جرگه صلح نسل نو و جوانان به تاریخ ۲۸ جدی ۱۳۹۹ هجری خورشیدی برابر با ۱۷ جنوری ۲۰۲۱ میلادی در ولایت تخار با حضور صدها جوان برگزار گردید. این جرگه از سوی گروه تماس جوانان برای صلح، راه اندازی گردیده بود که در آن نمایندگان نسل نو و جوانان از تمام واحدهای اداری این ولایت اشتراک داشته، خواستها و فیصله‌های شان را از حکومت افغانستان، تحریک طالبان و جامعه بین المللی به‌خصوص ایالات متحده امریکا قرار زیر بیان داشتند:

۱. حفظ دست آوردها و ارزش‌های دو دهه اخیر؛
۲. اعلام آتش بس سراسری میان طرف‌های درگیر به خصوص طالبان؛
۳. حکومت افغانستان و سیاسیون قدرت طلبی را کنار گذاشته و منافع ملی را بر منافع شخصی ترجیح دهند؛
۴. حضور معنادار زنان و جوانان در روند گفتگوهای صلح و پروسه پسا صلح؛
۵. ما جوانان ولایت تخار از ایالات متحده امریکا، سازمان ملل متحد، ناتو و کشور های منطقه خواهان حمایت جدی از گفتگوهای بین الافغانی صلح هستیم؛
۶. برگزاری گفتگوهای صلح در داخل افغانستان با حضور پر رنگ جوانان و نسل نو افغانستان؛
۷. انعطاف پذیری میان طرف‌های مذاکرات جهت روشن شدن وضعیت مبهم کنونی؛
۸. سهم فعال جوانان و زنان در شورای عالی مصالحه ملی.

با احترام

جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت تخار

۲۸ جدی ۱۳۹۹ برابر با ۱۷ جنوری ۲۰۲۱



گروه تماس جوانان نو و جوانان  
Youth Contact Group for Peace



گروه تماس نسل نو و جوانان  
National Youth Contact Group

### قطعنامه جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت کندهار

افغان‌ها در طول چهار دهه گذشته به دلیل جنگ‌های داخلی؛ تمام ارزش‌های خویش را از دست داده اند، استقلالیت محسوس نداشته، بخش بزرگ از جمعیت آن زیر خط فقر زندگی می‌کند و زندگی معیاری در تناسب به سایر ملت‌های جهان ندارند. یگانه دلیل آن مداخلات کشورهای بیگانه و ادامه هرج و مرج به منظور حفظ منافع کشورهای همسایه توسط کتلت‌های داخلی است که ما به عنوان ملت نامستقل، به شکل غیر مستقیم اشغال و استثمار شده، شب و روز را در وهم مرگ می‌گذرانیم. افغان‌ها به ویژه جوانان کندهار از این حالت مسلط شده خسته شده و نمی‌خواهند این حالت دوام یابد.

جرگه صلح نسل نو و جوانان کندهار توسط جوانان این ولایت به همکاری گروه تماس جوانان برای صلح به تاریخ ۲۲ دلو ۱۳۹۹ هجری خورشیدی برابر با ۱۰ فیبروری ۲۰۲۱ میلادی برگزار گردید. در این جرگه نمایندگان نهادهای مختلف و فعالان مدنی از مرکز و ولسوالی‌های این ولایت، استادان دانشگاه، خبرنگاران، محصلان و جوانان اعم از زنان و مردان شرکت داشتند.

کمیته‌های ده‌گانه کاری جرگه در مورد موضوعات تعیین شده بحث و تبادل نظر نموده و مشترکاً در مورد پروسه صلح، نظریات، پیشنهادات، خواست‌ها و فیصله‌های جوانان کندهار را در قالب قطعنامه جرگه توحید و در ۱۱ ماده تصویب کردند که قرار ذیل می‌باشد:

۱. از آنجایی که همین اکنون امریکا در پروسه صلح افغانستان به شکل مستقیم حضور ندارد، یگانه خواست جوانان کندهار از دولت افغانستان و تحریک طالبان اینست که هر چه زودتر آتش بس و بالاخره آتش بس دایمی را اعلام کنند. به جای جنگ، از سیاست گفتگو استفاده کنند، تا افغان کشی متوقف و به صلح دایمی برسیم.

۲. از آنجایی که پروسه صلح افغانستان به یک بحران بین المللی تبدیل شده است، نیاز است که تمام کشورهای اسلامی در روند صلح افغانستان به شکل مستقیم حضور داشته باشند. این کشورها با ایجاد کمیسیون مشترک، در کنار ناروا دانستن جنگ افغانستان، همکاری جدی در روند صلح افغانستان نمایند.

۳. بالای هر دو طرف مذاکرات صلح صدا می‌کنیم تا حق جوانان را تلف نکرده و بعد از این خواهان حضور همه جانبه جوانان ولایت کندهار در پروسه صلح استیم.

۴. ما خواهان ایجاد هماهنگی میان مقام‌های عالی رتبه سیاسی، دولتی و تحریک طالبان در گفتگوهای صلح هستیم. باید ارزش‌های ملی مشترکاً تعریف، تعیین و حفظ شود. همچنان دست آوردهای دو دهه اخیر در روند صلح حفظ گردد.

۵. ما جوانان کندهار نمی‌خواهیم که در پروسه صلح بر حقوق ما معاملات پنهان صورت بگیرد. هر دو جناح گفتگوهای صلح، روند صلح افغانستان را روشن و شفاف کنند، ابهامات و رازهای پت و پنهان را برای افغان‌ها روشن کرده، به رسانه‌های بین المللی، ملی، محلی و نهادهای ناظر اجازه دهند تا در روند صلح افغانستان، افغان‌ها را به شکل همه جانبه آگاه بسازند.

۶. تمام پیمان‌های پنهان و روشن در روند صلح باید به مردم افغانستان واضح شود. افغان‌ها منحنیت یک ملت آزاد و مستقل حق دارند تا در تمام پیمان‌های بنیادی تغییر آورده، قبول و یا هم رد کنند.



۷. روند صلح به افراد اهل، علمی، اکادمیک، دینی، سیاسی، افراد صلاحیت و قابل قبول در سطح ملی و محلی واگذار شود که نسبت به منافع شخصی به منافع ملی ترجیح دهند.
۸. از دولت افغانستان و تحریک طالبان تقاضا داریم تا بجای از بین بردن نظام، به منظور آوردن اصلاحات در ساختار بر صلاحیت‌های حقوقی تمرکز کنند. برای اصلاح قانون اساسی و سایر قوانین در روشنایی اصول و نصوص دین مقدس اسلام تلاش صورت گیرد، از تخریب تاسیسات ملی و عامه جلوگیری صورت گیرد، طالبان منحیث یک طرف گفتگوهای صلح، سیاست خارجی خود را واضح کرده تا در روند پسا صلح استراتژی شان برای مردم افغانستان روشن باشد.
۹. جامعه جهانی باید از طرف‌های دخیل در گفتگوهای صلح برای آوردن صلح در کشور تضمین اخذ کرده و بر کشورهای که برای جنگ در افغانستان به مخالفان سلاح و تجهیزات را تدارک می کنند، فشار وارد کنند تا کمک‌های مالی و تسلیحاتی به جنگجویان متوقف گردد.
۱۰. سازمان کشورهای اسلامی باید در روند صلح افغانستان نقش مستقیم را داشته باشد، کشورهای دیگر را مجبور کند تا روند صلح افغانستان به نفع افغان‌ها به اتمام برسد. در صورتیکه کشورها این کار را نکنند، ما جوانان کندهار از مردم این کشورها می خواهیم، تا به منظور حل بحران صلح افغانستان با ما همکاری کنند.
۱۱. از هر دو طرف مذاکرات می‌خواهیم تا از سیاست عقده‌مندانه و احساساتی جلوگیری کنند، از گذشت و انعطاف کار گرفته شده و تمام مردم افغانستان به ویژه مردم کندهار بزرگ (لوی کندهار) در روند صلح دخیل شوند. کندهار محل خوبی برای گفتگوها است. جوانان و مردم کندهار آماده هستند تا از گفتگوهای صلح در این ولایت میزبانی کنند.

ومن الله توفیق

جرگه صلح نسل نو و جوانان کندهار

۲۲ دلو ۱۳۹۹ هجری خورشیدی / ۱۰ فبروری ۲۰۲۱ میلادی

کندهار-افغانستان



گروه تماس جوانان برای صلح  
Youth Contact Group for Peace



گروه گفتگو صلح نسل نو و جوانان  
Kandahar Peace Dialogue

### قطعهنامه جرگه صلح نسل نو و جوانان کندز

«صلح یک حکم الهی است، خداوند متعال می‌فرماید: ( وَ الصَّلْحُ خَيْرٌ ) ( فَاصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ )»

صلح خواست مقدس و پاک هر افغان است. امروز ما جوانان ولایت کندز گرد هم آمده‌ایم و آرزومندیم که صلح با عزت و دایمی در کشور تامین شود. با استفاده از فرصت پیش آمده، صدای صلح خواهی به تمام جناح‌های دخیل در جنگ افغانستان، هیات مذاکره کننده صلح دولت و طالبان رسیده و نظریات و پیشنهادات جوانان در گفتگوهای صلح در نظر گرفته شود.

به همین منظور، جوانان ولایت کندز به همکاری گروه تماس جوانان برای صلح، جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت کندز را بتاريخ ۲۶ دلو ۱۳۹۹ هجری خورشیدی برابر با ۱۴ فیبروری ۲۰۲۱ میلادی با حضور صدها جوان از تمام واحدهای اداری این ولایت برگزار کردند که خواسته‌ها و پیشنهادات خویش را در قالب قطعهنامه قرار ذیل ترتیب و تصویب کردند:

۱. خواست ما جوانان ولایت کندز از حکومت و تحریک طالبان این است که مذاکرات صلح را ادامه داده و به نتیجه برسانند. دست‌آوردهای دو دهه اخیر، حقوق زنان، اقلیت‌های قومی و مذهبی حفظ و از فرصت پیش آمده برای پایان جنگ و تامین صلح دایمی استفاده شود.

۲. ما از حکومت و تحریک طالبان می‌خواهیم تا روی منافع ملی و جمعی تاکید نموده و با انعطاف پذیری از پافشاری بر منافع شخصی بگذرند .

۳. ما مردم کندز از جنگ و ناامنی بیشتر زیان‌مند شده‌ایم. از تحریک طالبان احترامانه می‌خواهیم تا بر هیئت مذاکره کننده خود فشار بیاورند تا در گفتگوهای صلح انعطاف پذیر باشند. به گفتگوها حاضر و روند صلح را سرعت بخشند.

۴. ما از جامعه جهانی بخصوص ایالات متحده امریکا، کشورهای اسلامی و کشورهای همسایه می‌خواهیم تا مردم افغانستان را برای به نتیجه رسیدن مذاکرات صلح همکاری کنند .

۵. ما از اداره جدید ایالات متحده امریکا می‌خواهیم تا بجای ارزیابی توافق نامه امریکا با طالبان، بالای طرف‌های مذاکره فشار وارد کنند تا هر چه عاجل تر مذاکرات بین الافغانی بصورت جدی آغاز و به نتیجه برسد.

۶. ما جوانان کندزی در مذاکرات بین الافغانی به تمام طرف‌های دخیل در جنگ صدا می‌زنیم تا گفتگوهای صلح را با در نظر داشت احکام الهی، ارشادات قرآن العظیم الشان، سنت و سیرت نبوی ادامه داده و به دوام فاجعه طولانی افغانستان نقطه پایان بگذارند.

۷. ما جوانان از جنگهای خانمان سوز که در کشور جریان دارد، ضرر و خسارات مالی و جانی را متحمل شده و می‌شویم. روزانه ده‌ها جوان به کام مرگ فرو می‌روند و ازسوی دیگر از نعمت تعلیم و تربیه و نبود فرصت‌های کاری رنج می‌بریم، بنا براین از جوانب ذی دخل می‌خواهیم هر چه اول تر به جنگ جاری نقطه پایان گذاشته، به کاهش خشونت و آتش بس دایمی متوصل شوند.



۸. ما از سیاسیون می‌خواهیم تا با ایجاد اجماع واحد، برای تامین صلح دائمی در کشور به یک تفاهم که قابل قبول برای تمام مردم افغانستان باشد، برسند.
۹. خواست ما جوانان کندز از طرف‌های مذاکرات این است که در گفتگوهای صلح باید نظام؛ بخصوص نیروهای امنیتی و دفاعی کشور حفظ گردد.
۱۰. ما از تحریک طالبان می‌خواهیم تا راه‌های مواصلاتی را نبندند و دروازه نهادهای تعلیمی و تحصیلی را به‌روی مردم اعم از زن و مرد باز نگهدارند.
۱۱. ما جوانان کندزی حاضر هستیم بخاطر به نتیجه رسیدن مذاکرات صلح و نظارت از این پروسه با ارائه نظریات، دادخواهی و برگزاری نشست‌های مردمی مسوولیت خود را انجام دهیم.
۱۲. ما جهت نظارت از پروسه صلح می‌خواهیم تا به رسانه‌ها، نهادهای مدنی، نهادهای بی‌طرف بین‌المللی و فعالان نسل نو و جوانان حق نظارت بدون قید و شرط از جریان مذاکرات بین‌افغانی داده شود.

ژوندی دې وی افغانستان / زنده باد افغانستان / یشسن افغانستان

جرگه صلح نسل نو و جوانان کندز

۲۶ دلو ۱۳۹۹ / ۱۴ فبروری ۲۰۲۱

کندز - افغانستان



مركز تماس نسل نو و جوانان  
گروه مشاوران جوانان برای صلح  
Youth Contact Centre for Peace



کونسل د صلح د کندهار  
کونسل صلح نسل نو و جوانان



۱۳. طالبان نباید بر موقف خود تاکید کند و باید انعطاف پذیر باشند. طالبان باید به خواسته‌های مردم جواب مثبت دهند.
۱۴. از طالبان می‌خواهیم تا در روند صلح حسن نیت نشان داده و به منافع ملی متعهد باشند. از آن‌ها می‌خواهیم تا از کشتار افغان‌ها دست بردارند.
۱۵. از جامعه جهانی می‌خواهیم تا با در نظر داشتن منافع مردم افغانستان بر طالبان و حکومت افغانستان فشار وارد کرده، تا در افغانستان آتش بس و صلح تامین شود. از آن‌ها می‌خواهیم تا منافع مردم افغانستان را مد نظر بگیرند.
۱۶. از کشورهای اسلامی می‌خواهیم تا موقف خود را در روند صلح افغانستان روشن کرده و با پروسه صلح کشور همکاری همه جانبه کنند.
۱۷. از جامعه جهانی می‌خواهیم تا به روند صلح افغانستان منحیت یک پروژه ندیده و به صلح در افغانستان به شکل صادقانه متعهد بماند، تضمین بین المللی وجود داشته باشد و روند صلح افغانستان از سوی جهانیان حمایت شده و بی طرفی خود را حفظ کند. معاهدات امضا شده میان طالبان و آمریکا با افغان‌ها شریک شود و جامعه جهانی به حمایت از مجرمان جنگی پایان بخشد.
۱۸. از کشورهای همسایه به شکل جدی می‌خواهیم تا تمام تلاش‌های خود را به منظور به موفقیت رسانیدن روند صلح افغانستان به خرج دهند.
۱۹. کمیته‌ی به منظور نظارت از گفتگوهای صلح ایجاد و تمام چالش‌های که از سوی مذاکره کنندگان ایجاد می‌گردد، مشخص و راه‌های حل آن مشخص گردد.
۲۰. از جامعه جهانی و اتحادیه اروپا می‌خواهیم، تا فشارها را به منظور حمایت از روند صلح افغانستان بر پاکستان و ایران وارد کند و آن‌ها را وادار کند تا به منظور ویران کردن افغانستان با یک طرف تیم مذاکره کننده همکاری نکنند.
۲۱. مردم خوست به نا امنی، مشکلات تعلیمی، انکشافی، صحتی، بی کاری و اقتصادی مواجه هستند. جنگ باعث شده تا مردم خوست از مشکلات روانی رنج ببرند.
۲۲. روند صلح افغانستان باید پنهان نباشد، با تمام افغان‌ها شریک ساخته شود. از روند صلح علمای کرام، منتقدین و جوانان از طریق ایجاد کمیته و اجماع نظارت کنند.

و من الله توفیق

۱۴ حوت ۱۳۹۹ خورشیدی / ۴ مارچ ۲۰۲۱ میلادی

خوست - افغانستان



سویا لیاړه د ځوانانو د اړیکو گروه  
گروه صلح جوانان ایران صلح  
Youth Contact Group for Peace



سویا لیاړه د ځوانانو د اړیکو گروه  
گروه صلح جوانان ایران صلح  
Youth Contact Group for Peace

### قطعه‌نامه جرگه صلح نسل نو و جوانان پکتیکا

اینکه در کشور از چهل سال بدینسو جنگ بیرونی جریان دارد، افغان‌های عام قربانی داده است. این جنگ ساختارها، اقتصاد، صحت، امور اجتماعی، فرهنگ و تمام بخش‌ها را خسارمند ساخته و حتی به شکل مکمل از بین برده است.

قوت‌های بزرگ جهانی در طول تاریخ استفاده سو از این وضعیت کشور نموده و اهداف شوم خود را به پیش برده و ما را قربانی کرده اند. هم اکنون گفتگوهای صلح جریان دارد و فرصت صلح ایجاد شده است، بنابر این صدها جوان اعم از مرد و زن ولایت پکتیکا به روز یکشنبه ۸ حمل ۱۴۰۰ برابر با ۲۸ مارچ ۲۰۲۱ گردهم آمده و به همکاری گروپ تماس جوانان برای صلح جرگه را در مورد صلح برگزار کرده و خواسته‌های خود را در ۸ ماده به شکل ذیل طی قطعه‌نامه‌ای ارائه می‌کنند:

۱. برای اینکه به گفتگوهای صلح زمینه مکمل مساعد شود، از تمام جناح های دخیل می‌خواهیم تا آتش بس قاطع، عاجل، سراسری و دراز مدت را تأمین کنند.
۲. گفتگوهای بین الافغانی میان جناح‌های درگیر در یک کشور بی طرف، بدون نفوذ جناح های بین المللی تحت نظارت جامعه جهانی، سازمان ملل و سازمان کشورهای اسلامی هر چه عاجل آغاز شود.
۳. در کشور نظام اسلامی و ملی ایجاد گردد، که به هیچ جناح وابسته نبوده، ارزش‌های اسلامی، ملی، فرهنگی، سیاسی و سایر ارزش‌ها رعایت شود، دست آوردهای گذشته کشور صیانت شده و به خواست و اراده ملت به میان آید.
۴. از طرف‌های درگیر می‌خواهیم که گفتگوهای صلح را به شکل صادقانه و راستین پیش ببرند، هرچه بیشتر کشور در به در، ویران و مردم بیچاره را در نظر گرفته، روند صلح را بدون تاثیرات و فشارهای خارجی‌ها و با در نظر داشت ارزش‌های اسلامی و منافع ملی به شکل درست و بدون ضیاع وقت پیش ببرند. یکدیگر را ببپذیرند، احترام متقابل داشته، از منافع شخصی گذشته و به منافع ملی احترام داشته و از خود انعطاف نشان دهند.
۵. اینکه ایالات متحده آمریکا و جامعه جهانی در کشور ما جنگ بیست ساله را شروع کرده و هم اکنون تلاش‌های صلح را آغاز کرده و می‌خواهند این جنگ پایان یابد، بنا بر این جنگ را باید به شکل مکمل و مسوولانه پایان دهد و با در نظر داشت تاریخ گذشته افغانستان، برای ما صلح ناقص را تامین نکند. بلکه آمریکا باید با نظارت جامعه جهانی، سازمان ملل، سازمان بین المللی کشورهای اسلامی و کشورهای همسایه به شکل مشترک تلاش‌های صادقانه را برای صلح افغانستان انجام داده و بحران افغانستان را برای همیشه حل کنند، کمک های مالی خود را برای انکشاف افغانستان در آینده هم جاری نگهدارد.
۶. دست آوردهای گذشته بویژه حفظ حقوق مدنی، حقوق زنان، حق آزادی بیان و شماری از حقوق دیگر در گفتگوهای صلح باید جدی پنداشته شده و حفظ گردد.
۷. در کنار تمام آدرس‌های سیاسی، عالمان دین، بزرگان و متنفذین قومی به سطح کشور؛ حضور فعال جوانان و زنان در گفتگوهای صلح باید به شکل جدی در نظر گرفته شود.



گروه تماس جوانان ملی برای صلح  
National Youth Contact Group for Peace in Afghanistan



گروه تماس جوانان ملی برای صلح  
Youth Contact Group for Peace

۸. جوانان پکتیکا فرصت فعلی صلح را یک چانس زرین، طلایی و تاریخی دانسته و از این فرصت باید به منظور پایان دادن جنگ بدبخت چندین دهه گذشته استفاده اعظمی شود و هر جناح که در استفاده از این فرصت غفلت کند، جناح یاد شده به مردم، نسل های آینده و تاریخ کشور مسوول خواهند بود.

جرگه صلح نسل نو و جوانان پکتیکا

پکتیکا - افغانستان

یکشنبه ۸ حمل ۱۴۰۰ / ۲۸ مارچ ۲۰۲۱



سوی لیاره د جوانانو د اړیکو گروه  
گروپ نسل نو جوانان برای صلح  
Youth Contact Group for Paktika



کونسل صلح او جوانان پکتیکا  
کونسله صلح او نسل نو د جوانان  
Paktika Peace Council

### قطعهنامه جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت غزنی

جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت غزنی به تاریخ ۸ حمل ۱۴۰۰ برابر با ۲۸ مارچ ۲۰۲۱ از سوی جوانان ولایت غزنی به همکاری گروپ تماس جوانان برای صلح دایر گردید. این جرگه‌ای همه شمول برای جوانان ولایت غزنی بود که حضور همه ملیت‌ها، اقشار اعم از ذکور و اناث و قربانیان جنگ حضور و اشتراک پررنگ داشتند.

ما جوانان ولایت غزنی در جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت غزنی خواست‌های خود را از حکومت افغانستان، تحریک طالبان و جامعه جهانی در پروسه صلح قرار ذیل بیان می‌داریم:

۱. ما از حکومت افغانستان می‌خواهیم تا سهم خویش را در پروسه صلح به درستی انجام داده و برای قطع جنگ و تامین صلح سراسری و با ثبات تلاش بیشتر نمایند.
۲. از تحریک طالبان می‌خواهیم تا در گفتگوهای صلح انعطاف نشان داده و از طریق گفتگو به جنگ جاری خاتمه دهند. جنگ و ناآرامی در کشور فقط مردم افغانستان را متضرر کرده و به نفع هیچ طرفی نخواهد بود.
۳. ما خواهان تضمین پروسه صلح توسط جامعه جهانی و سازمان ملل در سطح بین‌المللی و تصویب نتیجه مذاکرات توسط مردم افغانستان در سطح داخلی برای صلح همه شمول و با ثبات هستیم.
۴. ما از طرفین مذاکرات می‌خواهیم که برای به نتیجه رسیدن گفتگوهای صلح به متفدین، علما و جوانان نقش بیشتر داده شود.
۵. ما از کشورهای دخیل در پروسه صلح افغانستان می‌خواهیم تا صادقانه برای به نتیجه رسیدن مذاکرات صلح تلاش کنند.
۶. ما از طرفین مذاکرات می‌خواهیم تا هر چه عاجل برای آتش بس زمینه سازی نموده و هر دو طرف از بمباردهمان‌های هوایی، بمب‌گذاری، کشتار افراد بیگناه و افزایش خشونت دست بردارند.
۷. پایین بودن سواد، ضعف اقتصاد، مسلح بودن گروه‌های غیر مسئول، نقض حقوق شهروندی، مسدود بودن راه‌های مواصلاتی و همچنان عدم دسترسی به امکانات رفاهی در ولایت غزنی ناشی از جنگ‌های مسلحانه در این ولایت است.
۸. ما خواهان حضور پر رنگ جوانان و نظارت از این پروسه توسط گروه بی طرف و همه شمول نسل نو و جوانان جهت به نتیجه رسیدن مذاکرات بین‌المللی هستیم.

با احترام

جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت غزنی

غزنی - افغانستان

یکشنبه ۸ حمل ۱۴۰۰ برابر با ۲۸ مارچ ۲۰۲۱



جوانی لیاده د جوانانو د اړیکو گروپ  
گروپ تماس جوانان برای صلح  
Youth Contact Group for Peace



سازمان نسل نو و جوانان برای صلح  
سازمان ملی نسل نو و جوانان  
National Youth Contact Group for Peace

### قطعهنامه جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت ننگرهار

جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت ننگرهار به تاریخ ۱۶ حمل ۱۴۰۰ خورشیدی مطابق با ۵ اپریل ۲۰۲۱ با اشتراک صدها جوان ولایت ننگرهار برگزار گردید.

این جرگه از طرف جوانان ولایت ننگرهار، به همکاری گروپ تماس جوانان برای صلح برگزار گردید که در آن نمایندگان نسل نو و جوانان از تمام واحدهای اداری این ولایت اشتراک داشته و فیصله‌ها و خواست‌های خود را از حکومت افغانستان، تحریک طالبان و جامعه جهانی بویژه ایالات متحده امریکا، به طور ذیل بیان کردند:

۱. ما از حکومت افغانستان و تحریک طالبان می‌خواهیم که جنگ را خاتمه دهند یا حداقل عملیات تعارضی شان را پایان دهند.
۲. روند صلح باید از انحصار زورمندان بیرون شده و بر خواست‌های شخصی و حزبی تاکید نکنند. همچنان در پروسه صلح به افرادی سهم داده شود که در سال‌های گذشته به دلیل جنگ‌ها اعضای خانواده و وجود شان را از دست داده‌اند.
۳. ما از حکومت افغانستان و تحریک طالبان می‌خواهیم که منافع ملی و نهادهای ملی کشور را حفظ کنند.
۴. حکومت افغانستان باید از صبر و حوصله کار بگیرد، آتش بس را برقرار کرده و خطوط قرمز خود را قربانی منافع ملی کرده، و جناح‌های موجود در کشور باید اختلافات سیاسی، گروهی و حزبی خود را کنار گذاشته، به صلح متعهد شوند و یک رویکرد واحد را در پیش گیرند.
۵. ما از حکومت افغانستان می‌خواهیم که به تمام تعهدات خود در روند صلح متعهد مانده و برای اجرای آن تلاش کند.
۶. ما از حکومت افغانستان و تحریک طالبان می‌خواهیم که محکمه‌های صحرایی را متوقف کرده، بدون اجازه محکمه، هیچ کس را مجازات نکنند و از هر دو طرف می‌خواهیم، تا جلو قتل‌های هدفمند، بویژه قتل زنان و جوانان جلو گیری کنند.
۷. ما از حکومت افغانستان می‌خواهیم تا به جوانان بی طرف در روند صلح سهم دهد. از حکومت افغانستان و طالبان می‌خواهیم که حقوق زنان و همه افغان‌ها را حفظ کنند.
۸. حکومت افغانستان جامعه مدنی را در روند صلح سهیم ساخته و اجماع ملی را ایجاد کند. از تمام طرح‌هایی که جوانان ارائه کرده‌اند، استفاده کند.
۹. ما از تحریک طالبان می‌خواهیم که برای صلح استراتژی و راهکار خود را ارائه کند، از خود انعطاف نشان داده و برای منافع افغانستان تلاش کنند.
۱۰. ما از هر دو طرف جنگ می‌خواهیم که از تخریب نهادهای عامه و تاسیسات ملی جلوگیری کنند. به ارزشهای ملی، فرهنگی و مقدسات اسلامی احترام بگذارند.
۱۱. ما از تحریک طالبان می‌خواهیم که برای به قدرت رسیدن پس از توافق صلح، راه‌های سیاسی، مدنی و انتخاباتی را در پیش گیرند.



جوانی لپاره د خواتان و از پکار گروپ  
گروپ تماس جوانان لپاره صلح  
Youth Contact Group for Peace

۱۲. ما از جامعه جهانی، ایالات متحده امریکا، همسایگان و کشورهای اسلامی می‌خواهیم، افغانستان را به مرکز جنگ نیابتی تبدیل نه کنند و این کشور را مرکز همکاری‌های اقتصادی خود بسازند. از روند صلح حمایت کرده و به نتیجه رسیدن این روند صادق باشند.
۱۳. ما از جامعه جهانی می‌خواهیم تا خروج شان را از افغانستان مسوولانه و بعد از توافق صلح انجام دهند. ما همچنان از کشورهای منطقه، کشورهای همسایه و جامعه جهانی می‌خواهیم تا تطبیق توافق و تصامیم صلح افغانستان را تضمین کنند.
۱۴. ما از کشورهای منطقه، کشورهای همسایه و سایر کشورها می‌خواهیم تا تمویل و حمایت گروه‌های تروریستی در افغانستان را متوقف کنند.
۱۵. ما از کشورهای اسلامی می‌خواهیم تا به منظور پایان دادن جنگ‌های مداوم، بی منفعت، و نامشروع در افغانستان تلاش صادقانه کنند.
۱۶. ما از جامعه جهانی، ایالات متحده امریکا، کشورهای همسایه و کشورهای اسلامی می‌خواهیم به جای توجه به موقف‌های طرف های جنگ به صدای مردم گوش دهند.
۱۷. ما خواهان توافق صلح پایدار و افزایش تحرکات و برنامه های مدنی برای صلح هستیم تا طرف های درگیر تحت فشار قرار داده شوند.
۱۸. ما جوانان ننگرهار می‌خواهیم تا جوانان کشور از روند صلح حمایت کرده و برای تحقق صلح در کشور ذهنیت سازی کنند.
۱۹. ننگرهار باید منطقه امن اعلام شده و آتش بس در این منطقه برقرار شود و گفتگوهای صلح در اینجا به پیش برده شود.
۲۰. ترس، فقر، بیکاری، فرار کادرها، بحران‌ها، قتل‌های هدفمند، عدم دسترسی به خدمات آموزشی، عدم دسترسی به خدمات صحی، مهاجرت، ناامنی، فاصله دولت و مردم و از دست دادن بزرگان از مشکلات محلی ننگرهار است که به دلیل جنگ‌ها و درگیری‌ها به میان آمده است و ما خواهان پایان فوری آن هستیم.
۲۱. برای نظارت بر روند صلح، باید یک مرکز حسابدهی و نظارت اجتماعی به رهبری جوانان ایجاد شود. این مرکز با تعهد کامل از این روند نظارت کند.
۲۲. روند صلح باید از طریق رسانه ها، توسط روزنامه نگاری تحقیقی در اختیار عموم قرار گرفته و تمام مسائل پنهان در پشت صحنه باید آشکار شود. رسانه ها باید از ادبیات ضد جنگ استفاده کنند.
۲۳. جوانان شریک در گفتگوهای صلح نماینده جوانان افغانستان نبوده، بلکه نمایندگان جهت‌های سیاسی هستند. ما می‌خواهیم نسل نو و جوانان در نشست های آینده حضور و اشتراک داشته باشند.
۲۴. تا هنوز نشست‌های دوحه و مسکو نتیجه ای در پی نداشته است و ما از همه طرف‌های مذاکرات می‌خواهیم که در نشست‌های آینده به نتیجه مثبت برسند.

و من الله التوفیق

۱۶ حمل سال ۱۴۰۰ / ۵ اپریل ۲۰۲۱

جلال آباد - ننگرهار؛ افغانستان



گروه ملی تماس جوانان ملی جرگه  
National Youth Contact Group  
Youth & Peace for the Community



گروه تماس جوانان ننگرهار  
Youth Contact Group  
Youth Contact Group of Nangarhar

### قطعه نامه نشست روند صلح و خواست‌های مردم و جوانان ولایت میدان وردک

مردم و جوانان میدان وردک طی نشست که به روز پنجشنبه، مؤرخ ۱۹ حمل سال ۱۴۰۰ خورشیدی، مطابق با ۸ اپریل ۲۰۲۱ میلادی که تحت عنوان «روند صلح و خواست‌های مردم و جوانان میدان وردک»؛ در ولایت میدان وردک برگزار شده بود، خواست‌های خود را به طور ذیل بیان کردند:

۱. هر نظام که باشد، نظام و نیروهای امنیتی باید حفظ شود.
۲. در پروسه صلح به جوانان میدان وردک نقش مهم داده شود.
۳. در چوکات روشنایی دین مبین اسلام به شمول حقوق زنان؛ حقوق اجتماعی و بشری حفظ گردد.
۴. آزادی بیان به ویژه آزادی رسانه‌ها حفظ گردد.
۵. تغییر افراد و اشخاص مهم نیست، ولی صلح تأمین شود که منجر به جنگ دیگر نشود.
۶. میکانیزمی ساخته شود که همه مردم خود را در آن ببینند.
۷. طوری صلح شود که مدیران آن از یک قوم و گروه مشخص نباشند.
۸. بخاطر صلح سرتاسری باید نظریات همه مردم گرفته شود.
۹. دستاورد های پسین باید حفظ گردد.
۱۰. در نخست باید آتش بس سرتاسری صورت گیرد.
۱۱. هر دو طرف باید انعطاف نشان دهند.

### نشست مردم و جوانان ولایت میدان وردک

۱۹ حمل ۱۴۰۰ / ۸ اپریل ۲۰۲۱

#### میدان شهر - افغانستان



سوی لپاره د جوانانو د اړیکو تړوب  
گروپ تماس جوانان برای صلح  
Youth Contact Group for Peace



کونړه شورا د خبرو اترو کونړه شورا  
کونړه شورا د خبرو اترو کونړه شورا  
www.nationaldialogue.af

### قطعنامه همایش «روند صلح و خواست مردم، علماء و جوانان ولایت نورستان»

ما جوانان نورستان همایش را تحت عنوان «روند صلح و خواست مردم، علماء و جوانان ولایت نورستان» به همکاری گروپ تماس جوانان برای صلح به تاریخ ۹ اسد ۱۴۰۰ برابر با ۳۱ جولای ۲۰۲۱ در مرکز این ولایت برگزار کردیم. ما با اقتباس و الهام از آیات متبرکه قرآن کریم (فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ / وَالصَّلْحُ خَيْرٌ وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا) قواعد و اصول پذیرفته شده محدثان، مفسران و فقه‌های اسلامی که مبین صلح و آشتی بین برادران مسلمان است، آتش بس و پایان جنگ از طریق گفتگو و تفاهم سیاسی را راه حل بحران افغانستان دانسته و خواستار موارد ذیل استیم:

۱. جنگ خانمان سوز و بدبختی‌های چهل سال اخیر که جز ویرانی، تباهی، آوارگی و بیچارگی چیزی دیگر برای ما افغان‌ها مخصوصاً جوانان به ارمغان نیاورده است، باید بطور عاجل قطع و یک نظام و جامعه صلح آمیز با حفظ حقوق تمامی اقشار جامعه روی کار آید.
۲. از هر دو طرف (حکومت و طالبان) خواهان آتش بس دائمی، بلا قید و شرط استیم.
۳. آغاز هر چه عاجل مذاکرات صلح و پرداختن به مسایل مهم و سرنوشت ساز.
۴. ما جوانان نورستان از طرفین مذاکره می‌خواهیم به منافع ملی ارج گذاشته و از سفارشات شخصی، فرمایشی و خودخواهانه عدول و به یک موافقه جامع صلح توافق کنند.
۵. ما جوانان نورستان از طرفین مذاکرات می‌خواهیم بجای دوحه یا دیگر کشورهای خارجی یکی از ولایات افغانستان که تاریخ جرگه‌ها را دارد، انتخاب و مذاکرات صلح را هر چه عاجل آغاز و قاطعانه به پیش ببرند.
۶. جا، منصب، نفوذ و قدرت ارزش ریختن خون یک افغان را ندارد، طرفین به خصوص تحریک طالبان باید هر چه عاجل از جنگ دست برداشته و به این برادر کشی پایان دهند.
۷. قانون اساسی افغانستان که یکی از اسلامی‌ترین قوانین در جهان است، نباید لغو گردد. تعدیل آن بر اساس اراده مردم افغانستان باید صورت گیرد.
۸. پروسه صلح باید همه شمول باشد که تمام اقشار جامعه موجودیت خود را حس کرده و اقلیت‌های قومی و مذهبی در آن سهم باشند.
۹. ما خواهان تضمین حقوق زنان و کودکان مطابق شریعت اسلامی و موازین و قوانین بین المللی در توافقات صلح هستیم.
۱۰. طرفین به خصوص طالبان در میداین جنگ از تخریب تاسیسات عامه و شخصی و دارایی منقول و غیر منقول عامه و مردم خود داری نمایند.
۱۱. ما جوانان نورستان از طرف‌های دخیل در قضیه خواهان رعایت ضوابط شریعت اسلامی و حقوق بشر دوستانه بین المللی - حقوق مخاصمات مسلحانه در میداین جنگ استیم.





۱۲. ما جوانان نورستان خواهانیم تا دست آوردهای دو دهه اخیر که رفاه و تعالی کشورمان افغانستان در آن نهفته است و با شریعت غرای محمدی در تضاد و تقابل نمی باشد حفظ، حراست، حمایت، تکمیل و تداوم یابد.
۱۳. ما جوانان نورستان از کشورهای قدرتمند، منطقه و همسایگان می خواهیم که افغانستان را به میدان جنگ های نیابتی خویش بیشتر از این مبدل نکنند. افغانستان با ثبات می تواند ضامن پیشرفت و ترقی منطقه یی و جهانی باشد.

### با احترام

مردم، علماء و جوانان ولایت نورستان

۹ اسد ۱۴۰۰ / ۳۱ جولای ۲۰۲۱



په پان کله افغانستان د وینو دود  
د وینو دود د پان کله دود  
Youth Custard Group



د وینو دود او خوراکو دود  
د وینو دود او خوراکو دود  
Youth Custard Group

جرگه ها و همایش های صلح



کنفرانس ملی جوانان افغانستان، کابل - ۲۸ و ۲۹ جوزای ۱۳۹۰ / ۱۸ و ۱۹ جون ۲۰۱۱



جرگه ملی صلح جوانان افغانستان، کابل - ۱۲ الی ۱۵ سرطان ۱۳۹۱ / ۲ الی ۵ جولای ۲۰۱۲



افتتاحیه گروه تماس برای صلح، کابل - ۳۱ اسد ۱۳۹۸ / ۲۲ اگست ۲۰۱۹



همایش صلح و جوانان ولایت ارزگان - ۲۱ سنبله ۱۳۹۸/۱۲ سپتمبر ۲۰۱۹



همایش صلح و جوانان ولایت زابل - ۲۹ سنبله ۱۳۹۸/۲۰ سپتمبر ۲۰۱۹



همایش صلح و جوانان ولایت لغمان - ۱۵ قوس ۱۳۹۸ / ۶ دسمبر ۲۰۱۹



همایش صلح و جوانان ولایت سرپل - ۲۹ دلو ۱۳۹۸ / ۱۸ فیبروری ۲۰۲۰



نشست "توافقنامه صلح"؛ نگرانی‌ها و خواست‌های نسل نو و جوانان، کابل - ۱۳ حوت ۱۳۹۸ / ۳ مارچ ۲۰۲۰



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت لوگر - ۶ سنبله ۱۳۹۹ / ۲۷ اگست ۲۰۲۰



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت لوگر - ۶ سنبله ۱۳۹۹ / ۲۷ اگست ۲۰۲۰



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت بدخشان - ۱۶ سنبله ۱۳۹۹ / ۶ سپتمبر ۲۰۲۰





جرگه صلح نسل نو و جوانان ولايت بدخشان - ۱۶ سنبله ۱۳۹۹ / ۶ سپتمبر ۲۰۲۰



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولايت باميان - ۲۵ سنبله ۱۳۹۹ / ۱۵ سپتمبر ۲۰۲۰



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولايت سمنگان - ۳ ميزان ۲۴/۱۳۹۹ سپتمبر ۲۰۲۰



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولايت بلخ - ۹ ميزان ۳۰/۱۳۹۹ سپتمبر ۲۰۲۰



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت غور - ۱۷ میزان ۱۳۹۹ / ۸ اکتبر ۲۰۲۰



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت پکتیا - ۲۳ میزان ۱۴/۱۳۹۹ اکتبر ۲۰۲۰



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت کنر - ۲۳ میزان ۱۴/۱۳۹۹ اکتبر ۲۰۲۰



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت هلمند - ٢٥ میزان ١٣٩٩ / ١٦ اکتبر ٢٠٢٠



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت جوزجان - ٢ عقرب ١٣٩٩ / ٢٣ اکتبر ٢٠٢٠



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولايت بادغيس - ۲۳ عقرب ۱۳۹۹ / ۱۳ نوامبر ۲۰۲۰



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولايت هرات - ۱ قوس ۱۳۹۹ / ۲۱ نوامبر ۲۰۲۰



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت نیمروز - ۲۱ قوس ۱۱/۱۳۹۹ دسمبر ۲۰۲۰



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت فراه - ۲۸ قوس ۱۸/۱۳۹۹ دسمبر ۲۰۲۰



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت فراه - ۲۸ قوس ۱۳۹۹ / ۱۸ دسمبر ۲۰۲۰



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت بغلان - ۸ جدی ۱۳۹۹ / ۲۸ دسمبر ۲۰۲۰





جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت بغلان - ٨ جدی ١٣٩٩ / ٢٨ دسمبر ٢٠٢٠



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت فاریاب - ٢٥ جدی ١٣٩٩ / ١٤ جنوری ٢٠٢١



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولايت تخار - ٢٨ جدی ١٣٩٩ / ١٧ جنوری ٢٠٢١



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولايت کندهار - ٢٢ دلو ١٣٩٩ / ١٠ فبروری ٢٠٢١



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت کندز - ٢٦ دلو ١٣٩٩ / ١٤ فبروری ٢٠٢١



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت خوست - ١٤ حوت ١٣٩٩ / ٤ مارچ ٢٠٢١



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت پکتیکا - ۸ حمل ۱۴۰۰ / ۲۸ مارچ ۲۰۲۱



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت غزنی - ۸ حمل ۱۴۰۰ / ۲۸ مارچ ۲۰۲۱



جرگه صلح نسل نو و جوانان ولایت ننگرهار - ۱۶ حمل ۱۴۰۰/۵ اپریل ۲۰۲۱



نشست «روند صلح و خواستهای مردم و جوانان ولایت میدان وردک - ۱۹ حمل ۱۴۰۰/۸ اپریل ۲۰۲۱



همایش «روند صلح و خواستهای مردم، علماء و جوانان ولایت نورستان» - ۹ اسد ۱۴۰۰ / ۳۱ جولای ۲۰۲۱

# Conflict and Reconciliation of Afghanistan

(A Case Study of Youths and New Generation Demands)



د سولې اواره د لاسکو ولنه  
گروه تماس برای صلح  
Contact Group for Peace



د نوي نسل او جوانانو د سولې جرگه  
جرگه صلح نسل نو و جوانان  
Youth & New Generation Peace Orgs

Summer 2022